



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صلوات

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



رویکرد تطبیقی به پایان تاریخ

از نگاه قرآن و نظریه‌های معاصر

رضامهدیان فر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رویکرد تطبیقی به پایان تاریخ از نگاه قرآن و نظریه های معاصر

نویسنده:

رضا مهدیان فر

ناشر چاپی:

آینده روشن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	رویکرد تطبیقی به پایان تاریخ از نگاه قرآن و نظریه های معاصر
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۲۰	فهرست
۳۱	مقدمه
۳۳	کلیات
۳۳	اشاره
۳۳	۱. بیان مسئله
۳۶	۲. سؤالات
۳۶	اشاره
۳۶	سؤال اصلی
۳۷	سؤالات فرعی
۳۷	سؤالات فرعی تر
۳۷	۳. فرضیه ها
۳۷	فرضیه اصلی
۳۸	فرضیه مخالف
۳۸	فرضیه های فرعی
۳۸	۴. اهداف
۳۸	اشاره
۳۹	هدف اصلی
۳۹	اهداف نظری
۳۹	اهداف عملی
۴۰	۵. روش پژوهش

۴۱	۶. مفاهیم کلیدی
۴۵	۷. محدودیت های پژوهش
۴۵	۸. پیشینه پژوهش
۵۳	۹. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش
۵۷	بخش یکم: دیدگاه قرآن درباره پایان تاریخ
۵۷	اشاره
۵۹	فصل یکم: آیات پایان تاریخ
۵۹	اشاره
۶۰	۱. آیه ۱۰۵ سوره انبیاء
۶۰	اشاره
۶۰	واژگان آیه
۶۷	تفسیر آیه
۶۷	دیدگاه مفسران شیعه
۶۷	انحصار تحقق وعده در عصر ظهور (پایان تاریخ)
۷۲	دیدگاه مفسران اهل سنت
۷۲	اشاره
۷۳	تحقق وعده در عصر نزول و امتداد آن
۷۴	تحقق وعده در عصر ظهور (پایان تاریخ)
۷۸	پاسخ به چند پرسش
۷۸	یادکرد از تورات و زبور
۷۹	انحطاط مسلمین و پیشرفت غرب
۸۰	نتیجه گیری
۸۲	یادآوری
۸۲	۲. آیه ۵۵ سوره نور
۸۲	اشاره
۸۳	واژگان آیه

۸۹	تفسیر آیه
۸۹	دیدگاه مفسران شیعه
۸۹	اشاره
۸۹	انحصار تحقق وعده به عصر ظهور
۹۳	تحقق وعده با مصادیق متعدد
۹۵	دیدگاه مفسران اهل سنت
۹۸	نتیجه گیری
۱۰۰	۳. آیه ۵ سوره قصص
۱۰۰	اشاره
۱۰۰	واژگان آیه
۱۰۵	تفسیر آیه
۱۰۶	دیدگاه مفسران شیعه
۱۱۲	دیدگاه مفسران اهل سنت
۱۱۳	نتیجه گیری
۱۱۵	۴. آیه ۳۲ - ۳۳ سوره توبه
۱۱۵	اشاره
۱۱۶	واژگان آیه
۱۱۸	تفسیر آیه
۱۱۸	اشاره
۱۲۰	اظهار دین حق
۱۲۱	اظهار به معنای اطلاع
۱۲۲	اظهار به معنای سیطره
۱۲۹	سیطره تکوینی یا تشریحی
۱۳۲	فرجام ادیان
۱۳۷	جمع بندی مطالب
۱۳۸	نتیجه گیری

۱۴۳	فصل دوم: جامعه موعود صالحان
۱۴۳	اشاره
۱۴۷	ویژگی های جامعه موعود صالحان به اجمال در این گزینه ها
۱۴۷	اشاره
۱۴۷	۱. حاکمیت دینی
۱۵۰	۲. توحید و یکتا پرستی در جامعه
۱۵۳	۳. جامعه ای ویژه، امن و عاری از کفر و نفاق
۱۵۵	۴. برآوردن همه نیازهای انسان
۱۵۷	۵. شایستگی زمامداران
۱۵۹	فصل سوم: جامعه صالحان در گستره تاریخ
۱۵۹	اشاره
۱۵۹	۱. دوره تاریخی جامعه موعود صالحان
۱۶۸	۲. عصر ظهور وعده الهی از دیدگاه مفسران اهل سنت
۱۶۸	اشاره
۱۶۹	از حکومت نبوی تا حکومت علوی
۱۶۹	تمسک به روایات و نقد و بررسی آن
۱۷۵	۳. روایات خلافت
۱۷۵	اشاره
۱۷۶	نقد روایت
۱۷۷	کوشش اهل سنت در رفع تعارض روایات خلافت
۱۸۰	دیدگاه ابن کثیر
۱۸۰	اشاره
۱۸۴	نقد دیدگاه ابن کثیر
۱۸۶	۴. حدیث عدی بن حاتم
۱۸۶	اشاره
۱۸۸	برداشت نادرست از آیه قرآن

۱۸۹	۵. نقد کلی دیدگاه های اهل سنت
۲۰۳	۶. پیشینه حکومت صالحان
۲۰۳	اشاره
۲۰۶	حکومت بنی اسرائیل
۲۱۱	حکومت داود علیه السلام
۲۲۱	حکومت سلیمان علیه السلام
۲۲۶	ویژگی های حکومت سلیمان
۲۲۸	حکومت های فراگیر در روایات اهل بیت علیهم السلام
۲۲۹	فصل چهارم: گستره جغرافیایی حکومت صالحان
۲۲۹	اشاره
۲۳۱	نتیجه گیری
۲۳۳	بخش دوم: نقد نظریه های معاصر غربی از نگاه قرآن
۲۳۳	اشاره
۲۳۵	فصل یکم: نقد نظریه های معاصر غربی با نگاه به آیات قرآن
۲۳۵	مقدمه
۲۳۶	۱. فرضیه پایان تاریخ
۲۳۶	اشاره
۲۴۰	پایان تاریخ و آخرین انسان
۲۵۱	نقد فرضیه پایان تاریخ
۲۵۱	نقد نظری
۲۵۲	نقد ادله فوکویاما
۲۶۱	نقد تجربی
۲۶۴	۲. نظریه برخورد تمدن ها
۲۶۴	اشاره
۲۶۸	نقد نظریه برخورد تمدن ها
۲۶۹	ابهام در مفهوم تمدن

۲۷۱	مبنای غیرعلمی
۲۷۲	توهم یکپارچه انگاری غرب
۲۷۳	گفت وگویی تمدن ها یا برخورد تمدن ها
۲۸۰	۳. موج سوم
۲۸۰	اشاره
۲۸۳	نتایج دیدگاه تافلر «موج سوم»
۲۸۴	نقد نظریه تافلر «موج سوم»
۲۸۴	اشاره
۲۸۴	رابطه دانش و قدرت
۲۸۸	سوگیری سیاسی
۲۹۳	۴. دهکده جهانی
۲۹۳	اشاره
۲۹۴	عصر ارتباط شفاهی و زندگی دودمانی و قبیله ای (شفاهی)
۲۹۵	عصر ارتباطات کتبی و چاپی و جامعه گرا
۲۹۶	عصر ارتباط الکترونیک و «دهکده جهانی»
۲۹۶	اشاره
۲۹۸	نقد فرضیه «دهکده جهانی»
۲۹۹	توهم سیطره غرب بر دهکده جهانی
۳۰۳	نقد کلی نظریه های معاصر
۳۰۴	جهانی شدن یا جهانی سازی
۳۰۵	جهانی بودن و جهانی شدن اسلام
۳۰۷	وجه تفاوت و تمایز جهانی بودن اسلام و جهانی شدن کنونی
۳۰۹	بی ثباتی در نظریه های معاصر
۳۱۲	پیش بینی آینده
۳۱۴	نتیجه گیری
۳۱۸	فصل دوم: حکومت در پایان تاریخ

۳۱۸	مقدمه
۳۱۹	۱. مبانی حکومت
۳۲۱	۲. اهداف حکومت
۳۲۳	۳. شکل حکومت
۳۲۶	۴. زمامداران حکومت
۳۲۸	۵. برنامه های حکومت
۳۳۲	فصل سوم: نشانه ها و رخدادهای پایان تاریخ
۳۳۲	مقدمه
۳۳۳	۱. بحران معنویت
۳۳۳	۲. وقوع اختلاف ها و در گیری های بسیار
۳۳۴	۳. ظهور منجی بزرگ بشر
۳۳۴	۴. خروج سفیانی
۳۳۵	۵. ندای آسمانی
۳۳۵	۶. نزول عیسی علیه السلام
۳۳۶	۷. رجعت
۳۳۶	۸. صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان
۳۳۸	خلاصه تحقیق و استنتاج کلی
۳۴۳	فرجام فناوری های روز
۳۴۳	شایعه پایان جهان
۳۴۴	چند پیشنهاد
۳۴۴	اشاره
۳۴۴	پیشنهادهای نظری
۳۴۴	اشاره
۳۴۵	الف) پایان تاریخ از نگاه روایات معصومین علیهم السلام
۳۴۵	ب) رخدادهای پایان تاریخ و تحلیل آن ها
۳۴۶	پیشنهادهای کاربردی

۳۴۶ اشاره

۳۴۶ الف) آشنایی مربیان تربیتی با دیدگاه های قرآن

۳۴۶ ب) فیلم نامه نویسی بر اساس دیدگاه های قرآن

۳۴۷ ج) داستان نویسی با بهره‌گیری از دیدگاه های قرآن

۳۴۸ د) ترجمه تحقیقاتی از این دست به زبانهای زنده دنیا

۳۴۸ کاستی های پژوهش

۳۵۰ فهرست منابع

۳۵۰ کتاب ها

۳۶۱ مقالات

۳۶۲ سایت ها

۳۶۴ درباره مرکز

رویکرد تطبیقی به پایان تاریخ از نگاه قرآن و نظریه های معاصر

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدیان فر، رضا، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدید آور : رویکرد تطبیقی به پایان تاریخ از نگاه قرآن و نظریه های معاصر / رضا مهدیان فر.

مشخصات نشر : قم : مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص): موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت □ ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۳۴۳، ۸ ص.

فروست : موسسه آینده روشن؛ ۱۰۳۰.

شابک : ۱۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۴۴۶-۰

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : کتابنامه : ص. [۳۳۱] - ۳۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : آخر الزمان (اسلام) -- جنبه های قرآنی

موضوع : آخر الزمان -- مطالعات تطبیقی

موضوع : تاریخ -- فلسفه

موضوع : سرانجام جهان

شناسه افزوده : جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره : BP۲۲۲/۳/۹۰۹/۱۳۹۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۳۳۹۰۵

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:۳

رویکرد تطبیقی به

پایان تاریخ

از نگاه قرآن و نظریه های معاصر

رضا مهدیان فر

با حمد و سپاس بی پایان از خداوند یگانه ای که عالم و آدم را به بهترین وجه و بدون هیچ نقص و خللی آفرید تا نشانه ای باشد برای یکتائی و بی همتایی او، و به انسان، قرآن را فرو فرستاد تا به وسیله این کتاب آسمانی راه درست تربیت را به او بیاموزد.

و با درود به روان پاک رسول مکرم اسلام و اهل بیت گرامی اش علیهم السلام؛

و با سلام به روح ملکوتی امام عظیم الشان و شهدای راه الله؛

و تقدیر و تشکر از همه اساتیدی که در طول دوران تحصیل از محضرشان فیض برده ام، به ویژه استاد بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین اکبر میرسپاه که راهنمایی این رساله را به عهده گرفتند.

و حجت الاسلام والمسلمین علی اسلامی که زحمت مشاوره این تحقیق را پذیرفتند، و تذکرات ارزنده آنان در هر چه بهتر شدن این تحقیق بسی مؤثر بوده است.

و خانواده و همسر گرامی ام که سختی های به پایان رسیدن آن تحقیق را تحمل نمودند.

به وجود قدسی و پر نور حضرت ولیعصر، امام زمان _ عَجَل الله تعالی فرجه الشریف _ که آفتاب وجودش روشنایی بخش راه منزل جویان معرفت ناب قرآنی است؛

و به شهیدانی که پرده وهم و خیال دریدند و با پیروی از قرآن و عترت (ثقلین) به وجه نیکو تربیت یافتند و برای حفظ این راه، سر و جان خویش را ارزانی داشتند.

و به آنان که بهترین سرمایه خود را در راه ترویج بهترین کلام (قرآن) صرف نمودند.

فهرست

مقدمه ۱۳

کلیات ۱۵

۱. بیان مسئله ۱۵

۲. سؤالات ۱۸

سؤال اصلی ۱۹

سؤالات فرعی ۱۹

سؤالات فرعی تر ۱۹

۳. فرضیه ها ۲۰

فرضیه اصلی ۲۰

فرضیه های فرعی ۲۰

۴. اهداف ۲۱

هدف اصلی ۲۱

اهداف نظری ۲۱

اهداف عملی ۲۲

۵. روش پژوهش ۲۲

۶. مفاهیم کلیدی ۲۴

۷. محدودیت های پژوهش ۲۸

۸. پیشینه پژوهش ۲۸

۹. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش ۳۶

بخش یکم: دیدگاه قرآن درباره پایان تاریخ

فصل یکم: آیات پایان تاریخ ۴۳

۱. آیه ۱۰۵ سوره انبیاء ۴۴

واژگان آیه ۴۴

تفسیر آیه ۵۱

دیدگاه مفسران شیعه ۵۱

انحصار تحقق وعده در عصر ظهور (پایان تاریخ) ۵۱

دیدگاه مفسران اهل سنت ۵۷

تحقق وعده در عصر نزول و امتداد آن ۵۷

تحقق وعده در عصر ظهور (پایان تاریخ) ۵۸

پاسخ به چند پرسش ۶۲

یادکرد از تورات و زبور ۶۲

انحطاط مسلمین و پیشرفت غرب ۶۴

نتیجه گیری ۶۵

یادآوری ۶۶

۲. آیه ۵۵ سوره نور ۶۷

واژگان آیه ۶۷

تفسیر آیه ۷۴

دیدگاه مفسران شیعه ۷۴

انحصار تحقق وعده به عصر ظهور ۷۴

تحقق وعده با مصادیق متعدد ۷۸

دیدگاه مفسران اهل سنت ۸۰

نتیجه گیری ۸۴

۳. آیه ۵ سوره قصص ۸۵

واژگان آیه ۸۵

ص: ۹

تفسیر آیه ۹۰

دیدگاه مفسران شیعه ۹۱

دیدگاه مفسران اهل سنت ۹۸

نتیجه گیری ۹۹

۴. آیه ۳۲ - ۳۳ سوره توبه ۱۰۱

واژگان آیه ۱۰۲

تفسیر آیه ۱۰۴

اظهار دین حق ۱۰۶

اظهار به معنای اطلاع ۱۰۷

اظهار به معنای سیطره ۱۰۸

سیطره تکوینی یا تشریحی ۱۱۶

فرجام ادیان ۱۱۸

جمع بندی مطالب ۱۲۴

نتیجه گیری ۱۲۵

فصل دوم: جامعه موعود صالحان ۱۳۱

ویژگی های جامعه موعود صالحان ۱۳۴

۱. حاکمیت دینی ۱۳۵

۲. توحید و یکتا پرستی در جامعه ۱۳۹

۳. جامعه ای ویژه، امن و عاری از کفر و نفاق ۱۴۱

۴. برآوردن همه نیازهای انسان ۱۴۳

۵. شایستگی زمامداران ۱۴۶

فصل سوم: جامعه صالحان در گستره تاریخ ۱۴۹

۱. دوره تاریخی جامعه موعود صالحان ۱۴۹

۲. عصر ظهور وعده الهی از دیدگاه مفسران اهل سنت ۱۵۸

از حکومت نبوی تا حکومت علوی ۱۵۹

تمسک به روایات و نقد و بررسی آن ۱۵۹

۳. روایات خلافت ۱۶۶

نقد روایت ۱۶۷

کوشش اهل سنت در رفع تعارض روایات خلافت ۱۶۸

دیدگاه ابن کثیر ۱۷۱

نقد دیدگاه ابن کثیر ۱۷۵

۲. حدیث عدی بن حاتم ۱۷۷

برداشت نادرست از آیه قرآن ۱۷۹

۵. نقد کلی دیدگاه های اهل سنت ۱۸۰

۶. پیشینه حکومت صالحان ۱۹۵

حکومت بنی اسرائیل ۱۹۸

حکومت داود علیه السلام ۲۰۳

حکومت سلیمان علیه السلام ۲۱۴

ویژگی های حکومت سلیمان ۲۱۹

حکومت های فراگیر در روایات اهل بیت علیهم السلام ۲۲۱

فصل چهارم: گستره جغرافیایی حکومت صالحان ۲۲۳

نتیجه گیری ۲۲۵

بخش دوم: نقد نظریه های معاصر غربی از نگاه قرآن

فصل یکم: نقد نظریه های معاصر غربی با نگاه به آیات قرآن ۲۲۹

مقدمه ۲۲۹

۱. فرضیه پایان تاریخ ۲۳۰

پایان تاریخ و آخرین انسان ۲۳۵

نقد فرضیه پایان تاریخ ۲۴۵

نقد نظری ۲۴۵

نقد ادله فوکویاما ۲۴۷

نقد تجربی ۲۵۶

۲. نظریه برخورد تمدن ها ۲۵۹

نقد نظریه برخورد تمدن ها ۲۶۲

ابهام در مفهوم تمدن ۲۶۴

مبنای غیر علمی ۲۶۵

توهم یکپارچه انگاری غرب ۲۶۶

گفت و گوی تمدن ها یا برخورد تمدن ها ۲۶۸

۳. موج سوم ۲۷۴

نتایج دیدگاه تافلر «موج سوم» ۲۷۸

نقد نظریه تافلر «موج سوم» ۲۷۹

رابطه دانش و قدرت ۲۷۹

سوگیری سیاسی ۲۸۴

۴. دهکده جهانی ۲۸۸

عصر ارتباط شفاهی و زندگی دودمانی و قبیله ای (شفاهی) ۲۹۰

عصر ارتباطات کتبی و چاپی و جامعه گرا ۲۹۰

عصر ارتباط الکترونیک و «دهکده جهانی» ۲۹۱

نقد فرضیه «دهکده جهانی» ۲۹۳

توهم سیطره غرب بر دهکده جهانی ۲۹۵

نقد کلی نظریه های معاصر ۲۹۹

جهانی شدن یا جهانی سازی ۳۰۰

جهانی بودن و جهانی شدن اسلام ۳۰۱

وجوه تفاوت و تمایز جهانی بودن اسلام و جهانی شدن کنونی ۳۰۳

بی ثباتی در نظریه های معاصر ۳۰۵

پیش بینی آینده ۳۰۸

نتیجه گیری ۳۱۰

فصل دوم: حکومت در پایان تاریخ ۳۱۳

مقدمه ۳۱۳

۱. مبانی حکومت ۳۱۴

۲. اهداف حکومت ۳۱۶

۳. شکل حکومت ۳۱۸

۴. زمامداران حکومت ۳۲۱

۵. برنامه های حکومت ۳۲۳

فصل سوم: نشانه ها و رخدادهای پایان تاریخ ۳۲۷

مقدمه ۳۲۷

۱. بحران معنویت ۳۲۸

۲. وقوع اختلاف ها و درگیری های بسیار ۳۲۸

۳. ظهور منجی بزرگ بشر ۳۲۹

۴. خروج سفیانی ۳۲۹

۵. ندای آسمانی ۳۳۰

۶. نزول عیسی علیه السلام ۳۳۰

۷. رجعت ۳۳۱

۸. صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان ۳۳۱

خلاصه تحقیق و استنتاج کلی ۳۳۳

فرجام فناوری های روز ۳۳۸

شایعه پایان جهان ۳۳۹

چند پیشنهاد ۳۴۰

پیشنهاد های نظری ۳۴۰

الف) پایان تاریخ از نگاه روایات معصومین علیهم السلام ۳۴۰

ب) رخدادهای پایان تاریخ و تحلیل آن ها ۳۴۰

پیشنهاد های کاربردی ۳۴۱

الف) آشنایی مربیان تربیتی با دیدگاه های قرآن ۳۴۱

ب) فیلم نامه نویسی بر اساس دیدگاه های قرآن ۳۴۲

ج) داستان نویسی با بهره گیری از دیدگاه های قرآن ۳۴۲

د) ترجمه تحقیقاتی از این دست به زبان های زنده دنیا ۳۴۳

کاستی های پژوهش ۳۴۴

فهرست منابع ۳۴۵

مقالات ۳۵۶

سایت ها ۳۵۷

پایان تاریخ و فرجام سرنوشت بشر از موضوعاتی بوده که همواره ذهن بشر به ویژه اندیشمندان و دانشمندان را به خود مشغول کرده است. ادیان آسمانی به ویژه دین مقدس اسلام پاسخی کامل و جامع به این پرسش ناگزیر بشر داده اند. قرآن کریم به عنوان کامل ترین و جامع ترین برنامه پاسخ گویی به نیازهای بشر در شماری از آیات به این موضوع اساسی اشاره نموده و آینده ای سراسر نور و امید را بشارت داده است.

در این پژوهش پس از بیان کلیات، در بخش اول، پایان تاریخ از نگاه قرآن با استناد به آرای مفسران عامه و امامیه بررسی شده است. در این بخش افزون بر بیان دیدگاه امامیه به نقد دیدگاه مفسران عامه پرداخته شده است.

در بخش دوم رساله رویکردی تطبیقی به موضوع «پایان تاریخ» از نگاه قرآن و نظریه های معاصر داشته ایم. در این بخش چهار نظریه مطرح در جهان غرب بررسی و به بوته نقد سپرده شده است.

در پایان خلاصه ای از تحقیق و نتیجه آن آورده شده و پیشنهاداتی برای پژوهش های بعدی ارائه شده است. بشارت قرآن به جامعه ویژه صالحان در پایان تاریخ و بطلان سیطره لیبرال دموکراسی و شایعه پایان جهان از نتایج تحقیق است.

کلیات**اشاره**

از آن جا که سرآغاز هر پژوهش هدف دار به معرفی دقیق و بیان ویژگیها و ضرورتها و اهداف آن اختصاص دارد در این بخش به بیان مسئله، سؤالات تحقیق، فرضیهها، اهداف تحقیق، روش تحقیق، اهمیت تحقیق، تعریف مفاهیم و محدودیتهای تحقیق می پردازیم.

۱. بیان مسئله

پرسش از فرجام و پایان سیر و سفر دراز انسان در عرصه زمین و گستره تاریخ، پرسابقه، پیشینه دار و ذاتی وجود بشر است؛ به همانسان که انسان از مبدأ می پرسد، از مقصد و پایان نیز پرسش می کند.

این پرسش مقتضای حب ذات و طبیعت جست و جوگر بشر و برخاسته از روح بیقرار اوست که همواره سر در پی راز هستی دارد. ادیان آسمانی و نحله های فکری هر کدام به نوعی پاسخ گوی این پرسش ناگزیر بوده اند. چنان که هر یک نیز تصویری از آینده را برای پیروان خود ترسیم نموده و ویژگی ها آن را برشمرده اند تا از این رهگذر روح بی قرار او را به ساحل امن و آرامش رهنمون شوند.

پایان تاریخ به مفهوم فرجام سرنوشت زندگی انسان در کره خاکی همواره

ذهن و زبان انسان ها را به خود مشغول داشته و گاه با نگرانی و دلواپسی مطرح می شود. بشر خسته از ناملايمات، نابسامانی ها و بی عدالتی ها همیشه در انتظار برچیده شدن این تباهی ها و سیاهی ها و برپایی عدل و داد به دست منجی موعود به سر می برد.

رخدادهای گوناگون در سده های اخیر به ویژه در دهه های پایانی قرن بیستم، ذهن اندیشمندان جهان به ویژه اندیشمندان غربی را بیش از پیش به سمت و سوی گفت و گو از پایان تاریخ سوق داده است. از نگاه اندیشمندان غربی نظام لیبرال دموکراسی به معنای ظهور کامل ترین و آخرین دستاورد فرهنگی و مدنی بوده و پایان تاریخ را نوید می دهد. از این رو بشر امروزی ناگزیر از تن دادن به آن است.

ولی در برابر، از نگاه آموزه های وحی، پایان تاریخ به مفهوم پایان عصر سیاه و سلطه زورمداران و مستکبران و قدرت یافتن مستضعفان و صالحان در سراسر گیتی است و سرانجام جامعه ای ویژه با امنیتی کامل و سرشار از نعمت های مادی و معنوی به دست صالحان در پهنه کره خاکی ایجاد خواهد شد.

درون مایه انقلاب مدرنیته، تقدس زدایی از عالم و انکار امر قدسی بود. پس از رنسانس؛ خرد بریده از وحی آدمی برای تدبیرگری امور کلی و جزیی حیات در گستره زمین جایگزین آموزه های آسمانی شد. و در یک عبارت، حقیقت قدسی در دنیای مدرن غروب کرد و بشری که خود را اول و آخر و دایر مدار همه چیز می داند ظاهر شد تا بدان جا که می خواهد حتی عالم قدس را برای خود تملک کند. و هر امر ماورایی و فراانسانی از صحنه زندگی

کنار گذاشته شد.

بحران ایدئولوژیک و بن بست در رهبری، نتیجه محتوم عصر مدرنیته بود. در چنین فضای آشفته ای هگل و مارکس و در دهه های اخیر فوکویاما و امثال او از پایان تاریخ و نهایت تکامل و پیشرفت تاریخ داد سخن داده اند. اما این تلاش ها جز کوششی مذبحخانه که به مدد رسانه های جمعی، برتری تکنولوژیک و هوچی گری سیاسی و درصدد سلطه دادن لیبرالیسم سرمایه داری، تفسیر دیگری ندارد. در واقع حاصل انفعال و موضع گیری آنان در برابر سقوط ناگزیر و حتمی الوقوع غرب است تا چند صباحی دیگر به حیات مرده خود ادامه دهد.

سخن از پایان تاریخ غرب، نه گفتاری ناموجه و بی دلیل، که مطلبی است که بسیاری از نظریه پردازان غربی نیز از آن سخن گفته اند. از این رو پژوهش گران غربی، پست مدرنیسم (پسامدرن)، عصر بعد از مدرنیته را موضوع پژوهش های خود قرار داده خبر از موج سوم می دهند که خود گواه و نشان از پایان لیبرال دموکراسی غرب است.

تجربه همگانی این پایان از آخرین دهه های قرن بیستم، زمزمه گفت و گو از آخرالزمان و قریب الوقوع بودن فصل ظهور منجی موعود را در میان عموم مردم شایع ساخت؛ زیرا دیگر هیچ ایدئولوژی و نظام اجتماعی، سیاسی ای قادر به پاسخ گویی به نیاز ناگزیر انسان و حمایت از او برای دست یابی

به حداقل بهره مندی از آرامش جان، عدالت و آزادی به معنای حقیقت لفظ نبود. (۱)

۱- غرب و آخرالزمان، ص ۹۶-۹۷؛ «پایان سیاست و واپسین اسطوره»، اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، شماره ۱۶۱-۱۶۲؛ ص ۳۸-۵۱؛ مقالات آلن دوبرنوا، اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، ترجمه شهروز رستگار.

پایان تاریخ (آخرالزمان) از نگاه آیین های بزرگ جهانی به ویژه دین اسلام پایانی تسلی بخش و امیدوار کننده است که با ظهور مصلح بزرگ جهانی و با حضور صالحان_ پس از تجربه تلخ ستم ها و فسادها_ به وقوع خواهد پیوست. قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، کامل ترین و جامع ترین برنامه الهی برای سعادت و هدایت بشر است. آموزه های آسمانی قرآن ناظر بر پاسخ حقیقی به پرسش انسان است. پرسش از حقیقت هستی،

راز هستی و بالأخره سرانجام سرنوشت او در هستی. و البته پاسخ

قرآن، عاری و پیراسته از خود بنیادی و نیست انگاری غربی است. بسی شایسته است در این بحران ایدئولوژیک، کام تشنه بشر از چشمه زلال وحی سیراب شود؛ زیرا سراب های آبنما دیگر رنگ باخته و چهره واقعی خود را آشکار ساخته اند.

از این رو پژوهش حاضر تلاش اندکی است تا ندای آسمانی قرآن را لیک گوید و گام کوچکی است تا سرآغاز قدم های بعدی باشد.

۲. سؤالات

اشاره

بر اساس آن چه در بیان مسئله گذشت سؤالات تحقیق به شرح ذیل اند:

سؤال اصلی

__ پایان تاریخ در آموزه های وحی و در دیدگاه اندیشمندان غربی چگونه وصف شده است؟

سؤالات فرعی

- __ دیدگاه قرآن درباره پایان تاریخ چیست؟
- __ جامعه موعود قرآن از چه ویژگی هایی برخوردار است؟
- __ دوره تاریخی جامعه موعود صالحان چه زمانی است؟
- __ قلمرو جامعه صالحان در چه محدوده ای است؟
- __ نظریه های مطرح در غرب چه مقدار با آیات قرآن هماهنگ هستند؟
- __ حکومت در پایان تاریخ چگونه خواهد بود؟
- __ قرآن چه نشانه ها و رخدادهایی را برای پایان تاریخ پیش گویی کرده است؟

سؤالات فرعی تر

- __ مفهوم پایان تاریخ چیست؟
- __ مفسران شیعه و اهل سنت آیات مربوط را چگونه تفسیر کرده اند؟
- __ آیا نظریه های معاصر مورد اتفاق و قبول اندیشمندان دیگر واقع شده است؟
- __ حکومت مورد نظر اندیشمندان معاصر در پایان تاریخ چه نوعی حکومتی است؟
- __ حکومت مورد نظر آیات قرآن در پایان تاریخ چه نوع حکومتی است؟
- __ چگونه می توان از نگاه قرآن شایعه پایان جهان را پاسخ داد؟

۳. فرضیه ها

فرضیه اصلی

- __ آینده ای روشن و امیدبخش با حکومت صالحان و مستضعفان بر روی

زمین در پایان تاریخ، و نفی حکومت های طاغوتی و ستمگر، بشارت الهی در آموزه های وحی است.

فرضیه مخالف

— برخورداری از دانش و فناوری، سبب قدرت برنامه ریزی دارندگان آن برای آینده بشریت است، و اوج شکوفایی و رشد دانش بشری در سیطره لیبرال دموکراسی، نشانه پایان تاریخ است.

فرضیه های فرعی

— پایان تاریخ نه به معنای ایستایی و توقف حرکت تاریخ و زمان بلکه حد اعلائی شکوفایی و تمدن و دانایی است.

— یکنواختی تفسیر و آرای مفسران شیعه و آشفتگی آرای مفسران اهل سنت نتیجه پویایی اندیشه مهدویت در مکتب اهل بیت علیهم السلام و رکود آن در مکتب اهل سنت است.

— بعضی از موارد در اندیشه های غربی مورد نفی قرآن و بعضی موارد با دیدگاه قرآن منافات ندارد.

— نظریه های معاصر با واکنش های دیگر اندیشمندان غربی و غیر غربی روبه رو شده و بر سستی و بی پایه بودن آن ها از حیث نظری و تجربه تاریخی تأکید کرده اند.

— بیان نشانه های پایان تاریخ در آموزه های وحی هرگونه شایعهٔ پایان جهان را پیش از وقوع این نشانه ها نفی می کند.

۴. اهداف

اشاره

اهداف علمی و عملی از ویژگی های آشکار پژوهش های هدف مند

است که جز این، پژوهش سردرگم بوده و از پی جویی هدفی مشخص باز خواهد ماند. نوشتار حاضر نیز افزون بر هدف اصلی به عنوان خلا پژوهشی؛ اهداف علمی و عملی را پی جویی می کند که به اجمال چنین است:

هدف اصلی

تبیین دیدگاه قرآن در موضوع پایان تاریخ مقصود اصلی پژوهش

حاضر است.

اهداف نظری

۱. تبیین دیدگاه قرآن در خصوص پایان تاریخ و ویژگی های آن؛

۲. روشن ساختن سستی دیدگاه های معاصر در خصوص پایان تاریخ از رهگذر بررسی تطبیقی با آیات قرآن؛

۳. دلایل و براهین برتری دیدگاه قرآن و محدود بودن ایده و طرح نجات بخش و تجویز آن برای تمام بشریت به طرح قرآن کریم؛

۴. ارائه طرحی نو و امید بخش برای آینده بشریت براساس آموزه های وحی و پرکردن خلا تفکر استراتژیکی در عصر حاضر؛

اهداف عملی

اهداف کاربردی پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. مربیان و معلمان با به کارگیری نتایج پژوهش در تربیت نسلی صالح و امیدوار زمینه تحقق وعده های الهی را فراهم سازند.

۲. دعوت از همه اندیشمندان و صاحبان تفکر اصیل جهت تدبر در آموزه های وحی و برانگیختن حس حقیقت جویی آنان از رهگذر این تدبر.

۳. به همان سان که اندیشمندان معاصر به سان بازوی مشورتی و

تحقیقاتی نیروهای مسلح امریکا تلاش می کنند و ایده های خود را به عنوان سیاست های اجرایی به آنان دیکته می کنند؛ لازم است مراکز مؤثر جهان اسلام هم آموزه های مبتنی بر عقل و دانش و مهر و عطوفت وحی را به عنوان سیاست های اجرایی در سرلوحه برنامه های خود قرار دهند.

۵. روش پژوهش

روش مند بودن پژوهش افزون بر سرعت، دقت و سهولت در دست یابی به پاسخ پرسش های پژوهش؛ سبب بهره مندی بیشتر از نتایج تحقیق خواهد شد. روش تحقیق، منطق تحقیق دانسته شده است که قواعد درست تحقیق کردن را عرضه می کند. (۱) روشن است به تبع میان رشته ای بودن موضوع تحقیق حاضر، روش تحقیق آمیزه ای از چند روش خواهد بود. از این رو به لحاظ تبیین دیدگاه قرآن از روش نقلی به منظور دست یابی به تفکر مستند و حیانی (۲) و از سویی به لحاظ نگاه تاریخی به موضوع پژوهش ناگزیر از کاربرد روش تاریخی به منظور بررسی انتقادی رویدادها، پیشرفت ها و تجربه های گذشته (۳) و سیر تاریخ بشر هستیم. چنان که از روش تحلیل محتوا (۴) به منظور نقد و بررسی یا تحلیل و توصیف داده ها یا دست یافتن به دیدگاه مورد نظر تحقیق استفاده شده است. به این بیان که هم به توصیف اطلاعات پرداخته و هم تحلیلی از ماهیت دیدگاه ها ارائه شده است.

۱- روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی، ص ۳.

۲- مدرسه پژوهش و نگارش، ص ۳۷.

۳- روش تحقیق و گزارش نویسی، ص ۹۰.

۴- روش تحقیق و گزارش نویسی، ص ۹۷.

روش کتابخانه ای و رایانه ای (۱) دو روش عمده در گردآوری اطلاعات و داده های پژوهش پیش رو هستند. از این رو برای تدوین نوشتار حاضر ابتدا با مراجعه به اسناد نوشتاری، سامانه های رایانه ای، سایت های اینترنتی و نرم افزارهای علمی به گردآوری اطلاعات پرداخته، سپس با گزارش داده ها و یافته های پژوهش و تحلیل آن ها به استنتاج دیدگاه قرآن با استناد به آرای مفسران امامیه و عامه پرداخته ایم. در بخش دوم با مبنا گرفتن یافته های بخش اول دیدگاه های معاصر مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. افزون بر این نقد نظریات معاصر به گونه دیگری نیز گزارش یا انجام شده است.

۶. مفاهیم کلیدی

بازشناسی واژه ها و مفاهیم کلیدی در پژوهش، بی تردید در رفع ابهام و شتاب بیشتر و پایایی تحقیق تأثیر بسزایی دارد. این کار در واقع به مفهوم درک صحیح موضوع مورد بحث است، که بررسی و حل مسئله را میسرتر می سازد. بنابراین، پیش از ورود به متن پژوهش، به بررسی واژه های کلیدی این نوشتار می پردازیم.

«تطبیق» واژه ای عربی است از ریشه «طبق» به معنای در برگرفتن و پوشاندن چیزی (۲) و تطبیق و مطابقت آن است که چیزی را بالای چیزی بگذاری که به اندازه آن باشد. (۳) در اصطلاح مطابقت، تطبیق و طباق از محسنات معنوی کلام و به معنای جمع بین ضدین است. مقصود از

۱- روش تحقیق و گزارش نویسی، ص ۱۱۷.

۲- لسان العرب، ج ۸، ص ۱۲۰، طبق؛ لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۷۸۶، تطبیق.

۳- مفردات، ص ۵۱۶، طبق.

ضدین تقابل و تنافی اجمالی بین دو چیز است. (۱) در این مقال با اندکی تفاوت همین معنا مورد نظر است. با این بیان که دیدگاه قرآن و نظریه های معاصر تطبیق داده می شوند تا حدود هم پوشانی یا وجوه تمایز روشن شود. روشن است معیار سنجش حقیقت آموزه های آسمانی است. از این رو آن چه از نظریه های معاصر موافق با الگوی قرآنی باشد مورد قبول و آن چه منافی باشد مردود و وجوه برتری دیدگاه قرآن بیان خواهد شد.

«پایان تاریخ» این واژه مرکب از دو واژه پایان و تاریخ است که ابتدا مفهوم غایت و نهایت و توقف سیر تاریخ در ذهن متصور می شود. اما واقع امر آن است که تاریخ جز پویایی متوالی رویدادها و صیورورت مستمر پیامدها، چیز دیگری نیست و وظیفه فلسفه تاریخ نیز جمع بندی و اتخاذ وجوه مشترک آن ها در قالب یک اندیشه جامع است. با این بیان «پایان تاریخ» عنوانی مبهم و بی معنا می شود. از این رو مقصود از این واژه ترکیبی نه معنای متبادر _ پایان زمان بند _ بلکه منظور دوره مشخصی از مراحل تاریخ است که برپایه آموزه های آسمانی، بشریت شاهد اوج شکوفایی مادی و معنوی خواهد بود که تمام آرزوها و انگیزه های انسانی در آن جامعه ارضا می شود. و انسان به آرامش می رسد که دیگر انگیزه ای برای حرکت بعدی تاریخ وجود نخواهد داشت و این به آن معنا نیست که زاد و ولد و مرگ و میر متوقف خواهد شد یا دیگر وقایع مهمی اتفاق نخواهد افتاد، بلکه منظور این است که احتمالاً دیگر تحول مهمی در نهادهای اساسی و اصول جاری پدیدار نخواهد شد. به زبان دیگر مقوله «پایان تاریخ» با مقوله «پایان جهان»

متفاوت است. چنان که در آیین ها و شرایع آسمانی نیز با تعبیری چون آخرالزمان و... سخن از این مرحله تاریخی به میان آمده است. امروزه سخن از پایان تاریخ، آخرالزمان و آینده جهان و تعبیراتی مشابه به گفتمان غالب در دنیای غرب تبدیل شده است. به باور برخی پژوهش گران حوزه آینده تاریخ، «غرب به عنوان یک دوره از تاریخ و فرهنگ، با اصول و فروع مخصوص به خودش متولد شد و پس از پشت سر نهادن مراحل، در اوج جوانی خود، جمله فرهنگ ها، تمدن ها و حوزه های نظری غیر غربی را تحت الشعاع خود قرار داد تا آن که به تدریج روی به افول نهاد و غروب تاریخ خویش را به تجربه نشست.

در میان اهل فرهنگ و مطالعات فرهنگی، از این افول و غروب [فرهنگ غرب] با عنوان «پایان تاریخ» یاد می شود.^(۱) گفتنی است مقصود از واژه «تاریخ» در نوشتار حاضر، «کشف قانون مندی های حاکم» بر جریانات، حوادث و تحولات اجتماعی است. در واقع فیلسوفان تاریخ عهده دار این کشف هستند که با کشف شواهد و ارائه مدارک فراز و فرودهای گذشته اقوام و ملل را تابع قاعده و قانون می دانند و برحسب آن ها حال و آینده ملت ها و انحطاط و پیشرفت آنان را مورد مطالعه و پیش بینی قرار می دهند. کوتاه سخن آن که مقصود از پایان تاریخ در این نوشتار، چنان که پیش تر نیز اشاره شد مرحله ای از تاریخ بشر است که انسان ها شاهد اوج شکوفایی مادی و معنوی خواهند بود. از این مرحله در آموزه های دینی با عنوان «آخر الزمان» و تعبیرات مشابه یاد شده است. هرچند این تعبیر در

۱- فلسفه در بحران، ص ۷۳ (به نقل از غرب و آخرالزمان، پاورقی ص ۹۷).

آیات قرآن با صراحت نیامده است ولی آیاتی از قرآن به این مرحله از تاریخ با حکومت صالحان اشاره دارند.

«نظریه های معاصر» در حدود قرن ۱۷ میلادی در اروپا، یک سری تحولات سیاسی رخ داد، که بدان نام رنسانس (تجدید حیات) دادند، هدف از این تجدید حیات بازگشت به مفاهیمی بود که در حدود چهار، پنج قرن قبل از میلاد مسیح توسط افرادی بنام سوفسطاییان بوجود آمده بود؛ آن ها معتقد بودند که در عالم، حقیقتی وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، قابل درک و حس نیست بنابراین به دنبال حقیقت رفتن کاری بیهوده است، آن ها معتقد بودند باید به آن چه قابل حس و تجربه است بسنده نمود، سوفسطاییان چون دیگر به دنبال حقیقت نبودند و به اصول ثابتی قائل نشدند، مبنای هر چیز را خود انسان قرار دادند. (۱) با رنسانس دوران هزارساله حکومت کلیسا پایان یافت و بدین سان مدرنیسم آغاز شد. و در درون آن، مکاتب گوناگونی بوجود آمد. بنابراین مقصود از «نظریه های معاصر» دیدگاه های اندیشمندان غربی در دنیای مدرن است که بعضی از نظریه ها در این نوشتار بازخوانی و نقد و بررسی می شود.

چنان که پیش تر اشاره شد پایان تاریخ و فرضیه تناهی پیشرفت به سوء تفاهم هایی جدیدتر منجر شده است: هگل، غایت پیشرفت را در حکومت پروس می دید. بدین معنا که سیر تاریخ را به جای آن که به آینده فراتابد، در حال پایان داد. هگل فرایند تکامل گذشته را شناخت، اما به نحوی عجیب منکر آن در آینده شد. اما از لغزش هگل بالاتر فرمایش

۱- پایان جهان مدرنیته یا...، مقدمه ص ۱۳.

دانشمند نامی دوران ویکتوریا، آرنولد گبی بود که در گفتار آغاز خود در مقام استاد کرسی سلطنتی تاریخ جدید در آکسفورد در ۱۸۴۱، تاریخ جدید را آخرین مرحله تاریخ بشر شمرد. پیش بینی مارکس که انقلاب پرولتاریا هدف نهایی جامعه بی طبقه را تحقق خواهد بخشید، منطقاً و اخلاقاً آسیب ناپذیرتر بود. (۱) و با این بیان روشن شد گفتمان «پایان تاریخ» که به گفتمان غالب دهه های اخیر تبدیل شده ریشه در اندیشه های فیلسوفانی چون هگل و مارکس دارد. از آن جا که نظریه های دهه های اخیر به طور مشخص به موضوع «پایان تاریخ» و لوازم آن پرداخته اند نوشتار حاضر هم، به طرح همین نظریه ها بسنده کرده است. بنابراین مقصود از «نظریه های معاصر» دیدگاه های اندیشمندان قرن حاضر در موضوع پایان تاریخ است.

۷. محدودیت های پژوهش

مهم ترین محدودیت فراروی پژوهش، فقدان پژوهش های مستقل و جامع در موضوع مقال حاضر بود. تلاش های علمی حوزه مطالعات فرهنگی، تاریخی و اقتصاد سیاسی قابل ارج و جای بسی تقدیر است. با وجود این تلاش ها، تاکنون عنوان مزبور از نگاه قرآن به صورت مستقل و نیز با بررسی تطبیقی موضوع پژوهشی واقع نشده است.

۸. پیشینه پژوهش

در هر پژوهش هدف مند و گفتمان علمی ناگزیر از توجه به پیشینه

۱- پایان تاریخ، مقدمه، ص ۸؛ تاریخ چیست؟، ص ۱۶۰.

پیدایی و پژوهشی موضوع تحقیق هستیم. توجه به آینده و پایان سرنوشت بشر همزاد انسان بوده و بشر پیوسته به چگونگی فرجام خویش اندیشیده است. بیان این موضوع در متون آسمانی گواهی بر این ادعاست. لیکن به لحاظ پژوهشی بیشترین توجه به این موضوع در سده های اخیر به ویژه در آثار پژوهشی فیلسوفان غرب به چشم می خورد. به دیده انصاف کوشش های علمی اندیشمندان غربی سرآغاز توجه جدی به این موضوع شد و به رغم تبیین جدی آن در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام پژوهش گران مسلمان نیز در پژوهش های مستقل، موضوع پایان تاریخ را کانون توجه قرار دادند.

با بررسی ها و جست و جوهایی که در کتابخانه های مختلف و نرم افزارها و اینترنت انجام شد تا کنون پژوهشی با عنوان تحقیق حاضر انجام نشده است. اما پژوهش های مرتبط زیادی اعم از مقاله و کتاب به رشته تحریر درآمده است که نمونه هایی از آن ها در ذیل بررسی می شود.

۱. آینده، ا. سبحانی، تهران، چاپخانه کیهان، چاپ اول، ۱۳۳۷.

نگاه مؤلف در این کتاب نه نگاهی از زاویه فلسفه تاریخ که نگاهی علمی به موضوع است که در واقع سیر پیشرفت ها در آینده را پیش بینی کرده است.

۲. آغاز و انجام تاریخ، کارل یا سپری، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، نشر دیبا، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

کتاب حاضر در سه بخش تنظیم شده است. بخش نخست به تاریخ جهان و تقسیم دوره های تاریخی، بخش دوم به حال و آینده و بخش سوم

معنا و فایده تاریخ اختصاص یافته است.

۳. علی علیه السلام و پایان تاریخ، سیدمجید فلسفیان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۹.

نویسنده در این نوشتار درصدد بررسی موضوع مهدویت از نگاه امام علی علیه السلام است.

۴. آینده اسلام و غرب، شیرین هانتر، ترجمه همایون مجد، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰، چاپ اول.

این اثر، پژوهش بسیار متقن و پیراسته از جانبداری دینی و جغرافیایی است. پژوهش در اصل به زبان انگلیسی تألیف شده و توسط آقای مجد به فارسی برگردانده شده است. کتاب حاضر از سلسله مباحث مربوط به گفت و گوی تمدن هاست که با نگاهی واقع بینانه به آینده اسلام و غرب (برخورد تمدن ها یا همزیستی مسالمت آمیز) به تحلیل تاریخ اسلام و ایران و عربستان سعودی پرداخته و نوع روابط کشورهای اسلامی با یکدیگر را نه رابطه ای کاملاً متحد در برابر غرب بلکه رابطه بعضی از آن ها با بعضی دیگر را همراه با تنش پیش بینی می کند. چنان که همین رابطه بین اسلام و غرب هم حاکم خواهد بود.

۵. پایان تاریخ (سقوط غرب و آغاز عصر سوم)، مسعود رضوی، شفیعی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

نویسنده کتاب در ورود به بحث، مباحثی را پیرامون «پایان تاریخ» و مراد از آن را مطرح کرده است، که به روشن شدن مفهوم «پایان تاریخ» کمک شایانی می کند و سپس با تقسیم بندی ادوار تاریخ، موضوع مزبور را

ریشه یابی و از نگاه فلسفه تاریخ بررسی کرده است. این نوشتار هم چنان که از عنوان آن روشن است به نقد و بررسی پایان تاریخ از نگاه دنیای غرب پرداخته است.

۶. آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، رحیم کارگر، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۳.

از جمله پژوهش های مهم و مبسوط در موضوع «آینده جهان» است که توسط نویسنده محترم که خود از مدرسان موضوع مهدویت و محققان عرصه «آینده پژوهشی» است به رشته تحریر در آمده است. در این پژوهش ابتدا موضوع آینده پژوهی و فلسفه تاریخ به طور مبسوط بررسی شده و در فصل بعدی نظریه های آینده تاریخ از نگاه غربی ها و در فصل سوم از نگاه شیعه بررسی شده است.

۷. نظریه پردازی درباره آینده جهان، علی اصغر رضوانی، قم، مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵.

پژوهش کوتاهی است از سلسله مباحث مهدویت که به وسیله مؤلف محترم در ۱۰۰ صفحه تنظیم شده است. مؤلف ابتدا به نقد و بررسی دیدگاه های معاصر غربی درباره آینده و طرح های مختلف تکامل تاریخ پرداخته؛ سپس همین موضوع را از نگاه اسلام بررسی و آینده درخشان را بشارت اسلام دانسته است.

۸. پایان جهان مدرنیته یا ...؛ سید جلال حسینی، زمزم هدایت، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷.

موضوع اصلی کتاب نقد و بررسی جهانی شدن در مدرنیسم و اثبات

ممیزات اسلام برای جهانی شدن است. از جمله موضوعاتی که در این نوشتار جلب توجه می کند بررسی جایگاه انقلاب اسلامی در ضمن مباحث انتظار، مهدویت و آخرالزمان است؛ زیرا ظهور انقلاب اسلامی در قرن بیستم و پایه ریزی حکومتی دینی در دنیایی که خدا و معنویت را به فراموشی سپرده و انسان را به جای خدا نشانده بود تمام معادلات دنیای مدرنیته را به هم ریخته و روح امید را در کالبد بشر دمید.

۹. جهان آینده (در اندیشه اسلامی)؛ علیرضا عظیمی فر؛ مهر امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

اثر مزبور بر خلاف منابع پیشین که بیشتر پایان تاریخ را از نگاه دنیای غرب بررسی کرده بودند_ آینده جهان را از نگاه اسلام بررسی کرده است. نویسنده جهت ورود به بحث ابتدا خاستگاه و موافقان و مخالفان جهانی شدن را بررسی و آن گاه در فصول بعدی ویژگی های جهان شمولی اسلام را برشمرده است. حکومت جهانی مهدوی؛ اهداف و برنامه های آن، آخرین موضوع و پایان بخش کتاب است.

هر چند هدف اصلی کتاب، بررسی آینده جهان از نگاه اسلام است

و مباحث تفسیری هم در ضمن مطالب کتاب آورده شده است. اما

نوشتار حاضر درصدد بررسی آرای مفسران شیعه و سنی در ذیل آیات مربوطه است.

۱۰. غرب و آخرالزمان، اسماعیل شفیعی سروستانی، نشر هلال،

تهران، ۱۳۹۰.

پژوهش بسیار مفیدی در حوزه مطالعات پایان تاریخ در دنیای غرب

است که ضمن بیان مراد از غرب در نوشتار مزبور و پیشینه گفت و گو از «پایان» نظرات گروهی از اندیشمندان غربی که خود منتقد غربی هستند را آورده و به انحطاط و سقوط غرب اشاره کرده اند. همچنین نظرات دو

تن از اندیشمندان معاصر غربی (فوکویاما و هانتینگتون) را مورد نقد و بررسی قرار داده اند.

همان گونه که از عنوان و محتوای کتاب معلوم است، هدف اصلی پژوهش، بررسی «آخرالزمان» از نگاه دنیای غرب است و بررسی تطبیقی موضوع مزبور از نگاه قرآن و غرب صورت نگرفته است.

۱۱. نه‌ایه التاریخ، فرانسیس فوکویاما، ترجمه حسین الشیخ، بیروت، دارالعلوم العربیه، بی تا.

این اثر ترجمه عربی نظریه پایان تاریخ فوکویاما است که نوشتار حاضر در تحلیل و بررسی نظرات وی از ترجمه های فارسی آن استفاده کرده است. نیز آثاری که ترجمه دیدگاه های معاصر است در پیشینه این نوشتار ملاحظه شده اند. طرح دیدگاه ها از این کتاب ها ما را از اشاره به آن ها در پیشینه تحقیق بی نیاز می سازد.

۱۲. اسلام و آینده جهان، مصطفی محقق راد، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲ ش.

چنان که از عنوان کتاب معلوم می شود نوشته ای مستقل در موضوع پایان تاریخ از نگاه اسلام است که از جهتی به موضوع نوشتار حاضر نزدیک است. این اثر در نه فصل تنظیم شده است. در فصل اول از نگاه فلسفه تاریخ به موضوع نگریسته اند. و در فصول بعدی دیدگاه های مکتب

مارکسیسم، ادیان قدیم، اهل سنت، فرقه های اسلامی و در پایان نظر شیعه را مورد پژوهش قرار داده است. فصل هشتم را در حدود ۳۰ صفحه به دیدگاه قرآن اختصاص داده و ۱۰ آیه از آیات قرآن را بررسی کرده است.

نویسنده محترم به صورت خیلی محدود و بیشتر از نگاه مفسران، در فصل هشتم موضوع را بررسی کرده است. بعضی از آیات مورد بررسی، مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در عین ارتباط با موضوع کتاب

و نوشتار حاضر، خود موضوع مستقلی است. در این نوشتار موضوع

پایان تاریخ به صورت مبسوط، مستقل و با رویکردی تطبیقی بین دیدگاه قرآن و نظریه های معاصر و نیز دیدگاه مفسران امامیه و عامه مورد پژوهش قرار گرفته است.

۱۳. مهدویت و فلسفه تاریخ، فرامرز سهرابی، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹ ش.

در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول به تبیین مفهوم فلسفه تاریخ و مهدویت اختصاص دارد. در بخش دوم فلسفه تاریخ اسلامی را تبیین کرده اند. و در بخش پایانی پیوندهای مهدویت و فلسفه تاریخ مورد پژوهش واقع شده است. نویسنده محترم در فصل سوم از بخش سوم به موضوع آینده تاریخ از نگاه آیات و روایات پرداخته اند که بیشتر با نگاه فلسفه تاریخی است. شاید از همین رو تنها به یک آیه مربوط به پایان تاریخ اشاره کرده و آیات دیگر را بررسی نکرده اند. از خاتمه و نتیجه گیری پژوهش به دست می آید که هدف نویسنده بررسی موضوع مهدویت و بلکه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است. حال این که هدف نوشتار حاضر بررسی موضوع پایان

تاریخ و پیش زمینه ها و ویژگی های جامعه پایانی از نگاه قرآن و نظریه های معاصر است.

۱۴. مجلات علمی و تخصصی از جمله مجله «اطلاعات سیاسی و اقتصادی» و اینترنت منابعی برای آشنایی و استفاده از آرای اندیشمندان غربی بود.

۱۵. بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فتح الله نجارزادگان، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹ ش.

پژوهشی پرارزش در خصوص آیات مهدویت است. این اثر مفید در پنج فصل تنظیم یافته است. فصل اول به کلیات و فصل دوم و سوم به تفسیر تطبیقی آیات مهدویت اختصاص یافته است. سپس در فصل چهارم دین حق با نگاه به آیه اکمال دین بررسی شده است. در فصل پنجم کتاب، شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نگاه آیات و روایات به بحث نشسته اند. نویسنده محترم با کوشش های علمی فراوان به تفسیر آیات مهدویت از دید مفسران فریقین پرداخته اند. اما به رغم این کوشش پراچ، و ارتباط بسیار نزدیک آن با موضوع پژوهش حاضر، تنها به بعضی آیات، آن هم با موضوع مهدویت پرداخته اند.

اما موضوع این نوشتار از مهدویت عام تر بوده و آیات بیشتری را در خصوص پایان تاریخ مورد پژوهش قرار داده و رویکرد تطبیقی به نظریه پایان تاریخ از وجوه امتیاز و نوآوری های آن است.

چنان که از بررسی پیشینه تحقیق به دست آمد تاکنون پژوهش مستقلی

با عنوان تحقیق حاضر در میانه پژوهش های انجام شده خودنمایی نمی کند. آثار یاد شده در صدد نقد اندیشه های غربی یا نگاه کلی به موضوع نوشتار حاضر از نگاه معارف دینی است. این پژوهش به رغم داشتن مشترکات با بعضی پژوهش های پیش گفته؛ تبیین دیدگاه قرآن از

نگاه مفسران شیعه و اهل سنت و نقد آرای اندیشمندان غربی با این نگاه

از وجوه تمایز آن است. بنابراین معلوم شد پژوهش های انجام شده به موضوع نوشتار حاضر نپرداخته اند و رویکرد تطبیقی به موضوع حاضر از نگاه قرآن و نظریه های معاصر به ویژه با بررسی دیدگاه های مفسران شیعه و اهل سنت در این پژوهش ها به چشم نمی خورد و همین امر از نوآوری های این نوشتار است.

۹. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

«پایان تاریخ» از چشم انداز تاریخی، سیاسی و فلسفی جای بسی تأمل و بررسی است. «پایان تاریخ» و فرضیه تناهی پیشرفت به سوء تفاهم هایی جدیدتر منجر شده است. شکست کمونیسم و فروپاشی شوروی سبب شد برخی از نظریه پردازان امریکایی این دیدگاه را مطرح کنند که تاریخ جهان به هدف و پایان خود رسیده و نظام لیبرال دموکراسی ایالات متحده به عنوان تنها نظام سیاسی و بی بدیل ابقا شده است. از این رو بر همه ملل جهان لازم است از این نظام پیروی کرده و پذیرای آن باشند. اینان به مدد رسانه های جمعی و تکنولوژی برتر سعی در تسخیر افکار عمومی جهان مبنی بر پذیرش لیبرال دموکراسی دارند. از سوی دیگر در یک قرن گذشته جریانی انحرافی در میان پروتستان ها رشد کرده که به اعتقاد آنان قبل از ظهور مسیح باید

مقدمات جنگ بزرگی به نام «آرماگدون» (۱) را فراهم نمایند. نتیجه این دیدگاه جنگ طلبی و سلب آرامش و امنیت از مردم دنیاست؛ زیرا برابر این دیدگاه تا قبل از پایان تاریخ آینده ای هولناک و تاریک در پیش روی بشر خواهد بود و با این پیش فرض بر طبل جنگ می کوبند و اعتقادی به صلح و آرامش ندارند. لشکرکشی ایالات متحده به عراق و افغانستان و ماجراجویی هایش در خاورمیانه در همین راستا قابل تفسیر و تحلیل است.

همچنین اندیشمندان دیگری از زاویه های متفاوت به فرضیه پایان تاریخ نگاه کرده، حسب تصورات و برداشت های خود، طرحی ارائه داده اند. نکته ای که وجه مشترک این دیدگاه هاست نه پایانی امیدبخش که پایانی ناگوار و ناگزیر از پذیرش سرنوشت محتوم است.

اکنون آگاهی از سرنوشت بشریت و چشم گشودن به آینده ای روشن و نه مبهم نور امید را بر دل ها تابیده و تحمل سختی ها و ناگواری های زندگی این جهانی «دارالبلاء محفوفه»؛ (۲) دنیا سرایی است آمیخته با گرفتاری. و آفرینش وی در سختی «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (سوره بلد، آیه ۴) را آسان می سازد. ضرورت انجام این مقال زمانی روشن می شود که سستی و

۱- آرماگدون به «کوه مجیدو» (Magiddo) اطلاق می شود که در ۹۰ کیلومتری اورشلیم و ۳۱ کیلومتری جنوب غربی شهر کنونی حيفا واقع است. در اعتقادات مسیحی به پایان جهان آرماگدون گفته می شود که با کشته شدن ضد مسیح و پیامبر دروغین و با به زنجیر کشیده شدن شیطان خاتمه می یابد و در اسلام رد می شود. مسیحیان صهیونیست می گویند که پیش از ظهور (مجدد) مسیح و برپایی قیامت و پس از یک دوره فلاکت ۷ ساله که منجر به نبرد با دجال می شود، جنگ آرماگدون اتفاق می افتد. (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، آرماگدون). برای توضیح بیشتر به کتب نگاشته شده با همین عنوان «آرماگدون» مراجعه شود.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲۶.

ابطال پذیری دیدگاه های معاصر بر همگان آشکار شده پرسش از پایان سرنوشت بشر بی پاسخ بماند.

از این رو پناه آوردن به قرآن، این منبع لایزال الهی «و اذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فلیکم بالقرآن فإینه شافع مشفع و ما حل مصدق»، (۱) «فیه خبر من کان قبلکم و خبر ما یکون بعدکم»، (۲) «فیه خبر ما کان و خبر ما هو کائن، قال الله عزوجل «فیه تبیان کل شیء»» (۳) و تدبر در آموزه های آسمانی آن، امری بسیار ضروری است. نه ضعف و سستی در آن راه دارد و نه باطل «لا یأتیه الباطل من ینین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید» (سوره فصلت، آیه ۴۲) و کلامی است که فهم مقاصدش برای همه آسان شده (۴) «و لقد ینزلنا القرآن للذکر فهل من مدکر» (سوره قمر، آیه ۱۷) و محکم و با صراحت، عموم انسان ها را به هموردی طلبیده «قل فأتوا بسوره مثله» (سوره یونس، آیه ۳۸؛ سوره بقره، آیه ۲۳)؛ و پیروزی هیچ کس در برابر این تعدی گزارش نشده است. کوتاه سخن آن که ارائه تصویری روشن و امیدوارانه از آینده که به دور از غرض ورزی سیاسی بوده و خلل ناپذیر باشد؛ امری مهم و ضروری است. این مهم جز با آموزه های آسمانی شدن نیست. برابر دیدگاه قرآن، با وجود آرمان صلح طلبی و عدالت خواهی در فرهنگ اسلامی، منتظران جامعه ویژه صالحان باید در زمینه سازی برای جامعه موعود تلاش کنند. و چنان که از بررسی پیشینه

۱- الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

۲- بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۱؛ التوحید، ص ۲۲۷.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۹.

۴- المیزان، ج ۱۹، ص ۶۹.

تحقیق روشن شد به رغم اهمیت موضوع و تلاش های درخور ستایش پژوهش گران محترم، تاکنون پژوهش مستقل و با رویکرد تطبیقی در دو گستره مفسران فریقین و نظریه های معاصر در این خصوص انجام نشده است. تبیین دیدگاه قرآن از نگاه مفسران اهل سنت و شیعه و برگزیدن دیدگاه صحیح با دلیل و برهان و تطبیق آن با نظریه های معاصر از نوآوری های نوشتار حاضر است.

بخش یکم: دیدگاه قرآن درباره پایان تاریخ

اشاره

فصل یکم: آیات پایان تاریخ**اشاره**

سخن از پایان تاریخ و فرجام اندیشی، تاریخی بس کهن و دیرینه ای به درازای تاریخ بشریت دارد. روشن است بشر، در هر مرحله از تاریخ خود، به فراخور افق اندیشه اش به فرجام سرنوشتش و پایان تاریخ خود اندیشیده و در امتداد آن به دنبال پاسخی به این پرسش ناگزیر بوده است. ادیان آسمانی، این نیاز بشر را در کنار دیگر نیازهای اساسی بشر، کانون توجه خود قرار داده و پاسخی روشن و امیدوارکننده به این پرسش داده اند. قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی در شماری از آیات به این موضوع اشاره و ویژگی های آن را بیان کرده است. پیش از ورود به متن اصلی پژوهش بایسته است معیار گزینش آیات مربوط به پایان تاریخ، تحلیل واژگان کلیدی و تفسیر آیات تبیین شود؛ تا از این رهگذر دیدگاه کلی قرآن روشن شده و با آیات مربوطه آشنا شویم. واژه هایی چون عاقبت، استخلاف، وعده و مانند این ها کلیدواژه هایی برای گزینش آیات مورد نظر بودند که پیش از پژوهش با این واژه ها به گردآوری آیات مربوطه پرداختیم. روشن است به دلیل ارتباط

مفهومی آیات هنگام مراجعه به آیه ای در تفاسیر، به آیات دیگری نیز رهنمون می شدیم.

از آن جا که بازشناسی مفهوم واژگان کلیدی آیه به آسان سازی فهم آن و روشن تر شدن مقصود آیه کمک شایانی می کند، در این فصل به تحلیل واژگان کلیدی آیات از نگاه واژه پژوهان و مفسران پرداخته و سپس مفهوم کلی و تفسیر آیه را بیان خواهیم کرد. بی شک بعضی از واژه ها از تحلیل لغت شناسان بی نیاز بوده و در تبیین آن ها به بیان مفسران بسنده خواهد شد.

۱. آیه ۱۰۵ سوره انبیاء

اشاره

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْمَأْرُضَ يَرْتُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»؛ (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵-۱۰۶)

و همانا در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. به راستی در این سخن برای خداپرستان پیام روشنی است.

واژگان آیه

«زبور»: در لغت به قطعۀ بزرگی از آهن و کتابی که نوشته های آن درشت باشد معنا شده است (۱) راغب در معنای دوم آن می گوید:

وقیل: بل الزَّبُورُ كُلُّ كِتَابٍ يَصْعَبُ الْوُقُوفُ عَلَيْهِ مِنَ الْكُتُبِ الْإِلَهِيَّةِ (سوره شعرا، آیه ۱۹۶؛ سوره آل عمران، آیه ۱۸۴)... و قال بعضهم: الزَّبُورُ: اسم للكتاب المقصور على الحكم العقلية دون الأحكام الشرعية، و

الكتاب: لما يتضمّن الأحكام و الحكم، و يدلّ على ذلك أنّ زبور داود عليه السلام لا يتضمّن شيئاً من الأحكام؛ (۱)

و گفته شده است زبور به هر کتابی از کتب الهی که دست یابی به آن دشوار باشد گفته می شود... و برخی گفته اند: زبور، نام کتابی است که تنها احکام عقلی داشته باشد. به خلاف کتاب که احکام شرعی و مواعظ و حکم را در بردارد. دلیل بر این معنا، زبور داوود است که احکام شرعی ندارد. واژه پژوهان، مراد از زبور در آیه را کتاب داود دانسته اند. (۲)

کاربردهای قرآنی این واژه در مواردی که مفرد به کار رفته است به کتاب داود علیه السلام اطلاق شده، خود گواه این ادعاست. (۳)

به رغم گفت و گویی که میان مفسران در مفهوم زبور است؛ به اعتقاد بیشتر مفسران مراد از آن کتاب داود علیه السلام است. (۴) اشاره شد اطلاق نام زبور بر کتاب داود علیه السلام در شماری از آیات قرآن گواه روشنی بر این ادعاست. از آن جمله می توان به آیاتی مانند: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ عِيسَى وَ أَيُّوبَ وَ يُونسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا» (سوره نساء، آیه ۱۶۳)؛ و نیز آیه ۵۵ سوره اسراء اشاره کرد.

عباراتی از زبور (مزامیر داود) نیز که به سان آیه ۱۰۵ سوره انبیاء است، گواه دیگری بر این تفسیر است. تعابیری چون «لأنّ عاملی الشر یقطعون و الذین

۱- مفردات، ص ۳۷۷ «زبر».

۲- مفردات، ص ۳۷۷؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۳۱۵؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۴، ص ۳۷۰ «زبر».

۳- الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۷۷.

۴- الکشاف، ج ۳، ص ۱۳۸؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۹؛ روح البیان، ج ۵، ص ۵۲۸.

ينتظرون الرب هم يرثون الارض» (مزمور ۹: ۳۷)؛ «اما الودعاء فيرثون الارض و يتلذذون في كثره السلام ه» (مزمور ۱۱: ۳۷)؛ «لأن المباركين منه يرثون الارض و الملعونين منه يقطعون» (مزمور ۲۲: ۳۷)؛ «الصدیقون يرثون الارض و يسكنونها إلى الابد» (مزمور ۲۹: ۳۷) که در زبور آمده نزدیک به تعبیری هستند که در آیات قرآن آمده است. در این تعبیر منتظران پروردگار، (۱) متواضعان، متبرکان پروردگار و صدیقان وارثان زمین و ساکنان همیشگی آن خواهند بود. و اینان از سلامتی فراوان لذت خواهند برد. در حالی که شروران و ملعونین از بین خواهند رفت.

روشن است بعضی از تعبیر زبور به سان تعبیر قرآن یا نزدیک به آن است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز زبور به کتاب داود تفسیر شده است. (۲)

«ذکر»: در لغت به معنای یادآوری در برابر غفلت و فراموشی است؛ خواه با زبان باشد یا با قلب. و گاهی از باب مبالغه، به چیزی که یادآوری کننده است، ذکر گفته می شود که گویا وجود خارجی و مظهر «ذکر» است. آیاتی که از «قرآن» با نام ذکر یاد کرده اند اشاره به همین معنا دارند. (۳)

تورات، قرآن، کتب انبیاء پیشین و لوح محفوظ، مفاهیمی هستند که در تفسیر «ذکر» بیان شده اند. برخی از مفسران مراد از آن را کتب انبیای پیشین مانند صحف ابراهیم و تورات موسی دانسته اند. (۴) و شماری از مفسران با استناد به سیاق آیه مزبور و آیاتی که از کتاب موسی علیه السلام با عنوان

۱- کنایه از امیدواران به پروردگار.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۳- التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۳، ص ۳۱۸-۳۱۹ «ذکر».

۴- تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۳۰۲؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

«ذکر» یاد کرده اند، مصداق «تورات» را برای «ذکر» تقویت کرده اند. (۱) چنان چه ذکر را به مفهوم لوح محفوظ بدانیم؛ مراد از زبور کتب انبیاء خواهد بود. و در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود: «پس از آن که

در لوح محفوظ نوشتیم، در کتب آسمانی انبیاء نیز نوشتیم که صالحان زمین را به ارث خواهند برد». (۲) به هرروی، مراد از ذکر و زبور کتاب خاص یا عام باشد، نشان از تاریخ دراز این اندیشه _ پایان تاریخ _ در آموزه های آسمانی دارد.

«ارض»: از نگاه واژه پژوهان، سیاره ای است که در پایین و برابر آسمان قرار داشته و مردم در آن زندگی می کنند. (۳)

بر اساس بعضی تفسیرها مقصود از آن زمین بهشت (۴) و بر پایه تفسیری دیگر زمین مقدس یا زمین شام است. (۵) اما بنا به تفسیری، مراد از «ارض» سراسر زمین است. (۶) چنان که همین معنا از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است. (۷) اگر «ال» در تعبیر «الارض» عهد باشد؛ ناگزیر مراد از آن، سرزمین بندگان صالح خواهد بود. اما از آن جا که پیش از «الارض» اشاره ای به بندگان صالح نشده است؛ باید مراد از آن تمامی زمین باشد. چنان که برخی مفسران «ال» را جنس و استغراق گرفته اند که مراد سراسر زمین و از

۱- الکشاف، ج ۳، ص ۳۸؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۹؛ من وحی القرآن، ج ۱۵، ص ۲۷۷.

۲- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۳- مفردات، ص ۷۳؛ لسان العرب، ج ۷، ص ۱۱۲؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۶۸ «ارض».

۴- التبیان، ج ۷، ص ۲۸۳؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۴۴۵؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۵، ص ۳۳۷.

۵- التبیان، ج ۷، ص ۲۸۴؛ الکشاف، ج ۳، ص ۱۳۸.

۶- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۰؛ تفسیر ثعلبی، ج ۶، ص ۳۱۳؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۲۱۷.

۷- التبیان، ج ۷، ص ۲۸۴.

اطلاق آن، زمین دنیا را برداشت کرده اند. (۱) در برابر شماری از مفسران، با استفاده از سیاق آیات، معنای وسیعی برای زمین در نظر گرفته و مراد از آن را زمین دنیا و پس از دنیا _ برزخ و قیامت _ و در نتیجه میراث بری را نیز در دو دنیا دانسته اند.

(۲)

«یرثها»: برخی از واژه پژوهان در معنای «ارث» و «وراثت» گفته اند: انتقال مالی از غیر به تو، بدون قرارداد و معامله را ارث گویند. (۳)

مفسران در تفسیر آن گفته اند: در پایان، زمین و آن چه در زمین است

به صالحان خواهد رسید؛ زیرا اینان شایسته زندگی در زمین هستند

و زمین برای ایشان آفریده شده و دیگران بر وجه تبعیت در آن

زندگی می کنند. صالحان در پایان تاریخ حکومت و فرمان روایی در

زمین را به دست گرفته و با برنامه های خود زمین را به میدانی برای

ایمان به خدا و اطاعت او امرش تبدیل می کنند. براساس بعضی تفسیرها مؤمنان و امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، پس از راندن کفار، وارث سرزمین آنان خواهند شد. (۴)

در تفسیر نمونه آمده است: ارث در آیات قرآن، گاهی به تسلط و پیروزی یک قوم صالح بر قوم ناصالح و در اختیار گرفتن مواهب و امکانات آنان اطلاق شده است، چنان که در آیه ۱۳۷ سوره اعراف به همین معنا آمده

۱- روض الجنان، ج ۱۳، ص ۲۸۸.

۲- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۰؛ الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۷۵؛ التفسیر الوسیط، ج ۹، ص ۲۵۸.

۳- مفردات، ص ۸۶۳ «ارث».

۴- التبیان، ج ۷، ص ۲۸۴؛ الکشاف، ج ۳، ص ۱۳۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۱، ص ۳۴۹؛ التفسیر الوسیط، ج ۹، ص ۲۵۷؛ روح البیان، ج ۵، ص ۵۲۸؛ تفسیر الکشاف، ج ۵، ص ۳۰۳؛ من وحی القرآن، ج ۱۵، ص ۲۷۷.

است. (۱) همچنین برخی در ذیل آیه ۵ سوره قصص گفته اند: ارث در این جا مجازاً در معنای جانشینی از امت های دیگر به کار رفته است و این ارث خاصی است که همان میراث بری حکومت در زمین است که پیش از آنان در دست دیگران بود. (۲)

«الصالحون»: از ریشه «صلح» است که گاهی در مقابل فساد و گاهی در برابر گناه به کار می رود (۳) برای این اساس گاهی به معنای کسانی است که فساد نمی کنند و اصلاح می کنند و گاهی به معنای کسانی است که مرتکب گناه نمی شوند.

برخی از مفسران از واژه «عبادی» که موصوف «الصالحون» است، به دلیل نسبت یافتن آن با خدا مسئله ایمان و توحید را از بارزترین ویژگی های بندگان صالح (زامداران جامعه صالحان) شمرده و گفته اند: «صالحون» معنای گسترده و پرشمولی دارد که همه شایستگی ها در حوزه رفتار، اندیشه و شناخت، قدرت و توانایی و مدیریت را دربر می گیرد. به بیان دیگر زمین از شرک و معصیت پیراسته شده، جامعه بشری صالح در آن سکونت خواهد گزید، و ساکنان آن جز خدا را نپرستیده و ذره ای شرک نخواهند داشت. (۴) بنابراین صالحان مورد نظر آیه، کسانی هستند که نه تنها گناهی مرتکب نمی شوند، بلکه با اصلاحاتی که در جامعه انجام می دهند، جامعه را رو به

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۵-۵۱۶.

۲- التحریر و التئویر، ج ۲۰، ص ۱۴.

۳- مفردات، ص ۴۸۹ «صلح».

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۰؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۷-۵۱۸؛ الفواتح الالهیه، ج ۱، ص ۵۴۳؛ الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۷۶-۳۷۷.

سعادت برده و پیراسته از گناه می کنند.

«بلاغ»: راغب در معنای این واژه گفته است: مصدر از ریشه «بلغ» به معنای رسیدن به پایان و انتهای مقصد، خواه مکان باشد یا زمان یا امری معین؛ و گاهی به معنای نزدیک شدن به مقصد نهایی است؛ هرچند به پایان نرسد. (۱) آن گاه با نظر به کاربردهای قرآنی آن، تبلیغ و رساندن، و کفایت و کافی بودن را از معانی بلاغ شمرده است (سوره ابراهیم، آیه ۵۲؛ سوره انبیاء، آیه ۱۰۶). (۲)

برخی لغت پژوهان معاصر گفته اند: این واژه در اصل به معنای رسیدن به حدّ اعلی و مرتبه نهایی است. و همین نکته، آن را از ماده و وصول جدا می کند. چون که «وصل الثمار»؛ میوه رسید؛ یا «وصل الصبی»؛ کودک بالغ شد گفته نمی شود. (۳)

بلاغ در آیه شریفه به مفهوم رساندن به حدّ اعلی و وضوح است که شکی در آن نباشد. راغب نیز «بلاغ» در آیه را به کفایت معنا کرده بود که همین معنا را می رساند. میان مفسران، در مشارّءِ الیه واژه «هذا» گفت و گوست. برخی مقصود از آن را اشاره به محتوای سوره و برخی مضمون آیه پیش

— وعده حق تعالی — و شماری اشاره به قرآن گرفته اند. صاحب الفرقان گفته است: «مراد از "هذا"، اشاره به میراث بری زمین از سوی صالحان است. تعبیر به بلاغ، سبب می شود قوم عبادت کننده با امید به این که به آن جامعه موعود برسند با هر سختی و دشواری به عبادت خدا مشغول شوند.

۱- مفردات، ص ۱۴۴ «بلغ».

۲- مفردات، ص ۱۴۴ «بلغ».

۳- التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۳۳۳ «بلغ».

و در به دست آوردن آمادگی لازم برای این که از اعضای دولت کریمه باشند از هیچ کوششی فروگذار نمی شوند. بدون این که در انجام وظایف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی سستی کنند». (۱)

بلاغ بودن وعده در آیه برای قوم عبادت کننده، اشاره به این نکته است که از اساسی ترین شاخصه های قوم موعود عبادت به مفهوم حقیقی آن است. چون که عبادت واقعی سبب رقت و خشیت قلب شده، آمادگی پذیرش وعده های حق تعالی و مواعظ وی را ایجاد می کند. و نیز واژه «قوم» نشان از این دارد که قوام آنان به عبادت و بندگی است. این مفهوم در بعضی تفاسیر نیز دیده می شود.

تفسیر آیه

از نگاه مفسران شیعه و شماری از مفسران اهل سنت، آیه به پایان تاریخ نظر داشته، در پایان، جامعه ای شایسته با حکومت سراسری و فراگیر به دست مؤمنان صالح را نوید می دهد. (۲)

دیدگاه مفسران شیعه

انحصار تحقق وعده در عصر ظهور (پایان تاریخ)

مفسران شیعه هم سو با روایات اهل بیت علیهم السلام تحقق وعده حق تعالی در آیه شریفه را به زمان ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تخصیص داده اند. تعیین مقصود از فراز «عبادی الصالحون» و گستره «الارض» در نتیجه تفسیر آیه

۱- الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۸۳.

۲- الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۷۴-۳۷۶؛ الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ج ۱، ص ۴۳۶-۴۳۷؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۵۷-۲۵۸؛ روح المعانی، ج ۹، ص ۹۸؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۴۴۵؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۹۲.

پراثر خواهد بود.

طبرسی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

قال أبو جعفر عليه السلام: هم أصحاب المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف في آخر الزمان؛

و يدل على ذلك ما رواه الخاص و العام عن النبي صلى الله عليه و آله و سلم أنه قال:

لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث

رجلاً صالحاً من اهل بيتي يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما قد ملئت

ظلماً و جوراً؛ (۱)

امام باقر علیه السلام [در باره عبادی الصالحون] فرمود: آنان یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پایان تاریخ هستند. سپس طبرسی می نویسد: روایتی که شیعه و سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند که فرمود: اگر از دنیا جز یک روز نباشد؛ حق تعالی آن روز را طولانی می کند تا مرد صالحی را از اهل بیت من مبعوث کند. و وی زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان که از جور و ستم پر شده است. سپس روایات مشابهی را از راویان اهل سنت نقل می کند.

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام گستره جغرافیایی این وعده را سراسر

زمین می داند:

عن أبي جعفر عليه السلام: إن ذلك وعد للمؤمنين بأنهم يرثون جميع الأرض؛ (۲)

این وعده ای است برای مؤمنان که سراسر زمین را به ارث می برند.

از آن جا که این مهم تاکنون تحقق نیافته است، نتیجه این می شود که مؤمنان، در آینده وارث سرتاسر زمین خواهند شد. برای تأکید، برخی مفسران گفته اند:

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶.

۲- التبیان، ج ۷، ص ۲۸۴.

و المعنى ان الحكم و السلطان فى الأرض، و ان كان الآن بأيدى الطغاه الفجره فان الله سينقله من أيديهم الى الطيبين الأخيار لا محاله، و عندها يعم الأمن و العدل الكره الأرضيه، و ينعم بخيراتها و بركاتها الناس كل الناس، و فى هذا المعنى أحاديث كثيره و صحيحه؛ [\(۱\)](#)

معناى آيه اين است كه هرچند اكنون حكومت و سلطه در روى زمين به دست طاغوتيان است؛ حق تعالى، ناگزير آن را از دست آنان به دست انسان هاى پاك و نيكو كردار خواهد سپرد. و آن وقت امنيت و عدالت سراسر گيتى را فرا خواهد گرفت و عموم مردمان از خيرات و بركات آن بهره مند خواهند شد. چنان كه احاديث فراوانى در اين باره نقل شده است. سپس همان حديث را از صحاح سته نقل مى كند. و روشن است اين اتفاق، در پايان تاريخ محقق خواهد شد.

در بعضى روايات، بندگان صالح به آل محمد صلى الله عليه و آله و سلم و اهل بيت عليهم السلام تفسير شده است:

عن سفیان بن إبراهيم الجریري عن أبي صادق قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله _ عزَّوجلَّ _ : (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ...). قال: نحن هم. قال: قلت: (إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ) قال: هم شيعةنا؛ [\(۲\)](#)

صادق پدر سفیان از امام باقر عليه السلام از تفسیر آیه ۱۰۵ سوره انبیاء پرسید؛ امام فرمود: مراد، ما [اهل بيت] هستیم. سپس از آیه ۱۰۶ پرسید؛ حضرت پاسخ داد: آنان [عابدان] شیعیان ما هستند.

اهل سنت نیز روایتی هم سان با این روایت از پیامبر صلى الله عليه و آله و سلم نقل کرده اند:

۱- تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۳۰۲.

۲- کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۸۳.

عن أبي الدرداء قال: قال: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: قال الله تعالى: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ فَنَحْنُ الصَّالِحُونَ»؛ (۱)

ابی الدرداء می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند می فرماید بندگان صالح زمین را به ارث می برند؛ و ما همان بندگان

صالح هستیم.

آشنایان با بیان روایات می دانند که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود و اهل بیتش است.

از سوی دیگر برخی تفاسیر اجتهادی با تمسک به شواهد درون متنی از آیات قرآن، آیه را بشارتی بزرگ به دولت فراگیر اسلامی در پایان تاریخ معنا می کنند. ایشان میراث بری زمین را در دو گستره دنیا و آخرت معنا می کند. و در مفهوم «عبادی الصالحون»، آنان را جامع عموم شایستگی ها و نیکویی های لازم برای زندگی می دانند. آن گاه نتیجه می گیرد که بر همه دانشمندان و اندیشه وران روشن است که تاکنون چنین حکومتی رخ نداده است و ناگزیر در پایان تاریخ محقق می شود. (۲)

بنابراین به باور بسیاری از مفسران شیعه و برخی از اهل سنت _ اشاره خواهد شد _ مراد از «ارض» در آیه سراسر زمین است. (۳) و به رغم این که در فتره ای از زمان حکومت در دست طاغوتیان است، حق تعالی بر اساس سنت های اجتماعی خویش روزی فرمان روایی زمین را به مؤمنان صالح

۱- تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۸، ص ۲۴۷۱.

۲- الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۷۶-۳۷۷.

۳- التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۹۲؛ المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۱۰۳؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۴۴۵؛ من وحی القرآن، ج ۱۵، ص ۲۷۷؛ تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۳۰۲.

منتقل خواهد ساخت. (۱)

تفسیر «عبادی الصالحون» به امت اسلامی یا صحابه و «الارض» به زمین بهشت، سرزمین مقدس یا سرزمین فرعونیان در تفاسیر شیعه بسیار کم رنگ است.

نتیجه این که «ارث» به مفهوم انتقال مال یا چیزی از شخصی به شخص دیگر بدون قرارداد و معامله است، میراث میت هم از همین باب است. (۲) روشن است میراث بری امری قهری بوده و برابر قانون الهی یا مدنی به دیگران منتقل می شود. میراث بری حکومت فراگیر صالحان، وعده محتوم خداوند در ادیان آسمانی است، که در پایان تاریخ جامه عمل خواهد پوشید. اما مقصود از میراث بری زمین از سوی صالحان در پایان تاریخ به معنای «انتقال تسلط بر منافع زمین از دیگران به صالحان و استقرار برکات زندگی به سبب این وراثت در میان آنان است. این برکات، در دنیا به معنای استفاده شایسته از نعمت ها و زینت های آن و در آخرت رسیدن به مقامات قرب الهی است که البته آن هم از برکات جامعه شایسته در همین دنیا است». (۳) به بیان دیگر «بندگان صالح از فرصت زندگی در این دنیا به شایستگی استفاده کرده و زاد و توشه آخرت را فراهم می کنند تا آن جا وارث نتیجه اعمال نیک شان شوند، این در حالی است که اگر کافران در این دنیا به همه چیز از فرمان روایی و ثروت و جاه و مقام دست یابند در

۱- من وحی القرآن، ج ۱۵، ص ۲۷۷؛ تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۳۰۲.

۲- مفردات، ص ۸۶۳ «ارث».

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۰.

آخرت سودی به حال شان نداشته و جز وبال و حسرت، نتیجه ای برای شان نخواهد داشت. و گویا در دنیا جز شامگاه یا بامدادی بیش نبوده اند». (۱) برخی در رابطه با چگونگی این انتقال گفته اند: «امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با فتوحات به این میراث بری می رسند». (۲) برخی دیگر «یرثها» را به سکونت بندگان مؤمن در زمین معنا کرده اند. (۳) همچنین مقصود از وراثت را با جانشینی انسان بر روی زمین پیوند داده و گفته اند: مراد از جانشینی انسان، آبادانی زمین و به کارگیری گنج ها و معادن و ذخایر و انرژی های موجود در زمین و دست یابی به سرمایه های پنهان زمین برای رسیدن به کمال شایسته انسان در مسیر الهی است. کسانی شایسته میراث بری زمین در پایان تاریخ خواهند بود که بین ایمان و عمل صالح و استفاده از ذخایر مادی و مظاهر تمدن جدایی نیاندازند. و استفاده از امکانات مادی را در جهت رشد علمی و اخلاقی انسان به کار گیرند. (۴)

دیدگاه مفسران اهل سنت

اشاره

اهل سنت در تفسیر این آیه دیدگاه های متفاوتی دارند و شاید بتوان گفت آیه را به دو گونه تفسیر کرده اند که با تأمل در ریشه های تفاوت دیدگاه ها می توان به نظر واحد یا دست کم عدم اختلاف دیدگاه ها رسید. بدین معنا که با دو رویکرد به تفسیر آیه پرداخته اند؛ نه این که در صدد نفی

۱- التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۹، ص ۹۶۲.

۲- الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۲، ص ۳۲۹؛ الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۴۳۶؛ فتح القدر، ج ۳، ص ۵۰۸؛ زادالمسیر، ج ۳، ص ۲۱۸.

۳- بحر العلوم، ج ۲، ص ۴۴۵.

۴- فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۴۰.

تحقق وعده در عصر نزول و امتداد آن

شماری از مفسران اهل سنت، آیه را ناظر به عصر نزول دانسته و وعده حق تعالی را محقق پنداشته اند. این دیدگاه ریشه در چگونگی تفسیر واژه «الارض» و فراز «عبادی الصالحون» دارد. به باور شماری از مفسران اهل سنت، که شوکانی به بیشتر مفسران نسبت داده است، (۱) مراد از «الارض»، زمین کفار است که با فتوحات اسلامی در عصر رسالت و خلافت تحقق یافت و امت اسلامی (بندگان صالح) (قرطبی به بیشتر مفسران نسبت داده است) وارث سرزمین کفار شدند. (۲) هرچند برخی، بدون تصریح به زمان خاصی گفته اند: همه مؤمنان پس از راندن کفار وارث سرزمین آنان می شوند. (۳) عموم مفسران، این تفسیر را از ابن عباس و کلبی نقل کرده اند. (۴) یادآور می شویم؛ جز ابن عاشور که مراد از «الارض» را زمین مکه گفته، سایر مفسران به صورت سربسته و بدون اشاره به زمان و مکان خاصی، به تفسیر پیش گفته بسنده کرده اند. برداشت ما از اطلاق گفتار آنان است که امت اسلامی را در همه اعصار شامل می شود. از این رو، این دیدگاه، عصر ظهور و پایان تاریخ را از شمول آیه خارج نمی کند.

در برابر به اعتقاد شمار زیادی از مفسران (۵) مراد از «الارض» زمین بهشت

۱- فتح القدير، ج ۳، ص ۵۰۸.

۲- تفسیر قرطبی، ج ۱۱، ص ۳۴۹؛ مراح لبید، ج ۲، ص ۶۳.

۳- روح البیان، ج ۵، ص ۵۲۸.

۴- التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۹۲.

۵- روح المعانی، ج ۹، ص ۹۸.

است. این دیدگاه، افزون بر استدلال به سیاق آیات و آیات دیگری از قرآن و تحلیل اجتهادی، به گفتار ابن عباس استناد جسته است. (۱) برابر این دیدگاه وعده مزبور، بشارت به امت اسلامی در جهان آخرت است و ارتباطی با تحقق آن در این دنیا ندارد.

میراث بری سرزمین مقدس از سوی امت اسلامی نیز در تفاسیر اهل سنت، به عنوان یکی از اقوال در تفاسیر به چشم می خورد که به بعضی از آیات قرآن استناد جسته اند. (۲) این قول نسبت به اقوال دیگر بسیار کم رنگ است. و برپایه آن، وعده حق تعالی در عصر خلفا و امتداد آن تحقق یافته است.

تحقق وعده در عصر ظهور (پایان تاریخ)

به اعتقاد شمار دیگری از مفسران اهل سنت، تحقق وعده حق تعالی در پایان تاریخ مجال ظهور خواهد یافت. این دیدگاه «الارض» را به زمین دنیا و «عبادی الصالحون» را به امت اسلامی تفسیر کرده است. این گروه از مفسران نیز افزون بر استناد به آیات دیگر مانند آیه ۵۵ سوره نور به گفتار ابن عباس و کلبی تمسک جسته اند. (۳) مفسران با تعبیرات گوناگون به این تفسیر اشاره کرده اند که همه حکایت از تحقق آن در پایان تاریخ دارد. صاحب تفسیر بحر العلوم پس از اشاره به اقوال می نویسد:

و يقال جميع الأرض تكون في آخر الزمان، كما قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم: سيبلغ

۱- تفسیر ثعلبی، ج ۶، ص ۳۱۳؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۲۱۷؛ روح البیان، ج ۵، ص ۵۲۷.

۲- تفسیر ثعلبی، ج ۶، ص ۳۱۳.

۳- جامع البیان، ج ۱۷، ص ۸۳؛ روح المعانی، ج ۹، ص ۹۸؛ المنیر، ج ۱۷، ص ۱۳۹؛ تفسیر الوسیط، ج ۲، ص ۱۶۲۰.

ملک أمتی ما زوی لی منها؛ (۱)

و گفته شده، مراد از زمین سراسر زمین در پایان تاریخ است. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرمان روایی امت من تا بدان جا که برای من جمع [و مشاهده] شد خواهد رسید.

مظهري پس از اشاره به معانی دیگر با اختیار این معنا می نویسد:

قلت فالمراد بالأرض جميع الأرض روی احمد عن المقداد انه سماع رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول لا يبقى على ظهر الأرض بيت مدر و لا وبر إلا دخله الله كلمة الإسلام بعز عزيز او ذل ذليل اما يعزهم فيجعلهم من أهلها او يذلهم فيدينون لها قال مقداد قلت فيكون الدين كله لله؛ (۲)

من می گویم مراد از «الأرض» سراسر زمین است. سپس به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمسک می کند که در این نوشتار در ذیل آیات بعدی ترجمه شده است.

ابن جزى نیز با تعیین همین معنا برای «الأرض» می گوید:

الأرض هنا على الإطلاق فى مشارق الأرض و مغاربها و قيل: الأرض المقدسه، و قيل: أرض الجنة، و الأول أظهر، و العباد الصالحون: أمه محمد صلى الله عليه و آله و سلم ففى الآية ثناء عليهم، و إخبار بظهور غيب مصداقه فى الوجود إذ فتح الله لهذه الأمه مشارق الأرض و مغاربها؛ (۳)

زمین در آیه شریفه به معنای مشارق و مغارب [کنایه از سراسر زمین] زمین است. و گفته شده مراد سرزمین مقدس یا زمین بهشت است. اما معنای اول روشن تر است. و مراد از بندگان

۱- بحرالعلوم، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲- التفسیر المظهري، ج ۶، ص ۲۴۴.

۳- التسهيل لعلوم التنزيل، ج ۲، ص ۳۱.

صالح امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که در آیه مورد ستایش قرار گرفته اند. همچنین از اخبار غیبی قرآن است که با گشودن سراسر زمین برای امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محقق خواهد شد. روشن است میراث بری سراسر زمین از سوی بندگان صالح تاکنون محقق نشده است.

ابن عاشور گفته است:

و إن كان المراد أرضاً من الدنيا، أي مصيرها بيد عباد الله الصالحين كانت هذه الآية مسوقه لوعده المؤمنين بميراث الأرض التي لقوا فيها الأذى، و هي أرض مكة و ما حولها، فتكون بشاره بصلاح حالهم في الدنيا بعد بشارتهم بحسن مآلهم في الآخرة على حد قوله تعالى (نحل ۱۶/۹۷). على أن في إطلاق اسم الأرض ما يصلح لإرادة أن سلطان العالم سيكون بيد المسلمين ما استقاموا على الإيمان و الصلاح. و قد صدق الله وعده في الحاليين و على الاحتمالين. وفي حديث أبي داود و الترمذی عن ثوبان قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: إن الله زوى

لی الأرض فرأيت مشارقتها و مغاربها و أن أمتی سیبلغ ملکها ما زوی

لی منها؛ (۱)

و اگر مراد از «الأرض» زمین دنیا باشد، یعنی سرنوشت آن به دست بندگان صالح باشد، این آیه وعده به مؤمنان است که سرزمینی را که در آن آزار دیدند به ارث خواهند برد و آن سرزمین، مکه و اطراف آن است. بنابراین این آیه، بشارت به سرنوشت نیکوی مؤمنان در دنیا است، پس از آن که به عاقبت خوش در آخرت بشارت داده شدند؛ شبیه آن چه در آیه ۹۷ سوره نحل آمده است. اما معنای آیه می تواند بالاتر از این باشد. چونکه از اطلاق

واژه «الارض» به دست می آید که اگر مسلمانان بر صراط ایمان و عمل صالح پای بند و پایدار باشند در آینده فرمان روایی [سراسری] دنیا به دست آنان خواهد بود. و در هر دو صورت خداوند در وعده خود راست گوست [یعنی یکی محقق شده و دیگری محقق خواهد شد]. در حدیث ابی داود و ترمذی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این معنا اشاره شده است که فرمود: خدای سبحان زمین را برای من جمع کرد تا بدان جا که مشارق و مغارب آن را دیدم؛ فرمان روایی امتم تا بدان جا که برای من جمع [و مشاهده] شد خواهد رسید.

آلوسی نیز با استناد به آیه ۵۵ سوره نور و حدیث یاد شده به این معنا اشاره و گفته است:

و إن قلنا بأن جميع ذلك يكون في حوزة المؤمنين أيام المهدي _ رضی الله تعالی عنه _ و نزول عیسی _ علیه السلام _ فلا حاجة إلی ما ذکر؛ (۱)

و اگر بگوییم همه این رخدادها _ فرمان روایی سراسری مؤمنان _ در عصر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزول عیسی علیه السلام محقق خواهد شد، نیازی به این تفسیر نیست. ایشان به طور ضمنی این تفسیر را پذیرفته، اما به دلیل پیش گفته التزام به آن را ضروری نیافته است.

صاحب المنیر با جمع بین اقوال و هم سو با برخی تفاسیر شیعه

گفته است:

میراث بری زمین در دنیا و آخرت، جز برای بندگان شایسته، که همان مؤمنان پای بند به اطاعت پروردگار هستند، روا نیست. (۲)

۱- روح المعانی، ج ۹، ص ۹۸.

۲- التفسیر المنیر، ج ۱۷، ص ۱۳۹.

حاصل این که از گفتار شماری از مفسران اهل سنت، به دست می آید که وعده حق تعالی محقق نشده و در پایان تاریخ تحقق خواهد یافت. چنان که برخی با صراحت بیشتری گفته بودند که آیه ناظر به پایان تاریخ است.

بسی شایسته یادآوری است دیدگاه مفسران اهل سنت، در تفسیر این آیه با دیدگاه مفسران شیعه هم سو بوده و زمان تحقق این وعده الهی را در پایان تاریخ دانسته و به گفته برخی به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

پاسخ به چند پرسش

یادکرد از تورات و زبور

از آن جا که شایسته است، سنت های حق تعالی در همه کتاب های آسمانی بیان شود؛ اما در این آیه شریفه بیان این سنت و وعده را در تورات و زبور یاد کرده است؛ برخی مفسران در بیان دلیل این یادکرد گفته اند:

خداوند بنی اسرائیل این قوم مستضعف را از سلطه فرعون به دست موسی رهانید و سرزمین ظالمان را به میراث به آنان داد.

همچنان که به داود حکم عنایت کرد و برای او اسباب قدرت مهیا نمود.

پس ضروری بود که از هر دو یاد کند تا مردم بدانند که وارثان همه زمین ها صالحان هستند. و به دو نکته اشاره کرده است:

نخست: این که آن چه در زمان موسی و داود انجام شد الگو و گواهی بر رخدادهای پایان تاریخ برای مؤمنان است؛ زیرا اسلوب قرآن این گونه است که تدبر کنندگان را از حقایق آشکار به معانی غیبی که دامنه وسیعی دارند

رهنمون می شود.

دوم: برای این که مؤمنان بدانند حق تعالی به همان سان که در عصر موسی و داود زمین را برای مؤمنان به ارث گذاشت؛ در آینده نیز به همان سان برای صالحان به میراث خواهد گذاشت. این آگاهی، امیدی در صالحان ایجاد می کند که نشاط و سرزندگی افزون تر را سبب می شود. و بصیرتی را سبب می شود تا مؤمنان بدانند حرکت هستی به سمتی است که به وراثت صالحان منتهی خواهد شد. (۱)

انحطاط مسلمین و پیشرفت غرب

در پاسخ به این پرسش گفته اند:

صلاح، مرکب پیشرفت است و این یعنی هماهنگی میان عمل انسان و سنت های آفرینش. پس چرا ما عقب افتاده ایم و غرب پیشرفت کرده است. با آن که آن ها کافرند. آیا در عمل صالح اند؟

می گوییم: بلی. آن ها بعضی از سنت های حق تعالی را کشف کردند و برابر آن عمل نمودند (مانند کوشش، نظم و ترتیب، نقشه و برنامه) بدین سبب بر ما پیشی یافتند.

ولی آن ها بنیان اعتقادی درستی ندارند یعنی فاقد چارچوب سالمی برای فعالیت های شان هستند. پس به راه راست نمی روند مثل کسی هستند که با جدیت تمام در راهی غیر از آن چه مقصد اوست پیش می رود. می بینی که می دود، یا برای حرکت و سیر وسایلی دارد که او را برای رسیدن به هدف مساعدت می کنند ولی راهی که در پیش دارد به هدف منتهی

۱- من هدی القرآن، ج ۷، ص ۳۸۸؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۷.

نمی شود. پس نه کوشیدن به دردش می خورد نه نظم و ترتیب و نه نقشه و برنامه و هزینه های هنگفت.

غریبان جزئی از شرط دوم را دارا هستند بدون شرط اول. شرط مهم برای وراثت زمین بندگی خداست پس آن ها هرگز وارث زمین نخواهند شد؛ زیرا بندگان صالح خدا نیستند. آن ها از صلاح همان اندازه دارند که پاداش آن، پیشرفت محدود است و موقت. و ما مسلمانان نیز از فساد همان اندازه بهره داریم که ما را در دنیا به عقب می اندازد.

بنا بر این باید به تمام دستوره‌های دینی عمل کنیم تا در خور نام بندگان صالح خداوند شویم آن گاه وارث سراسر زمین گردیم. (۱)

افزون بر این برابر سنت های خدای سبحان صالحان، در پایان وارث داشته های کافران خواهند بود. شاید بتوان دلیل این سنت را در این نکته جست و جو کرد که کفار سبب انحطاط صالحان هستند؛ چون که آنان را در استضعاف نگه داشته و از هر جهت آنان را در تنگنا قرار می دهند و مانع از رشد و پیشرفت شان می شوند. تجربه و شواهد تاریخی به ویژه در جهان معاصر گواه روشنی بر این ادعاست.

امروزه ایالات متحده و همراهان غریبش با تمام توان از پیشرفت مسلمانان به ویژه صالحان جلوگیری می کنند. و همه چیز را در انحصار خودشان می خواهند.

نتیجه گیری

از مفهوم شناسی واژگان و تحلیل مفسران به دست آمد که مراد از «زبور»

کتاب داود علیه السلام و مقصود از «ذکر» تورات است. «ارض» در آیه شریفه به مفهوم سراسر زمین، به ویژه سرزمین های کفار است. مقصود از «یرثها» میراث بری و انتقال مال از سلف به خلف _ به حسب موارد _ بدون داد و ستد است. و «صالحون» به بندگان شایسته و مؤمن که شایسته زندگی در زمین و صلاحیت آبادانی مادی و معنوی زمین را دارا هستند اطلاق شده است. مفسران شیعه هم سو با روایات اهل بیت علیهم السلام آن را بر اهل بیت و شیعیان تطبیق کرده اند. اما مفسران اهل سنت در تفسیر آیه به ویژه فراز مزبور توفیق زیادی نیافته اند و اقوال شان از آشفتگی و پراکندگی و سردرگمی حکایت دارد. از همین رو بیشتر آنان به نقل اقوال بسنده کرده و از تطبیق آن بر مورد خاص دوری کرده اند. و شاید به همین دلیل بتوان بین اقوال مفسران فریقین هم سویی ایجاد کرد؛ چون که مفسران اهل سنت دیدگاه پایان تاریخ را در تفسیر آیه نفی نکرده اند.

براین اساس خدای سبحان در کتب آسمانی انبیای پیشین میراث بری پهنه گیتی و سلطه و نفوذ سراسری مؤمنان بر روی زمین را بشارت داده است. بنابراین مؤمنان از امت اسلام به رهبری مصلح کل وارث داشته های کفار و فرمان روای زمین خواهند بود. چنان که این میراث بری در امت بنی اسرائیل (اعراف: ۱۳۷) نیز صورت گرفت. مستضعفان بنی اسرائیل پس از صبر و بردباری سرانجام وارث داشته های فرعونیان در اوج قدرت شدند که خود بشارتی به امت اسلامی است که به رغم استضعاف، در صورت بردباری، روزی با پشتیبانی خدای سبحان وارث داشته های کفار در سراسر زمین خواهند شد.

یادآوری

یادآوری این نکته پراهمیت است که چنان چه براساس گفته برخی از مفسران (۱) مراد از زبور، کتب پیامبران پیشین و مقصود از ذکر، لوح محفوظ باشد؛ پیشینه این موضوع (پایان تاریخ) ازلی بوده و پیش از تاریخ بشر پیش بینی و با ارسال رسولان ابلاغ شده است. روشن است این بیان نشان از اهمیت و جایگاه والای موضوع در معارف آسمانی دارد.

۲. آیه ۵۵ سوره نور

اشاره

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ يَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (سوره نور، آیه ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس شان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن ها فاسقانند.

دومین آیه ای است که وعده حکومت و جامعه ای ویژه به مؤمنان و

۱- التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۹۲؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۲۱۷؛ الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۲، ص ۳۲۸.

صالحان را داده، و از سوی مفسران، به جامعه صالحان در پایان تاریخ تفسیر شده است.

واژگان آیه

«وعد»: این واژه دراصل، تعهد بر کاری است و این تعهد می تواند در

کار خیر یا کار شر باشد که با قرینه مشخص می شود. (۱) از کاربردهای

قرآنی این واژه به دست می آید که تعهد به انجام کاری در آینده را

وعدہ می گویند (سوره اسراء، آیه ۱۰۸؛ سوره هود، آیه ۶۵) بیشترین کاربرد

این واژه در خیر است. چنان که در مفاهیم عرفی هم همین معنا را

قصد می کنند.

از نگاه مفسران «وعدہ الهی به مؤمنان در این آیه شریفه به دنبال امر به اطاعت از خدا و رسول در آیه قبلی نشان از سختی فرمان برداری از خدا و رسول دارد. از این رو فرمان بردن از رهبر و حاکم زمانی محقق می شود که به دنبالش هدف مشخصی باشد. در این صورت افراد جامعه ایمانی برای رسیدن به جانشینی در زمین سعی در ذوب شدن در شخصیت رهبر داشته و از انانیت خود دست برمی دارند. این دست برداری از انانیت سبب یکسان سازی شخصیت آنان شده و سرانجام عموم مؤمنان به همان شخصیت رهبر معصوم آراسته می شوند». (۲) بنابراین بشارت به خلافت فراگیر با تعبیر وعدہ نور امید را در دل ها شعله ور ساخته افراد را در جهت خودسازی و هم بستگی در جامعه کمک می کند. همچنین برخی از

۱- مفردات، ص ۸۷۵؛ التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۱۳، ص ۱۴۳ «وعد».

۲- من هدی القرآن، ج ۸، ص ۳۴۷-۳۴۸.

مفسران گفته اند:

وعدۀ برای امری است که در آیندۀ مجال ظهور می یابد. براین اساس وعدۀ الهی در آیه یاد شده در زمانی غیر از عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب وی محقق خواهد شد. (۱)

شواهد تاریخی هم گواه دیگری بر این مدعاست که تاکنون جامعۀ مورد نظر آیه شریفه محقق نشده است.

«یستخلف»: این واژه از ریشه «خلف» به معنای چیزی است که از نظر زمان، مکان یا کیفیت، پشت سر و دنبال چیزی بیاید. از جمله مصدرهای مشتقات این واژه، «خلافت» به معنای «جانشینی از غیر است». این جانشینی به دلیل غایب بودن منوب عنه، مرگ وی یا شرافت جانشین است که خلافت اولیای الهی [در روی زمین] از همین باب است. (۲) کاربردهای قرآنی این واژه نیز در همین راستا قابل معنا هستند. یادآور می شویم افزون بر این دلایل در جانشینی نایب، با نظر به آیه فوق به منت الهی نیز می توان در زمره این دلایل اشاره کرد.

درک ماهیت استخلاف با موضوع آیه مورد بحث ارتباط مستقیم دارد؛ از این رو باید در تعبیر استخلاف در قرآن درنگ کرد تا ماهیت آن را از نگاه قرآن باز شناخت. بدین منظور شاید بتوان استخلاف در آیات قرآن را به سه نوع تقسیم کرد: (۳)

نوع اول: استخلاف طبیعی، به معنای مطلق جایگزینی است که در آن

۱- روض الجنان، ج ۱۴، ص ۱۷۰.

۲- مفردات، ص ۲۹۴؛ التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۳، ص ۱۱۰ «خلف».

۳- بررسی تطبیقی آیات مهدویت، ص ۸۵-۹۰.

خداوند برای اهل زمین مقرر کرده نسلی پس از نسل دیگر جایگزین آنان شوند و به طور طبیعی مالک دارایی های گذشتگان گردند. (سوره فاطر، آیه ۳۹؛ سوره انعام، آیه ۱۶۵ و...) و این استخلاف سنتی از سنت های خداست.

نوع دوم: استخلاف به معنای وراثت از پیشینیان است که خداوند، قومی را که عناد ورزیده و نعمت های خدا را ناسپاسی می کنند به هلاکت رسانده و قومی دیگر را وارث سرزمین آنان می گرداند.

در این نوع، قوم سلف دچار ظلم و فساد و تباهی اند و قوم خلف و جانشین در استضعاف و ناامنی به سر برده اند. چنان که ایمان به خدا و یکتاپرستی از ویژگی های آنان است. و پس از جانشینی از اقتدار و تمکین برخوردار می شوند. قرآن، این مهم را در مورد قوم نوح و بنی اسرائیل روایت می کند، (سوره اعراف، آیه ۱۲۸-۱۲۹، ۱۳۷؛ سوره یونس، آیه ۷۳).

این نوع از استخلاف نیز مانند نوع اول سنتی از سنت های پروردگار است که خداوند پس از آزمون مؤمنان و احراز شایستگی آنان، به آنان

مقام استخلاف و وراثت زمین و اقتدار و امنیت می بخشد. نباید فراموش کرد این سنت الهی در مورد همگان ساری و جاری است. از این رو

خداوند به وارثان نیز هشدار می دهد تا مواظب اعمال خود باشند، (سوره یونس، آیه ۱۳-۱۴). بیشتر مفسران، استخلاف در آیه مورد بحث را از همین نوع می دانند.

نوع سوم: استخلاف ویژه برای انبیا و اوصیا از ناحیه حق تعالی است. خداوند آنان را به طور خاص نماینده خود در زمین قرار داده، خلافت را برای

آنان جعل کرده است. در واقع انبیا و اوصیا حجت خدا بر روی زمین هستند که براساس سنت پروردگار، باید همواره باشند و زمین خالی از حجت خدا نباشد. افزون بر مفسران شیعی برخی از مفسران اهل سنت نیز به این سنت اقرار دارند. (۱)

خلافت در آیه مورد بحث را از جهاتی می توان بر این نوع تطبیق کرد؛ زیرا خلافت آنان به جعل الهی خواهد بود. دست کم برپایه روایات و گفته مفسران شیعه و برخی مفسران اهل سنت رهبری آنان به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، وصی پیامبر اسلام خواهد بود که خلافتش از نوع سوم است. بنابراین آیه به هر دو نوع خلافت نظر دارد.

از نگاه برخی مفسران، خلافت در آیه شریفه را می توان به دو گونه

معنا کرد:

نخست: مراد از آن به معنای جانشینی از خدا بر روی زمین باشد. خلیفه باید در ذات و صفات مانند مستخلف عنه (کسی که از او جانشینی می کند) باشد تا بتواند از وی نیابت کرده و در مواردی مانند غیبت یا مرگ و عزل مستخلف عنه به جای وی نشیند. روشن است این مفهوم

درباره خداوند معنا ندارد و کسی نمی تواند در ذات و صفات همانند خداوند باشد.

دوم: مقصود خلافت نبوت و امامت باشد که هر پیامبر و امامی جانشین پیامبر و امام پیش از خود است. از این رو هر پیامبر و امامی خلیفه خدا در روی زمین است؛ زیرا خداوند وی را خلیفه قرار داده است.

از آن جا که سلطه فراگیر و سراسری بدین معنا برای پیامبران پیشین اتفاق نیفتاده است؛ بنابراین جانشینی پیامبر اسلام از پیامبران پیشین در این خصوص معنا ندارد. به همین سبب مقصود از خلافت در آیه شریفه به معنای خلافت ایمانی است که مؤمنان از امت اسلامی حسب شأن و رتبه خود از کافرانی که بر زمین تسلط دارند خلافت خواهند داشت و اداره امور جهان را به دست خواهند گرفت. (۱)

«تمکین»: این واژه از ریشه «مکن» به معنای استقرار با قدرت است. و از آثار چنین استقراری عظمت، بلندمرتبگی، سلطنت و قدرت و قرار و ثبات داشتن در مکانی است. (۲) از کاربردهای قرآنی هم مفهوم ثبات و استقرار قابل برداشت است (سوره مؤمنون، آیه ۱۳؛ سوره یوسف، آیه ۵۴، ۵۷). «و منظور از تمکین دین، استقرار به همراه قدرت و استحکام و ثبات آن برای بهره مندی است». (۳)

در تفسیر این واژه گفته شده است: مراد از آن تثبیت و استقرار دین است که هیچ گونه انحراف یا تحریفی در آن راه نخواهد یافت و همانند فراگیری خلافت مؤمنان، دین اسلام نیز بر همه ادیان غلبه داشته و فراگیر خواهد شد. (۴) و بدون کفر و سستی نسبت به امر دین، به احکام آن عمل خواهد شد، به گونه ای که در دل ها جای خواهد گرفت. (۵)

۱- الفرقان، ج ۲۱، ص ۲۲۴.

۲- التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱، ص ۱۵۱ «مکن».

۳- التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴- الفرقان، ج ۲۱، ص ۲۲۵.

۵- الميزان، ج ۱۵، ص ۱۵۴؛ فی ظلال، ج ۴، ص ۲۵۲۹.

کفر: در لغت به معنای پوشاندن، نقیض ایمان و شکر آمده است. (۱) برخی از واژه پژوهان معاصر گفته اند: ریشه اصلی این واژه به معنای بی‌اعتنایی به چیزی و رد کردن آن است، و سایر معانی از لوازم

این معناست. (۲)

مفسران، «کفر» در آیه را به مفهوم کفران و ناسپاسی در برابر

نعمت گرفته اند. (۳) «کسانی که پس از این لطف الهی در برابر نعمت های خدا، با کفر یا نفاق یا گناهان کبیره ناشکری کنند؛ از زی بندگی

خارج می شوند». (۴)

از آن جا که خداوند می فرماید هر کس کفران کند فاسق است. روشن می شود مراد از کفران، ناسپاسی و نقیض شکر است نه نقیض ایمان؛ زیرا کفر در برابر ایمان همیشه سبب خروج از اطاعت پروردگار است نه در موقعیت خاصی مانند وعده الهی در آیه شریفه، که پس از آن سبب خروج از بندگی خدا باشد.

فاسق: از ریشه «فسق» به معنای نافرمانی و سرپیچی از دستور

خدا و خارج شدن از دایره شرع است. چنان که خرما از هسته خود

خارج می شود. (۵)

در تفسیر این واژه گفته اند: یعنی عصیان و نافرمانی خدا کرده اند. (۶) از

۱- مفردات، ص ۷۱۵؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۱۴۴ «کفر».

۲- التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱۰، ص ۸۰ «کفر».

۳- الميزان، ج ۱۵، ص ۱۵۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۲، ص ۲۹۷.

۴- الميزان، ج ۱۵، ص ۱۵۴.

۵- مفردات، ص ۶۳۶؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۰۸ «فسق».

۶- تفسیر بغوی، ج ۳، ص ۴۲۷؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۴، ص ۴۱۴.

طاعت خدا و زی بندگی خارج شده اند. (۱)

از مفهوم این دو واژه استفاده می شود زمانی که خدای سبحان نعمت خویش را بر بندگانش کامل کرد؛ در برابر ناسپاسی این نعمت، عذری پذیرفته نیست و با این کفران نعمت از زی بندگی خارج می شود. بنابراین روشن می شود این وعده، وعده ویژه ای است که باید در یک مرحله ای از تاریخ رخ دهد و خدای سبحان بر بندگانش اتمام حجت کند. و برابر تفسیر مفسران در پایان تاریخ خواهد بود.

تفسیر آیه

از آن جا که مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه و تعیین مخاطبان آیه بر یک دیدگاه نبوده و اختلاف نظر دارند؛ در بیان تفسیر آیه دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت جداگانه بررسی می شود.

دیدگاه مفسران شیعه

اشاره

در میان مفسران شیعه در مورد زمان تحقق و تعیین مصداق برای این آیه دو گونه دیدگاه، به چشم می خورد. برخی با الهام از روایات، تحقق این وعده را متعین به عصر ظهور می دانند. و شماری از مفسران، تحقق وعده الهی را با مصادیق گوناگون در طول تاریخ اسلام می دانند.

انحصار تحقق وعده به عصر ظهور

این دیدگاه برابر روایات اهل بیت علیهم السلام، مقصود آیه را اهل بیت پیامبر به ویژه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان آنان دانسته است. (۲) تعبیر به رضامندی خدای

۱- المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۴؛ الفرقان، ج ۲۱، ص ۲۱۹.

۲- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ تفسیر فرات کوفی، ج ۱، ص ۲۸۹؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹- ۲۴۰؛ مقتنیات الدرر، ج ۷، ص ۳۷۲؛ البرهان، ج ۴، ص ۸۹؛ الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۲، ص ۳۹۴.

سبحان از دین قوم موعود این ادعا را تقویت می کند که مقصود از دین در آیه شریفه، دین اسلام با سرپرستی ولی خداست. به ویژه نسبت استخلاف قوم موعود به حق تعالی، گواه بر جعل الهی این جانشینی است که قدر یقین سرپرستی این قوم به رهبری فردی الهی خواهد بود که در روایات فریقین مورد تأکید است. از این رو دیدگاه شیعه که بر روایات اهل بیت عصمت استوار است با این تمکین دین هم سو بوده و آیه بشارتی به شیعیان اهل بیت است که در روایات نیز اشاره شده و گواه بطلان ادعای مخالفان است.

طبرسی ضمن اشاره به دیدگاه ها در مقصود از مخاطبان آیه،

چنین می نویسد:

در معنای آیه اختلاف نظر است. گفته شده آیه درباره اصحاب پیامبر نازل شده و ابن عباس و مجاهد گفته اند: مفاد آیه عمومیت دارد و همه امت پیامبر را در برمی گیرد. و در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که آیه درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. [\(۱\)](#)

سپس روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود:

به خدا سوگند آنان [قوم موعود] شیعیان ما اهل بیت هستند؛ خداوند این وعده را برای آنان به دست مردی از ما تحقق خواهد بخشید؛ وی مهدی این امت است همان کسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرمود: اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد، آن روز

را طولانی می کند تا مردی از عترت من که هم نام من و هم کنیه من است به ولایت و فرمان روایی رسد و زمین را از قسط و داد پر کند پس از آن که از جور و ستم پر شده است. (۱)

این روایت از امام باقر و امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است. (۲) آن گاه ایشان آیه را چنین معنا می کنند: «مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان است. این آیه به ایشان، استخلاف در زمین، تمکین در بلاد و ارتفاع خوف در زمان قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بشارت می دهد. به همین رو، مراد خداوند [در تنظیر این خلافت] در فراز «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» عبارت از خلفای صالحی است که خداوند آنان را پیش از این در زمین خلیفه قرار داده است. مانند حضرت آدم، داود و سلیمان (سوره بقره، آیه ۳۰؛ سوره ص، آیه ۲۶؛ سوره نساء، آیه ۵۴)، بر این قول _ که مراد آیه پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان هستند _ اجماع عترت

ظاهره منعقد شده و اجماع آنان به دلیل حدیث ثقلین حجت است. و از آن جا که تاکنون تمکین سرتاسری و فراگیر در روی زمین محقق نشده است؛ پس در آینده تحقق خواهد یافت. (۳) شمار دیگری از مفسران شیعه نیز این دیدگاه را پذیرفته اند. (۴)

طبرسی افزون بر روایات و اجماع اهل بیت از شواهد درون متنی آیه نیز بهره برده می نویسد:

- ۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹-۲۴۰.
- ۲- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹-۲۴۰.
- ۳- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰.
- ۴- روض الجنان، ج ۴، ص ۵۳-۵۴؛ متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، ص ۶۹.

معنای «لِيسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ» عبارت است از این که: خداوند آنان را وارث تمام زمین های کافران از عرب و عجم می کند و ساکنان و پادشاهان زمین قرار خواهد داد... و مراد از «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» نیز این است که دین اسلام را بر تمام ادیان چیره خواهد کرد. چنان که پیامبر فرمود: زمین برای من جمع شد و شرق و غرب آن برای من نمایان شد و به زودی فرمان روایی امت من سراسر زمین را فراخواهد گرفت. (۱)

این مطلب بر انحصار تحقق این وعده در عصر ظهور از نگاه مرحوم طبرسی دارد.

علامه طباطبایی پس از بحثی درازدامن و ارزیابی و نقد دیدگاه ها در پایان چنین نتیجه گیری می کند:

خداوند به مؤمنان ناب که دارای عمل صالحند چنین وعده داده است: برای آنان اجتماعی شایسته و خالص از عیب کفر و نفاق و فسق برپا کند و آنان وارث زمین شوند، و جز آموزه های دین حق بر باورها و اعمال آنان چیره نگردد. آنان در امنیت کامل به سر برند بدون آن که از دشمن درونی و بیرونی بترسند... چنین جامعه ای پاک با این اوصاف قدسی ارزشمند از زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تاکنون تحقق بیرونی نیافته است و اگر بنا باشد آن را بر مصداقی تطبیق کنیم بدون شک مفاد آیه با توجه به اوصافی که در اخبار متواتر از پیامبر اکرم و ائمه اهل بیت علیهم السلام درباره عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است، تنها بر آن جامعه تطبیق خواهد شد. (۲)

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰.

۲- المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۱؛ بررسی تطبیقی آیات مهدویت، ص ۹۱-۹۹.

نکته ای که نباید در تفسیر آیه پوشیده بماند این است که باید مجموع شاخصه های بیان شده در آیه را به صورت یک جا در نظر گرفت و آن گاه به داوری نشست. با این ملاحظه تاکنون جامعه ای با این ویژگی ها؛ جانشینی مؤمنان شایسته کردار در سراسر زمین (اطلاق «الارض» و عدم قرینه بر تطبیق آن بر نقطه معینی از زمین، گواه این ادعاست)؛ فراگیری دین اسلام (که از فراز تمکین دین به دست می آید)؛ امنیت گسترده و ویژه (تعبیر به «لَيَبْدَأَنَّ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» به جای «لِيُؤْمِنَهُمْ» اشاره به امنیت ویژه ای دارد که تا عمق جان امنیت را درک خواهند کرد) و جامعه ای پراسته از انواع شرک جلی و خفی (نکره در سیاق نفی افاده عموم می کند و «شیئاً» نکره است که پس از «لایشرکون بی» آمده است که اشاره به هرگونه شرکی دارد) تحقق نیافته است. چنان که مفسران شیعه با تصریح و مفسران اهل سنت با تصریح یا تلویح به این مطلب اشاره داشته اند.

تحقق وعده با مصادیق متعدد

این دیدگاه بر این باور است که وعده حق تعالی دست کم یک بار در صدر اسلام تحقق یافت و عصر ظهور نیز یکی از مصادیق تحقق این وعده یا مصداق اتم آن است. اینان به عمومیت خطاب باور داشته و مقصود آیه را پیامبر و امت؛ یا پیامبر و اصحاب وی؛ و یا مؤمنان نیکوکار از میان امت دانسته اند. (۱) از همین رو تحقق وعده را محدود به زمان خاصی نکرده اند. شیخ طوسی، مولی فتح الله کاشانی صاحب زبده التفاسیر، سید محمد

۱- التبیان، ج ۷، ص ۴۵۵؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۲؛ زبده التفاسیر، ج ۴، ص ۵۲۹؛ کنز الدقائق، ج ۹، ص ۳۳۵؛ البلاغ، ج ۱، ص ۳۵۷؛ انوار درخشان، ج ۱۱، ص ۴۰۳.

شیرازی صاحب تفسیر تقریب القرآن و تفسیر نمونه در این گروه جای می گیرند که تفصیل گفتارشان در ذیل آیه قابل پی جویی است. (۱)

یادآوری این نکته ضروری است که هر دو گروه بر تحقق این وعده به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید دارند. پررنگ بودن نگاه به آینده در فرهنگ شیعه و تابش نور امید از سوی ائمه اهل بیت بر دل های شیعیان، افق دیدشان به آینده را وسعت بخشیده و آشکار شدن وعده تخلف ناپذیر الهی را به دست مهدی منتظر می دانند که روایات فریقین به وجود و ظهورش در پایان تاریخ بشارت داده اند. نباید فراموش کرد این نگاه از پشتوانه عقلی، نقلی و تاریخی برخوردار است؛ زیرا بر حسب شواهد تاریخی تاکنون جامعه مسلمانان شاهد تحقق جامعه موعود آیه نبوده است. (۲) زیرا تحقق بعضی مؤلفه های آیه به معنای تحقق کامل آن نیست. چنان که پیش تر هم اشاره شد؛ از اساسی ترین شاخصه های این جامعه، رهبری الهی آن است که هر چند در دوره کوتاهی این مهم تحقق یافته است، ولی با سایر مؤلفه ها به طور کامل هنوز محقق نشده است.

براین اساس مفسران شیعه بر یک رأی اتفاق نظر داشته و دیدگاه آنان از آشفتگی دیدگاه اهل سنت، عاری و پیراسته است. این وحدت و یک پارچگی نتیجه محتوم پذیرش ولایت ائمه اهل بیت علیهم السلام و از آثار پر برکت این باور است.

چنان که ملاحظه شد قرآن پژوهان شیعی در این قول به نتیجه واحد

۱- بررسی تطبیقی آیات مهدویت، ص ۹۹-۱۰۱.

۲- الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۷۷.

رسیده، تحقق وعده حق تعالی را برای عصر ظهور متعین دانستند. اندک اختلاف آنان در تعیین مصداق آیه بود که به نظر می رسد با گفتاری که در معنای استخلاف گذشت، دست یابی به دیدگاه یکسان دشوار نیست؛ زیرا چنان که گذشت مقصود از خلافت در آیه می تواند از نوع دوم و سوم باشد که با این وصف بین دو دیدگاه جمع می شود.

دیدگاه مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت در پاسخ به پرسشهای یاد شده بر یک نظر نبوده و اختلاف نظر دارند.

دیدگاه غالب در میان مفسران اهل سنت، مخاطبین آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اصحاب وی، مؤمنان نیکوکار در هر عصر و زمانی یا امت اسلامی، تطبیق داده و بر این اساس به تفسیر آیه پرداخته است. از این رو مورد آیه را بر رخدادهای صدر اسلام تطبیق داده است. (۱) روایات مورد استناد و نقد آن را در فصل های بعدی خواهید دید. برخی از اینان، خطاب در «منکم» را به حاضران در وقت نزول محدود کرده اند، (۲) تا از این رهگذر انحراف خلافت از مسیر اصلی را توجیه کرده و انکار واقعیتهای اعتقادی در این خصوص را سهل و آسان جلوه دهند. اما برخی از مفسران این ادعا را مردود دانسته و بر عمومیت خطاب در همه زمانها و مکانها تأکید دارند. (۳)

ابن عاشور این خطاب «منکم» را عموم امت از مشرک و منافق گرفته و

۱- بحر المحيط، ج ۸، ص ۶۴؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۲۱۵؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۳۰۴؛ الکشاف، ج ۳، ص ۲۵۱؛ مراح لبید، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲- التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۴۱۳؛ غرائب القرآن، ج ۵، ص ۲۰۹.

۳- التفسیر الحدیث، ج ۸، ص ۴۳۷-۴۳۸.

وعدۀ الهی را مخصوص مؤمنان نیکوکار دانسته است. (۱) چنان که برخی این گونه خطابات قرآنی را عام گرفته، شامل عموم مؤمنان در همه زمانها و مکانها دانسته‌اند. (۲)

دیدگاه های اهل سنت در این آیه در سه مقام، قابل بررسی است: نخست: تعیین مخاطبان آیه؛ دوم: تطبیق آن بر خلفای چهارگانه؛ سوم: تطبیق آیه بر عصر ظهور یا دست کم از مصادیق آیه.

چنان که گذشت تقریباً به باور عموم مفسران اهل سنت، مخاطبان آیه پیامبر و صحابه وی یا صحابه که در زمان نزول آیه، حاضر بودند؛ یا عموم مؤمنان در همه اعصار است. اساس این باور خبر واحدی است که از ابوالعالیه در شأن نزول این آیه نقل کرده اند. افزون بر نقد و بررسی این روایت در فصل های بعدی پژوهش حاضر؛ از سوی برخی قرآن پژوهان نیز نقد مفصلی انجام شده است. (۳) طبری دربارهٔ محدوده زمانی _ از شروع تا خاتمه _ این وعده نقل کرده است:

قال فأظهره الله على جزيرة العرب، فأمنوا، ثم تجبروا، فغير الله ما بهم. و كفروا بهذه النعمة، فأدخل الله عليهم الخوف الذي كان رفعه عنهم قال القاسم: قال أبو علي: بقتلهم عثمان بن عفان رضي الله عنه؛ (۴)

[گویا ابوالعالیه] گفت: پس خداوند دین آنان را بر جزیره العرب چیره ساخت و اهل آن ایمان آوردند سپس عناد کردند و به این

۱- التحرير و التوير، ج ۱۸، ص ۲۲۶.

۲- التفسير الحديث، ج ۸، ص ۴۳۷-۴۳۸.

۳- بررسی تطبیقی آیات مهدویت، ص ۱۰۲-۱۴۶؛ «بررسی ادله اهل سنت درباره آیه استخلاف و ارتباط آن با عصر ظهور»، فصل نامه مشرق موعود، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۲۲، ص ۵۳.

۴- جامع البيان، ج ۱۸، ص ۱۲۳.

نعمت کفر ورزیدند. خداوند هم وضعیت را تغییر داد و خوفی که از آنان برداشته بود، دوباره بر آنان وارد ساخت. قاسم می گوید: ابوعلی گفت: زمان کفران نعمت و تغییر امنیت به خوف، از قتل عثمان بوده است. برابر این قول وعده حق تعالی از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه شروع و با قتل عثمان به پایان رسید.

به باور برخی مفسران، این آیه روشن ترین دلیل بر امر خلافت خلفاست. (۱) تفصیل آن را به همراه نقد و بررسی خواهید دید.

چنان که ملاحظه شد از نظر بیشتر مفسران سنی، قدر متیقن از قوم موعود در این خطاب، صحابه اند. برخی نیز دایره خطاب را وسعت داده شامل همه امت می دانند. اما بیشتر آنان، بحث از امکان تحقق دوباره وعده حق تعالی در آینده - به ویژه پایان تاریخ - را فرو گذاشته اند. در برابر برخی از اهل تسنن، تخصیص آیه به صحابه را بدون دلیل دانسته از امکان دوباره آن سخن گفته اند:

و هو وعد یعم جمیع الأمم. و قیل: هو خاص بالصحابه، و لا- وجه لذلك، فإن الإیمان و عمل الصالحات لا یختص بهم، بل یمکن وقوع ذلك من کل واحد من هذه الأمم، و من عمل بکتاب الله و سنه رسوله فقد أطاع الله و رسوله... و قد أبعد من قال إنها مختصه بالخلفاء الأربعة، أو بالمهاجرین، أو بأن المراد بالأرض أرض مکة، و قد عرفت أن الإعتبار بعموم اللفظ لا بخصوص السبب؛ (۲)

و این وعده همه امت را شامل می شود. و گفته شده این وعده به صحابه اختصاص دارد، ولی دلیلی بر آن نیست. چون ایمان و

۱- الکشاف، ج ۳، ص ۲۵۲؛ تفسیر النسفی، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- فتح القدير، ج ۴، ص ۵۵.

عمل صالح به آنان اختصاص ندارد، بلکه وقوع دوباره این وعده برای هر کسی از این امت امکان پذیر است... در میان این اقوال، قول کسانی که وعده را به خلفای چهارگانه یا مهاجران، اختصاص داده، و مراد از زمین را زمین مکه دانسته، از واقعیت دورتر است، چون اعتبار به عموم لفظ است نه خصوص سبب که این آیه به خاطر آن نازل شده است.

چنان که در فصل های بعدی خواهید دید ابن کثیر دمشقی هم در این گروه جای دارد. چون که ایشان با استناد به احادیث «اثنی عشر خلیفه» آیه را بر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تطبیق داده است. نظیر دیدگاه ابن کثیر، تفسیر کابلی است که آخرین خلیفه را امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند. (۱)

حاصل آن که مشهور مفسران اهل سنت، مفاد آیه را ناظر به صحابه به طور خاص یا امت اسلامی به طور عام دانسته اند. چنان که شماری از آنان، آن را دلیل بر خلافت خلفای چهارگانه گرفته اند. در این میان برخی با نفی اختصاص آیه به صحابه یا خلفا از امکان آن در هر زمانی برای امت اسلامی سخن گفته اند. برخی نیز به شمول آیه نسبت به پایان تاریخ و مهدی موعود تصریح کرده اند.

نتیجه گیری

از بررسی واژگان آیه و دیدگاه مفسران روشن شد که تعبیر به وعده، محتوای آیه را به زمانی جز گاه نزول آیه می برد. در آن زمان مؤمنان شایسته کردار جانشینان در زمین خواهند شد که به نظر می رسد

۱- تفسیر کابلی، ج ۴، ص ۳۷۴.

این جانشینی، به مفهوم جانشینی از کسانی باشد که امور جهان را بهنحق در قبضه خود داشتند؛ وعده به مؤمنان شایسته کردار و تشبیه به جانشینی مؤمنان در امت های پیشین گواهی بر این ادعاست؛ زیرا مقصود از وعده به مؤمنان برای جانشینی، نشان از این دارد که امور به دست دیگران بوده؛ چنان که در امت های پیشین نیز این گونه بوده است. همچنین محتوای آیه گواه دیگری بر این ادعاست؛ زیرا تاکنون تمکین دین اسلام با وصفی که در آیه آمده و امنیت کامل مؤمنان و فقدان شرک واقع نشده است. و نیز در پایان آیه با همگان اتمام حجت می کند که ناسپاسان در آن جامعه فاسق بوده و از دین خارج هستند. چنین تعبیر تهدیدآمیزی در شرایط خاص است که نشان از جامعه ای ویژه می دهد که تاکنون رخ عیان نکرده است. با این بیان روشن می شود

که دیدگاه مفسران اهل سنت دور از صواب و متأثر از تعصب اعتقادی است. اما با تأمل در گفتار مفسران شیعه و سنی، می توان به نقطه اشتراکی دست یافت که آیه ناظر به آینده و پایان تاریخ باشد؛ زیرا اشاره شد نتیجه دیدگاه مفسران شیعه، تطبیق آیه بر پایان تاریخ به طور متعین یا دست کم یکی از مصادیق و مصداق اتم آن است. مفسران سنی نیز از انحصار آیه

به عصر نزول سخن نگفته و شمول آن در همه اعصار را نفی نکرده اند؛

لازمه این دیدگاه پذیرفتن تطبیق آیه بر پایان تاریخ است. چنان که

برخی از اهل سنت تصریح کرده اند. اما از نگاه ما_ چنان که خواهد آمد_ آیه به طور متعین ناظر به حوادث آینده است نه رخدادهای صدر اسلام یا تاریخ اسلام.

اشاره

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»؛ (سوره قصص، آیه ۵-۶)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم؛ و در زمین قدرت شان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریانشان آن چه را که از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم.

واژگان آیه

نرید: مقصود از آن اراده تکوینی حق تعالی است که ناگزیر محقق خواهد شد. (۱) زیرا اراده خدای سبحان به فعل خویش تعلق یافته است. از این رو مفسران به پرسش های احتمالی در این مورد که چگونه اراده خدای سبحان بر منت رهایی مستضعفان تعلق یافته، اما این رهایی پس از استضعاف و در زمانی دیرتر اتفاق می افتد پاسخ گفته اند: از هم زمانی اراده خدای سبحان با استضعاف قوم مستضعف، مقارنت مراد پیش نمی آید؛ چون

که اراده خداوند به گونه استقبال به آن تعلق یافته است، که در آینده

محقق شود (نتیجه این که تخلف مراد از اراده نشده است). افزون بر آن نزدیک بودن زمان منت حق تعالی بر رهایی آنان، گویا به مانند هم زمانی اراده و مراد است. (۲)

نمن: از ریشه «من» است که در لغت به دو معنا آمده است. نخست: به

۱- تسنیم، ذیل آیه.

۲- التفسیر الکبیر، ج ۲۴، ص ۵۷۸؛ تفسیر بیضاوی، ج ۴، ص ۱۷۱؛ البحر المحیط، ج ۸، ص ۲۸۶.

معنای قطع کردن. دوم: به معنای انجام کار خیر. (۱) «مَنْت» نیز از همین باب به معنای نعمت سنگین است که این مفهوم از دو جهت است. نخست: مربوط به عمل باشد که با دادن نعمت طرف مقابل را سنگین می کند (سوره آل عمران، آیه ۱۶۴). این جهت به صورت حقیقی در مورد خدای سبحان صادق است. دوم: در گفتار باشد. [زیرا به زبان آوردن نعمت برای طرف مقابل سنگین است]. مَنْت گذاری در میان مردم، جز در موارد کفران نعمت امری ناپسند به شمار می آید. (۲) روشن است مقصود از «مَنْت» در آیه شریفه به معنای انجام کار خیر و دادن نعمت فراوان به مؤمنان نیکوکار است که خدای متعال به عنوان پاداش ایمان و کردار شایسته شان به آنان عطا خواهد کرد. از تعبیر «نرید» (می خواهیم) چنین برداشت می شود که این مهم یک سنت الهی است که در طول تاریخ ساری و جاری است و در آینده هم محقق خواهد شد.

مفسران واژه «مَنْت» در آیه شریفه را به نعمت دادن پروردگار معنا کرده اند (۳) که با معنای لغوی یکسان است.

استضعاف: از ریشه «ضعف» در مقابل قدرت و به معنای ناتوانی است. (۴) واژه پژوهان در معنای «استضعاف» بر یک رأی نبوده و آن را به دو گونه معنا کرده اند: برخی گفته اند: یعنی او را ناتوان یافت. (۵) و برخی دیگر با توجه به

۱- معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۹۷ «مَنْ».

۲- مفردات، ص ۷۷۷ «مَنْ».

۳- بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۹۸؛ التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۱۳.

۴- مفردات، ص ۵۰۶-۵۰۷ «ضعف».

۵- مفردات، ص ۵۰۶-۵۰۷ «ضعف».

معنای باب «استفعال» گفته اند: خواهان ناتوانی شخص شد. (۱) در هر دو معنا، ناتوانی شخص از اراده وی خارج بوده و امری خارجی، وی را در موقعیت ناتوانی قرار داده است. تدبر در موارد کاربرد قرآنی این واژه، مؤید این برداشت است. (سوره نساء، آیه ۹۷، ۷۵-۱۲۷، ۹۸؛ سوره انفال، آیه ۲۶؛ سوره قصص، آیه ۵؛ سوره اعراف، آیه ۱۳۷، ۱۵۰، ۷۵؛ سوره سبأ، آیه ۳۱-۳۳). نباید از نظر دور داشت که استضعاف در این آیه اطلاق ندارد و با نظر به سیاق آیات قبل و بعد و آیات دیگری که سنت های حق تعالی را بیان می کنند- مانند آیه ۵۵ سوره نور و... - مراد از آن مستضعفان مؤمن و شایسته کردار و پارساست که گروه مستکبران، آزادی عمل را از شماری از افراد جامعه که خواستار پای بندی به دستورات دین هستند باز ستانده و آنان از هر گونه چاره اندیشی برای رهایی از دست مستکبران باز مانده اند. و مواردی جز این از دامنه آن بیرون است (آیات مورد اشاره).

شهید مطهری در توضیح این مطلب می گوید: با توجه به آیات قبل و بعد که درباره فرعون و هامان از سوی و موسی و بنی اسرائیل از سوی دیگر است، و نیز با نظر به این که فراز «و نرید» حال است؛ بدین معنا که فرعون به استضعاف بنی اسرائیل مشغول بود، در حالی که اراده ما بر این است که موسایی پرورش دهیم و قوم مستضعف به وی ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند و ما بر آنان منت گذاریم تا آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و به فرعون و هامان آن چیزی را که از آن می ترسیدند نشان دهیم؛ نمی توان مطلق مستضعفان را از آیه برداشت کرد؛ بلکه مستضعفانی

که مؤمن و دارای کردار شایسته هستند مورد امتنان خواهند بود. همچنین از کاربردهای قرآنی واژه مستضعفان روشن می شود که هر استضعافی مورد پذیرش قرآن نبوده و در مواردی مستضعفان نکوهش شده اند. از این رو از مجموع آیات مربوط به سنت های خدای سبحان و به ویژه آیات مرتبط با پایان تاریخ مانند آیه ۵۵ سوره نور تقیید مستضعفان به مؤمنان شایسته کردار استفاده می شود. (۱)

همچنین در تفسیر این واژه گفته اند: این استضعاف، ناتوانی روحی و اعتقادی نیست، بلکه فشار و خفقان بر آنان است تا نگذارند شریعت الهی مجال تحقق پیدا کند. پس آنان در این امر تقصیری ندارند و در تقیه زندگی می کنند تا گشایش الهی برسد. (۲)

الارض: برخی از مفسران در بیان مقصود از این واژه سه احتمال را مطرح کرده اند: نخست: «ال» به جای مضاف الیه باشد و مقصود سرزمین شام باشد؛ دوم: «ال» جنس باشد و مراد از «الارض» سراسر زمین باشد؛ سوم: «ال» عهد و سرزمین معهود و شناخته شده برای مردم باشد. (۳) از آن جا که سنت همیشگی حق تعالی را از آیه استفاده کردیم؛ واژه «الارض» اطلاق دارد و معنای دوم_ سراسر زمین_ صحیح تر به نظر می رسد یا دست کم یکی از مصادیق آن است و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نمی شود.

از ترکیب دو واژه «استضعاف» و «ارض» می توان نتیجه گرفت که گاهی استضعاف در منطقه جغرافیایی خاصی محدود می شود و حاکمیت

۱- فلسفه تاریخ، ص ۹۰۵-۹۲۷.

۲- الفرقان، ج ۲۲، ص ۲۹۶.

۳- التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۱۴.

مستضعفان در همان محدوده محقق می شود. اما زمانی هم دامنه استضعاف فرد یا گروهی به منطقه خاصی محدود نبوده و سراسر زمین را شامل می شود. روشن است در این صورت حاکمیت آنان سراسر گیتی را فراخواهد گرفت. از آن جا که تاکنون چنین حاکمیتی برای مستضعفان با این گستره پر دامنه گزارش نشده است، ناگزیر این مهم در پایان تاریخ مجال توفیق خواهد یافت. و با نظر به این که رسالت پیامبر و جانشینان وی جهانی بوده و در منطقه خاصی محدود نمی شود؛ استضعاف اهل بیت نیز در سراسر زمین بوده و سرانجام حاکمیت جهان شمول به دست مهدی موعود^۱ مورد اتفاق فریقین^۲ محقق خواهد شد.

ائمه: جمع «امام» به معنای شخص یا چیزی که پیروی می شود، خوان انسان باشد یا کتاب یا جز این ها، برحق باشد یا باطل. (۱) برخی از واژه پژوهان معاصر گفته اند: «امام» در اصل مصدر بوده، سپس به هر چیزی که مورد توجه و محفوظ باشد اطلاق شده است. (۲) براین اساس مقصود از ائمه در آیه شریفه، رهبریت و مورد توجه بودن مستضعفان است که از موقعیت ضعف و ناتوانی خارج شده و مورد توجه مردم قرار می گیرند و همگان از گفتار و رفتارشان پیروی می کنند.

برخی از مفسران در تحلیل این واژه گفته اند: در حالی که فرعون در اوج قدرت ادعای خدایی و برتری می کرد و بنی اسرائیل را در نهایت ضعف نگه داشته بود تا آنان را نابود کند، خدای متعالی بر این مستضعفان نعمت

۱- مفردات، ص ۸۷ «ام».

۲- التحقیق، ج ۱، ص ۱۳۶ «ام».

سنگینی داد که آنان را «امام» قرار داد. آنان در حالی که خود پیرو بودند، اکنون پیروی می شدند. آنان را وارث سرزمین هایی قرار داد که در اختیار دیگران بود. و در حالی که مکانی برای استقرار و ثبات نداشتند آنان را استقرار بخشید. (۱)

تفسیر آیه

این آیه در میانه گفت و گو از موسی علیه السلام و فرعون قرار گرفته است. آیه قبل از برتری جویی فرعون و از اختلاف افکنی های وی سخن گفته است. و از این که گروهی از بنی اسرائیل را به استضعاف کشانده و به ناتوانی دچارشان کرد؛ پسران شان را کشته و زنان شان را به خواری نگه داشت. در برابر این رفتار ناپسند فرعون، خداوند از اراده خویش خبر می دهد؛ از این که سرانجام بر آنان که در زمین به ناحق به ناتوانی دچارشان کرده اند منت می گذارد و آنان را رهبران و وارثان قرار می دهد. هرچند این آیه در میانه سخن از قوم موسی علیه السلام است، ولی آشنایان با اسلوب بیان قرآن می دانند که بیان کلی قرآن در چنین مواردی به مورد اختصاص نداشته و از اراده ای کلی خبر می دهد؛ اراده این که بر مستضعفان منت گذارده و آنان را رهبر و وارث قرار دهد. مفسران از به کارگیری فعل مضارع در آیه مورد نظر مانند «نرید»، «نمن»، «نجعلهم»، «نمکن» سنت همیشگی را از آیه برداشت کرده و از محدود ساختن آن به مورد خاص چون داستان بنی اسرائیل خودداری کرده اند. (۲) براین اساس سنت الهی فراتر از زمان بوده و گذشته، حال و آینده

۱- المیزان، ج ۱۶، ص ۹؛ التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۱۴.

۲- تسنیم، ذیل آیه؛ من وحی القرآن، ج ۱۷، ص ۲۶۳-۲۶۵؛ الفرقان، ج ۲۲، ص ۲۹۴؛ التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۱۳؛ من هدی القرآن، ج ۹، ص ۲۶۳.

را فرامی گیرد.

مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر و تأویل آیه، بر یک نظر نبوده و اختلاف دیدگاه دارند. از این رو دیدگاه های هر دو گروه آورده می شود. هرچند این اختلاف دیدگاه ها بحث را اندکی با دشواری روبه رو کرده است.

دیدگاه مفسران شیعه

شاید به دلیل پیش گفته _ که آیه در میانه گفت و گو از قوم بنی اسرائیل قرار گرفته است _ مفسران، در بیان مفاد آیه اشاره صریحی به پایان تاریخ نداشته و با بهره جستن از روایات اهل بیت علیهم السلام، مفاد آن را به رخدادهای پایان تاریخ و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل برده و از این رهگذر مفهومی عام از آیه برداشت کرده اند. براساس این برداشت، آیه از سنتی مکرر در تاریخ خبر می دهد که خدای سبحان سرانجام قوم ستمگر را نابود و قومی صالح را جانشین آنان قرار خواهد داد. همچنین تصویری از فرجام سرنوشت انسان که با ظلم و استضعاف به پایان نمی رسد و هر استضعافی به امتنان حق، برکشیدن و برجای نشاندن می انجامد به دست می دهد. اما چنان که اشاره شد این مفهوم از اطلاق آیه قابل برداشت بوده و آیه به پایان تاریخ نیز نظر دارد. و این معنا با روایات اهل بیت که در ادامه بازخوانی می شود استناد خواهد یافت.

مفسران شیعه، بر پایه روایات اهل بیت علیهم السلام آیه را بر حوادث آخرالزمان تأویل برده اند.

عن مفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ان رسول الله صلى الله عليه وآله نظر الى علي و الحسن و الحسين عليهم السلام

فبکی و قال: أنتم المستضعفون بعدی. قال المفضل: فقلت له: ما معنى ذلك يا ابن رسول الله؟ قال قال: معناه انکم الائمه بعدی ان الله عز و جل يقول: «و تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» فهذه الآیه جاریه فینا الی یوم القیامه؛ (۱)

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

به علی و حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرد و گریست و فرمود:

شما مستضعفان بعد از من هستید. مفضل از معنای گفتار رسول خدا پرسید و امام علیه السلام پاسخ داد: یعنی شما ائمه بعد از من هستید و آیه ۵ قصص را خوانده و فرمودند این آیه تا قیامت درباره ما جاری است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

لتعطفن علينا الدنيا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها؛ و تلا عقب ذلك: «و تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ (۲)

دنیا پس از روی گردانی از ما، به ما روی خواهد آورد؛ چنان که شتر شیرده پس از آزار دوشنده اش به سوی بچه اش بازمی گردد. سپس آیه ۵ سوره قصص را تلاوت کردند.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است:

و الذي بعث محمدا بالحق بشيرا و نذيرا إن الأبرار منا أهل البيت و شيعتهم بمنزله موسى و شيعته و إن عدونا و أشياعهم بمنزله فرعون و أشياعه؛ (۳)

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۴۹.

۲- خطب نهج البلاغه، عبده، ج ۴، ص ۴۷.

۳- مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۵۷.

و سوگند به کسی که محمد را به حق به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد، ابرار از ما اهل بیت هستند و شیعیان شان به سان موسی و شیعه او هستند. و دشمن ما و پیروان شان به مانند فرعون و پیروانش است.

برابر این روایت، آیه بر اهل بیت و شیعیان شان تطبیق دارد و خداوند

به آنان وعده‌ رهایی از ستم مستکبران و حکومتی فراگیر در پهنه گیتی

را می دهد.

از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده است:

أن هذه الآیه مخصوصه بصاحب الأمر الذی يظهر فی آخر الزمان، و یبید الجابره و الفراعنه، و یملک الأرض شرقا و غربا، فیملأها عدلا، كما ملئت جورا. (۱)

بر اساس این روایت، آیه مورد اشاره در خصوص صاحب الامر (مهدی موعود) است که در آخر الزمان ظهور می کند و جباران و فراعنه را نابود و بر شرق و غرب جهان (سراسر زمین) عادلانه فرمان روایی می کند و عدل و داد را گسترش می دهد چنان که جور و ستم گسترش یافته بود.

و روایات فراوان دیگر که آیه را بر اهل بیت علیهم السلام و شیعیان تطبیق داده و مفسران، ذیل آیه، تمسک جسته اند. (۲)

به باور شماری از مفسران با نظر به خطاب آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خداوند با اشاره به سرگذشت بنی اسرائیل در مقام دلداری و بشارت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۴؛ التبیان، ج ۸، ص ۱۲۹.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۴؛ الاصفی، ج ۲، ص ۹۲۰-۹۲۱؛ تأویل الآیات الظاهره، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۸.

است، با این بیان که اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همانند بنی اسرائیل پس از دوران استضعاف وارث زمین خواهند شد. (۱)

برخی از مفسران، به رغم ظاهر آیه که بیان حال بنی اسرائیل است، سنت همیشگی را از آیه برداشت کرده اند. (۲) گویا برابر اراده و سنت الهی، مستضعفانی که برای رهایی از سلطه مستکبران تلاش کنند؛ وارث داشته های آنان خواهند شد. نباید فراموش کرد این وعده الهی برای کسانی است که ظلم ظالمان را نپذیرفته و در برابر ستمگران ایستادگی می کنند. (۳)

برخی از مفسران با بهره جویی از شواهد درون متنی آیه، آن را منحصر در آل محمد علیهم السلام می داند. ایشان در تفسیر فراز «و نجعلهم ائمه» می نویسد:

أى قاده و رؤساء يقتدى بهم الناس فى الخبر و يكون بعضهم حكاما يحكمون بين الناس بالعدل و الإنصاف «و يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و الله تعالى لا يجعل أئمه و حكاما يحكمون بالظلم

و العدوان كما فعل بنو إسرائيل من بعد موسى عليه السلام و الإمام الذى يكون من قبل الله سبحانه تجب طاعته و لا تجب طاعه غير المعصوم و

بنو إسرائيل لم يكن فيهم معصوم غير موسى و هارون عليهما السلام و ليسا من الذين استضعفوا لقوله تعالى «فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ» فلم يبق إلا أن يكون المراد بهذا آل محمد عليهم السلام و جاء بذلك أخبار؛ (۴)

آنان را رهبران و سرانی قرار می دهد که مردم از آنان پیروی

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۳؛ تفسیر روان جاوید، ج ۴، ص ۱۷۲-۱۷۳.

۲- تفسیر احسن الحدیث، ج ۸، ص ۱۲-۱۳؛ تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۴۸؛ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۵؛ الفرقان، ج ۲۲، ص ۲۹۴.

۳- الفرقان، ج ۲۲، ص ۲۹۴-۲۹۵؛ تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۴۸-۴۹؛ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۹.

۴- تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۰۶.

می کنند. برخی را قاضی قرار می دهد که به عدل و انصاف قضاوت می کنند؛ چون که خداوند منصب قضاوت را به کسی که به ظلم و جور قضاوت کند نمی دهد؛ چنان که قضات بنی اسرائیل بعد از موسی علیه السلام چنین قضاوت هایی کردند. امامی که از سوی خدا منصوب شود، اطاعتش واجب است؛ و اطاعت غیر معصوم واجب نیست و در میان بنی اسرائیل جز موسی و هارون، معصومی نبود. بنابراین آنان، مراد آیه نیستند و تنها آل محمد علیهم السلام، مصداق آیه هستند. سپس روایاتی را در تأیید این تطبیق آورده است.

برخی در همین راستا گفته اند:

و أفضل المستضعفين هم اهل بیت الرساله المحمديه عليهم الآف سلام و تحيه، و كما يروى عن الامام على عليه السلام: «لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها» (نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۷، ك: ۲۰۹)، فهم آل محمد صلى الله عليه و آله و سلم يبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم و يذل عدوهم؛ (۱)

و افضل مستضعفين، اهل بیت رسول خدا عليهم السلام هستند. آن سان که امام علی علیه السلام فرمود: دنیا پس از روی گردانی از ما، به ما روی خواهد آورد، همان گونه که شتر به بچه اش روی می آورد [سپس این آیه را تلاوت کردند]، پس آنان آل محمد علیهم السلام هستند که حق تعالی پس از دوران سختی، مهدی شان را مبعوث می کند. پس عزت شان را باز می گرداند و دشمنان شان را خوار می کند. آن گاه به روایاتی از اهل بیت تمسک جسته است.

حاصل این که از نگاه مفسران شیعه آیه محدود به بنی اسرائیل نبوده و از

سنتی عام و ساری و جاری در طول تاریخ خبر می دهد که مستضعفان در استضعاف نمانده و سرانجام وارث داشته های ستمگران و کافران خواهند شد. روایات فراوان و متواتری از اهل بیت علیهم السلام در ذیل آیه نقل شده است که آیه را به اهل بیت یا به آنان و شیعیان شان تأویل برده اند. برای تفصیل روایات به تفاسیر روایی شیعه مراجعه شود.

افزون بر روایات، تدبر و تأمل درون متنی در آیه نیز گواه روشنی بر این مهم است؛ تا اندیشه ورانی که از ضمیر روشن برخوردارند از این رهگذر به حقیقت رهنمون شوند. تعبیری چون «نرید» با فعل مضارع که استمرار را می رساند. و تعبیر از مستضعفان با موصول «الذین» به جای ضمیر، اطلاق «الارض» (۱) که شامل سراسر زمین و نه محدوده جغرافیایی خاص، آیه را از محدود کردن در قوم بنی اسرائیل خارج ساخته و خبر از سنتی جاری در تاریخ می دهد. برابر گفته برخی از مفسران، ارث در این جا به معنای خاص و به مفهوم خلافت و جانشینی و به ارث بردن سرزمین ستمگران است. و «ال» در «الارث» برای تعریف جنس است؛ بدین معنا که ایشان شایسته ارث خاص _ فرمان روایی در زمین _ هستند که پیش از آنان به دست دیگران بود. (۲) همچنین شایان دقت است که از تدبر در آیه به دست می آید که این امامت به جعل حق تعالی است و در واقع امری آسمانی است که از دست بشر خارج است. در آیه بعدی، بازخورد ستمگران نسبت به قدرت یافتن مستضعفان را این گونه یاد می کند «وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ

۱- التحریر و التئویر، ج ۲۰، ص ۱۳-۱۴.

۲- التحریر و التئویر، ج ۲۰، ص ۱۴.

هامانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (سوره قصص، آیه ۶)؛ و در زمین قدرتشان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریان شان آن چه را که از جانب آنان بیم ناک بودند، نمایانیم. برابر روایت قرآن ستمگران همواره از قدرت یافتن مستضعفان در هراس بوده اند. از این رو آنان را در استضعاف نگه می دارند.

با این اوصاف این تعابیر جز بر اهل بیت علیهم السلام _ به نحو تعین یا مصداق اتم _ تطبیق ندارد. چون که شایسته تر از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برای پیشوایی و فرمان روایی در مقیاس جهانی چه کسی می تواند باشد؟ وانگهی جز این خاندان مستضعف کیانند؟ زیرا اینان با این شایستگی ها از حق خود محروم شدند ولی دیگران همیشه بر اریکه قدرت تکیه زدند و جز ظلم و بی عدالتی نیفزودند. سخت گیری های حاکمان جور بر ائمه اهل بیت علیهم السلام و شیعیان شان _ حتی در زمان حاضر _ جز در این راستا قابل تفسیر نیست.

دیدگاه مفسران اهل سنت

به اعتقاد برخی از مفسران اهل سنت نیز مفهوم آیه عام بوده و همه زمان ها را فرا می گیرد. (۱) اما به رغم این باور سخنی از آخرالزمان و پایان تاریخ نیاورده اند و عموم مفسران اهل سنت مفهوم آیه را در حوادث بنی اسرائیل محدود دانسته اند. البته برخی از مفسران مانند فخر رازی ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء مفهوم آیه مزبور را عام و به آینده تفسیر کرده است. (۲) روشن است نگاه محدود اهل سنت در افکار و اندیشه ها و باورداشت های اعتقادی آنان در

۱- التحریر و التنویر، ج ۲۰، ص ۱۳.

۲- التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۹۲.

خصوص مسائل پایان تاریخ ریشه دارد.

وابستگی دانشمندان اهل سنت به دربار خلافت و پادشاهی در طول تاریخ، مانع از اندیشیدن در حوزه مسائل حکومتی پایان تاریخ شده است. به روشن ترین بیان، سرمستی قدرت و تحریف اندیشه های اصیل اسلامی و ترویج اندیشه هایی در جهت حفظ سلطه خلفای اموی، عباسی و عثمانی و احساس امنیت و آسایش از عواملی هستند که جمود و خمود فکری در میان اهل سنت را به بار آورده اند. از همین رو به رغم وجود روایات مهدویت در احادیث اهل سنت؛ دکتین مهدویت و نگاه به آینده در میان اهل سنت به سان شیعه از پویایی برخوردار نبوده است. از این رو مفسران اهل سنت در تعیین مصداق ناتوان مانده و به کلی گویی بسنده کرده اند. چنان که در روشن سازی مفهوم آیات مربوطه هم توفیق نداشته اند؛ چون که تطبیق مستضعفان و صالحان بر خلفای بنی امیه، بنی عباس، عثمانی ها و حاکمان سنی در طول تاریخ یا بر اهل سنت که همیشه خود بر سر حکومت بوده اند به لطیفه گویی شبیه تر است تا بیان وعده های

حق تعالی.

نتیجه گیری

مقصود از مستضعف در این آیه، به مفهوم انسان های ضعیف و درمانده نیست؛ مراد از آن کسانی هستند که با اجبار و فشار ستمگران از حقوق خویش محروم و مورد ستم مستکبران واقع شده اند؛ اینان به رغم تلاش برای رهایی، توان و قدرت براندازی مستکبران را ندارند تا گاهی که به رهبری فردی الهی و نصرت و یاری خداوند بر ستمگران چیره شده و وارث سرزمین

آنان شوند. (۱) کاربرد قرآنی این واژه نیز گویای این حقیقت است. (۲) همچنین روشن شد مقصود از مستضعفان، اهل بیت پیامبر و شیعیان شان هستند که خدای سبحان وعده حکومتی سراسری را به آنان نوید داده است.

در نگاه توحیدی بر حوادث عالم، بر خداوند دشوار نیست مستضعفانی را که از کمترین امکانات مادی برخوردار نیستند، بر صاحبان زر و زور مسلط نماید و آنان را وارث داشته های آنان گرداند.

تدبر در آیه شریفه، این حقیقت را بیشتر روشن می کند:

و إنما ذكرهم بوصفهم فقال: القوم الذين كانوا يستضعفون ليدل على عجب صنعه تعالى في رفع الوضيع، و تقويه المستضعف، و تمليكه من الأرض ما لا يقدر على مثله عادة إلا كل قوى ذو أعضاد و أنصار. (۳)

خداوند وارثان سرزمین پهناور فرعون را با ویژگی مستضعفان (ضعیف شده ها) توصیف کرد تا نشان دهد خداوند چگونه افتادگان را بلند می کند و ضعیف ها را تقویت کرده، مالک سرزمینی می کند که برحسب عادت جز از قدرت های بزرگ ساخته نیست.

نباید از نظر دور داشت که این سنت حق تعالی، ثمره صبر و پایداری بنی اسرائیل بود. «... وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسَيْنِي عَلَي بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ» (سوره اعراف، آیه ۱۳۷).

۱- من وحی القرآن، ج ۱۷، ص ۲۶۳؛ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۹.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۹.

۳- المیزان، ج ۸، ص ۲۹۳.

بی شک پیروزی به دنبال صبر و مقاومت از سنت های الهی است.

تأمل در آیه شریفه هم به این مهم اشاره دارد «و تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ ... بِمَا صَبَرُوا». در سخنان بلند اهل بیت نیز صبر و پیروزی قرین هم یاد شده است:

علی علیه السلام فرمود:

الصبر مفتاح الظفر؛ (۱)

صبر کلید پیروزی است.

همچنین:

لا یعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان؛ (۲)

آدم صبور و پر حوصله پیروزی را از دست نخواهد داد هر چند مدت درازی برای رسیدن به آن طول بکشد.

چنان که بازتاب این حقیقت در مثل های ادبی نیز حکایت از روشن بودن این معنا در نزد عامه مردم دارد:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید (۳)

۴. آیه ۳۲ - ۳۳ سوره توبه

اشاره

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ*هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (سوره توبه، آیه ۳۲-۳۳)

۱- نهج السعاده، ج ۷، ص ۲۸۴.

۲- نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۰، ح ۱۵۳.

۳- منسوب به حافظ شیرازی.

می خواهند نور خدا را با دهان های خود خاموش کنند ولی خداوند نمی گذارد تا این که نور خود را کامل کند و هر چند کافران خوش ندارند. او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش ندارند.

از جمله آیاتی که می توان در موضوع پایان تاریخ از آن ها بهره برد، آیات

با محوریت «اظهار دین و سیطره اسلام» است. در چند مورد از آیات قرآن

از جمله آیات یاد شده سوره توبه، خداوند از سیطره دین اسلام و غلبه

آن بر همه ادیان خیر داده است. پس از بررسی واژگان، به تفسیر مفاد آیه خواهیم پرداخت.

واژگان آیه

یأبی: فعل مضارع از ریشه «اباء» به معنای شدت امتناع است. راغب، نسبت اباء و امتناع را این گونه بیان می کند: هر ابایی امتناع است ولی هر امتناعی ابا نیست. چون در این واژه شدت نهفته است. (۱)

یتم: تمام چیزی، رسیدن آن به حدی است که نیازی به چیزی بیرون از خود ندارد. (۲) مراد از آن در آیه شریفه این است که خداوند نور خود را به نهایت می رساند. به تعبیر برخی از مفسران، آن قدر آن را زیاد می کند تا به نهایت اشراق و نورانیت برسد. (۳)

یظهره: از ریشه «ظهر» است که در اصل به معنای پشت است و معانی

۱- مفردات، ص ۵۸ «ابی».

۲- مفردات، ص ۱۶۸ «تم».

۳- الکشاف، ج ۲، ص ۲۶۵.

دیگر از این معنا گرفته شده اند. در آیه مزبور سه معنا محتمل است. نخست: به معنای بروز و آشکار دادن باشد. دوم: غلبه دادن و پشتیبانی کردن باشد که خداوند دینش را بر همه ادیان غلبه می دهد. سوم: مطلع کردن باشد. (۱) و چنان چه این واژه با «علی» متعدی شود متضمن معنای نصرت و برتری دادن است. (۲) از همین رو معنای غلبه و برتری دادن در آیه، مناسب تر به نظر می رسد؛ چون که معنای آشکار کردن نیز به این معنا نزدیک بوده و نتیجه آن دو یکی است. و معنای سوم در صورتی درست است که ضمیر منصوبی «ه» در «لیظهره» به «رسول» بازگشت کند؛ بدین معنا که رسول را بر همه ادیان (اگر «ال» در «الدین» جنس باشد) یا بر همه شرایع دین حق (چنان چه «ال» عهد باشد) مطلع کند.

اما همان گونه که برخی از مفسران نیز گفته اند بازگشت ضمیر به

«دین الحق» کامل تر و با سیاق آیه سازگارتر است؛ (۳) چون که مقایسه بین ادیان و سخن از سیطره بر ادیان دیگر است که با بازگشت ضمیر به دین حق این مقصود حاصل می شود. چنان که رویارویی شدید کافران و مشرکان _ که در دو آیه اشاره شده است _ با دین حق نیز با این معنا مفهوم پیدا می کند. و از نگاه ادبی نیز، ضمیر به آن چه نزدیک تر است بازگشت کند بهتر از بازگرداندن آن به مرجع دورتر است. (۴) و مقصود از آن دین اسلام است که خداوند آن را بر همه ادیان غلبه داده و آن را فراگیر

۱- مفردات، ص ۵۴۱؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۵۲۰، ۵۲۵ «ظهر».

۲- التحریر و التئویر، ج ۱۰، ص ۷۴.

۳- تفسیر ثعالبی، ج ۳، ص ۱۷۶؛ المیزان، ج ۹، ص ۲۴۷.

۴- التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۷، ص ۱۸۴ «ظهر».

می‌کند. (۱) مفسران این معنا را مربوط به آخرالزمان دانسته و در ذیل آیه از چگونگی پیروزی کامل دین اسلام بر سایر ادیان بحث کرده‌اند. (۲) روایات اهل بیت، این آیه را درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته‌اند. (۳)

سایر واژگان آیه شریفه معنای روشنی دارند که در ارتباط با موضوع پژوهش نیازی به تفسیر و تحلیل ندارند و در گفت و گوی مفسران، مفهوم آن‌ها روشن می‌شود.

تفسیر آیه

اشاره

از موارد قابل توجه در تفسیر این آیه هم سانی دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت در تطبیق آیه بر پایان تاریخ و به طور مشخص بر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۴) هرچند دیدگاه هر یک از فریقین تفصیلی دارد اما در نهایت ارتباط آن با پایان تاریخ مورد اتفاق هر دو گروه است. هم از این رو از بررسی جداگانه دیدگاه‌های مفسران فریقین عبور می‌کنیم و به مقداری که با موضوع نوشتار ارتباط پیدا می‌کند، دیدگاه مفسران را بررسی و تفصیل آن را به منابع مبسوط ارجاع می‌دهیم.

مقصود از «نور» در آیه شریفه دین اسلام است (۵) که در آیه بعد

با تعبیر «بالمهدی و دین الحق» آمده تا به برتری اسلام اشاره کند و

کنایه از این باشد که پیروان ادیان دیگر بر هدایت نبوده و راه باطل را

۱- بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۴؛ التحریر و التنویر، ج ۱۰، ص ۷۴؛ تفسیر الکاشف، ج ۴، ص ۳۳-۳۴.

۲- تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۲۱؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۳۸.

۳- تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۳۹.

۴- بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و...، ص ۳۴-۸۲.

۵- تفسیر الکاشف، ج ۴، ص ۳۳.

می پیمایند (۱) خداوند وعده داده است برخلاف تلاش های مخالفان آن را بر همه ادیان پیروز گرداند و تنها دین فراگیر در پهنه گیتی باشد. براساس روایات اهل بیت علیهم السلام و گفته های مفسران امامیه و عامه این بشارت الهی در پایان تاریخ محقق خواهد شد. (۲) چنان که تجربه تاریخی هم تا به حال این گونه است؛ زیرا هنوز دین اسلام در سراسر زمین فراگیر نشده است. به رغم برخورداری دشمنان از انواع امکانات و تلاش های گوناگون شان در مبارزه با اسلام، روزه روز شاهد گسترش اسلام و اسلام خواهی در جهان هستیم. این وعده تخلف ناپذیر الهی در آیات متعددی از قرآن است که آموزه های رسول خدا و دین اسلام، سرانجام سرتاسر جهان را فراخواهد گرفت؛ زیرا براساس سنت الهی، ادیان آسمانی تکمیل کننده هم بوده و با آمدن آخرین شریعت سایر ادیان منسوخ شده و دین واحد به عنوان تنها دین الهی به منصف ظهور خواهد رسید. تعبیر از دین اسلام به نور خدا و تلاش های مخالفان به فوت کردن با دهان برای خاموش کردن نور خدا، نشان از عظمت و قوت و استحکام اسلام و بی حاصل بودن کوشش های مخالفان دارد. برخی از مفسران گفته اند: «[مقصود از] نورالله توحید است که روزه روز ظاهرتر و آشکارتر می شود، هرچه آثار قدرت و علم و حکمت در مخلوقات بیشتر کشف می شود معرفت به توحید زیادتر می گردد، کفار می خواهند با این مزخرفات و ترهاتی که از دهان خود می بافند نور خدا را خاموش کنند» وَ يَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ مِثْم نُورُهُ» [غافل از این که] خداوند نور خود

۱- التحریر و التنویر، ج ۱۰، ص ۷۴.

۲- بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۲۰؛ بیان المعانی، ج ۶، ص ۲۸۴.

را تمام تر می فرماید». (۱)

کوتاه سخن آن که تنها دینِ نجات دهندهٔ انسان از تاریکی ها و اعتقادات باطل، دین اسلام است. تعبیری چون نور خدا و دینِ حق گویای این حقیقت است. آیهٔ شریفه با بشارت به مؤمنان و آزاداندیشان جهان مبنی بر پیروزی اسلام بر همهٔ ادیان و مکاتب بشری نور امید را بر دل ها می تابد. و مهم تر این که این پیروزی با پشتیبانی خداوند به رغم خواست کفار و مشرکان جامه عمل پوشیده، به سرانجام خواهد رسید. با تدبر در آیه شریفه به نکات دقیق و لطیفی درباره پایان تاریخ می توان دست یافت که این مختصر گنجایش همه این مطالب را ندارد و شایسته است طالبان حقیقت با مراجعه به تفاسیر و تدبر در آیه شریفه و آیات مشابه به این نکات دست پیدا کنند. مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت با استناد به روایات یا گفتار مفسران از صحابه و تابعین آیه شریفه را درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند. (۲)

اظهار دین حق

بی شک روشن ساختن چگونگی اظهار دین حق، در تفسیر آیه و تعیین و تعیین دیدگاه صواب بسی اثرگذار خواهد بود. ابهام در مفهوم اظهار و چگونگی تحقق آن، سبب طرح دیدگاهی از سوی برخی مفسران شده است که در نهایت بی آن که متوجه باشند مقصود آیه را هم در پرده

۱- اطیب البیان، ج ۶، ص ۲۱۰.

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸۹؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ البحر المحیط فی التفسیر، ج ۵، ص ۴۰۶.

ابهام برده اند.

اظهار به معنای اطلاع

اختلاف در معنای اظهار، به اختلاف در تعیین مرجع ضمیر مفعولی در فراز «لیظهره» بازگشت می کند. برخی البته به صورت احتمال، ضمیر را به رسول خدا برگشت داده، منظور از آن را آگاه کردن رسول خدا از همه شرایع دانسته اند. این دیدگاه مبتنی بر نقلی از ابن عباس است که وی در تفسیر آیه می گوید: «خداوند پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد؛ تا آن که پیامبرش را از همه شرایع آگاه سازد و خداوند چنین دانشی را به ایشان داد و هیچ امری از آیین ها بر ایشان پنهان نماند». (۱)

گویا با آگاهی از آن ادیان بر آن ها غلبه کرد؛ و آن ادیان و پیروان شان مغلوب دانش پیامبر شدند. این دیدگاه چنان که اشاره شد با اشکالات فراوانی رو به روست، از آن جمله روایت مورد استناد با سیاق آیات موافق نیست؛ چون که در آیه پیشین سخن از تلاش کافران برای خاموش کردن نور خدا (دین اسلام) بود در حالی که اراده حق تعالی بر اتمام این نور تعلق یافته؛ و در بخش پایانی آیه سیطره دین حق را سبب ناخرسندی مشرکان دانسته است.

اما آیا آگاهی رسول اکرم از ادیان و شرایع مایه ناخشنودی کفار و مشرکان خواهد شد. آن هم به گونه ای که به خاموش کردن آن مصمم شوند. چنان که از سیاق آیه هم می توان دریافت که پس از گسترش دین حق، مشرکان و کافران در خاموش کردن آن کوشش فراوان دارند. این تلاش برای جلوگیری از گسترش دین حق است که سرانجام با سیطره آن، کوشش کافران ناکام

۱- تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۶، ص ۱۷۸۶.

خواهد ماند. این سیاق با این دیدگاه توافق ندارد. افزون بر این با اشکالاتی رو به روست که در صفحات هفتاد و سه و هفتاد و چهار کتاب ارزشمند «بررسی تطبیقی آیات مهدویت» به تفصیل آمده است.

اظهار به معنای سیطره

این دیدگاه آیه را بر پایه ارجاع ضمیر مفعولی «لیظهره» به «دین الحق» معنا می کند. آلوسی ضمن اشاره به هر دو ارجاع گفته است: بیشتر

مفسران به «دین الحق» ارجاع داده اند. (۱) بر این اساس دو احتمال در معنای آیه تصور می شود:

نخست: دین حق با حجت و برهان بر سایر ادیان غلبه می کند. برخی

از مفسران اهل سنت به این احتمال گرایش پیدا کرده اند. (۲) دوم: با

قهر و استیلاء. (۳) بیشتر مفسران غلبه دین اسلام با حجت و برهان و قهر

و استیلاء بر سایر ادیان را در کنار هم آورده اند که نشان از پذیرفتن

هر دو احتمال دارد. (۴) چنان که معنای لغوی ظهور هم با این معنا موافقت دارد. (۵) برخی از قرآن پژوهان معاصر به رغم تلاش های ارزنده در تفسیر آیه شریفه در بیان احتمالات و استناد آن به مفسران به خطا رفته اند، از آن جمله احتمال اول را به مفسرانی نسبت داده اند که دیدگاه شان متعین در

۱- روح المعانی، ج ۵، ص ۲۷۸.

۲- زاد المسیر، ج ۲، ص ۲۵۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۴.

۳- التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۳۲-۳۴.

۴- التبیان، ج ۵، ص ۲۰۹؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۳۲-۳۴؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۵؛ تفسیر المراغی، ج ۱۰، ص ۱۰۵.

۵- التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۷، ص ۱۸۲ «ظهر»؛ معجم الفروق اللغویه، ص ۳۸۹-۳۹۰.

آن نیست. (۱) مفسران گروه اول، مدلول آیه را تحقق یافته پنداشته اند. چون که نتیجه پذیرش آن احتمال، التزام به این است که دین اسلام با ظهور خود و از زمان رسول خدا با حجت و برهان بر ادیان دیگر غالب شد. فخر رازی گفته است: اظهار و غلبه برجیزی به سه وجه ممکن است. با حجت و برهان، با کمیت و کثرت، با قهر و استیلاء. غلبه این دین با حجت و برهان غیر قابل انکار و از همان ابتدا محقق است؛ بنابراین ظهور اسلام بر سایر ادیان با غلبه و استیلاء است. چون که بشارت به امری تعلق می یابد که در آینده مجال ظهور یابد؛ در حالی که غلبه با حجت و برهان از همان ابتدا محقق بوده است و همین بشارت را دلیل بر معنای دوم_ غلبه با قهر و استیلاء_ می داند. (۲) اما به نظر می رسد با در نظر داشتن این نکته که غلبه دادن دین حق بر ادیان دیگر، نه به صورت ناگهانی، بلکه به تدریج صورت خواهد گرفت. از این رو این مهم با بهره جستن از عموم این موارد محقق خواهد شد. به رغم این احتمالات در معنای «اظهار» بیشتر و بلکه عموم مفسران؛ تحقق وعده الهی در آیه را در پایان تاریخ دانسته اند. به ویژه تفاسیری که صبغه روایی دارند با استناد به روایات، «اظهار» را به

مفهوم سیطره کامل دین اسلام، به گونه ای که دین واحد جهانیان باشد

معنا کرده اند (۳).

روشن است این مهم، تاکنون واقع نشده است. بنابراین، برداشت مفهوم

۱- بررسی تطبیقی آیات مهدویت، ص ۷۶.

۲- التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۳۲-۳۴.

۳- نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۱-۲۳۲.

پایان تاریخ از آیه مورد اتفاق فریقین است. همچنین مفسران فریقین سیطره دین اسلام بر همه ادیان را در پایان تاریخ و به گاه ظهور مهدی موعود به همراه عیسی مسیح می دانند. (۱) افزون بر این، براساس سنت های اجتماعی خداوند، سرانجام دین حق بر همه ادیان سیطره یافته و برابر سنت تکامل تاریخ دین واحد جهانی خواهد شد. (۲)

در روایاتی از فریقین از جهانی شدن دین اسلام و التزام عموم بشر به احکام نورانی اسلام خبر داده اند. عیاشی از عبایه نقل می کند که از امیر مؤمنان علی علیه السلام شنیده که درباره آیه ۳۳ سوره توبه فرمود: آیا این سیطره تحقق یافته است؟ مردم گفتند: آری، حضرت فرمود: چنین نیست، سوگند به آن که جانم به دست اوست، این وعده آن گاه تحقق می یابد که هیچ آبادی نباشد جز آن که در آن بامداد و شامگاه شهادت بر یگانگی الله سر دهند. (۳) همو از ابی المقدم از امام باقر علیه السلام درباره فراز «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» می نویسد:

يكون أن لا يبقى أحد إلا أقر بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم؛ (۴)

[روزی] چنین خواهد شد که هیچ کس نیست جز آن که به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اقرار می کند.

همچنین در روایات اهل سنت مقداد بن اسود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: لا يبقى على وجه الأرض

۱- نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۱۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۰-۳۷۱.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۵۸.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۰.

بیت مدر و لا وبر إلا دخلته کلمه الإسلام يعز عزيزا، و يذل ذليلا إما يعزهم الله فيجعلهم من أهلها، و إما يذلهم فيدينون لها؛ (۱)

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: هیچ خانه گلین و خیمه مویین نیست جز آن که خداوند آیین اسلام را در آن وارد می کند که یا عزت مند می کند عزیز را [که خود دین را انتخاب کرده است] و یا خوار می کند ذلیل را؛ یا خداوند آنان را عزیز کرده از اهل اسلام قرار می دهد و از اسلام عزت می گیرند و یا ذلیل شان می کند تا به دین [حق] گردن نهند.

و نیز قرطبی از سدی نقل کرده است:

قال السدي: ذاك عند خروج المهدي، لا يبقى أحد إلا دخل في الإسلام أو أدى الجزية؛ (۲)

و این امر _ اظهار و سیطره دین _ هنگام ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

خواهد بود که هیچ کس باقی نمی ماند جز آن که اسلام را می پذیرد یا جزیه می پردازد.

غیر از فراز آخر که دیدگاه شخصی سدی است، این دیدگاه هم سو با روایات اهل بیت علیهم السلام است.

از آن جا که مضمون این روایات در احادیث فریقین به تعداد فراوان آمده و مورد استناد و مورد قبول علما واقع شده است؛ صدور این روایات و محتوای آن ها امری مسلم و انکارناپذیر است.

برخی مفسران با نظر به سیاق آیات سوره فتح _ که درباره صلح حدیبیه است _ گفته اند:

۱- تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۲۰.

۲- تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۲.

و الظهور (الانتصار) مَرَّه يكون بالحرب، و مَرَّه عن طريق الصلح، و الربُّ هو الذى أمر الرسول بالصلح مع المشركين، و هو تكفل بإظهار دينه و رسوله و المؤمنين به على سائر الديانات و الأمم؛ (۱)

ظهور (پیروزی)، گاهی با جنگ به دست می آید و گاه دیگر از مسیر صلح حاصل می شود. پروردگار، خود رسولش را به صلح با مشرکان فرمان داد. و او عهده دار اظهار دین و رسولش و از این رهگذر اظهار مؤمنین بر همه ادیان و امت هاست.

فخر رازی می نویسد:

و أكثر المفسرين على أن الهاء في قوله لِيُظْهِرَهُ راجعه إلى الرسول، و الأظهر أنه راجع إلى دين الحق أى أرسل الرسول بالدين الحق ليظهره أى ليظهر الدين الحق على الأديان، و على هذا فيحتمل أن يكون الفاعل للاظهار هو الله، و يحتمل أن يكون هو النبي أى ليظهر النبي دين الحق. (۲)

بیشتر مفسران [البته این گونه نیست] ضمیر در لیظهره را به رسول بازگشت داده اند، ولی اظهار این است که به دین حق برمی گردد؛ بدین معنا که خداوند رسول را با دین حق فرتاد تا دین حق را بر ادیان دیگر غلبه دهد. در این صورت دو احتمال در ضمیر فاعلی «لیظهره» وجود دارد؛ نخست: خداوند دین حق را غلبه می دهد. دوم: پیامبر دین حق را غلبه می دهد.

می توان گفت این دیدگاه با بعضی روایات نقل شده از اهل بیت علیهم السلام همسو است. از آن جمله:

قال الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام: منا اثنا عشر مهديا أولهم أمير

۱- من هدى القرآن، ج ۱۳، ص ۳۴۴.

۲- التفسير الكبير، ج ۲۸، ص ۸۸.

المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام، و آخرهم التاسع من ولدى و هو القائم بالحق، يحيى الله به الأرض بعد موتها، و يظهر به الدين الحق على الدين كله و لو كره المشركون؛ (۱)

امام حسين عليه السلام می فرماید: دوازده مهدی از ما اهل بیت وجود دارد اول شان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و آخرشان نهمین فرزند من، قائم بالحق است، خداوند به وسیله او زمین را پس از مردن زنده می کند؛ و به رغم ناخشنودی مشرکان دین حق را به دست وی بر همه ادیان غلبه می دهد.

چنان که در متن حدیث آمده است اظهار دین به دست مهدی موعود (وصی رسول خدا) انجام خواهد شد.

از امام باقر علیه السلام نیز مشابه همین روایت در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه نقل شده است. (۲) چنان که روایات دیگر نیز تحقق موعود آیه را با تعبیر هنگام قیام قائم یا مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کرده اند که نشان از تحقق آن به دست ایشان دارد. و از آن جا که این مهم به دست وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صورت می پذیرد گویا به دست خود رسول خدا محقق شده است.

خاطر نشان می شود مفسران در ذیل آیه ۲۸ سوره فتح سخن تازه ای، افزون بر آن چه در ذیل همین آیه گفته اند بیان نکرده اند. جز این که در پایان آیه می فرماید: «وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً» (سوره فتح، آیه ۲۸)؛ و گواه بودن خدا کفایت می کند. بدین معنا که خود خدای سبحان بر این وعده پیروزی و غلبه دادن دین حق بر ادیان دیگر گواه است که بدون شك این وعده محقق

۱- نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲.

۲- نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲.

خواهد شد. (۱) این تعبیر تأکیدی بر این وعده است تا غبار هر گونه تردیدی را بزدايد. مفسران نیز به همین مقدار بسنده کرده اند.

اما در تفسیر آیه ۸ سوره صف به نکاتی اشاره کرده اند، از جمله در تفاوت فراز «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» در دو آیه گفته اند:

«لام» در این آیه زائد است، و معنای تأکید در اراده را می رساند. (۲)

و راغب می نویسد: «قال تعالى: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ» (سوره توبه، آیه ۳۲)؛ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ» (سوره صف، آیه ۸) و الفرق بين الموضوعين أنّ في قوله: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا» يقصدون إطفاء نور الله، و في قوله: «لِيُطْفِئُوا» يقصدون أمرا يتوصّي لمون به إلى إطفاء نور الله؛ (۳) تفاوت این دو تعبیر در این است که در اولی می خواهند نور خدا را بدون واسطه خاموش کنند. اما در دومی با واسطه می خواهند خاموش کنند. صاحب الفرقان نیز ذیل آیه به همین نکته اشاره کرده اند. (۴) برخی هم «لام» را برای علت گرفته و گفته اند: افترا می بندند تا نور خدا را خاموش کنند. (۵)

در تفاسیر روایی شیعه نور در آیه را با استناد به آیه ۸ سوره تغابن به ولایت امام علی علیه السلام تأویل برده اند. (۶) این معنا می تواند گواه بر این ادعا باشد که غلبه دادن دین جز با ولایت ولی خدا، مجال تحقق نخواهد یافت. پس ناگزیر این وعده در پایان تاریخ و با رهبری وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- تفسیر المراغی، ج ۲۶، ص ۱۱۳.

۲- کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۲۳۰؛ زیده التفاسیر، ج ۷، ص ۴۶؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۹، ص ۵۲۹.

۳- مفردات، ص ۵۲۲ «طفی».

۴- الفرقان، ج ۲۸، ص ۳۱۳.

۵- مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، ج ۱۱، ص ۱۳.

۶- تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۷.

محقق خواهد شد. پس ناگزیر این وعده در پایان تاریخ و با رهبری وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.

نکته پایانی این که چنان که اشاره شد با تعیین معنای «غلبه دادن» در آیه شریفه توجه به این نکته، بسیار مهم است که به نظر می رسد غلبه دادن به مفهوم سیطره و گسترش دادن در بیرون و از میان برداشتن رقیب است که با نظر به تعبیر آیه (غلبه دادن بر همه ادیان) این مهم تاکنون محقق نشده و در پایان تاریخ به رهبری ولی خدا و پیشوای معصوم مجال توفیق خواهد یافت؛ زیرا تصور سیطره کامل دین از سوی حق تعالی بدون رهبری فردی معصوم و منصوب از سوی خدا دشوار و پذیرفتنی نیست. (۱) و این نصرت الهی یا به نسخ شرایع پیشین یا به پیروزی پیروان دین اسلام بر پیروان سایر ادیان و مکاتب یا با برهان و منطق است. (۲) اما اشاره رفت که مقصود همه این موارد است.

سیطره تکوینی یا تشریحی

پس از روشن شدن مفهوم اظهار، پرسشی پیش می آید که آیا این سیطره، تشریحی خواهد بود یا با اراده تکوینی خداوند محقق خواهد شد؟ مفسران گفتار صریحی در این خصوص ندارند. و برخی از مفسران به معنا کردن واژه «یأبی» به «لایرضی»، «لایرید»، «یمنع» (۳) و مانند این ها بسنده کرده اند.

۱- المیزان، ج ۹، ص ۲۵۹-۲۶۶.

۲- من وحی القرآن، ج ۱۱، ص ۹۲-۹۳؛ الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۵.

۳- التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۳۲؛ روح البیان، ج ۳، ص ۴۱۶؛ التفسیر الوسیط، ج ۶، ص ۲۶۴؛ من هدی القرآن، ج ۴، ص ۱۶۱.

علامه طباطبایی بیش از دیگران به شرح این فراز پرداخته و گفته اند: « دو آیه ۳۲ و ۳۳ بر این حقیقت دلالت دارند که خداوند می خواهد این دین را در جهان بشری گسترش دهد؛ بنابراین، باید برای انجام خواست حق تعالی کوشش و جهاد کرد؛ چه این که اهل کتاب می خواهند این نور را با دهان شان خاموش کنند، که ناگزیر باید با آنان جنگ کرد تا از این کار دست بشویند و تسلیم شوند و جزیه پردازند و به خواست و مشیت خدا هر فتنه ای شود به سود مؤمنان و زیان کافران خواهد بود. بنابراین، مؤمنان نباید سستی کنند یا غمگین شوند، چرا که آنان برترند اگر مؤمن باشند». (۱) هر چند علامه تصریح به اراده تشریحی خداوند نکرده اند؛ اما برخی از قرآن پژوهان معاصر، احتمال اراده تشریحی را از گفتار علامه برداشت کرده اند. بدین معنا که خداوند انشای حکم و ابلاغ آن را فراهم کرده و تحقق آن را به عهده مکلفین گذاشته است. (۲) اما به نظر می رسد این برداشت درست نباشد؛ زیرا اگر به معنای اراده تکوینی خداوند هم باشد، باز مانع از کوشش مکلفین در جهت فراهم آوردن زمینه های لازم نخواهد بود. و دست کم وظیفه مکلفین را در دفاع از دین خدا از دوش آنان برنخواهد داشت؛ و این تلاش ها در نتیجه بخشی نسبت به فراگیری دین حق، بی اثر نخواهند بود. بنابراین با این توضیح نمی توان از گفتار علامه، اراده تشریحی را برداشت کرد. چنان که اراده خداوند نسبت به بنی اسرائیل هم منوط به صبر آنان بود. چون که موسی علیه السلام از قوم بنی اسرائیل خواست تا از خدا یاری جسته و صبر پیشه

۱- المیزان، ج ۹، ص ۲۴۷.

۲- بررسی تطبیقی آیات مهدویت، ص ۴۹.

کنند تا زمین را به ارث برند، «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (سوره اعراف، آیه ۱۲۸). مددجویی از پروردگار، بردباری و پرهیزگاری از مؤلفه‌هایی هستند که در این آیه بر بنی اسرائیل تکلیف شده است.

اما برخی از مفسران با معنا کردن «اباء» به منع و امتناع، برداشت ادعای جبری‌ها به معنای کراهت را نفی کرده‌اند. (۱) به نظر می‌رسد براساس سنت‌های اجتماعی خداوند، سرانجام دین حق بر سایر ادیان سیطره یافته و به کمال و تمام، منتهی خواهد شد. چنان‌که برخی از مفسران نیز آیه را این‌گونه معنا کرده‌اند. (۲) شاید تعبیر «اتمام» هم گویای همین معنا باشد که خداوند دین حق را به اتمام خواهد رساند. و اتمام آن به فراگیری و نفی دیگر ادیان و سیطره بر همه ادیان خواهد بود؛ و گویی بدون آن نقصی در فرایند دینی پیش می‌آید که دامن کبریایی از آن منزه است.

به هر روی سیطره دین حق با پشتوانه منطقی قوی برای نفوذ در دل‌ها و پشتیبانی اجرایی برای گسترش دستورات حیات بخش آموزه‌های وحی بدون تساهل و تسامح و البته به همراه روش‌هایی به دور از خشونت‌های برخی فرقه‌های مدعی اسلام واقعی (۳) در سایه هدایت‌های رهبری معصوم از

۱- مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸؛ فتح القدير، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲- فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۶۴۳؛ التفسیر الوسیط، ج ۶، ص ۲۶۴.

۳- با تأسف فراوان، در طول تاریخ اسلام شاهد شکل‌گیری فرقه‌هایی تندرو مانند خوارج، سلفی‌ها و گروه‌های تکفیری وابسته به بعضی فرقه‌های دنیای اسلام بوده‌ایم که به دلیل جدا شدن از مکتب اهل بیت علیهم السلام، ناگزیر به کج فهمی در دین دچار شده و با سلیقه شخصی در پی اجرای دستورات دین برآمده‌اند که زیان‌ها و آسیب‌های آنان بیشتر از دشمنان بیرونی اسلام بوده و چهره‌خشنی از اسلام را به نمایش گذاشته‌اند.

خاندان پیامبر مهر و رحمت محقق خواهد شد.

فرجام ادیان

در این جا پاسخ به این سؤال ضروری جلوه می کند که آیا ادیان دیگر به کلی نابود می شوند یا مقهورانه باقی می مانند؟ هر دو احتمال با شواهد قرآنی و روایی قابل طرح و بررسی است.

بیشتران مفسران پاسخ این پرسش را فرو گذاشته و پاسخی به آن نداده اند. اما برخی با پذیرش بقای مقهورانه در جواب آن نوشته اند:

و ليس الإظهار هو الإمحاء حتى لا يبقى دين إلا و هو يفنى، و إنما هو الغلبه على الخصام رغم وجودهم، و لكنهم ضعفاء هزلاء متخالفون مع بعض متعادون: من اليهود: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ... وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْتَعْمُونَ فِي الْأَرْضِ فساداً وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (سوره مائده، آیه ۶۴) و من النصارى: «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى .. فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»

(سوره، آیه ۱۴).

و أما من سواهم من ملين و مشركين و ماديين فلا- نعرف عنهم في دوله القائم شيئا، هل هم كذلك كائون على ضعف أم بائدون، و إن ما نعرفه هو ظهور دين الحق على الدين كله، و عله يلمح إلى وجود الدين كله حتى يظهر الإسلام على الدين كله؛

(۱)

و اما اظهار به معنای محو و نابود کردن نیست، به گونه ای که چیزی از آن ادیان باقی نماند. بلکه به رغم وجود ادیان، اسلام بر آن ها سیطره می یابد. و آن ها در موقعیت ضعیف بوده و

پیروان شانتا دامنه قیامت باهم دیگر به مخالفت و دشمنی می پردازند. چنان که خدای سبحان در آیه ۶۴ سوره مائده از دشمنی یهود خبر می دهد: و یهود گفتند: ... و تا روز قیامت میان شان دشمنی و کینه افکنندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمین برای فساد می کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی دارد.

و در آیه ۱۴ همان سوره از دشمنی مسیحیان: «و از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، ... و ما [هم] تا روز قیامت میان شان دشمنی و کینه افکنندیم، و به زودی خدا آنان را از آن چه می کرده اند [و می ساخته اند] خبر می دهد.

اما جز این ها، از وجود مکاتب بشری، مشرکان و مادیون در دولت قائم (مهدی موعود در پایان تاریخ) چیزی نمی دانیم. آیا آن ها هم با ضعف و خواری می مانند یا نابود می شوند روشن نیست. آن چه روشن است سیطره دین حق بر همه ادیان است. شاید این تعبیر به وجود ادیان اشاره دارد که در نهایت اسلام بر همه آن ها پیروز می شود.

علامه طباطبایی می نویسد:

و المراد بالدين كله كل سبيل مسلوک غير سبيل الله الذي هو الإسلام؛ (۱)

و مراد از همه ادیان هر مسلکی جز سبیل الله که همان اسلام باشد است. برپایه این دیدگاه همه ادیان، حتی ادیان غیر آسمانی هم از میان خواهد رفت.

از این بیان روشن شد که برابر روایت قرآن دین یهود و مسیحیت در

موقعیت بسیار ضعیفی وجود خواهد داشت. بعضی روایات_ در متن پژوهش اشاره شد_ نیز که از جزیه گرفتن از برخی مردم خبر می دهد گواه بر این برداشت است. به نظر می رسد اگر مکاتب و مذاهب دیگر هم وجود داشته باشند، مجال ظهور و عرضه پیدا نخواهند کرد.

ابن عاشور نیز پس از معنا کردن اظهار به نصرت و غلبه دادن و بیان حصول غلبه اسلام بر سایر ادیان در زمان حاضر می نویسد:

و لا يلزم من إظهاره على الأديان أن تنقرض تلك الأديان؛ (۱)

و نتیجه غلبه دادن اسلام بر دیگر ادیان به مفهوم نابودی آن

ادیان نیست.

روایاتی نیز که از پرداخت جزیه در پایان تاریخ خبر می دهند شاهد روایی این ادعا هستند:

روی عن موسى بن جعفر عن ابيه عن آبائه عن الحسين بن علي عليه السلام عن أمير المؤمنين عليه السلام: ... قال الله جلّ اسمه: ... و حق عليّ أن أظهر دينك على الأديان حتى لا يبقى في شرق الأرض و غربها دين إلا دينك، أو يؤدون إلى أهل دينك الجزية؛ (۲)

خدای سبحان می فرماید: ... و بر من سزاوار است که

دین تو [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] را بر همه ادیان غلبه دهم، به گونه ای که دینی جز دین تو در شرق و غرب زمین نباشد یا به اهل دین تو جزیه پردازند.

اما برخی دیگر از مفسران با گرایش به احتمال فنا و نابودی مطلق ادیان

۱- التحریر و التئوير، ج ۱۰، ص ۷۴.

۲- الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۲.

دیگر گفته اند:

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (سوره فتح، آیه ۲۸) لیغلبه علی جنس الدین کله بنسخ ما کان حقاً و إظهار فساد ما کان باطلا، أو بتسلیط المسلمین علی أهله إذ ما من أهل دین إلا و قد قهرهم المسلمون، و فیہ تأکید لما وعده من الفتح؛ (۱)

اظهار دین به این معناست که آن را بر جنس دین — عموم ادیان — با نسخ [احکام] ادیان حق و اظهار فساد و نابودی ادیان باطل یا با مسلط کردن مسلمانان بر پیروان ادیان دیگر غلبه دهد. چون که هیچ پیروی دینی نیست جز این که مسلمانان بر آنان غلبه می کنند، این آیه بر پیروزی موعود مسلمانان تأکید دارد.

روشن است از این بیان به دست می آید که مقصودشان نابودی ادیان دیگر است. چنان که برخی دیگر نیز با تکیه بر روایات، در بیانی همسان، ولی با تصریح بیشتری از ورود پیروان ادیان دیگر به دین اسلام سخن گفته اند.

آیه شریفه ۱۵۹ سوره نساء نیز می تواند شاهی بر این ادعا — نابودی ادیان یهودیت و مسیحیت — تلقی شود:

«وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»؛ (سوره نساء، آیه ۱۵۹)

و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگش حتماً به او ایمان می آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان گواه خواهد بود.

اگر ضمیر در «موت» به عیسی علیه السلام بازگشت کند، (۱) آیه چنین معنا می دهد که پیش از رحلت عیسی علیه السلام در پایان تاریخ همه اهل کتاب به او ایمان خواهند آورد که نتیجه آن _ با نظر به روایاتی که از همراهی عیسی علیه السلام با مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر می دهند _ گرویدن عموم اهل کتاب به دین اسلام و از میان رفتن ادیان یهود و مسیحیت است.

بعضی از روایات شیعه و اهل سنت نیز به این معنا اشاره دارند:

عن أبي المقدم عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» يكون أن لا يبقى أحد إلا أقر بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم؛ (۲)

امام باقر علیه السلام درباره آیه ۳۳ سوره توبه فرمودند: کسی نمی ماند جز این که به محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان می آورد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز از تأویل آیه سوره توبه در هنگام ظهور و نابودی عموم کافران و مشرکان یاد شده که احتمالاً به این معنا اشاره دارد:

عن أبي بصير قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل في كتابه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» فقال و الله ما نزل تأويلها بعد قلت جعلت فداك و متى ينزل تأويلها قال حين يقوم القائم إن شاء الله فإذا خرج القائم لم يبق كافر و لا مشرك إلا كره خروجه حتى لو أن كافراً أو مشركاً في بطن صخره لقاتل الصخره يا مؤمن في بطنى كافر أو مشرك فاقته قال فيجيئه فيقتله. (۳)

شاید بتوان از فراز آخر حدیث که از کشته شدن هر مشرک و کافری به

۱- المیزان، ج ۵، ص ۱۳۵؛ الفرقان، ج ۷، ص ۴۳۹-۴۴۰، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۰۱.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷.

۳- تأویل الآیات الظاهره، ص ۶۶۳.

دست مؤمنان خبر می دهد اضمحلال ادیان دیگر را نتیجه گرفت؛ هرچند این دو معنا باهم دیگر ملازمه ای ندارند.

طبری نیز از ابی جعفر _ که به احتمال امام باقر علیه السلام باشد _ در تفسیر آیه یاد شده چنین نقل می کند:

عن فضیل بن مرزوق، قال: ثنی من سمع أبا جعفر: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» قال: إذا خرج عيسى عليه السلام اتبعه أهل كل دين؛
(۱)

ابوجعفر در تفسیر آیه ۳۳ توبه می فرماید: زمانی که عیسی علیه السلام بیاید پیروان هر دینی از وی پیروی می کنند. و چنان که اشاره شد نتیجه این کار پیروی از دین اسلام و از میان رفتن ادیان دیگر خواهد بود.

اما با تدبیر و تأمل در آیات و روایات شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که دین اسلام بر ادیان دیگر غالب شده و دینی فراگیر خواهد شد؛ هرچند پیروان اندکی از ادیان دیگر مقهورانه به دین خود باقی خواهند ماند (۲)؛ اما دین آنان در سطح جامعه بروز و نمود و اثری نخواهد داشت.

چنان که برداشت مفهوم نابودی مطلق ادیان از واژه اظهار و از روایات یاد شده هم درست به نظر نمی رسد.

جمع بندی مطالب

دیدگاه مفسران فریقین در تفسیر آیه از تفاوت اندکی برخوردار بوده و تقریباً هم سو با یکدیگر معنا کرده اند. به رغم همان تفاوت اندک، قدر متیقن از نتیجه دیدگاه ها، سیطره دین اسلام در پایان تاریخ و به دست مهدی

۱- جامع البیان، ج ۱۰، ص ۸۲.

۲- الفرقان، ج ۷، ص ۴۳۹.

موعود است. غلبه اسلام بر سایر ادیان، افزون بر برخورداری اسلام از منطق و برهان قوی، با قهر و استیلاء نیز خواهد بود. امروزه سخن از جهانی شدن و رو به وحدت و یکسانی رفتن از روشن ترین مباحث علوم سیاسی و اجتماعی و سایر حوزه های علوم انسانی شده است. همین امر حکایت از فراهم شدن زمینه های تحقق محتوای آیه مبنی بر جهانی شدن دین واحد دارد. روشن است تاکنون دین اسلام بر همه ادیان غلبه نداشته و زمان آن فرا نرسیده است. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی زمان تحقق آن را به آینده موکول کردند. (۱) و روایات فراوانی از فریقین نیز به این مطلب اشاره دارند.

به کوتاه ترین سخن، جهانی شدن دین اسلام و سیطره آن بر همه ادیان، ایده ای است که از پشتوانه آموزه های آسمانی، روایات معصومین علیهم السلام و تحلیل عقلانی برخوردار است؛ زیرا افزون بر آیات و روایات، براساس سنت تکامل ادیان آسمانی و تاریخ و هماهنگی با فلسفه آفرینش روزی دین حق ابقا و فراگیر شده و ادیان باطل و منسوخ و مکاتب بشریاز میان خواهند رفت. و فرایند تربیت بشر در سایه دینی آسمانی به مرحله کمال و تمام خواهد رسید.

نتیجه گیری

پایان تاریخ از آموزه هایی است که در شماری از آیات قرآن مورد توجه بوده است. از نگاه آموزه های قرآن سیر تکامل تاریخ به پایانی روشن، امیدبخش و با حکومت صالحان و مستضعفان منتهی خواهد شد. با تأمل در آیات مربوط با موضوع پژوهش و سخنان مفسران، به طور اجمال با

دیدگاه قرآن در خصوص پایان تاریخ آشنا شدیم. بشارت به میراث بری زمین و تشکیل جامعه صالحان، تاریخی بس دیرینه در فرهنگ دینی دارد. خدای سبحان افزون بر آیات قرآن در کتب انبیای پیشین به این مهم بشارت داده و با تعبیراتی آن را بیان کرده است که بر حتمیت و تخلف ناپذیری آن تأکید دارد. برابر آموزه های قرآن، مؤمنان شایسته کردار در پایان تاریخ با میراث بری سراسر زمین جانشین و وارث داشته های کفار شده، جامعه ای ویژه تشکیل خواهند داد. مؤمنان پس از گذراندن دوره ای سخت-که در ضعف و تقیه خواهند بود- و پیشه کردن صبر بر رنج های آن دوره، سرانجام با پشتیبانی خدای سبحان به اوج قدرت رسیده و با پیشوایی و زمامداری جهانیان، و پیروزی دین اسلام بر همه ادیان، در امنیت کامل از انواع امکانات نیز برخوردار خواهند شد. وابستگی علمای اهل سنت به حکومت ها و مشغول شدن به امور روزمره، از جمله عواملی هستند که آنان را از اندیشیدن- آن سان که شایسته است و روایات فریقین بر آن تأکید دارد- به فرجام سرنوشت بشر، باز داشته و بیشتر مفسران اهل سنت در تفسیر آیات مربوط به پایان تاریخ به رغم وجود روایات به خطا رفته و سبب سردرگمی خود و مخاطبان شان شده اند. در فصل های بعدی به نمونه هایی از آن اشاره خواهد شد. آنان بیشتر به نقل اقوال بسنده کرده اند تا به یک قول گرایش پیدا کنند. چنان که در تفسیر آیات و تبیین مؤلفه ها و شاخصه های آن ها و تطبیق بر مصادیق جز در بعضی تفاسیر توفیقی نداشتند. در برابر به دلیل پررنگ بودن نگاه به آینده در مکتب اهل بیت علیهم السلام و رنج های فراوان شیعه در طول تاریخ دیدگاه مفسران شیعه در ذیل آیات از

پویایی بیشتری برخوردار بوده و یکنواختی دیدگاه‌ها از نتایج درخشان آن است. روایات اهل بیت علیهم السلام آیات یاد شده را بر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران وی تطبیق کرده‌ و چنان که روشن شد عموماً، وعده‌ها و بشارت‌های موجود در آیات را منحصر به عصر ظهور می‌دانند _ و منظور از صالحان و مستضعفان را اهل بیت و شیعیان آنان دانسته‌اند که سرانجام در پایان تاریخ جامعه‌ای ویژه به رهبری مصلح کل مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف - ویژگی‌های وی در روایات فریقین بیان شده است _ تشکیل خواهند داد. تجربه تاریخی _ که برای همگان روشن است _ گواه روشنی بر این دیدگاه است. با مطالعه تاریخ و مشاهده حوادث و جریان‌های آن، به روشنی استضعاف اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان معلوم می‌شود. خانه نشینی علی بن ابی طالب علیه السلام، صلح تحمیلی بر امام حسن علیه السلام، واقعه جانسوز و دردناک کربلا، ایجاد جو خفقان بر سایر ائمه شیعه _ به گونه‌ای که منتهی به غیبت امام دوازدهم شد (۱) _ و کشتار شیعیان و سلب امنیت آنان در طول تاریخ که هنوز هم در بعضی مناطق، شیعیان برای حفظ امنیت خود در حال تقیه بوده و از آزادی کامل برای انجام مراسم‌های دینی خود برخوردار نیستند؛ شواهد روشن این ادعا هستند. این در حالی است که پیروان سایر ادیان و مذاهب در طول تاریخ اسلام از امنیت کامل، کافی یا حداقل از امنیت لازم برخوردار بوده و در استضعاف نبوده‌اند. چنان که در زمان حاضر این ادعا روشن‌تر از آفتاب است. به کوتاه‌ترین سخن، تطبیق آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام _ در کتب مستقل اعتقادی و کلامی به تفصیل ثابت شده

۱- کتاب‌های نگاشته شده در این زمینه از جمله: الغیبه (نعمانی)، الغیبه (طوسی) و....

است. بر آیات قرآن و تجربه تاریخی، نور امید را در دل مستضعفان جهان به ویژه شیعیان اهل بیت علیهم السلام روشن می کند که مقصود از وارثان زمین شیعیان هستند و باید خود را برای چنین روزی بیش از پیش آماده کنند.

در روایتی از امام کاظم علیه السلام دین حق در آیه شریفه به ولایت تفسیر شده است و آن را تنزیل و نه تأویل دانسته است:

عن محمد بن الفضیل عن أبي الحسن الماضي عليه السلام قال: قلت: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ» قال، هو الذي امر رسوله بالولاية لوصيه، و الولاية هي دين الحق، قلت: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» قال: يظهر على جميع الأديان عند قيام القائم قال: يقول الله: «و الله متم» و لايه القائم «و لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» بولاية على قلت هذا تنزیل؟ قال: نعم اما هذا الحرف فتنزیل، و اما غيره فتأویل؛ (۱)

محمد بن فضیل از امام کاظم علیه السلام از معنای «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ» می پرسد: حضرت پاسخ می دهد حق تعالی رسول خود را به ولایت برای وصی اش فرمان داد و ولایت همان دین حق است. آن گاه از فراز «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» می پرسد؛ حضرت پاسخ می دهد: هنگام قیام قائم بر همه ادیان سیطره می دهد. خدای سبحان می فرماید: «و الله متم» یعنی ولایت قائم را به اتمام می رساند؛ هر چند کافران به ولایت علی علیه السلام خوش نداشته باشند. محمد بن فضیل می پرسد: این معنا تنزیل است؟ پاسخ می شنود، بلی این حرف [ولایت] تنزیل است و اما جز آن تأویل است.

مقصود آن که سیطره دین در سایه ولایت، که از اعتقادات استوار شیعه

است مجال تحقق خواهد یافت.

اما به رغم ختلاف دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت، نقاط مشترک فراوانی در دیدگاه فریقین قابل بازیابی بود که هم سویی مفسران را در موضوع پایان تاریخ هموارتر می نمود.

حاصل این که افزون بر اشاره آیات، این موضوع نزد مفسران امری پذیرفته و انکارناپذیر است؛ زیرا بررسی مجموع آیات این نتیجه را به دست می دهد که موضوع پایان تاریخ از نگاه قرآن در میان مفسران فریقین امری مسلم است.

در فصول بعدی با ویژگی های جامعه صالحان در پایان تاریخ، جامعه صالحان در گستره تاریخ و گستره جغرافیایی حکومت صالحان آشنا خواهیم شد.

فصل دوم: جامعه موعود صالحان

اشاره

در فصل اول به این نتیجه رسیدیم که خدای سبحان آینده ای روشن و امیدبخش را به مؤمنان و مستضعفان بشارت داده است. برابر روایات اهل بیت علیهم السلام و تفسیر مفسران، آیات مزبور به پایان تاریخ نظر داشته و تشکیل جامعه ای ویژه به رهبری صالحان را نوید می دادند. در این فصل و فصل های بعدی با ویژگی ها و مسائل مربوط به این جامعه آشنا می شویم. موضوعاتی چون جامعه موعود صالحان، ویژگی های جامعه صالحان، جامعه صالحان در گستره تاریخ و گستره جغرافیایی این جامعه در این فصل و فصل های بعد مورد پژوهش خواهند بود. گفتنی است جامعه موعود صالحان الگویی از جامعه ایده آل با شاخص های پیشرفت است، که خدای سبحان پیش تر آن را با همه ابعادش به تصویر کشیده است تا جوامع بشری با تاسی به آن به الگوگیری پردازند.

شمار زیادی از مفسران، میراث بری زمین از سوی صالحان را به تشکیل حکومت و تسلط آنان بر زمین تفسیر کرده اند. (۱)

حکومت بر روی زمین

۱- من وحی القرآن، ج ۱۵، ص ۲۷۷؛ التحریر و التنویر، ج ۱۷، ص ۱۱۸.

پاداشی است که خداوند در این دنیا به مؤمنان صالح وعده داده است. بیان این وعده الهی با تعبیر «لقد کتبنا» در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء نشان حتمیت و تخلف ناپذیری آن است که برخاسته از مشیت و اراده خداوند است. (۱)

از این آیه شریفه به دست می آید که این موضوع بر اساس سنت های اجتماعی خداوند حقیقتی گریزناپذیر خواهد بود. (۲)
 خدای سبحان در آیه بعدی «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا...» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۶) از حکومت صالحان با واژه بلاغ تعبیر کرده است. این تعبیر گویای این حقیقت است که حکومت صالحان واقعیتی روشن و عاری از تردید است. اگر انسان جان و دل خویش را از آلودگی عقده ها و عقیده های فاسد پاک سازد و از خواب غفلت بیدارش کند این معنا _ حکومت صالحان _ را با عمق جان پذیرا خواهد شد؛ زیرا زندگی بر اساس صلاح بنا شده نه بر اساس فساد.

فساد سبب ویرانی و نابودی عالم است. انسان صالح کسی است که برابر سنت های الهی گام برمی دارد و رفتار وی با نظام عالم هماهنگ است. از این رو این هم سویی روزی در یک نقطه به هم خواهد رسید.

اما انسان فاسد از آن رو که بر خلاف سنت های الهی قدم بر می دارد ناگزیر از مسیر اصلی نظام هستی فاصله گرفته و نابودی و هلاک خود را رقم خواهد زد. به کوتاه ترین سخن سنت های الهی در طبیعت جریان خواهد یافت و سرانجام در این سیر طبیعی انسان های صالح زمین را به ارث

۱- ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۳۶؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۱.

۲- فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۳۹۹-۲۴۰۰.

خواهند برد. (۱)

برخی مفسران این حقیقت را به نحوی دیگر این گونه بیان کرده اند: گرچه برای آن ها که غالباً شاهد و ناظر حکومت طاغیان ظالم و یاغیان قلدر بوده اند مشکل است این حقیقت را به آسانی پذیرا شوند که تمام این حکومت ها بر خلاف نوامیس آفرینش و قوانین جهان خلقت است و آن چه با آن هماهنگ است همان حکومت صالحان با ایمان است.

ولی تحلیل های فلسفی به این جا منتهی می شود که این یک واقعیت است بنابراین جمله «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا الْعِبَادِی الصَّالِحُونَ» پیش از آن که یک وعده الهی باشد یک قانون تکوینی محسوب می شود.

با این توضیح که جهان هستی مجموعه ای از نظام های یک پارچه و به هم پیوسته است که پیروی نکردن از این نظام هلاکت و نابودی را در پی خواهد داشت. (۲)

شاید بتوان گفت تعبیر «یرثها» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵) و «وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ» (سوره قصص، آیه ۵) هم گویای این حقیقت باشد. پیش تر اشاره شد، مفهوم ارث انتقال مال بدون داد و ستد و عقد و قرار داد است که به طور طبیعی برابر قانون پس از وفات شخص به افراد دارای شرایط می رسد. گویا زمین هم برابر قانون و نظام هستی در نهایت به صالحان خواهد رسید؛ زیرا با بیانی که گذشت تنها آنان شرایط وارث شدن را دارا هستند.

۱- من هدی القرآن، ج ۷، ص ۳۸۶-۳۸۷؛ تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۳۰۳؛ الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۸۳.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۲۱-۵۲۲.

اما نظریه پردازان_ و به تعبیر دقیق تر نظریه سازان_ غربی افول ایدئولوژی های رقیب را دلیل برتری و فراگیری لیبرال دموکراسی می دانند که ناگزیر همگان باید در برابر آن سر تعظیم فرود آورده و پذیرا شوند.

ویژگی های جامعه موعود صالحان

دیدگاه های نظریه پردازان_ به تعبیر صحیح تر نظریه سازان_ غربی حاصل انفعال آنان در برابر پیشرفت های مادی بوده و بدون پشتوانه و پیشینه فکری است. اینان در حالی سخن از پایان تاریخ می گویند که گویی گوش های خود را بر صدای لرزش و فروریختن پایه های لیبرال دموکراسی فرو بسته اند. فقدان استراتژی و راهبرد نظری لیبرال دموکراسی بر هیچ عاقل اندیشمندی پوشیده نیست .

اما آموزه های وحیانی جامعه آرمانی و مطلوب خود را پیش تر توصیف کرده و با بشارت به بشریت به ویژه مؤمنان و مستضعفان، نور امید را در دل های آنان دمیده، و از هر جهت آنان را برای ساختن چنین جامعه ای آماده کرده است. به دیگر سخن جامعه و حکومت پایانی در آیات الهی از پشتوانه عقلی و نقلی برخوردار بوده، همراه با سیر تکاملی تاریخ و مطابق با فطرت بشریت است. (۱)

به اتفاق مفسران امامیه و اهل سنت، مقصود از وعده خداوند در آیات شریفه، حکومت و فرمان روایی است. بی شک، این وعده خلل ناپذیر بوده و مجال ظهور خواهد یافت؛ زیرا کسی راست وعده تر از خداوند نیست،

۱- الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۸۳؛ من وحی القرآن، ج ۱۶، ص ۳۵۵-۳۵۶.

«...وَعِدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِعَادَ» (سوره زمر، آیه ۲۰؛ سوره آل عمران، آیه ۹؛ سوره رعد، آیه ۳۱)؛ «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنْ اللَّهِ قِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۲۲).

ویژگی های جامعه موعود صالحان به اجمال در این گزینه ها

اشاره

خلاصه می شود:

الف) حاکمیت دین اسلام؛

ب) توحید و یکتاپرستی به معنای واقعی کلمه و به دور از هرگونه شرک و بت پرستی؛

ج) جامعه ای ویژه، امن و عاری از کفر و نفاق؛

د) تأمین همه نیازهای انسان؛

هـ) شایستگی زمامداران.

۱. حاکمیت دینی

چنان که از آیات مربوطه روشن شد، در پایان تاریخ جامعه صالحان از زمامداری حاکمان دینی برخوردار بوده و دین اسلام، دینی فراگیر در آن جامعه خواهد بود که رهبران در اجرای کامل دین مصمم خواهند بود. به گواه «الناس علی دین ملوکهم»؛ (۱) مردم بر آیین زمامداران شان سلوک می کنند. و «الناس بامرائهم اشبه من آبائهم»؛ (۲) مردم بیش از پدران، به حاکمان خود شباهت دارند؛ اهمیت مدل و نوع حکومت بر کسی پوشیده نیست. تفاوت حکومت ها در نوع قانون گذاری، شکل اجرا و پشتوانه و

۱- شرح اصول کافی، ج ۱۲، ص ۵۶۳؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۱۱۴.

۲- تحف العقول، ص ۲۰۸؛ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۶.

ضمانت اجرایی نمود و بروز پیدا می کند. حکومت های استبدادی، از قانون خاصی پیروی نمی کنند؛ و اراده فردی پادشاه و سلطان بر کلیه ارکان حکومت سایه افکنده، جز آن، قانون معنا و مفهومی ندارد. در حکومت های دموکراتیک با اندک تفاوتی قانون، نه پرتو اراده و شعاع شخصیت پادشاه، که برخاسته از اراده جمعی انسان هاست. مقصود ما از تفاوت اندک تغییر اراده انسانی از فرد خاص به جمع خاص است؛ روشن است در حکومت های دموکراتیک نیز منافع گروهی از افراد جامعه یا جهان از اولویت برخوردار است که سیاست مداران غربی بارها به آن تصریح کرده اند. هجوم امریکا و هم پیمانان غربی اش به افغانستان و عراق و سایر کشورها و حمایت های یک جانبه از حکومت های دیکتاتوری در جهان عرب و سایر نقاط دنیا، تنها نمونه ای از صدها گواه بر این ادعاست. شاید مراد قرآن از جاهلیت دوم (۱) همین باشد که باز قوانین جاهلی بر جوامع انسانی حاکم شده؛ اما این بار به شکلی مدرن و در قالب واژگانی فریبنده خودنمایی کرده است. اما در حکومت های الهی، قانون برخاسته از اراده الهی بوده و حق تشریح و قانون گذاری تنها اختصاص به خدای سبحان دارد «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» (سوره انعام، آیه ۵۷؛ سوره انعام، آیه ۶۲؛ سوره یوسف، آیه ۴۰، ۶۷). (۲)

احاطه علمی قانون گذار به زوایای وجودی، ابعاد شخصیتی و نیازهای اساسی انسان تأثیر شگرفی در چگونگی قانون گذاری و نحوه اجرای آن

۱- سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲- تفاسیر ذیل آیات.

خواهد داشت. خداوند به عنوان آفریننده بشر، بیش از هر کسی حتی خود انسان به وی احاطه دارد. این حقیقت در آیاتی از قرآن انعکاس یافته است که به اجمال به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمَّ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»؛ (سوره ق، آیه ۱۶)

و همانا ما انسان را آفریدیم، و می دانیم که نفس او چه وسوسه ای به او می کند، و ما از رشته رگ ها به او نزدیک تریم.

«أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»؛ (سوره ملک، آیه ۱۴)

آیا کسی که آفریده است نمی داند؟ حال آن که او باریک بین

آگاه است.

و آیاتی از این دست که به اسرار آفرینش و حکمت ها و لطایف آن و علم و قدرت الهی بر هر چیزی اشاره دارد.

از سوی دیگر، آموزه های وحیانی بر اجرای احکام الهی به دست فردی الهی تأکید دارند. اختلاف اساسی دیدگاه شیعه با اهل سنت نیز در همین نکته نهفته است. اهل سنت بر ولایت فقه بسنده کرده، ولی شیعه بر ولایت فقه و فقیه تأکید داشته و اجرای فقه را تنها به دست فقیه جایز می داند. اعطای خلافت الهی به داود و سلیمان به همین حقیقت اشاره دارد: (۱)

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ». (سوره ص، آیه ۲۶)

۱- من هدی القرآن، ج ۱۱، ص ۳۴۶-۳۴۷؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۱۹۴-۱۹۵.

چنان که مراجعه به طاغوت را در حل دعاوی باطل می داند و بر ضرورت مراجعه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تأکید دارد:

«يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا». (سوره نساء، آیه ۶۰)
 «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». (سوره نساء، آیه ۶۵)

همچنین در آیاتی بر نفی حکومت استبدادی و رعایت دستورات الهی از سوی حاکمان اشاره دارد:

«مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّائِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ * وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ». (سوره آل عمران، آیه ۷۹-۸۰)

از سوی دیگر علاوه بر تعیین احکام جزایی و مجازات مجرمان از سوی حاکمیت؛ با تربیت صحیح انسان ها، ضمانت اجرایی احکام الهی را در درون انسان ها نهادینه می کند. «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي» (سوره علق، آیه ۱۴). و آیاتی مشابه که احساس حضور خداوند در همه حال و آگاهی خداوند از آشکار و درون انسان ها را کانون توجه و تمرکز خود قرار داده است. (۱)

۲. توحید و یکتاپرستی در جامعه

گسترش توحید و یکتاپرستی در جامعه سبب توسعه عدالت اجتماعی، وحدت، همدلی و یک پارچگی شده و زدوده شدن مظاهر فسق و فساد و

شرک از دستاوردهای مهم چنین اعتقادی است. این مهم را می توان از آیات ذیل به دست آورد:

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ...» (سوره آل عمران، آیه ۱۸)

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ». (سوره حدید، آیه ۲۵؛ سوره اعراف، آیه ۲۹؛ سوره مائده، آیه ۳۵، ۸؛ سوره یونس، آیه ۴۷؛ سوره نور، آیه ۶۲؛ سوره فتح، آیه ۲۹)

از سوی دیگر تفرقه و پراکندگی نتیجه محتوم نفاق است.

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَا يَنْصُرُونَهم لِيُؤَلَّنَ الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ * لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ * لَا يِقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ حُدُودٍ بِأَسْفِهِمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحَسُّبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ». (سوره حشر، آیه ۱۱ - ۱۴)

گسترش معنویت و یکتاپرستی از مهم ترین ویژگی هایی است که صالحان پس از قدرت یافتن خود را سخت به آن پایبند می دانند.

«الَّذِينَ إِِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْمَأْرُضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». (سوره حج، آیه ۴۱)

تمکن در زمین به معنای حکومت و تسلط در زمین تفسیر شده

است (۱) که دوستان خداوند با دست یافتن به حکومت، ارتباط با خداوند (اقامه نماز) و رسیدگی به محرومان جامعه (پرداخت زکات) و ترویج نیکی ها و زدودن زشتی ها را در سرلوحه برنامه های خود قرار می دهند.

چنان که از آیات پیشین به دست آمد؛ صالحان وارث سرزمین کفار شده و به رغم خواست مشرکان و کافران، نور خدا (دین توحیدی اسلام) در سراسر زمین بر سایر ادیان غلبه خواهد کرد و خدای سبحان با استقرار و تثبیت دین توحیدی، مؤمنان شایسته کردار را به رهبری مصلح کل از همه امکانات برخوردار خواهد کرد.

این در حالی است که جان مایه نظریه های معاصر غربی تأکید بر برتری و سلطه یافتن لیبرال دموکراسی در پایان تاریخ است. گاهی این تلاش های مذبحخانه و جانبدارانه برخی از صاحب نظران را واداشته تا آینده رهبری جهان را نیز پیش بینی کنند و مشعل این رهبری را در دست امریکا و اروپا ببینند و احتمال می دهد که مرکز قدرت به فدراسیون اروپا برسد و پس از آن، ژاپن، چین و روسیه قرار می گیرند. (۲)

آنان عموماً یا به زمامداران و خصوصاً به ویژگی های شان اشاره نمی کنند یا آن را نه در دستان رهبری خاص که در حوزه جغرافیایی خاصی محدود می کنند. این دیدگاه ها از درون تهی بوده و به تعبیر برخی از منتقدان غربی آنان با ارایه این آراء به جایگاه علمی خود صدمه زده اند.

آن چه اشاره شد تنها نمونه ای از آثار خداپرستی در جامعه است؛ برای

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۰؛ تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۳۳۵.

۲- نظریه بر خورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، ص ۱۲۲-۱۲۴.

تفصیل بیشتر می توان به پژوهش های مستقل در این زمینه مراجعه کرد.

۳. جامعه ای ویژه، امن و عاری از کفر و نفاق

از اساسی ترین نیازهای روانی انسان نیاز به امنیت و آرامش است. چنان که روان شناسان نیز بر این نکته تأکید فراوان دارند. از سوی

دیگر اهمیت تأمین امنیت اجتماعی در همه حوزه های فردی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. امروزه تأمین امنیت اجتماعی سبب

جذب سرمایه های داخلی و خارجی شده، رونق اقتصادی و رفاه عمومی را در پی خواهد داشت. و نیز انجام مناسک عبادی، فراهم آوری امکان تحصیل و کسب دانش برای آحاد جامعه، دفاع از حقوق شهروندی خویش و مقابله با مظاهر فسق و فساد و صدها مورد دیگر از نتایج امنیت و آرامش در جامعه است.

بر این اساس جامعه نمونه، جامعه ای است که حاکمیت دینی فردی الهی را پذیرفته و توحید و یکتاپرستی به همراه امنیت شهروندان در آن حاکم باشد. نباید فراموش کرد برابر آن چه از آموزه های وحیانی به دست آمد این مهم جز در پرتو حاکمیت فردی الهی، که منصوب از سوی خدای سبحان باشد میسر نیست.

برخی از مفسران مقصود آیه ۵۵ سوره نور را تشکیل جامعه ای ویژه و منحصر به فرد می دانند که خداوند به مؤمنان نیکوکار وعده داده است:

فألا یه علی هذا وعد جمیل للذین آمنوا و عملوا الصالحات أن الله تعالی سیجعل لهم مجتمعا صالحا یخص بهم فیستخلفهم فی الأرض و یمکن لهم دینهم و یدلهم من بعد خوفهم أمنا» لا یخافون کید منافق و لا صد

کافر یعبدونه لا یشرکون به شیئاً. (۱)

ایشان با اشاره به محل نزول آیه _ مدینه _ گفته اند: بر همین اساس، خداوند به مؤمنان نیکوکار وعده داده است؛ جامعه شایسته ای برای آنان فراهم خواهد آورد که ویژه آنان باشد. خداوند آنان را به خلافت در زمین رسانده، دین شان را تثبیت و ترس شان را به امنیت تبدیل خواهد کرد و توطئه کافران و منافقان را از آنان دور خواهد کرد. و جامعه ای توحیدی و عاری و مبرا از شرک خواهد بود.

در ادامه پس از توصیف مقصود آیه و فقرات آن نتیجه می گیرند:

و المتحصل من ذلك كله أن الله سبحانه يعد الذين آمنوا منهم و عملوا الصالحات أن سيجعل لهم مجتمعاً صالحاً خالصاً من و صمه الكفر و النفاق و الفسق يرث الأرض لا يحكم في عقائد أفراد عامه و لا أعمالهم إلا الدين الحق يعيشون آمين من غير خوف من عدو داخل أو خارج، أحراراً من كيد الكائدين و ظلم الظالمين و تحكماً المتحكمين. (۲)

جامعه ای که خداوند به مؤمنان نیکوکار بشارت می دهد؛ جامعه ای پیراسته از نشانه های کفر، نفاق و فسق بوده، آنان وارث زمین خواهند بود. در این جامعه، آموزه های دین بر اندیشه و رفتار ساکنان حاکم بوده، افراد در امنیت کامل و بدون هراس و واهمه از دشمنان داخلی و خارجی یا توطئه خائنان و ظلم ظالمان و زورگویی زورمداران به سر خواهند برد. جوامع بریده از وحی، ناگزیر از به کارگیری ابزار خشونت به منظور بقای خویش هستند و این خشونت زمانی شدت پیدا می کند که فردی مستبد و خودکامه بر ارکان

۱- المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۲.

۲- المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۵.

جامعه سلطه یابد. ولی حاکمیت ولی خدا که بی واسطه یا باواسطه با جهان غیب در ارتباط است، با فطرت بشری هماهنگ بوده و بقای خویش را در پذیرش دل ها می جوید و به کارگیری خشونت و ایجاد ناامنی برای شهروندان را برنرفته و آن را در تنافی با اهداف عالی خود می داند.

۴. برآوردن همه نیازهای انسان

برتری جوامع را باید در نوع برنامه ها و نگاه جامع آن ها به تامین نیازهای اساسی انسان جست و جو کرد. عمده ترین اشکال نظریه های معاصر در همین نکته نهفته است که با نگاه تک بعدی به انسان نیازهای وی را در تمنیات مادی محدود کرده با تجربه دستاوردهای مادی و حسی از پایان تاریخ سخن می گویند. آنان برتری تکنولوژی و قدرت نظامی را که حاصل مدرنیته است معیار برتری و سلطه یافتن لیبرال دموکراسی در پایان

تاریخ دانسته اند.

اما جامعه صالحان جامعه ای عاری و پیراسته از شرک و نفاق در بعد معنوی و سرشار از برکات مادی و نعمت های طبیعی در بعد مادی خواهد بود. علامه طباطبایی در این خصوص می فرماید:

و مراد از وراثت زمین این است که تسلط بر منافع زمین، از دیگران به صالحان منتقل می شود و استقرار برکات زندگی به سبب این وراثت در میان آنان محقق می شود. این برکات، در دنیا به معنای استفاده شایسته از نعمت ها و زینت های آن و در آخرت رسیدن به مقامات قرب الهی است که البته آن هم از برکات جامعه شایسته در همین دنیا است. (۱)

مفهوم آیه شریفه این است که «به زودی زمین از آلودگی شرک و گناه پاک شده جامعه بشری صالح که به بندگی خدا گردن نهاده و به وی شرک نوزند در آن ساکن می شوند. چنان که آیه «وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (سوره نور، آیه ۵۵) از آن خبر می دهد.

با این بیان، روشن شد که آیه مورد بحث اختصاص به یکی از دو وراثت دنیایی و آخرتی ندارد و هر دو را شامل می شود.

(۱)

پاک سازی جامعه از آلودگی های شرک و تلاش در جهت بندگی خداوند در واقع توجه به تأمین نیازهای اساسی انسان از آن جمله نیازهای روانی اوست. آرامش از اساسی ترین نیازهای روانی انسان است؛ و جستن آن جز در یاد الهی کوششی بیهوده و بی حاصل است؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (سوره رعد، آیه ۲۸). اشاره شد بندگی خداوند و پیراستگی از شرک، بارز ترین ویژگی جامعه صالحان است. خداوند در تشبیهی نتیجه شرک را این گونه به تصویر می کشد:

«...وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ». (سوره حج، آیه ۳۱)

هرکس به خدا شرک ورزد چنان است که گویی از آسمان فرو افتاده و مرغان او را ربوده اند یا باد او را به جایی دور افکنده است.

همچنین در قرآن، شرک با وصف ظلم عظیم توصیف شده است «إِنَّ الشُّرُكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (سوره لقمان، آیه ۱۳). روشن است در جامعه آلوده به

شرک، اجرای عدالت و تساوی حقوق انتظاری بیهوده است. (۱)

نباید از نظر دورداشت شکوفایی استعدادهای آدمی دستاورد تأمین صحیح عموم نیازهای اساسی اوست. چنان که یافته های روان شناسی نیز بر این نکته تأکید دارد؛ (۲) تأمین این نیازها در پرتو عدالت برای همگان میسر خواهد شد؛ و این مهم از وجوه تمایز حکومت صالحان از قدرت های طاغوتی است.

۵. شایستگی زمامداران

از دیگر ویژگی های جامعه صالحان، زمامداران و کارگزاران آن جامعه است. آیه شریفه ۱۰۵ سوره انبیاء بدون اشاره به نوع حکومت در پایان تاریخ ویژگی زمامداران آن را کانون توجه خود قرار داده است. صلاح و شایستگی تنها ویژگی مورد اشاره در این آیه شریفه است که مقصود از آن شایستگی در همه حوزه های شناختی و رفتاری است (۳) زمامداران و کارگزاران شایسته، راهبردها و برنامه های جامعه را به شایستگی مدیریت کرده و آن را به سوی سعادت و خوشبختی رهبری می کنند. این برنامه ها برخاسته از اندیشه های پاک و رهیده از وابستگی های نفسانی و مادی است؛ از سوی دیگر رفتارهای رهبران خود ساخته در این جامعه پیراسته از تعارض و تناقض بوده و قبل از دیگران، خود عامل به برنامه های خویش هستند. چنان که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است:

۱- من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۱۹۰؛ من هدی القرآن، ج ۱۰، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۲- روان شناسی اجتماعی، ص ۲۶۰.

۳- الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۷۶-۳۷۷؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۷-۵۱۸.

و الله ما أمرتكم بطاعه إلا و قد ائتمرت بها و لا نهيتكم عن معصيه إلا و قد انتهت عنها؛ (۱)

قسم به پرودگار، شمارا به طاعتی فرا نخواندم جز این که خودم

به آن عمل کردم و از گناهی شمارا باز نداشتم مگر خودم از آن دوری جستم.

مثل معروف «الناس علی دین ملوکهم» (۲) مردم بر آیین زمامداران شان سلوک می کنند نیز گویای این حقیقت است.

چنان که در آیه ۵۵ سوره نور نیز بر ایمان و کردار شایسته آنان اشاره کرده است. برابر آیه ۵ سوره قصص پس از گذراندن دوره استضعاف در زمین، به پیشوایی و زمامداری جهانیان برگزیده خواهند شد. شاید این ویژگی (استضعاف و چشیدن سختی ها) بر اهتمام آنان در اجرای عدالت و قوانین الهی افزوده و آنان را شایسته پیشوایی و زمامداری کرده است.

۱- کنز الدقائق، ج ۲، ص ۱۹۴.

۲- شرح اصول کافی، ج ۱۲، ص ۵۶۴.

فصل سوم: جامعه صالحان در گستره تاریخ

اشاره

روشن شدن زمان تحقق جامعه صالحان، نقشی اساسی در موضوع پایان تاریخ در دنیای معاصر دارد. اندیشه های معاصر از خلأ دانش و اندیشه های رقیب و صحیح در این موضوع بیشترین بهره را برده و در صدد القای این دیدگاه هستند که با ظهور لیبرال دموکراسی، تاریخ به پایان خود رسیده و امکان رشد و ترقی برای بشر بیش از این تصور نمی شود و بشر ناگزیر از پذیرش این نظام است. از این رو در این فصل بازه زمانی جامعه صالحان را از نگاه وحی بررسی می کنیم.

۱. دوره تاریخی جامعه موعود صالحان

قرآن هیچ اشاره ای به زمان این رخداد تاریخی نمی کند. اما مفسران تلویحاً یا تصریحاً به زمان وقوع این حکومت اشاره کرده اند. برخی مفسران آن را مربوط به آخرالزمان می دانند؛ (۱) چنان که برخی دیگر آن را به اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان تطبیق می کنند. (۲)

۱- بحر العلوم، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲- التفسیر المبین، ص ۴۳۱؛ روح المعانی، ج ۹، ص ۹۹.

در روایتی از امام باقر علیه السلام نیز به این حقیقت تصریح شده است: قال علیه السلام: «قوله عز و جل: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» هم أصحاب المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف فی آخر الزمان»؛ (۱) یعنی مقصود از بندگان صالح

خدای سبحان، اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان هستند. برخی هم بندگان صالح را بر یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق داده اند که تلویحاً اشاره به آخر الزمان دارد. (۲)

برخی از مفسران نیز بدون اشاره به زمانی خاص ارث بردن زمین از سوی صالحان را به زمان تقویمی محدود نکرده؛ آن را سنت ساری و جاری در نظام خلقت می دانند که در صورت فراهم شدن ایمان و شایستگی صاحب زمین خواهند شد حتی از این هم فراتر رفته آن را به هیچ قوم و ملیتی اختصاص نداده اند. (۳)

پاسخ یافتن پرسش درباره تفسیر «عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و این که مقصود از صالحان چه کسانی هستند سبب روشن شدن سؤال اصلی این قسمت خواهد شد. میان مفسران گفت و گوست که مراد از صالحان چه کسانی هستند؟ و در این میانه تفسیرهای گوناگونی از سوی مفسران خاصه و عامه طرح شده است. دیدگاه غالب در میان مفسران اهل سنت تطبیق آن بر امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان و متعبدان امت است. اما مفسران امامیه با اثرپذیری از اندیشه متعالی و مترقی مهدویت و توجه ویژه به آینده عموماً آن

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶؛ البرهان، ج ۳، ص ۸۴۸.

۲- الصافی، ج ۳، ص ۳۵۷؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷؛ من وحی القرآن، ج ۱۵، ص ۲۷۷؛ الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۵۲۸؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۹۲.

۳- تفسیر المراغی، ج ۱۷، ص ۷۶؛ فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۴۰۰.

را بر اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق داده اند و به روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام تمسک جسته اند. (۱) بر این اساس در اندیشه شیعی این رخداد تاریخی در دوره تاریخی خاصی که در متون دینی تعبیر به آخرالزمان شده است ظهور خواهد یافت؛ اما در دیدگاه اهل سنت دوره مشخصی تعیین نشده، گاهی آن را به زمان ظهور اسلام در حجاز و گاهی به عصر صحابه و زمانی دیگر به امت اسلامی بدون اشاره به جزئیات آن تطبیق داده اند که از تشتت و سردرگمی حکایت می کند؛ به خلاف آن، بالندگی و پویایی بهترین دستاورد دیدگاه شیعه است که روح امید را در کالبد جامعه دمیده و آینده ای سرشار از امید را نوید می دهد.

به کوتاه ترین تعبیر برابر دیدگاه مفسران امامیه و برخی مفسران اهل سنت حکومت فراگیر بندگان صالح در پایان تاریخ محقق خواهد شد.

از اطلاق آیه ۱۰۵ سوره انبیاء و نزول آن در کتب آسمانی پیشین به دست می آید که مراد از بندگان صالح خداوند، محدود به آیین خاصی نبوده و پیروان هر یک از آیین های آسمانی با دست یابی به شرایط یاد شده در آیه شریفه وارث زمین خواهند شد. اما نباید از نظر دور داشت از سویی با ظهور آخرین آیین آسمانی و با نظر داشت مفهوم خاتمیت دست یابی به این شرایط جز از رهگذر اسلام میسر نخواهد بود.

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛ (سوره آل عمران، آیه ۸۵)

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶؛ الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۲، ص ۳۲۹.

و هر که جز اسلام دین [دیگر] جوید از وی پذیرفته نیست و در قیامت از زیان کاران است.

بدین ترتیب چنان چه هر شخص و گروهی از هر قوم و ملیتی به آیین اسلام درآید و در زمره بندگان صالح جاگزیند وارث زمین خواهد بود. و از سوی دیگر چنان که پیش تر اشاره شد صالحان از بنی اسرائیل وارث سرزمین فرعونیان شدند، اما این وعده الهی در مقیاس وسیع تر در پایان تاریخ اختصاص به صالحان از امت اسلامی دارد.

بر همین اساس در میان مفسران شیعه علامه طباطبایی بر اطلاق آیه تأکید داشته از تخصیص آن به موارد خاص به شدت دوری می کند:

و بین من یخصها بالوراثه الدنیویه و یحملها علی زمان ظهور الإسلام

أو ظهور المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف الذي أخبر به النبي صلى الله عليه وآله وسلم في الأخبار المتواتره المرويه من طرق الفريقين، و يتمسك لذلك بالآيات المناسبه له التي أوأنا إلى بعضه. (۱)

از دید ایشان آن گروه از مفسرانی هم که آیه را به وراثت دنیایی اختصاص داده و حمل بر دوره ظهور اسلام و یا دوران مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف _ که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اخبار متواتره از آن خبر داده و شیعه و سنی آن ها را نقل کرده اند _ نموده اند باز راه درستی نرفته اند؛ زیرا روایات مذکور هر چند متواتر و مسلم است اما آیه را تخصیص نمی زند.

با این رویکرد صالحان در هر دوره زمانی با فراهم آوردن شرایط ایمان و عمل صالح از این بشارت الهی برخوردار خواهند شد؛ زیرا سنت الهی بر

همین معنا استوار شده است؛ اما اشاره شد سنت الهی در پایان تاریخ در میان صالحان از امت اسلامی به رهبری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مجال وقوع خواهد یافت.

تمایز دیگر دیدگاه وحی در این نکته است که از سویی راهبرد وحی سابقه ای بس دیرینه دارد و از سوی دیگر خداوند پیش تر به این راهبرد اشاره کرده تا زمینه پذیرش را در بشر فراهم و آنان را به تلاش در جهت استقرار حکومت عدل و با آرزوی عضو شدن در آن دولت کریمه ترغیب کند. (۱) به خلاف این، نظریات معاصر دیدگاه هایی نوظهور هستند که از خود باختگی در برابر پیشرفت های عصر مدرنیته سرچشمه گرفته اند که باخالی شدن میدان از سوی رقبا سبب توهم پایان نبرد ایدئولوژیک و غلبه و یکه تازی لیبرال دموکراسی از سوی نظریه پردازان غربی شده است.

آموزه های وحی نه بر نبرد ایدئولوژیک که بر سیر تکامل ادیان تأکید دارد؛ «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۸۱). پیامبران الهی برابر عهد و پیمانی که با خدا دارند مسئول همکاری و همیاری با سایر پیامبران هستند تا این حلقه هدایت بشر کامل شده و آرزوی دیرینه او به ثمر نشیند. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (سوره مائده، آیه ۳). دین اسلام نه با رویارویی که براساس سنتی الهی دینی کامل و برگزیده شد تا آخرین

پیام های هدایت را به عموم انسان ها برساند. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (سوره توبه، آیه ۳۳). به رغم ناخشنودی مشرکان و مخالفان؛ آیین اسلام بر همه ادیان، غالب و دینی فراگیر خواهد شد. سیاق آیات سوره انبیاء هم گواه این معناست. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷). در تفسیر آیه شریفه گفته شده است:

أى أنك رحمه مرسله إلى الجماعات البشرية كلهم_ و الدليل عليه الجمع المحلى باللام_ و ذلك مقتضى عموم الرساله.

و هو صلى الله عليه و آله و سلم رحمه لأهل الدنيا من جهة إتيانه بدین فى الأخذ به سعاده أهل الدنيا فى دنياهم و أخراهم.

و هو صلى الله عليه و آله و سلم رحمه لأهل الدنيا من حيث الآثار الحسنه التى سرت من

قيامه بالدعوه الحقه فى مجتمعاتهم مما يظهر ظهورا بالغا بقياس الحياه العامه البشریه اليوم إلى ما قبل بعثته ص و تطبيق إحدى الحياتين على الأخرى؛ (۱)

تو (رسول خدا) رحمتی هستی که به سوی همه جوامع بشری فرستاده شده ای. این معنا از واژه «عالمین» که جمع است و با «ال» آمده، به دست می آید؛ افزون بر این مقتضای همگانی بودن رسالت پیامبر خاتم هم همین است. رسول رحمت، دینی آورده که با پذیرش آن سعادت بشر در دنیا و آخرت برآورده است. آثار نیکوی دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جوامع بشری گواه رحمت بودن اوست. مقایسه وضع زندگی بشر در قبل از بعثت با بعد از بعثت پیامبر این حقیقت (رحمت بودن پیامبر) را روشن می کند.

به اعتقاد مفسران شیعه، افق نگاه آیه ۵۵ سوره نور و آیات ۳۲ و ۳۳ سوره توبه به آینده و پایان تاریخ معطوف است. اینان بر این باور اتفاق دارند که وعده الهی در آیه مزبور تاکنون به طور کامل آشکار نشده و تحقق آن تنها به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان پذیر خواهد بود. حتی مفسرانی که خطاب آیه ۵۵ سوره نور را عام گرفته و از محدود نبودن آن به اشخاص و دوره های تاریخی خاص سخن گفته اند؛ در نهایت حکومت مهدوی را از مصادیق کامل آن شمرده اند. (۱)

مفسران شیعه، برای اثبات مدعای خود به روایاتی از اهل بیت علیهم السلام تمسک جسته اند. براساس این روایات مقصود آیات یاد شده، اهل بیت، شیعیان و به ویژه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به نمونه ای از روایات

اشاره می شود.

طبرسی از عیاشی نقل کرده است:

روی العیاشی یاسناده عن علی بن الحسین علیه السلام أنه قرأ الآیه و قال هم و الله شیعتنا أهل البيت يفعل الله ذلك بهم علی یدی رجل منا و هو مهدی هذه الأمة و هو الذی قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یلی رجل من عترتی اسمه اسمی یملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً. (۲)

به نقل عیاشی، امام سجاد علیه السلام پس از قرائت آیه ۵۵ سوره نور فرمودند:

۱- المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۱-۱۵۶؛ ص ۵۳۰-۵۳۳؛ اطیب البیان، ج ۹، ص ۵۵۶؛ البلاغ، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰؛ تفسیر فرات کوفی، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ الصافی، ج ۳، ص ۴۴۳-۴۴۴؛ تأویل الایات الظاهره، ج ۱، ص ۳۶۵.

به خدا قسم آنان شیعیان ما اهل بیت هستند، خداوند به دست مهدی این امت، مردی از خاندان ما، این وعده را محقق می کند. او همان کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر از دنیا جز یک روز نماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا مردی از خاندان من به حکومت برسد و زمین را در حالی که از ظلم و جور پر شده است، از قسط و عدل آکنده سازد.

روایاتی از این دست در تفاسیر شیعه به ویژه تفاسیر روایی، فراوان است. (۱) برخی از مفسران اهل سنت نیز در ذیل آیه به این روایات اشاره کرده اند. (۲)

تأمل در روایاتی که عامه و خاصه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند، این حقیقت را بیش از پیش روشن می سازد. از آن جمله:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان الله زوی لی الأرض مشارقها ومغاربها وان أمتی سیبلغ ملکها ما زوی لی منها؛ (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خدای متعالی زمین را برای من جمع کرد، به گونه ای که مشرق و مغرب آن را دیدم، فرمان روایی امت من تا آن جا که مشاهده کردم خواهد رسید.

اگر چه این حدیث در منابع روایی شیعه نقل نشده است؛ اما برخی مفسران شیعه در ذیل آیه، به آن تمسک جسته اند. (۴)

بر اساس این روایت، حکومت اسلامی فراگیر خواهد شد، به طوری که

۱- نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۱۶-۶۲۱.

۲- تفسیر ابن کثیر، ج ۶، ص ۷۲؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۸، ص ۲۶۲۸.

۳- صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۱؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۱۲۳؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۲۹۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۶، ص ۷۱.

۴- جوامع الجامع، ج ۳، ص ۱۱۷؛ الصافی، ج ۳، ص ۴۴۵؛ المیزان، ج ۷، ص ۱۵۱؛ الفرقان، ج ۲۱، ص ۲۲۰.

شرق و غرب دنیا زیر نفوذ اسلام خواهد بود. تعبیر به مشارق و مغارب زمین در ادبیات دینی، کنایه از سراسر گیتی است.

روایات دیگری که در جوامع روایی اهل سنت نقل شده و مورد استناد مفسران بوده، این دیدگاه را بیشتر تقویت می کند:

المقداد بن الأسود يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: لا يبقى على ظهر الأرض بيت مدر ولا وبر الا أدخله الله كلمة الاسلام بعز عزيز أو ذل ذليل اما يعزهم الله عز وجل فيجعلهم من أهلها أو يذلهم فيدينون؛ (۱)

مقداد بن اسود می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود: هیچ خانه ای در شهر و روستا و بادیه نمی ماند مگر این که خداوند اسلام را با عزت یا با خواری به آن خانه وارد می کند. یا خداوند عزیزشان می کند (پذیرش از روی میل و رغبت) و اهل عزت می شوند یا خوارشان می کند و اسلام را می پذیرند.

بر پایه این روایت دین اسلام در سراسر کره زمین فراگیر خواهد شد. بی شک بازه زمانی این اتفاق در پایان تاریخ خواهد بود. و نظر به استناد مفسران به این روایت در ذیل آیه مورد تحقیق؛ آیه یاد شده نگاه به پایان تاریخ دارد.

افزون بر این، روایات دیگری (۲) نیز گواه بر این ادعا بوده و حکمت آفرینش _ عبودیت و معرفت پروردگار (سوره ذاریات، آیه ۵۱) و... _ و سیر تکامل تاریخ _ در متن پژوهش بررسی و به بعضی آیات نیز اشاره شد _ شاهد روشنی بر

۱- مسند احمد، ج ۶، ص ۴؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۹۲؛ تفسیر ابن ابی زینین، ج ۳، ص ۲۴۳؛ تفسیر سمعانی، ج ۳، ص ۵۴۴؛ التبیان، ج ۷، ص ۴۵۵؛ جوامع الجامع، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲- بعضی از این روایات در متن پژوهش مورد استناد بوده اند.

واقعی بودن دیدگاه شیعه مبنی بر ظهور وعده الهی در پایان تاریخ است.

برخی از مفسران با توصیف ویژگی های بیان شده در آیه ۵۵ سوره نور، به این نتیجه رسیده اند که تا کنون در طول تاریخ اسلام چنین جامعه ای محقق نشده است. و براین اساس آیه ناظر به آینده بوده و این جامعه موعود بشارتی است که در پایان تاریخ به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت. (۱) این مفهوم از آیاتی که از فراگیری دین اسلام و غلبه آن بر سایر ادیان خبر داده اند به خوبی قابل برداشت است؛ زیرا هنوز دین اسلام بر همه ادیان غالب نشده و دین واحد جهانیان نشده است. چنان که گذشت محتوای بعضی آیات هم گواه دیگری بر این معناست.

۲. عصر ظهور وعده الهی از دیدگاه مفسران اهل سنت

اشاره

تعیین زمان ظهور این وعده الهی، مهم ترین عنصر در تفسیر آیه یاد شده است. چگونگی این تعیین، افق های روشنی از بشارت های آسمانی را پیش روی بشریت خواهد گشود؛ زیرا تحقق آن در گذشته و تاریخ صدر اسلام و یا در طول تاریخ اسلام، یا امید وقوع آن در آینده در نتیجه تفسیر آیات و هدف نوشتار حاضر اثرگذار خواهد بود. مفسران اهل سنت با اثرپذیری از رخدادهای بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کوشیده اند تا آیات مربوطه را به حکومت های صدر اسلام و حتی بعد از آن تطبیق کنند تا افزون بر توجیه انحراف مسیر جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مستمسکی بر اعتقادات خود داشته باشند. از این رو بررسی دیدگاه اهل سنت در این مورد و نتیجه آن در روشن

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۵.

شدن حقیقت بسی اثرگذار خواهد بود.

از حکومت نبوی تا حکومت علوی

حکومت چند ساله نبوی صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه منوره و علوی در کوفه و بخش های وسیعی از سرزمین اسلامی آن روز، از جمله مواردی است که مفسران اهل سنت آیه را بر آن تطبیق داده اند. در این که این دو حکومت، از بی نظیرترین حکومت های تاریخ بشریت است، سخنی نیست؛ ولی به نظر می رسد این وعده الهی چنان که بعداً اشاره خواهد شد، به طور کافی و وافی در یک بازه زمانی دیگر روی خواهد داد، و این ها نمونه هایی از آن وعده بزرگ الهی هستند.

تمسک به روایات و نقد و بررسی آن

این مفسران برای اثبات مدعای خویش، به برخی روایات یا نقل ها، تمسک جسته اند که به نظر می رسد بیشتر در پی تصحیح خلافت خلفای سه گانه، ناگزیر از اثبات این ادعا از عصر نبوی تا عصر علوی و گاهی قرون متمادی اسلامی شده اند. نقد و بررسی این نقل ها در روشن شدن واقعیت و نتیجه پژوهش حاضر بسی اثرگذار خواهد بود. از همین رو روایات و نقل های مورد استناد و ادعای اهل سنت را به بوته نقد و بررسی می سپاریم تا افق های حقیقت بر طالبان آن آشکار شود.

از آن جمله، نقل شده است، مسلمانان در مدینه با خوف و هراس زندگی می کردند به گونه ای که همیشه با سلاح و شمشیر بودند. از این رو، از این وضعیت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کردند و پیامبر به آنان وعده امنیت داد و

آیه ۵۵ سوره نور نازل شد. (۱)

این ادعا و تمسک به روایت مزبور با اشکالاتی رو به روست: نخست این که نقل یاد شده تنها به امنیت در پرتو حکومت اسلامی اشاره دارد که تنها یکی از گزینه های مورد اشاره در آیه است و با تحقق یکی از گزینه ها نمی توان ادعای تحقق کامل وعده الهی را داشت. چنان که برخی مفسران اهل سنت نیز به این حقیقت اشاره کرده اند. (۲) دوم این که عموم مفسران بر عام بودن آیه اتفاق نظر دارند. بر این اساس مفهوم آیه محدود به زمان خاصی نیست. هرچند اشاره شد از نگاه روایات اهل بیت و مفسران شیعه این وعده الهی در آخرالزمان با سلطه یافتن سراسری اسلام رخ خواهد نمود. افزون بر این به ادعای برخی مفسران، آیه مزبور مکی است؛ (۳) و صدور روایت مورد ادعا در مدینه است. بنابراین تفسیر آیه مورد ادعا با حدیث یاد شده درست نیست و ارتباطی به یکدیگر ندارند.

بیشتر مفسران اهل سنت بر تطبیق آیه بر رخدادهای صدر اسلام پافشاری می کنند. اما شماری از آنان با باورداشت عمومیت آیه، از باب جری و تطبیق، حکومت های صدر اسلام را به عنوان مصداق و نمونه ای از موارد آیه شریفه شمرده اند.

از این رو به باور برخی، آیه شریفه دلیلی بر حقانیت خلافت خلفای راشدین بعد از رسول خداست. در استدلال خویش بر این ادعا گفته اند:

فإن قلت: هل فی هذه الآیه دلیل علی أمر الخلفاء الراشدين؟

۱- جامع البیان، ج ۱۸، ص ۱۲۱؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۸، ص ۲۶۲۹.

۲- التحریر و التنویر، ج ۱۸، ص ۲۲۶.

۳- بیان المعانی، ج ۶، ص ۱۵۰.

قلت: أوضح دليل و أبينه لأن المستخلفين الذين آمنوا و عملوا الصالحات هم. (۱)

اگر بگوییم: آیا این آیه بر خلافت خلفای راشدین دلالت دارد؟ خواهیم گفت: آیه ۱۰۵ سوره انبیاء روشن ترین و آشکارترین دلیل بر کار خلفای راشدین است.

زیرا مراد از جانشینانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، تنها خلفای راشدین هستند.

برخی بر انحصار موعود (مؤمنان نیکوکار) و موعود علیه (جامعه ویژه صالحان) در خلفای راشدین ادعای اجماع کرده اند. (۲)

شمار دیگری از مفسران اهل سنت، به گونه ای ملایم تر و نه با این شدت، این ادعا را مطرح کرده اند. این گروه با نقل این ادعا از سوی دیگران، گویی تماماً با آن موافق نیستند:

و قال الضحاك: هذه الآية تتضمن خلافة أبي بكر و عمر و عثمان و علي لأنهم أهل الإيمان و عمل الصالحات؛ (۳)

ضحاک گفته است: آیه ۱۰۵ سوره انبیاء به طور ضمنی بر خلافت ابوبکر، عمر، عثمان و علی دلالت دارد؛ زیرا آنان اهل ایمان و عمل صالح بودند.

چنان که، عده ای بدون اشاره به قائلین این ادعا، با فعل مجهول آن را بیان کرده اند:

۱- الکشاف، ج ۳، ص ۲۵۲؛ تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۱۱۵؛ تفسیر بغوی، ج ۳، ص ۴۲۵؛ البحر المدید، ج ۴، ص ۶۱؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۶، ص ۷۱-۷۲؛ تفسیر المراعی، ج ۱۸، ص ۱۲۶.

۲- تفسیر بیضاوی، ج ۴، ص ۱۱۳؛ التفسیر المظهری، ج ۶، ص ۵۵۲.

۳- البحر المحیط، ج ۸، ص ۶۵؛ غرائب القرآن، ج ۵، ص ۲۰۹؛ روح المعانی، ج ۹، ص ۳۹۵.

و يقال: نزلت في أبي بكر و عمر و عثمان و عليّ رضی الله عنهم لَيْشَ تَخْلِفَنَّهُمْ یعنی: یكونوا خلفاء بعد رسول الله صَلَّى الله عليه و سلمّ واحدا بعد واحد؛ (۱)

گفته شده است _ نشانه ضعف ادعا_ این آیه (۱۰۵ سوره انبیاء) درباره ابوبکر، عمر، عثمان و علی نازل شده است، که یکی پس از دیگری جانشین رسول خدا شدند.

در برابر، شماری از آنان هیچ اشاره ای به این موضوع نداشته اند؛ و این امر نشان و گواه ضعف ادعای یاد شده و موافق نبودن عده زیادی از مفسران اهل سنت با ادعای یاد شده است. (۲)

از میان صحابه، هیچ صحابی ای آیه یاد شده را بر خلافت خلفای سه گانه یا حکومت های بعدی تطبیق نداده است. کهن ترین منبع در این خصوص _ نقل روایت مزبور _ کتاب «النقاش» است که از ضحاک از طبقه تابعین از مفسران نقل کرده است. چنان که ابوالعالیه از تابعین نیز آیه را بر خلافت خلفای سه گانه تطبیق داده است. بر این اساس جز این دو نفر از تابعین، کسی از مفسران این مطلب را بیان نکرده اند.

به نقل ذهبی از یحیی بن سعید؛ «ضحاک نزد وی ضعیف است»، و ابن عربی و دیگران گفته اند: «روایات او جای تأمل دارد». (۳)

۱- بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۲۱؛ التحرير و التنوير، ج ۱۸، ص ۲۲۹؛ تفسير سور آبادی، ج ۳، ص ۱۶۹۰؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۳۰۴؛ فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۵۳۰.

۲- تفسير جلالین، ج ۱، ص ۳۶۰؛ التفسير القرآنی للقرآن، ج ۹، ص ۱۳۱۵-۱۳۱۷؛ التفسير الواضح، ج ۲، ص ۶۹۶؛ التفسير الوسيط، ج ۱۰، ص ۱۴۶؛ روح البیان، ج ۶، ص ۱۷۴؛ تيسير الكريم الرحمان، ج ۱، ص ۶۷۸؛ جامع البیان، ج ۱۸، ص ۱۲۲؛ تفسير قرطبي، ج ۱۳، ص ۲۹۸؛ جواهر الحسان، ج ۴، ص ۱۹۵.

۳- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۲۶؛ ضعفاء العقيلي، ج ۲، ص ۲۱۸؛ تهذيب التهذيب، ج ۴، ص ۳۹۸.

همچنین ابوالعالیه، به رغم توثیق از سوی علمای اهل سنت، نزد شیعه و برخی از فقهای اهل سنت توثیق نشده است. ابن حبان گفته است:

وكان الشافعي سئ الرأي فيه؛ (۱)

شافعی نسبت به ابو العالیه نظر خوبی نداشت.

از سوی دیگر بر اساس گزارش های تاریخی؛ ابوالعالیه بیشتر به خلفای سه گانه میل داشته است تا به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام .

عن عاصم الأحول قال: قال لنا أبو العالیه وهو يعلمنا تعلموا الإسلام فإذا علمتموه فلا ترغبوا عنه وعليكم بالصرط المستقیم فإنه الإسلام لا تحرفوا الصراط یمینا وشمالا وعليكم بسنه نبيكم محمد _ صلى الله عليه وسلم _ والذي كان عليه أصحابه من قبل أن تقتلوا صاحبكم ومن قبل أن يفعلوا ما فعلوا فإننا قرأنا القرآن من قبل أن يقتلوا صاحبكم ومن قبل أن يفعلوا الذي فعلوا بخمس عشره سنه قال عاصم فحدثت به الحسن فقال صدق ونصح؛ (۲)

عاصم احول می گوید: ابوالعالیه، به ما یاد می داد که اسلام را یاد بگیریم و از آن روی گردان نشویم. ما را به صراط مستقیم می خواند و از انحراف از آن نهی می کرد. وی همچنین ما را به سنت و سیره نبوی و سنت اصحاب پیامبر تا قبل از کشته شدن عثمان دعوت می کرد.

این گزارش و گزارش هایی مبنی بر درک علی بن ابی طالب از سوی وی، بدون نقل روایت از ایشان، نشان و گواهی بر ادعای ماست.

به هر تقدیر تنها این دو نفر از تابعین چنین ادعایی را مطرح کرده اند. و

۱- الثقات، ج ۴، ص ۲۳۹.

۲- تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۸، ص ۱۷۰.

چنان که اشاره شد بعد از ایشان برخی از مفسران با این ادعا هم سو و شماری دیگر مخالفت داشته اند.

همچنین به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمسک جسته اند که می فرماید:

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان الله زوی لی الأرض فرأیت مشارقها ومغاربها وان أمتی سیبلغ ملکها ما زوی لی منها وأعطیت الكنزین الأحمر والأبیض وانی سألت ربی لامتی ان لا یهلكها بسنه بعامه وان لا یسلط علیهم عدوا من سوی أنفسهم فیستییح بیضتهم وان ربی قال یا محمد انی إذا قضیت قضاء فإنه لا یرد وانی أعطیتک لامتک ان لا أهلکهم بسنه بعامه وان لا أسلط علیهم عدوا من سوی أنفسهم یستییح بیضتهم ولو اجتمع علیهم من بأقطارها أو قال من بین أقطارها حتی یکون بعضهم یهلك بعضاً ویسبى بعضهم بعضاً؛ (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند زمین را برای من جمع کرد (کوچک کرد)، به گونه ای که شرق و غرب آن را مشاهده کردم. فرمان روایی امتم تا آن جا که برای من جمع شد خواهد رسید. بعد در ادامه، تسلط نیافتن غیر مسلمین بر امت خویش را خواستار می شود، و خداوند اجابت می کند.

بر این اساس، برخی به نقل از برخی علما گفته اند:

قال بعض العلماء: و لذلك اتسع نطاق الإسلام فی الشرق و الغرب دون اتساعه فی الجنوب و الشمال؛ (۲)

از این رو _ بر پایه روایت پیامبر _ قلمرو اسلام در شرق و غرب عالم گسترش یافت. ولی در شمال و جنوب توسعه پیدا نکرد.

۱- صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۱.

۲- البحر المحیط، ج ۸، ص ۶۵.

ایشان _ بعضی از علما _ توجه نداشته اند که مراد از تعبیر به مشارق و مغارب زمین، کنایه از سراسر عالم است؛ نه جهات جغرافیایی خاص. چنان که تعبیر به مشرق و مغرب، بارها در آیات قرآن تکرار شده و به گفته مفسران، مقصود از آن سراسر زمین است. برای نمونه: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ...» (سوره بقره، آیه ۱۴۲، ۱۱۵؛ سوره شعراء، آیه ۲۸؛ سوره مزمل، آیه ۹؛ سوره رحمن، آیه ۱۷؛ سوره معارج، آیه ۴۰)؛ اندکی تأمل در آیات یاد شده، بی پایه بودن این نگاه را آشکار می کند.

آن گاه، بدون دقت علمی با استناد به این روایت و توجه نداشتن به مؤلفه های موجود در آیه (۵۵ سوره نور و ۱۰۵ انبیاء و...)، به تفسیر آیه پرداخته اند. غافل از این که آیه بشارتی است برای مؤمنان نیکوکار، و چنان که مفسران اشاره کرده اند؛ آیه شکل گیری جامعه ای نمونه و الگو، به سان جامعه عصر داود علیه السلام را نوید می دهد که عاری و پیراسته از شرک و ظلم و بی عدالتی بود. آیا در گستره تاریخ اسلامی، حکومتی همسان با حکومت داود و سلیمان رخ نموده است. مفهوم روایت، تعیین قلمرو اسلام است که فتوحات اسلامی سبب گسترش اسلام در شرق و غرب عالم شد. در حالی که مقصود آیه، بشارتی فراتر از این معناست. بنابراین روایت نبوی به معنا و تفسیر آیه نظر ندارد. و در صورت نظر داشتن تحقق بعضی مؤلفه های آیه مراد است، نه همه آن ها که از نگاه تجربه تاریخی، این حقیقت واضح است.

۳. روایات خلافت

اشاره

و نیز از جمله روایت های مورد استناد این مفسران، روایتی است که از

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند:

سعید بن جمهان عن سفینه قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم يقول الخلفه ثلاثون عاما ثم يكون بعد ذلك الملك قال سفینه أمسك خلفه أبي بكر رضی الله تعالی عنه سنتین وخلفه عمر رضی الله عنه عشر سنین وخلفه عثمان رضی الله عنه اثنی عشر سنه وخلفه علی رضی الله عنه ست سنین رضی الله عنهم؛ (۱)

سعید بن جمهان از سفینه نقل می کند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خلافت سی سال است، بعد از آن پادشاهی می شود. سپس سفینه سی سال را بر خلافت خلفای راشدین - به اعتقاد اهل سنت - تطبیق کرد.

اصحاب سنین و ابن حبان نیز با اندکی تفاوت این روایت را از طریق سعید بن جمهان از سفینه از رسول خدا نقل کرده اند. العینی هم یاد آور شده است:

رواه أحمد وأصحاب السنن وصححه ابن حبان. (۲)

برابر این روایت مفهوم خلافت در آیه شریفه معنا شده و مصداق خویش را می یابد. بدین معنا که مقصود از خلافت یاد شده در آیه جانشینی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و دوران سی ساله خلافت خلفای راشدین تنها مصداق آیه شریفه است.

نقد روایت

نخست این که عموم اصحاب حدیث، این روایت را از سعید از سفینه

۱- مسند احمد، ج ۵، ص ۲۲۰.

۲- عمده القاری، ج ۱۸، ص ۱۴.

نقل کرده اند. و از غیر ایشان نقل نشده است. دوم این که حدیث دیگری از سفینه در خصوص مسئله خلافت نقل شده است که در تعارض با روایات دیگر اهل سنت است. به همین دلیل بخاری نیز آن را نپذیرفته است.

البخاری يقول حشر ج بن نباته عن سعید بن جمهان عن سفینه أن النبی علیه السلام قال لأبی بکر وعمر وعثمان هؤلاء الخلفاء من بعدی قال لم يتابع علیه أن عمر وعلیا قالا لم يستخلف النبی علیه السلام؛ (۱)

آدم بن موسی از بخاری شنیده است که می گفت: روایت حشر ج بن نباته از سعید بن جمهان از سفینه که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابوبکر و عمر و عثمان فرمود اینان جانشینان پس از من هستند. پذیرفته نیست؛ زیرا عمر و علی گفته اند: پیامبر جانشینی تعیین نکرد.

گویی سفینه در مسئله خلافت، گزینه مناسبی برای جعل روایت بوده است.

از سوی دیگر، روایت یاد شده، اهل سنت را با چالش های زیادی روبه رو و تلاش های بیهوده آنان را در توجیحات نامعقول سبب شده است؛ زیرا این روایت در تعارض شدید با روایت «اثنی عشر خلیفه؛ خلفای دوازده گانه» است که مورد اتفاق عامه و خاصه است. (۲)

کوشی اهل سنت در رفع تعارض روایات خلافت

شارحان صحیحین، با التفات به این تعارض، کوشیده اند تا با توجیهاتی این تعارض را رفع و بین این روایات جمع کنند. نووی از قاضی

۱- ضعفاء العقیلى، ج ۱، ص ۲۹۷.

۲- مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶-۱۰۷؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲-۴؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵-۵۳۵.

عياض نقل کرده است:

قال القاضي عياض: قوله (صلى الله عليه وسلم): أن هذا الأمر لا ينقضى حتى يمضى فيهم اثنا عشر خليفة كلهم من قريش؛

وفى روايه: لا يزال أمر الناس ماضيا ما وليهم اثنا عشر رجلا كلهم

من قريش؛

وفى روايه: لا يزال الإسلام عزيزا إلى اثني عشر خليفة كلهم من قريش.

قال القاضي قد توجه هنا سؤالان: أحدهما أنه قد جاء في الحديث الآخر: الخلافة بعدى ثلاثون سنة ثم تكون ملكا؛

وهذا مخالف لحديث اثني عشر خليفة فإنه لم يكن في ثلاثين سنة إلا الخلفاء الراشدون الأربعة والأشهر التي بويع فيها الحسن بن علي.

قال: والجواب عن هذا أن المراد في حديث الخلافة ثلاثون سنة؛ خلافة النبوه وقد جاء مفسرا في بعض الروايات خلافة النبوه بعدى ثلاثون سنة ثم تكون ملكا ولم يشترط هذا في الاثني عشر.

السؤال الثاني: أنه قد ولى أكثر من هذا العدد قال وهذا اعتراض باطل لأنه (صلى الله عليه وسلم) لم يقل لا يلى إلا اثني عشر خليفة وإنما قال يلى وقد ولى هذا العدد ولا يضر كونه وجد بعدهم غيرهم. هذا إن جعل المراد باللفظ كل وال. ويحتمل أن يكون المراد مستحق الخلافة العادلين وقد مضى منهم من علم ولا بد من تمام هذا العدد قبل قيام الساعة.

قال: وقيل إن معناه أنهم يكونون في عصر واحد يتبع كل واحد

منهم طائفه.

قال القاضي ولا يبعد أن يكون هذا قد وجد إذا تتبعت التواريخ فقد كان بالأندلس وحدها منهم في عصر واحد بعد أربعمائه وثلاثين سنة ثلاثه كلهم يدعيها ويلقب بها وكان حينئذ في مصر آخر وكان خليفة الجماعة العباسيه ببغداد سوى من كان يدعى ذلك في ذلك الوقت في أقطار الأرض قال ويعضد هذا التأويل قوله في كتاب مسلم بعد هذا ستكون

خلفاء فيكثرون قالوا فما تأمرنا قال فوا ببيعة الأول فالأول.

قال: ويحتمل أن المراد من يعز الإسلام في زمنه ويجتمع المسلمون عليه كما جاء في سنن أبي داود كلهم تجتمع عليه الأمة وهذا قد وجد قبل اضطراب أمر بني أمية واختلافهم في زمن يزيد بن الوليد وخرج عليه بنو العباس ويحتمل أوجه أخر والله أعلم بمراد نبيه (صلى الله عليه وسلم). (۱)

قاضی عیاض با اشاره به متون مختلف این حدیث و تعارض آن با روایت «الخلافه بعدی ثلاثین»، دو سؤال مطرح و در رفع تعارض می گوید:

نخست: مراد از خلافت در حدیث ثلاثون؛ چنان که در بعضی متون روایت نیز آمده است، خلافت نبوت است. ولی در حدیث اثنی عشر این گونه نیست.

گفتنی است متن «خلافه النبوه» به دلیل وجود حشرج در سند ضعیف است. بخاری و دیگران به نقل حشرج از سعید از سفینه اعتنا نکرده و وی را تضعیف نموده اند. (۲)

دوم: اشکال دوم مربوط به تعداد خلفاست که بیش از دوازده نفر حاکم شده اند. ایشان در جواب از این اشکال پاسخ می دهد: مفهوم گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حصر بر دوازده نفر و نفی بیش از آن نیست. اما گویا ایشان خود نیز متوجه سخیف بودن پاسخ شده؛ دوباره دو احتمال دیگر مطرح کرده و در نهایت به جواب قانع کننده ای دست نیافته و با احتمال وجوه دیگر و درمانده از درک مقصود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، فهم مراد پیامبر را به خدای سبحان وا گذاشته است.

۱- شرح صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۲- الکامل، ج ۲، ص ۴۴۰؛ ضعفاء العقیلى، ج ۱، ص ۲۹۷.

تعارض ها و تناقض های روایات خلافت در منابع اهل سنت بیش از آن است که در نوشتار حاضر اشاره شود. این مقال به گوشه ای از حقایق که از لابه لای توجیهاات برخی از محدثین و شارحان حدیث آشکار می شود بسنده می کند.

دیدگاه ابن کثیر

اشاره

بررسی دیدگاه ابن کثیر از جهاتی اهمیت دارد؛ زیرا از سویی ایشان به طور مبسوط و علمی به این موضوع پرداخته است. و از سویی ابن کثیر دمشقی در جو اموی شام بوده که دیدگاه مساعدی به مذهب تشیع نداشته و حملات تندی بر ضد شیعه انجام داده است؛ از این رو روشن شدن حقایق در بررسی گفتار ایشان که گاهی ناخواسته نتیجه کوشش های وسیع علمی اش به اعتقادات حقه مکتب اهل بیت منتهی می شود بسی نتیجه بخش خواهد بود.

چنان که در گفتار قاضی عیاض هم اشاره شده، خلفای دوازده گانه نه در عصر واحد که در قرون متمادی تا دامنه قیامت جانشینی پیامبر را به عهده خواهند گرفت. برخی از علمای اهل سنت از آن جمله ابن کثیر نیز به این حقیقت به صورت مبسوط اشاره کرده اند:

قال الحافظ عماد الدین بن کثیر فی تفسیره تحت قوله تعالی « وبعثنا منهم اثنی عشر نبییا » (سوره مائده، آیه ۱۲) بعد ایراد حدیث جابر بن سمره من روایه الشیخین واللفظ لمسلم.

ومعنی هذا الحدیث البشاره بوجود اثنی عشر خلیفه صالحا یمسک الحق و یعدل فیهم ولا یلزم من هذا توالیهم و تتابع آیامهم بل قد وجد منهم أربعه علی نسق وهم الخلفاء الأربعة أبو بکر وعمر وعثمان وعلی رضی الله

تعالی عنهم ومنهم عمر بن عبد العزیز بلا۔ شك عند الأئمة وبعض بنی العباس ولا۔ تقوم الساعه حتی تكون ولايتهم لا محاله والظاهر أن منهم المهدي المبشر به فی الأحادیث الواردة بذكره أنه يواطئ اسمه اسم النبي صلى الله عليه وسلم واسم أبيه فيملاً الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً. (۱)

ابن کثیر با ذکر حدیث جابر بن سمره (اثنی عشر خلیفه) در ذیل آیه ۱۲ سوره مائده گفته است:

مراد از حدیث، بشارت به وجود دوازده خلیفه شایسته است که حق را برپا داشته و عدالت را میان مردم برقرار می کنند. پشت سرهم بودن این دوازده خلیفه از نظر زمانی لازم نیست؛ بلکه چهار نفرشان ابوبکر، عمر، عثمان و علی به دنبال هم بودند. عمر بن عبدالعزیز و بعضی از بنی عباس نیز پیش علمای بزرگ از خلفای دوازده گانه به شمار می آیند. حکومت آنان تا قبل از قیامت تحقق خواهد یافت؛ برحسب ظاهر مهدی موعود که هم نام پیامبر

و نام پدرش هم نام پدر پیامبر است و زمین را از عدل و داد پر می کند چنان چه از ظلم و ستم آکنده است نیز از شمار دوازده خلیفه است.

ابن کثیر با تطبیق خلفای دوازده گانه بر خلفای عادل و شایسته۔ برخی از آنان به زعم ایشان۔ و نفی هم عصر بودن آنان یکی از آنان را مهدی موعود و منتظر می داند. البته ایشان۔ طبق سیره مستمره خویش، آن جا که دیدگاه علمی شان مطابق با دیدگاه شیعه باشد۔ به دور از اخلاق علمی، با هجوم به شیعه و هجو آنان به نفی اعتقادات شیعه می پردازد. در «عون المعبود»

۱- تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۹؛ تحفه الأحمودی، ج ۶، ص ۳۹۱-۳۹۳.

نیز به این چالش اعتقادی اشاره و سعی در نفی تطبیق آن بر معتقدات شیعه داشته است. (۱)

ایشان در ادامه چنین گفته است:

و فی التوراه البشاره یاسماعیل علیه السلام، و أن الله یقیم من صلبه اثنی عشر عظیمًا، و هم هؤلاء الخلفاء الاثنا عشر المذكورون فی حدیث ابن مسعود و جابر بن سمره، و بعض الجهله ممن أسلم من اليهود إذا اقترن بهم بعض الشیعه یوهمونهم أنهم الأئمه الاثنا عشر، فیتشیع کثیر منهم جهلا و سفها لقله علمهم و علم من لقنهم ذلك بالسنن الثابته عن النبی صلی الله علیه و سلم؛ (۲)

دوازده خلیفه مذکور در روایت، بشارت خداوند به اسماعیل در تورات است که از صلب او خواهند بود. بعضی از جاهلان یهود پس از اسلام آوردن با القائات شیعه مراد از دوازده خلیفه را ائمه دوازده گانه شیعه پنداشتند و در اثر جهل و سفاهت و آگاه نبودن به سنن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شیعه شدند.

آیا نباید از ایشان پرسیده شود؛ ائمه دوازده گانه شیعه از صلب اسماعیل هستند یا ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و...؟ به بیانی دقیق تر شایسته است ائمه اهل بیت را از صلب اسماعیل به شمار آورده، فضایل را به ایشان نسبت بدهیم یا دیگران به ویژه بنی امیه؟!

ایشان در ذیل آیه ۵۵ سوره نور نیز گفته است:

و فی هذا الحدیث «لا یزال أمر الناس ماضیا ما ولیهم اثنا عشر رجلا» دلاله علی أنه لا بد من وجود اثنی عشر خلیفه عادلا و لیسوا هم بأئمه

۱- عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۴۵-۲۵۰.

۲- تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۹.

الشيعة الاثني عشر، فإن كثيرا من أولئك لم يكن إليهم من الأمر شيء، فأما هؤلاء فإنهم يكونون من قريش يلون فيعدلون، وقد وقعت البشارة بهم في الكتب المتقدمه، ثم لا يشترط أن يكونوا متتابعين، بل يكون وجودهم في الأمه متتابعا و متفرقا، و قد وجد منهم أربعة على الولاء و هم أبو بكر، ثم عمر، ثم عثمان، ثم علي رضي الله عنه، ثم كانت بعدهم فتره، ثم وجد منهم من شاء الله، ثم قد يوجد منهم من بقى في الوقت الذي يعلمه الله تعالى.

و منهم المهدي الذي اسمه يطابق اسم رسول الله صلى الله عليه و سلم، و كنيته كنيته، يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما؛ (۱)

حدیث جابربن سمره بر ضرورت وجود خلفای دوازده گانه دلالت دارد اما مقصود از آن ائمه دوازده گانه شیعه نیست؛ زیرا بسیاری از این ائمه به حکومت نرسیدند. حال آن که خلفای دوازده گانه که در کتب پیشین نیز به وجود آنان بشارت داده شده، از قریش بوده و به حکومت رسیدند. پشت سرهم بودن آنان ضروری نبوده و به صورت پشت سرهم و پراکنده در میان امت به حکومت رسیده اند. چهار نفرشان ابوبکر، عمر، عثمان و علی به دنبال هم بودند. سپس فترتی حاصل شد و پس از آن خداوند عده ای را به حکومت رساند و برخی هم بعد از آنان به حکومت خواهند رسید که تنها خداوند از آن آگاه است. مهدی که هم نام و هم کنیه رسول خدا و پدرش هم نام پدر اوست از آنان است.

این جا نیز ضمن پذیرفتن وجود دوازده خلیفه عادل در قرون متمادی، مهدی را از جمله آنان شمرده، ولی بی درنگ مقصود از آنان را جز ائمه

دوازده گانه شیعه دانسته است. وی با این استدلال که ائمه شیعه به حکومت دست نیافته اند، دست یابی دیگران به حاکمیت را دلیل جانشینی آنان از رسول خدا می داند.

نقد دیدگاه ابن کثیر

در پاسخ ابن کثیر یادآور می شویم؛ نخست این که دو تن از ائمه شیعه به حکومت ظاهری دست یافتند. و حسب اعتقاد شیعه _ البته خود ایشان هم تقریباً چنین اعتقادی دارند _ مهدی موعود آخرین وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حکومت جهانی دست خواهد یافت.

دوم این که برابر نقل اهل سنت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: دین اسلام با وجود دوازده خلیفه سامان می یابد. عن المهاجر بن مسمار عن عامر بن سعد بن أبي وقاص قال كتبت إلى جابر بن سمره مع غلامی نافع ان اخبرنی بشئ سمعته من رسول الله صلی الله علیه و سلم قال فكتب إلى سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم يوم جمعه عشيہ رجم الأسمى يقول: لا يزال الدين قائماً حتى تقوم الساعة أو يكون عليكم اثنا عشر خليفة كلهم من قريش. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: امر دین پایدار نمی شود تا این که قیامت برپا شود یا دوازده نفر از قریش بر شما حکومت کنند.

از این حدیث برداشت می شود در صورت حاکمیت یافتن این دوازده نفر امر دین پایدار خواهد بود.

ولی با بسی تأسف، برخی از به اصطلاح خلفا _ چنان که خود اهل سنت

نیز معترفند_ غاصبانه به این امر دست یازیدند و زمام امر را از دست صاحبان امر ربودند. افزون بر این، متون این روایت با آشفتگی و تعارض جدی روبه روست. از سویی در بعضی متن ها آمده است، بعد از آنان هرج و مرج خواهد بود. و در متن دیگر، بعد از آنان دروغ گویان زمام امور را به دست می گیرند و متون دیگر که با اعتقادات و توجیحات علمای اهل سنت در تعارض است؛ زیرا از سویی به باور اینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خلیفه ای تعیین نکردند. و از سوی دیگر سخن از خلافت نبوت و دوازده خلیفه و مانند این ها به میان آورده اند.

همچنین این روایت (اثنی عشر) در سنن ابی داود در احادیث «باب المهدی» آمده است (۱) که نشان دیگری از تأیید اعتقادات شیعه در باب خلافت است.

این در حالی است که بسیاری از علمای اهل سنت در شمارش سال های خلافت و تطبیق سی سال تمام بر خلافت خلفای نخستین با چالش جدی روبه رو شده اند. چنان که برخی در شمارش خلفای دوازده گانه دچار مشکل و ناگزیر از تطبیق آن بر خلفای اموی شده اند. در صورتی که شماری از آنان خلفای اموی را از ملوک و بدترین ملوک شمرده اند. (۲)

کوتاه سخن آن که تعارض در کلمات اهل سنت و یکسان نبودن دیدگاه ها در مسئله بنیادینی چون خلافت، گواه انحراف از مسیر حقیقت بوده، و این توجیحات تلاش های بی فرجامی بیش نیست. آیا پذیرفتن

۱- سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۰۹.

۲- تحفه الأحوذی، ج ۶، ص ۳۹۵ - ۳۹۶.

حقیقت دشوارتر از این توجیهات موهوم و نامعقول است؟

مهم تر از همه این ها، تناقض ها و تعارض های موجود در تفسیرهای اهل سنت است. از سویی با قاطعیت ادعای اجماع بر انحصار مفهوم آیه در خلافت خلفای راشدین و نفی آن از غیر آنان دارند؛ از دیگر سو، آن را بر حکومت های طول تاریخ اسلام توسعه می دهند. (۱) به واقع آنان با دست یازیدن به ادله ای که هر یک گوشه ای از جامعه موعود را وصف می کند؛ درصدد تفسیر آیه برآمده اند. اما حقیقت آیه توصیف جامعه ای یکسان از همه مؤلفه های مورد تأکید آیه (یکتاپرستی، نفی شرک، امنیت و آرامش و...) است، نه تطبیق هر مؤلفه آن بر یکی از حکومت هایی در طول تاریخ که فاقد سایر گزینه ها باشند.

۴. حدیث عدی بن حاتم

اشاره

از دیگر مستندات شان، روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به نقل عدی بن

حاتم است.

عن عدی بن حاتم قال بینا انا عند النبی صلی الله علیه وسلم إذا اتاه رجل فشکا إلیه الفاقه ثم اتاه آخر فشکا إلیه قطع السبیل فقال یا عدی هل رأیت الحیره قلت لم أرها وقد أنبئت عنها قال فان طالت بک حیاة لترین الطعینه ترتحل من الحیره حتی تطوف بالکعبه لا- تخاف أحدا الا الله قلت فیما بینی و بین نفسی فأین دعار طیئ الذین قد سعروا البلاد ولئن طالت بک حیاة لتفتحن کنوز کسری قلت کسری بن هرمز قال

۱- تفسیر بیضاوی، ج ۴، ص ۱۱۳؛ البحر المحیط، ج ۸، ص ۶۵؛ البحر المدید، ج ۴، ص ۶۰-۶۱؛ التفسیر الحدیث، ج ۸، ص ۴۳۸-

۴۴۰؛ تفسیر المظهری، ج ۶، ص ۵۵۲۴؛ المنیر، ج ۱۸، ص ۲۸۳.

کسری بن هرمز ولئن طالت بک حياه لترين الرجل يخرج ملء كفه من ذهب أو فضه يطلب من يقبله منه فلا يجد أحدا يقبله منه... قال عدی فرأيت الطعینه ترتحل من الحیره حتی تطوف بالكعبه لا تخاف الا الله و كنت فيمن افتتح كنوز كسری ابن هرمز ولئن طالت بكم حياه لترون ما قال النبي أبو القاسم صلى الله عليه وسلم يخرج ملء كفه. (۱)

عدی بن حاتم می گوید: پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم شخصی آمد و از فقر شکایت کرد سپس نفر دومی آمد از ناامنی راه ها شکوه کرد. رسول خدا فرمود: ای عدی حیره را دیده ای؟ گفتم ندیده ام ولی نامش را شنیده ام. فرمود اگر عمرت طولانی شود خواهی دید زن بدون هراس از کسی جز خدا از حیره به قصد طواف، به سوی خانه خدا سفر می کند. پیش خود گفتم کجایند مفسدان قبیله طی که شهرها را به آتش می کشیدند. باز فرمود: اگر عمر داشته باشی خواهی دید گنج های کسری بن هرمز (پادشاه ایران) گشوده خواهد شد. فرمود: اگر عمرت دراز باشد مردی را مشاهده خواهی کرد یک مشت طلا یا نقره برداشته است ولی کسی را نمی یابد تا آن را از وی بپذیرد... عدی می گوید: من دیدم زن بدون هراس از کسی جز خدا از حیره به قصد طواف، به سوی خانه خدا سفر می کند. و خودم از جمله کسانی بودم که گنج کسری بن هرمز را گشودیم. اگر عمر شما طولانی شود خواهید دید شخصی مشتی از طلا برداشته کسی را نمی یابد تا از او بپذیرد.

در این روایت به نمونه هایی از اخبار غیبی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اشاره شده است. از آن جمله امنیت راه ها، دست یافتن به گنج ها و خزانه پادشاه ایران و بذل و بخشش طلا و نقره از سوی انسان ها بدون پذیرفتن آن از سوی

شخصی (بی ارزش شدن مال دنیا)؛ براساس متن روایت، عدی بن حاتم دو نمونه از آن‌ها را به واقع تجربه و مشاهده کرد.

در حالی که این روایت به گوشه‌هایی از جامعه نمونه و آرمانی مؤمنان اشاره دارد، کوشش ما در یافتن ارتباط آن با آیه مورد نظر به جایی نرسید. به احتمال گفته شود این تمسک، نه از باب تفسیر آیه، که شاهد و گواهی بر مفهوم و مقصود آیه است. پاسخ این است، نخست تفسیر آیه و مقصود از وعده یاد شده در آن، بازه زمانی، مخاطبان آن و مؤلفه‌های مورد تأکید آیه روشن و آشکار شود؛ سپس شواهد روایی و تجربیات تاریخی آورده شود. روشن است احادیث یاد شده، تفسیر آیه مزبور نیستند و ادعایی جز این نیازمند دلیلی محکم و متقن است.

برداشت نادرست از آیه قرآن

برخی از مفسران اهل سنت، پا را فراتر از این گذاشته و با تمسک به آیه ۵۵ سوره نور در صدد اثبات حقانیت مذهب اهل سنت و تکفیر شیعه برآمده است. همو قاتلین عثمان را مصداق «و من کفر بعد ذلک» می‌داند. اما چشم خود را بر جنایت‌هایی که در عصر خلافت خلفای سه‌گانه به گوشه‌هایی از آن اشاره شد مانند جنگ‌های رده و... فرو می‌بندد. (۱) علمای اهل سنت با استناد به قاعده نادرستی چون اجتهاد صحابه، جنگ‌های جمل و صفین را که از سوی برخی صحابه و زنان پیامبر در برابر جانشین برحق رسول خدا به راه افتاد و خون‌هایی فراوان از بی‌گناهان ریخته شد؛ مشروع جلوه داده، چه بسا دارای اجر هم می‌دانند.

۱- تفسیر المظهری، ج ۶، ص ۵۵۴.

براین اساس، از نظر گاه اهل سنت، وعده الهی در طول تاریخ اسلام تحقق یافته است. برابر دیدگاه اینان آیه هیچ نگاهی به آینده نداشته و تنها افق آینده را در همان فاصله نزول تا فتح مکه ترسیم می کنند و شمار دیگری از مفسران اهل سنت حکومت های کشور اسلامی، در طول تاریخ از صدر اسلام تا زمان عثمانی ها و به گونه ای تا زمان حاضر را بشارت آیه می دانند. (۱) از دید ایشان دوران حکومت خلفای راشدین، و حکومت های در طول تاریخ اسلام همان حکومت و جامعه موعود است؛ زیرا اسلام از سوی این حکومت ها در شرق و غرب دنیا گسترش یافته است. در بیان دیدگاه شیعه زوایایی از این موضوع روشن خواهد شد.

۵. نقد کلی دیدگاه های اهل سنت

نباید از نظر دور داشت، علوم اسلامی، عمدتاً پس از رخدادهای صدر اسلام تدوین شده است. و با نظر به این که سلطه و حکومت در جامعه اسلامی، همیشه وابسته به مذاهب اهل سنت بوده؛ به یقین سیاست در نتیجه داده های علمی، بسی اثرگذار بوده است. به رغم وجود علما و فقهای آزاداندیش و مخالف سلطه در میان اهل سنت، از نظر گاه تاریخی به علوم، اثرگذاری سیاست بر دیدگاه های علمی آنان قابل انکار نیست. به ویژه در مسئله خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و حوادث بعد از رحلت رسول خدا دیدگاه های اهل سنت از آشفتگی و سردرگمی فراوانی رنج می برد. اهل سنت، به ویژه وهابیت ادعای پیروی از سنت پیامبر داشته، و

افراطیون، با تمسک به همین حربه شمار زیادی از امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از دایره اسلام خارج می کنند. اما در مسئله بسیار اساسی امامت امت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سنت پیامبر را به کلی از یاد برده و وجود هر گونه تنصیصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبتنی بر تعیین فردی خاص به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به شدت انکار می کنند. این در حالی است که این مسئله در کتب معتبر اهل سنت به حد تواتر رسیده و مثل آفتاب روشن است. (۱)

خلاً مستندات روایی و دینی، یا به روشن ترین سخن از سویی نبود حجت شرعی و الهی بر خلافت خلفای نخستین، و از دیگر سو قدرت و شدت سلطه، علمای اهل سنت را ناگزیر از توجیهاات بدون پشتوانه عقلی و نقلی کرده است. به دیگر سخن نبود راهبرد علمی و دینی، و قرار گرفتن در مقابل کار انجام شده اینان را به تدوین راهبرد براساس عملکرد خلفا، و نه بر اساس آموزه های الهی واداشته است. از این رو اندیشه های اهل سنت به ویژه در حوزه مسائل حکومتی، یکنواخت نبوده و از پراکندگی و آشفتگی حکایت می کند. آنان برای مشروعیت بخشیدن به خلافت خلفای نخستین، به هر دلیل و توجیھی دست یازیده اند؛ به گونه ای که از تطبیق بی پروای آیات قرآن بر حکومت آنان نیز فروگذار نشده اند.

گفتار عمر نسبت به حکومت ابوبکر، گواه این مدعاست. به نقل بخاری عمر بن خطاب در واپسین روزهای حیات خویش، خطبه ای در مسجدالنبی خواند، در ضمن آن خطبه به غیر منتظره و ناگهانی بودن

۱- کتاب های زیادی در این زمینه نگاشته شده است از جمله: الغدیر؛ المراجعات؛ عبقات الانوار؛ شب های پیشاور.

بیعت ابوبکر اعتراف و تأکید کرد:

ثم إنه بلغني ان قائلًا منكم يقول والله لو مات عمر بايعة فلانا فلا- يغترن امرؤ أن يقول إنما كانت بيعة أبي بكر فلتة وتمت الا وانها قد كانت كذلك ولكن الله وقى شرها وليس منكم من تقطع الأعناق إليه مثل أبي بكر من بايع رجلا عن غير مشوره من المسلمين فلا يبايع هو ولا الذي بايعه تغره ان يقتلا؛ (۱)

شنیده ام برخی از شما می گوید: اگر عمر بمیرد با فلانی بیعت می کنم. مبادا مردی فریب بخورد و بگوید بیعت ابوبکر ناگهانی بود و پایان یافت. البته چنین بود، ولی خداوند شر آن را برطرف ساخت. کسی از شما مانند ابو بکر نیست که نظرها به سوی او جلب شود. هر کس بدون مشورت با مسلمانان با کسی بیعت کند مورد قبول نیست؛ و بیعت کننده و بیعت شونده از این کار دوری کنند تا کشته نشوند.

این خطابه، گوشه هایی از رمز و رازهای تاریخ صدر اسلام را آشکار ساخته، پرده از چهره واقعیت برداشته است. اختلاف میان انصار و مهاجرین، همراه نشدن و مخالفت برخی از بزرگان صحابه همانند علی بن ابی طالب، زبیر بن عوام و همراهان شان با جریان سقیفه، کشته شدن سعد بن عباده و ناگهانی بودن بیعت ابوبکر گوشه هایی از این واقعیت های تاریخی است.

براساس این خطابه، عمر در پاسخ به پرسش کسی که قصد داشت بعد از وفات عمر با شخصی بیعت کند؛ و بیعت ابی بکر را یک اتفاق ناگهانی

می دانست برافروخته شده و بر خود ضروری دانست که این خطابه را بیان کند.

آیا این حکومت را می توان از مصادیق آیه شریفه، و حکومت موعودی که خدای سبحان به مؤمنان نیکوکار وعده داده است به شمار آورد. فرمان روایی موعود در آیه شریفه، نه ناگهانی و به اجبار که کاملاً با اختیار و اراده خواهد بود. وانگهی، آن حکومت، منصبی الهی است که از سوی خدای سبحان به افراد شایسته واگذار می شود نه آن سان که عمر گفته است ما ناگزیر از بیعت ابوبکر شدیم تا اختلاف و فساد _ منظور کشمکش بر سر حکومت _ برچیده شود. حکومتی که به اعتراف عمر همراه با شرّ بوده، چگونه می تواند از سوی خدای متعالی به مؤمنان وعده داده شود؛ تا فساد و نابرابری را ریشه کن و توحید و عدالت را گسترش دهد. برابر گزارش های تاریخی، حکومت های خلفای سه گانه عاری از فساد و بی عدالتی نبوده است. جنگ های رده در زمان ابوبکر، بهانه ای شد تا خون شماری از انسان های بی گناه ریخته شود. خالد بن ولید به رغم وجود شواهد و نشانه های روشن بر اسلام مالک بن نویره و گواهی عده ای از صحابه بر آن، با فجیع ترین وضع مالک و مردان قومش را کشت و سرهای آن ها را زیر دیگ های غذا گذاشت و در همان شب با همسر مالک هم بستر شد. ابوبکر به رغم اصرار عمر، نه تنها خالد را قصاص نکرد، وی را در مأموریتش ابقا کرد تا جنایتی بر جنایت هایش افزون شود؛ و با توجیه اجتهاد خالد و خطای در اجتهاد، دیه مالک را پرداخت. (۱) این جنگ ها در حالی است که عمر و

۱- کتّز العمال، ج ۵، ص ۶۱۹؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۹۵-۲۹۶؛ البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۳۶۰، ج ۶، ص ۳۵۴؛ معالم المدرستین، ج ۲، ص ۸۱-۸۴.

صحابه، با یادآوری سیره پیامبر مهر و رحمت تلاش داشتند تا وی را از این جنگ ها باز دارند:

ان أبا هريره قال: لما توفي النبي صلى الله عليه وسلم واستخلف أبو بكر وكفر من كفر من العرب قال عمر يا أبا بكر كيف تقاتل الناس وقد قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فمن قال لا إله إلا الله عصم مني ماله ونفسه الا بحقه وحسابه على الله قال أبو بكر والله لأقاتلن من فرق بين الصلاة والزكاة فان الزكاة حق المال والله لو منعوني عناقا كانوا يؤدونها إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم لقاتلتهم على منعها قال عمر فوالله ما هو الا ان رأيت أن قد شرح الله صدر أبي بكر للقتال فعرفت انه الحق؛ (۱)

ابو هريره نقل می کند: عمر به ابوبکر گفت: چگونه با مردم می جنگی، درحالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من مأمور جنگ با مردم هستم تا زمانی که لا اله الا الله بگویند. توحید را بپذیرند. پس هر که لا اله الا الله بگوید، جان و مالش در امان است. مگر در مواردی که حق باشد و حساب او با خداست. ابوبکر گفت: به خدا قسم هر کس بین نماز و زکات فرق بگذارد-زکات ندهد- و مقدار اندکی از زکات را ندهد با او جنگ خواهم کرد؛ زیرا زکات حق مال است. قسم به خدا اگر بزه ای را که [از باب زکات] به رسول خدا می دادند، به من ندهند با آنان جنگ می کنم. عمر گفت: قسم به خدا دیدم که خدای متعالی سینه ابوبکر را برای جنگ گشوده است، پس دانستم که حق با اوست.

روشن است این جنگ ها، مخالفت صریح با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و بدون

۱- صحیح بخاری، ج ۸، ص ۵۰-۵۱؛ البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۲۴۱-۲۴۲.

هیچ گونه توجیه شرعی و دینی است. به ویژه قصاص نکردن خالد، و تشویق وی به ادامه مأموریت خویش، تردیدها در انگیزه این جنگ ها را جدی تر می کند.

امنیت و آرامش از اساسی ترین مولفه های جامعه ای است که

خداوند، به مؤمنان وعده داده است. این جنگ ها امنیت شماری از مسلمانان را سلب کرده، سبب کشته شدن مردان و اسارت زنان و غارت اموال شان شد.

ابوبکر، بارها بر عدم شایستگی خود اقرار کرده، در بستر وفاتش، از بعضی کارهایش، از جمله از به دست گرفتن زمام امور مسلمین سخت پشیمان بود. (۱) ایشان معروف به ضعف نفس و اراده بودند، که با اندک اتفاقی متأثر می شدند.

عمر در خطابه مزبور، مسلمانان را از بیعت بدون مشورت نهی می کند، اما خود، تنها با رأی ابوبکر، بدون مشورت با مسلمین، خلافت را به دست گرفت. (۲)

گویی رجم زنا کار به اندازه ای برای عمر اهمیت داشته که علاوه بر خطبه یاد شده، در واپسین روزهای عمرش نیز بر آن تأکید داشت. از این رو اصرار بر قصاص و حد زدن بر خالد بن ولید داشت. اما به رغم این تأکید پس از دست یابی به خلافت، نه خالد را قصاص و نه بر وی حد جاری کرد.

درشت خویی و اخلاق تند و شدید عمر، شهره آفاق است. (۳) چنان که

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۷، ۱۳۷؛ المنتظم، ج ۴، ص ۶۸-۶۹؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۳۰.

۲- العبر، ج ۱، ص ۱۳.

۳- من حیاة الخلیفه عمر بن الخطاب، ص ۲۰.

خود نیز در همان خطابه، اشاره می کند. آیا شایسته است چنین فردی، جانشین پیامبر مهر و رحمت شود و حکومت او را حکومتی بدانیم که رأفت و رحمت زمامدارانش، از اساسی ترین مؤلفه ها به شمار می آید. به همین سبب، زمانی که ابوبکر از علی بن ابی طالب خواست تا در منزل آن حضرت به حضورش برسد؛ علی بن ابی طالب با این شرط پذیرفت که تنها باشد و عمر را همراه خود نیاورد:

فأرسل إلي أبي بكر ان ائتنا ولا يأتنا أحد معك كراهيه لمحضر عمر... (۱)

علی بن ابی طالب به ابوبکر پیغام داد که به تنهایی به منزل ما بیا؛ زیرا میلی به حضور عمر در منزل خود نداشت. بخاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

عن المسور بن مخرمه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: فاطمه بضعه مني فمن أغضبها أغضبني؛ (۲)

فاطمه پاره تن من است هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

در جای دیگر روایت کرده است:

فإنما هي بضعة مني يربيني ما أربها ويؤذيني ما آذاها؛ (۳)

[فاطمه] پاره تن من (رسول خدا) است، خوشحال می کند مرا آن چه خوشحال کند او را و آزرده می سازد مرا، آن چه آزرده کند وی را.

۱- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۸۳.

۲- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳- صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۵۸.

از سوی دیگر، خشم فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ابوبکر را این گونه نقل می کند:

عائشه أم المؤمنین رضی الله عنها أخبرته ان فاطمه علیها السلام ابنة رسول الله صلی الله علیه وسلم سألت أبا بکر الصديق بعد وفاه رسول الله صلی الله علیه وسلم ان یقسم لها میراثها ما ترک رسول الله صلی الله علیه وسلم مما أفاء الله علیه فقال لها أبو بکر ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال لا نورث ما ترکنا صدقه فغضبت فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه وسلم فهجرت أبا بکر فلم تزل مهاجرة حتى توفیت وعاشت بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم ستة أشهر قالت وكانت فاطمه تسأل أبا بکر نصیبها مما ترک رسول الله صلی الله علیه وسلم من خیر وفدک وصدقته بالمدينة فأبی أبو بکر علیها ذلك؛ (۱)

عائشه _ دختر ابوبکر و همسر پیامبر _ می گوید: فاطمه میراث خود از فیئ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را، که از خیر و فدک و باغ هایی در مدینه بود؛ از ابوبکر درخواست کرد. ابوبکر در جواب فاطمه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از ما (پیامبران) ارث برده نمی شود؛ آن چه به جا می گذاریم صدقه است. و از تقسیم میراث خودداری کرد. فاطمه بر وی خشم گرفت و از او کناره جست تا از دنیا رفت.

بر این اساس، آزار دهندگان فاطمه، رسول خدا را آزرده اند. و این در حالی است، که خداوند در آیات قرآن به آزار دهندگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، وعده عذاب خوارکننده داده است، نه وعده فرمان روایی نمونه:

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا». (سوره احزاب، آیه ۵۷؛ سوره توبه، آیه ۶۱)

دوران خلافت عثمان، اوج فساد اداری و رانت خواری بنی امیه است. نخستین چیزی که دامن وی را گرفته است؛ پناه دادن به عبید الله بن عمر و به رغم پافشاری های مسلمانان؛ وی را در برابر ریختن خون بی گناه هرمان، قصاص نکرد. همو، ولید بن عقبه اموی، برادر خود را به جای سعد بن ابی وقاص، والی کوفه کرد. وی در حال مستی نماز صبح را چهار رکعت خوانده، در محراب مسجد، استفراغ کرد. و این تنها گوشه ای از فساد های اوست. (۱)

تبعید صحابه پیامبر از مدینه، آزار و اذیت آنان، و فساد کارگزاران که عمدتاً از بنی امیه بودند؛ و بی توجهی خلیفه به خواسته های مردم؛ سرانجام آنان را بر حاکمیت و شخص خلیفه شوراند و با کشته شدن خلیفه پرونده حکومت وی بسته شد.

به هر روی بررسی و شمارش تعارض ها و تناقض های دوران خلافت خلفای سه گانه، از حوصله و موضوع این مقال خارج است. مقصود،

اشاره کوتاهی به اوضاع جامعه آن روز بود تا روزنه کوچکی به دنیای واقعیت ها باشد. و منظور آیات الهی، بر پویندگان، و جست و جوگران حقیقت روشن تر شود.

با وجود این واقعیت ها، سخن از تطبیق آیات بر خلافت خلفای سه گانه را جز بر تجاهل، عناد و چشم فرو بستن بر واقعیت ها نمی توان تفسیر و تحلیل کرد.

از این فصاحت بارتر و شنیع تر، ادعای برخی مفسران اهل سنت در تطبیق

آیه بر دو حکومت متعارض، حکومت عدل علی بن ابی طالب و حسن بن علی بن ابی طالب، و حکومت طاغوتی معاویه بن ابی سفیان است. (۱) همو که به روایت ابی اسحاق، پس از صلح با امام حسن علیه السلام، در نخيله کوفه اعلام کرد:

ألا إن كل شيء أعطيته الحسن بن علي تحت قدمي هاتين لا أفي به قال أبو إسحاق . وكان والله غدارا عن عمرو بن مره عن سعيد بن سويد قال . صلى بنا معاوية بالنخيله الجمعه في الصحن ثم خطبنا فقال . إني والله ما قاتلتكم لتصلوا ولا لتصوموا ولا لتحجوا ولا لتزكوا إنكم لتفعلون ذلك . وإنما قاتلتكم لأتأمر عليكم وقد أعطاني الله ذلك وأنتم كارهون . قال شريك في حديثه: هذا هو التهتك حبيب بن أبي ثابت قال: لما بويع معاوية خطب فذكر عليا فقال منه ونال من الحسن، فقام الحسين ليرد عليه فأخذ الحسن بيده فأجلسه ثم قام فقال: أيها الذاكر عليا، انا الحسن وأبي علي وأنت معاوية وأبوك صخر وأمي فاطمه وأمك هند وجدتي رسول الله صلى الله عليه وآله وجدك حرب وجدتي خديجه وجدتك قتيله، فلعن الله أئمننا ذكرا، والأئمننا حسبا وشرنا قدما . وأقدمنا كفرا ونفاقا . فقال طوائف من أهل المسجد: آمين . قال فضل: فقال يحيى بن معين: ونحن نقول: آمين . قال أبو عبيد: ونحن

أيضا نقول؛ (۲)

بدانید آن چه را با حسن بن علی امضا کردم زیر پای می گذارم و پای بند به آن نیستم. ابواسحاق معاویه را نیرنگ باز می داند که به تعهداتش پای بند نیست. ... عمرو بن مره از سعید بن سويد نقل می کند: معاویه پس از خواندن نماز جمعه در نخيله خطاب به

۱- التحرير و التنوير، ج ۱۸، ص ۲۲۹.

۲- مقاتل الطالبين، ص ۴۵-۴۸.

جمعیت گفت: سوگند به خدا با شما ن جنگیدم تا نماز بخوانید، روزه بگیرید، حج به جا آورید و زکات بدهید زیرا این کارها را انجام می دادید. با شما جنگیدم تا حاکم شما باشم، خداوند آن را به من داده ولی شما نمی پسندید. شریک گفت: این پرده دری است. ... حیب بن ابی ثابت گفته است: زمانی که با معاویه بیعت شد وی خطبه ای خواند و از علی علیه السلام و حسن علیه السلام بدگویی کرد. حسین علیه السلام بلند شد تا جوابش دهد، حسن علیه السلام دستش را گرفت و وی را نشانده. سپس خودش بلند شد و گفت: ای کسی که از علی بدگویی می کنی؛ من حسن هستم و پدرم علی و تو معاویه ای و پدرت صخر؛ مادر من فاطمه است و مادر تو هند؛ جد من رسول خدا و جد تو حرب است؛ جد من خدیجه و جد تو قتیه است. پس خدا لعنت کند هر که از ما شرافتی ندارد؛ و از نظر حسب پست تر و از نظر قدم شرتر؛ و پیشگام تر در کفر و نفاق است. تعداد زیادی از اهل مسجد گفتند: آمین.

او قبل از خشک شدن مرکب پیمان نامه، آن را نقض و عدم پای بندی خویش را اعلام کرد. معاویه به مسلمانان هشدار داد، من نه برای

نماز و روزه و حج و زکات، بلکه برای سلطه و فرمان روایی بر شما، به

جنگ شما شتافتم. همچنین وی از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب

— به اعتقاد اهل سنت از خلفای راشدین که دشنام دهنده به آنان را مهدورالدم می دانند — و امام حسن و امام حسین به بدی یاد کرده و زبان به دشنام گشود.

او مدت ها سنت سیئه لعن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را بر بالای منابر بخشنامه کرده بود. و خود شخصاً از افرادی که به حضورش

می رسیدند، می خواست تا به این سنت عمل کنند. سعد بن ابی وقاص در پاسخ او مبنی بر خودداری از سبّ علی بن ابی طالب، با برشماری بعضی از فضایل او، دلیل خودداری اش را بیان کرد. (۱)

کشتن برخی صحابه، همچون حجر بن عدی، عمرو بن حمق و یاران شان، ایجاد نا امنی و رعب و وحشت در شهر های عراق، راه اندازی جنگ صفین در مخالفت و معاندت با جانشین به حق پیامبر، علی بن ابی طالب و ریختن خون های بی گناه، ایجاد حکومت پادشاهی، بیعت اجباری برای فردی مانند یزید، تنها گوشه ای از کارنامه سیاه معاویه است که از سوی غالب مورخان و محدثان گزارش شده است. (۲)

گفتار غیبی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره معاویه وضعیت وی را بیش از هر چیزی روشن و حقیقت را برای همگان آشکار می کند.

«عن أم سلمه ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال لعمار تقتلك الفئة الباغیه. ام سلمه _ از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، که رسول خدا وی را بر خیر و خوبی وصف کردند _ از رسول خدا روایت کرده است که به عمار فرمودند: گروه باغی و ستمگر تو را می کشد.» در نقل ابو هریره پیامبر به عمار بشارت دادند.

نووی، حدیث یاد شده را چنین شرح می کند:

۱- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۲- صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۶. مسند احمد، ج ۶، ص ۳۲۳. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۳۳. شرح صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۰-۴۱. الغدیر، ج ۵، ص ۳۰۸-۳۰۹.

والفئه الطائفه والفرقه قال العلماء هذا الحديث حجه ظاهره فى أن عليا رضى الله عنه كان محقا مصيبا والطائفه الأخرى بغاه لكنهم مجتهدون فلا إثم عليهم لذلك كما قدمناه فى مواضع منها هذا الباب وفيه معجزه ظاهره لرسول الله صلى الله عليه وسلم من أوجه منها أن عمارا يموت قتيلًا وأنه يقتله مسلمون وأنهم بغاه وأن الصحابه يقاتلون وأنهم يكونون فرقتين باغيه وغيرها وكل هذا قد وقع مثل فلق الصبح صلى الله عليه وسلم على رسوله الذى لا ينطق عن الهوى إن هو إلا وحى يوحى قوله صلى الله عليه وسلم (يهلك أمتى هذا الحى من قریش) وفى روايه البخارى هلاك أمتى على يد أغيلمه من قریش هذه الروايه تبين أن المراد بروايه مسلم طائفه من قریش وهذا الحديث من المعجزات.

ایشان به نقل از علما _ شبیه اجماع _ این حدیث را که از معجزات پیامبر اسلام شمرده است، از دلایل حقانیت علی بن ابی طالب به شمار آورده اند. و گروه معاویه را باغی و ستمگر دانسته اند. اما با تأسف فراوان، ضمن اعتراف به هلاکت امت به دست گروهی از قریش _ معاویه و دار و دسته اش _ با تمسک به قاعده غیر علمی و باطلی چون اجتهاد صحابه، سعی در تنزیه معاویه و طرفدارانش کرده است. تذکر این نکته بسی ضروری است؛ این قاعده _ البته با تسامح _ در مورد صحابه ای نفوذ دارد که با خلافت خلفای سه گانه موافق باشند. جز این باشد نام شورشیان مصر و کافران، منع کنندگان زکات (مرتدین)، خروج کنندگان و بیعت شکننده ها و یا مخالفان بیعت و مانند این القاب و عناوین را باید پذیرا شده و بر فرجام هولناک آن نیز سر فرود آورند. فسادها و فسق و فجورهای معاویه بیرون از شمارش بوده و از موضوع این نوشتار خارج است. و این نمی از

فسادهای او در روشن ساختن حقیقت و عناد کسانی که به دور از حریت و آزاد اندیشی، آیات سراسر نور الهی را بر کردارهای زشت و سیاه افرادی چون معاویه تطبیق می کنند بر طالبان حقیقت کافی است.

به هر روی، آشفتگی سخنان مفسران اهل سنت، نه پرده از چهره حقیقت که پرده بر چهره آن افکنده، بر ابهام و اجمال مقصود آیه افزوده است. بر اساس دیدگاه اینان، آیه از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا عصر حاضر را فرا می گیرد. اشاره شد این مفسران بدون دقت و تأمل علمی با تحقق گوشه ای از وعده ها و بشارت های موجود در آیه، با دست پاچگی آیه را بر حکومت های گوناگون تطبیق داده اند. ریشه های این نگاه به آیات و روایات، که گنجینه ها و ذخایر علمی و غیبی مسلمانان و بلکه بشریت هستند، را باید در وابستگی علمای اهل سنت به حکومت ها و انحراف خلفای نخستین از مسیر ترسیم یافته از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جست؛ با این تطبیق ها و تفسیرهای به دور از واقعیت، سعی در پنهان کردن حقیقت و تطهیر و تنزیه غاصبان خلافت دارند.

در پایان، شایسته دیدیم تا دیدگاه مفسر، متکلم و فقیه بزرگ شیعه، شیخ مفید رحمه الله را حسن ختام این قسمت قرار دهیم؛ زیرا ایشان مبسوط تر از همه به نقد و بررسی این موضوع پرداخته است که البته در این جابه اجمال به برخی استدلال های ایشان اشاره می شود:

نخست: این گونه تفسیر، تفسیر به رأی بوده و بدون استناد به کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصوم علیه السلام است.

دوم: مفسران شیعه و بسیاری از مفسران عامه چنین رأیی ندارند، بر این

اساس بین مفسران اجماعی نبوده، و اختلاف نظر اساسی وجود دارد.

سوم: مراد از استخلاف؛ جانشینی در سرزمین کفار و به ارث بردن دارایی های آنان است، نه خلافت از پیامبر و مقام امامت باشد تا

از این رهگذر حقانیت جانشینی آنان از رسول خدا ثابت شود. آیاتی از قرآن نیز گواه این معناست؛ از آن جمله: (سوره انعام، آیه ۱۳۳؛ سوره اعراف، آیه ۱۲۸ - ۱۲۹).

چهارم: خلافت در آیه به دست خداوند است، و هیچ کدام از آنان منصوب از سوی خدا نبوده، و چنین ادعایی از اساس باطل بوده و گزارش های تاریخی از چگونگی انتخاب و انتصاب آنان، گواه روشنی بر این حقیقت است.

پنجم: استناد به «کاف خطاب» و دلالت آن بر حاضرین، نیز منتفی است. برابر روایات اهل بیت پیامبر علیهم السلام مقصود از آن حاضرین از اهل بیت و سایر ائمه از حسب و نسب آنان بوده اند. (۱)

افزون بر این در تبیین آیات قرآن، دیدگاه مفسران شیعه بیان شد.

۶. پیشینه حکومت صالحان

اشاره

اکنون جای این پرسش است که آیا حکومت صالحان تنها یک وعده است یا در طول تاریخ تجربه هم شده است؟

رخ نمایی این پرسش زمانی مهم جلوه می کند که دیدگاه های غربی مدل حکومتی موجود را کامل ترین و بهترین نوع حکومت می دانند و بشریت را نه

۱- تفسیر القرآن، ص ۳۷۷ - ۳۸۴.

با وعده که مستقیم به پذیرش لیبرال دموکراسی دعوت می کنند. نظریه پردازان غربی با بهره گیری از تکنولوژی نوین و به مدد رسانه های هم سو با اهداف لیبرال دموکراسی و سرپوش گذاشتن بر ضعف ها و نقص های حکومتی که در حال تجربه شدن است؛ تا حدودی افکار عمومی جهان را با خود همراه و هم گام ساخته اند. و باور ساده اندیشان نیز از این هجمه تبلیغاتی اثر پذیرفته است. حذف فرهنگ های بومی و دینی ضعیف نیز سبب ایجاد خلأ فکری و بر سرعت این اثرپذیری افزوده است.

پاسخ به پرسش یاد شده از نگاه آیات قرآن مثبت است. به دلالت آیات قرآن نمونه هایی از حکومت صالحان در طول تاریخ بشریت تجربه شده است. برخی از مفسران دلیل یاد کرد آیه شریفه از زبور و تورات را فراهم شدن حکومت فراگیر برای داود علیه السلام و بنی اسرائیل دانسته اند:

إِنَّ اللَّهَ أَنْقَذَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، ذَلِكَ الْقَوْمَ الْمُسْتَضْعَفَ مِنْ سُلْطَةِ فِرْعَوْنَ، وَ عَلَى يَدِ النَّبِيِّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَوْرَثَهُمُ الْأَرْضَ الظَّالِمِينَ.

كما أعطى لداود حكما و هتأ له أسباب القدره، فكان من المناسب أن يذكرهما، بأن وراثه كل الأرض تكون للصالحين: أولا لكي يكون ما تحقق فعلا- على عهدهما شاهدا على ما يتحقق في المستقبل جريا على نهج القرآن في الارتقاء بالقارئ من الحقائق المشهوده الحاضره، الى الغيب الأوسع مدى، و ثانيا ليعلم كل مؤمن بأن الله سوف يورث الأرض للصالحين من عباده كما فعل في عهد داود و موسى، فيكون ذلك أملا يبعثه الى المزيد من النشاط، و بصيره كونه لمعرفة حركه الكائنات التي تنتهي الى وراثه الأرض جميعا. (۱)

۱- من هدى القرآن، ج ۷، ص ۳۸۸؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۷.

خداوند، بنی اسرائیل، این قوم مستضعف را از سلطه فرعون به دست موسی رهانید و سرزمین ظالمان را به میراث به آنان داد. همچنان که به داود حکومت داد و برای او اسباب قدرت مهیا نمود.

پس مناسب بود که از هر دو یاد کند تا مردم بدانند که وارثان سراسر زمین، صالحان هستند؛ و روشن شود:

نخست: آن چه در زمان آن دو پیامبر رخ داد نمونه ای از حکومت موعود در آینده است؛ زیرا قرآن حقائق را این گونه بازتاب می دهد؛ و مخاطبان خود را از حقایق موجود به مسائل غیبی و آن چه در آینده رخ می دهد رهنمون می شود.

دوم: و هر مؤمنی بداند که بندگان صالح سرانجام وارث زمین خواهند شد؛ چنان که در عصر داود و موسی این مهم اتفاق افتاد. این آگاهی سبب دمیدن روح امید و بصیرت و روشن بینی نسبت به سیر تکامل تاریخ تا میراث بری زمین از سوی صالحان خواهد شد.

شیخ طوسی رحمه الله از زجاج نقل می کند:

كان من بنی اسرائیل داود و سلیمان ملكا جميع الأرض؛ (۱)

داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام دو تن از پیامبران بنی اسرائیل صاحب حکومت فراگیر در سراسر زمین شدند.

در برابر، برخی از مفسران مقصود از حکومت فراگیر بنی اسرائیل را حکومت بر سراسر سرزمین پهناور فرعونیان دانسته اند.

در تفسیر نمونه آمده است:

۱- التبیان، ج ۴، ص ۵۲۶؛ تفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۳۸۷.

منظور حکومت بر تمام کره زمین نبوده است؛ زیرا این موضوع مسلماً بر خلاف تاریخ است، بلکه منظور حکومت بنی اسرائیل بر سراسر سرزمین فراعنه می باشد. (۱)

صاحب تفسیر الفرقان با استناد به خود آیه شریفه این گونه استدلال می کند:

و لکنها لیست کل الأرض لمكان (الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا) فَهِيَ الْأَرْضُ الْمُقَدَّسَةُ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ. (۲)

ایشان با تمسک به «الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» آن را شامل سراسر سرزمین شامات می دانند زیرا سراسر زمین این گونه نبود.

با وجود این، حکومت آنان شامل سرزمین شامات باشد یا سراسر زمین، نمونه و مدلی از حکومت صالحان است که در دوره ای از تاریخ روی داده است. بررسی تاریخ و ویژگی های این حکومت ها از آن رو پر اهمیت است که بیشتر ویژگی های حکومت صالحان در پایان تاریخ را دارند و در واقع شاید بتوان پیش نویسی بر برنامه های آن حکومت دانست. از این رو نمونه هایی از این حکومت ها که در میان امت بنی اسرائیل رخ داده است را بررسی می کنیم.

حکومت بنی اسرائیل

قوم بنی اسرائیل تاریخی بس پرفراز و نشیب دارد که در بسیاری از آیات قرآن هم به آن اشاره شده است. تجربه حسیض ذلت تا اوج عزت، کشته شدن به دست فرعونیان تا کشتن پیامبران الهی، آزار دیدن و آزار دادن،

۱- تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۲۹-۳۳۰.

۲- الفرقان، ج ۱۱، ص ۲۶۸؛ المیزان، ج ۸، ص ۲۲۹.

سرگردانی تا استقرار حکومت و نسل های متوالی در قرون متمادی صفحات پرشماری از تاریخ را به بنی اسرائیل اختصاص داده و درس های بی شماری برای آیندگان به یادگار گذاشته است.

بنی اسرائیل نام قومی است از نسل ابراهیم علیه السلام و از فرزندان یعقوب پسر اسحاق؛ بنا به قولی اسرائیل نام دیگر یا لقب یعقوب است. بنی اسرائیل دوازده سبط یا خاندان اند که آن ها را از نسل دوازده پسر یعقوب می دانند. آغاز تاریخ بنی اسرائیل به حوادث جد اعلامی آن ها، ابراهیم علیه السلام باز می گردد. بنا به گزارش های تاریخی، وی به همراه قومش از زادگاه خود اور کلدانیان به حزان و از آن جا به فلسطین مهاجرت کرد. فرزندان و نوادگان او، اسحاق و یعقوب نیز در کنعان ساکن بودند.

پس از صدارت یوسف در مصر، یعقوب و پسرانش به سبب قحطی در کنعان به مصر رفتند و تا روزگار حضرت موسی علیه السلام که از نسل همین قوم بود، در مصر ماندند. بنی اسرائیل به رهبری دینی و سیاسی موسی از سلطه فرعون رها شدند و از مصر خارج شده به سمت کنعان رفتند. اینان حدود چهل سال، که طی آن یک نسل شان از بین رفت، در صحرای سینا سرگردان بودند تا این که پس از وفات موسی، یوشع جانشین وی شد و به تدریج کنعان را فتح کرد.

پس از استقرار در کنعان و تغییر ساختار اجتماعی بنی اسرائیل، اینان از قومی کوچ زی و دام پرور به ملتی مستقر و زارع مبدل شدند. در نتیجه شیوه رهبری ایشان نیز تغییر یافت تا نوبت به عهد پادشاهی رسید که از طالوت آغاز شد و سپس دامادش داود و پس از آن سلیمان بر تخت سلطنت

نشستند. و این، دوران اوج اقتدار این ملت بود. (۱)

چنان که اشاره شد در آیات متعددی از قرآن به داستان بنی اسرائیل اشاره شده و پرده از رازهایی از تاریخ رمز آلود آنان برداشته است.

به روایت قرآن، بنی اسرائیل زیر سلطه فرعون، روزگار سختی می گذراند. فرعون پسران آنان را می کشت و زنان آنان را زنده نگه می داشت. «نَتَلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيٍّ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ * إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُم طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (سوره قصص، آیه ۳-۴)؛ با تولد معجزه آسای موسی و رشد و بعثت او؛ بنی اسرائیل به امید رهایی از آزارهای فرعونیان به موسی روی آوردند و موسی آنان را به یاری جستن از خداوند و صبر و شکیبایی و رعایت تقوای الهی فرا خوانده به آنان امید داد که زمین مال خداست و به هر که از بندگانش بخواهد وامی گذارد، سرانجام کار، از آن پرهیزگاران است. همچنین به آنان هلاکت فرعون و جانشینی بنی اسرائیل را وعده داد:

«وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَ تَدْرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذْرَكَ وَ آلِهَتِكَ قَالَ سَنَقْتُلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ * قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ * قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عِدُوكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ.» (سوره اعراف، آیه ۱۲۷-۱۲۹)

موسی علیه السلام از سوی خداوند مأموریت یافت تا برای هدایت فرعون و

۱- دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، «بنی اسرائیل».

نجات بنی اسرائیل نزد فرعون برود و پیامش را ابلاغ کند، اما فرعون از پذیرش سخن حق و پرستش خداوند یگانه و رها ساختن بنی اسرائیل سرباز زد. پس از آن، خداوند قوم فرعون را به بلاهای گوناگون مانند قحطی و کاهش محصولات گرفتار کرد. اگر ناز و نعمت به آن‌ها می‌رسید می‌گفتند: این حق ماست، و چون گزند می‌آید به ایشان می‌رسید، از روی ناآگاهی به موسی و پیروان او فال بد می‌زدند. و در هر گرفتاری قول می‌دادند که در صورت رفع آن ایمان آورند، ولی باز از قول خود برمی‌گشتند تا آن‌که خداوند به موسی دستور داد که بنی اسرائیل را شبانه از مصر حرکت دهد. فرعون و سپاهش، موسی و قومش را دنبال کردند. به قدرت خداوند دریا شکافته شد و ایشان از آن گذشتند، و فرعونیان هلاک شدند:

«وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقَصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ * فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ * وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِنَسِخَ بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ * فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفْصَلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ * وَ لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ * فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ * فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ». (سوره اعراف، آیه ۱۳۰-۱۳۶)

بدین ترتیب بنی اسرائیل از بردگی و اسارت فرعونیان رها شده و وارث سراسر آن سرزمین پهناور شدند:

«وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ». (سوره اعراف، آیه ۱۳۷)

در کمال ناباوری بنی اسرائیل و اوج قدرت فرعونیان؛ خداوند کسانی را که اسیر و برده مستکبران بودند به اوج قدرت و عزت و مستکبران را که مست از باده قدرت عقل و هوش از سرشان پریده و با ادعای «انا ربکم الاعلی» (سوره نازعات، آیه ۲۴)؛ مستضعفان عالم را به بردگی و بندگی گرفته بودند با ذلت و خواری به هلاکت رساند تا عبرتی برای آیندگان باشد:

«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَّبَهُمُ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغِيًّا وَعَيْدُوا حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * أَلَا نَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ * فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لَتُنَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَ إِن كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَن آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ». (سوره یونس، آیه ۹۰-۹۲)

درباره سرنوشت جسد فرعون گفته شده:

و التهمت الأمواج فرعون، و لكنها قذفت بدنه خارجا ليكون آیه لمن بعده، كيف انتهت عاقبه ذلك الطاغوت الذي ادعى أنه الرب الأعلى لبني إسرائيل؟ و لا يزال في متاحف مصر بعض أجساد فراعنتها؛ (۱)

امواج دریا فرعون را بلعید؛ اما بدن او را به بیرون از آب انداخت تا نشانه ای برای آیندگان باشد، که بدانند فرجام طاغوتی که برای بنی اسرائیل ادعای پروردگاری بزرگ می کرد به کجا رسید؟ همیشه در موزه های مصر از اجساد فراعنه موجود بوده است.

همچنین پس از تحمل رنج های فراوان خداوند بر بنی اسرائیل منت نهاد و آنان، وارث فرمان روایی گسترده و پایداری در آن سرزمین به رهبری موسی و هارون شدند:

«وَأَنْتُمْ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُفَعِّلَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ». (سوره قصص، آیه ۵-۶)

حکومت داود علیه السلام

اشاره شد تاریخ بنی اسرائیل فراز و فرودهای زیادی را به تجربه نشسته است. از این رو از آن جمله قوم هایی است که صفحات بی شماری از تاریخ بشریت را سرگذشت اینان پر کرده است. از بردگی تا برگزیدگی و از وفور نعمت تا افول عزت سبب شده تا تاریخ بنی اسرائیل سراسر درس و عبرت باشد. اینان پس از جانشینی فرعونیان و به میراث بردن سراسر سرزمین گسترده و پهناورشان، کفر نعمت را بر شکر آن و فرمان بری از پیامبران را بر نافرمانی برگزیدند. بازگشت به دوران ذلت و افول و غروب نعمت ها طبیعی ترین پیامدی بود که بنی اسرائیل تجربه کردند. پس از تجربه ای بس تلخ و ناگوار، دوران پادشاهی بنی اسرائیل با پادشاهی طالوت آغاز و با داود و سلیمان به قدرتی جهانی می رسند. از نظر سیاسی، دوران حکومت داود، دوره طلایی بنی اسرائیل به شمار می آید. (۱) پس از داود، سلیمان علیه السلام وارث سلطنت شد؛ اما پس از سلیمان دوباره دوران انحطاط آنان آغاز شد.

داود علیه السلام از پیامبران بزرگ الهی است که حدود پانصد سال بعد از

۱- دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۴۴۹-۴۵۰ «بنی اسرائیل»؛ فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۷۰.

موسی علیه السلام به پیامبری رسید. (۱) به روایت قرآن و بر پایه گزارش های تاریخی داود بسیار مورد عنایت و لطف پروردگار بود. از آن جمله کوه ها و پرندگان را مسخر وی کرد و آهن را برای او نرم و سست گردانید و دانش زره بافی را به وی آموخت:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أُوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدَ * أَنْ اِعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سوره سبأ، آیه ۱۰ - ۱۱)

و نیز:

«وَسَيَخْرُجُنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ *... وَ عَلَّمْنَاهُ صِنْعَهُ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخَصِّنْكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ».
(سوره انبیاء، آیه ۷۹ - ۸۰)

«... وَ اذْكَرْ عِبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ * إِنَّا سَيَخْرُجُنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ * وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ».
(سوره ص، آیه ۱۷ - ۱۹)

پایه های فرمان روایی و سلطنتش را محکم گردانید و حکمت و فرزاندگی و علم داوری به او داد:

«وَشَدَدْنَا مُلْكُهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَضَّلَ الْخِطَابِ» (سوره ص، آیه ۲۰)

در آیات متعددی به حکومت و خلافت داود و ویژگی های آن اشاره شده؛ جمع بین نبوت و سلطنت و اجتماع بی سابقه بنی اسرائیل بر فرمان روایی داود، از وجوه ممتاز اوست.

بنی اسرائیل در زمان شموئیل پیامبر، گرفتار ستمگری به نام جالوت

بودند؛ از این رو از پیامبر خود خواستند؛ پادشاهی برای آنان معین کند تا در راه خدا جهاد کنند. شموئیل به آنان گفت خداوند طالوت را به سبب قدرت جسمی و علمی به عنوان پادشاه شما برانگیخته است. به رغم میل بنی اسرائیل و با وجود اعتراض آنان طالوت فرمان روایی را به دست گرفته، لشکر عظیمی فراهم آورد. لشکر طالوت مورد آزمایش الهی قرار گرفتند، اما جز اندکی، بقیه از عهده امتحان برنیامدند. هنگام رویارویی دو لشکر، برخی گفتند ما توان رویارویی با جالوت و لشکرش را نداریم؛ اما برخی از آنان که امید دیدار خدا در دل شان شعله می کشید. گفتند: به اذن خدا، بسا گروه اندک بر گروه بسیار چیره شده اند، خدا با صابران است. هنگام روبه رو شدن با لشکر جالوت از خداوند استعانت جسته و با طلب صبر و پایداری از پروردگار به مصاف دشمن شتافتند. در پی آن رویارویی با یاری خداوند لشکر جالوت را در هم شکسته و داوود جالوت را به قتل رساند. (۱)

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعِيدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ إِنَّهُ لَمَلَأٌ كَذِبٌ إِنَّ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ * وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَ مِنْ فَتْنَةٍ قَلِيلًا غَلَبَتْ فِتْنَةَ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ * وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ * تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ». (سوره بقره، آیه ۲۴۶-۲۵۲)

بر اساس گزارش های تاریخی، داود با پرتاب سنگ از فلاخن، جالوت را به هلاکت رساند. سنگ پرتاب شده به سینه یا سر جالوت اصابت کرده، وی را از پای در آورد. و لشکر جالوت از هم پاشید. (۱)

این موضوع سبب شد نام داود بر سر زبان ها بیفتد، و تمایل بنی اسرائیل به وی روزافزون شود؛ و چنان که اشاره شد اسباط دوازده گانه بنی اسرائیل بر پذیرش فرمان روایی وی هم داستان و یکپارچه شوند، که تا آن روز بی سابقه بود؛ زیرا نبوت در سبطی و سلطنت در سبط دیگری بود، اما نبوت و سلطنت از سویی و یکپارچگی بنی اسرائیل از سوی دیگر در داود جمع شد. البته، ثعلبی متحد شدن بنی اسرائیل در پادشاه واحد را ابتدا به یوشع بن نون نسبت داده است. (۲)

۱- قصص الانبیاء، ص ۳۹۷.

۲- التبیان، ج ۲، ص ۳۰۱؛ فتح القدير، ج ۱، ص ۳۰۵؛ بحر العلوم، ج ۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر جلالین، ج ۱، ص ۴۴.

به روایت قرآن، سلطنت و حکمت پاداشی بود که داود در پی این رخداد از خداوند دریافت نمود (۱) «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ». برابر گفته مفسران و مورخان داود نوجوانی بود که چوپانی گوسفندان پدر را به عهده داشت. (۲) آن چه در این آیه شریفه بسیار مهم جلوه می کند این که، حکومت داود موهبتی الهی است، و کاری بس شگفت، که در کمال ناباوری انسان ها بزرگ ترین طاغوت زمان به دست نوجوانی چوپان از پای درآمده و در کوتاه ترین زمان لشکر و هیمنه او در هم می شکند. این جز با قدرت و معجزه الهی که همواره پشتیبان بندگان صالح است، امکان پذیر نیست.

به گفته مفسران، مقصود از حکمت، که خداوند به داود عنایت فرمود، نبوت است و این علم و حکمتی که به داود داده شد، خداوند جز به او نداد. (۳) همچنین داود انواع علوم و معارف و صنایع را از خداوند دریافت داشت که جز از طریق وحی، یادگیری آن برای کسی میسر نبود. (۴) قلمرو حکومت داود از شرق تا غرب سرزمین مقدس گسترده بود. (۵) برابر گفته برخی مفسران، عامل پیروزی بنی اسرائیل در جنگ با جالوت؛ نه قدرت مادی که عقیده محکم، و نه فراوانی عده و عده که اراده بلند و پولادین بود. (۶)

۱- التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۵۱۶.

۲- تفسیر بیضاوی، ج ۱، ص ۱۵۲.

۳- التبیان، ج ۲، ص ۳۰۰؛ البحر المحیط، ج ۲، ص ۵۹۳.

۴- البحر المدید، ج ۱، ص ۲۸۰؛ روح البیان، ج ۱، ص ۳۹۲؛ روح المعانی، ج ۱، ص ۵۶۴.

۵- مراحل لبید، ج ۱، ص ۹۲؛ الفرقان، ج ۱۱، ص ۲۶۷.

۶- فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۷۰.

ویژگی های منحصر به فرد داود، او را الگو و مثل دیگران ساخته، و در مواردی از آیات، خداوند این مهم را به امت پیامبر یادآور می شود؛ «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا...» (سوره سبأ، آیه ۱۰). برخی مفسران یادآور شده اند، از چوپانی به پیامبری رسیدن و برگزیدن وی به عنوان پادشاهی صالح و مصلح برای امتی بزرگ و ارزانی داشتن نعمت های دنیا و آخرت بر وی، عبرتی برای همگان است. (۱)

بسیاری از مورخان و مفسران ویژگی های ممتاز داود و حکومتش را یادآور شده اند؛ از آن جمله یکی از مفسران، عصر داود را این گونه توصیف می کند:

و لم یکن بعد موسی فی بنی اسرائیل عصر له میزه خاصه مثل عصر داوود و سلیمان إذ تطور أمر جامعه بنی اسرائیل من کونها مسوسه بالأنبياء من عهد یوشع بن نون. ثم بما طرأ علیها من الفوضى من بعد موت (شمشون) إلی قیام (شاول) حمی داوود إلا أنه کان ملکا قاصرا علی قیاده الجنه و لم یکن نبیئا، و أما تدبیر الأمور فکان للأنبياء و القضاة مثل (صمویل).

فداوود أول من جمعت له النبوءه و الملك فی أنبياء بنی اسرائیل. و بلغ ملک اسرائیل فی مده داوود حدًا عظیمًا من البأس و القوه و إخضاع الأعداء. و أوتی داوود الزبور فيه حکمه و عظه فکان تکمله للتوراه التي کانت تعلیم شریعه، فاستکمل زمن داوود الحکمه و رقائق الکلام.

و أوتی سلیمان الحکمه و سخر له أهل الصنائع و الإبداع فاستکملت دوله اسرائیل فی زمانه عظمه النظام و الثروه و الحکمه و التجاره فکان فی قصتها مثل.

و کانت تلك القصه منتظمه فی هذا السلك الشریف سلك إيتاء

الفرقان و الهدى و الرشاد و الإرشاد إلى الخير و الحكم و العلم. (۱)

بنی اسرائیل بعد از موسی، هیچ دوره ای را مثل عصر داود و سلیمان تجربه نکرد؛ زیرا مدیریت جامعه بنی اسرائیل دچار تغییر و تحول شده؛ و سلطنت در اختیار کسانی جز انبیاء افتاده بود.

داود برای اولین بار میان سلطنت و نبوت جمع کرد. و فرمان روایی بنی اسرائیل در دوره حکومت داود، پیشرفت های فراوانی را در حوزه های نظامی، سیاسی و فرهنگی تجربه کرد. چنان که با دریافت زبور آموزه های تورات تکمیل شده، و حکمت و سخنان دقیق و لطیف به اوج خود رسید.

و نیز در زمان سلیمان _ وارث حکومت داود _ به اوج شکوفایی صنعتی، اقتصادی و فرهنگی رسیدند که حکومت وی در زمینه های مختلف به عنوان الگویی برای دیگران شده است.

در سوره «ص» این گونه به این حقیقت اشاره می کند:

«وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَضَّلَ الْخِطَابَ». (سوره ص، آیه ۲۰)

در این آیه شریفه به سه مؤلفه اساسی در حکومت داود اشاره شده است.

نخست: تقویت و تحکیم پایه های حکومت او با هیبت، لشکریان، خزینه ها و حسن تدبیر و هر آن چه سبب تقویت اساس حکومت و سلطنت شود.

دوم: حکمت؛ از جمله معانی حکمت، معارف حقه و متقنی است که برای انسان سود بخش بوده وی را به کمال رساند.

سوم: فصل الخطاب؛ گفته اند: «فصل الخطاب» به معنای آن است که

انسان قدرت تجزیه و تحلیل یک کلام را داشته باشد، و بتواند آن را تفکیک کند و حق آن را از باطلش جدا کند. و این معنا با قضاوت صحیح در بین دو نفر متخاصم نیز منطبق است. (۱)

بر اساس داده های تاریخی و روایی داود بدون بینه و شاهد، با علم الهی خویش قضاوت و فصل خصومت می کرد. (۲) و در پرتو آن، عدالت با کامل ترین وجه آن اجرا می شد. اما مردم تحمل چنین قضاوتی را نداشتند، از آن پس داود مامور به قضاوت با بینه شد. (۳) از امام صادق علیه السلام نقل شده است: وقتی قائم ما قیام کند به سان داود، بدون بینه حکم خواهد کرد. (۴)

خداوند داود را جانشین خود قرار داد تا براساس حق داوری کند:

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ». (سوره ص، آیه ۲۶)

و ظاهر الخلافه آنها خلافه الله فتطبق على ما في قوله تعالى: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و من شأن الخلافه أن يحاكي الخليفة من استخلفه في صفاته و أعماله فعلى خليفه الله في الأرض أن يتخلق بأخلاق الله و يريده و يفعل ما يريده الله و يحكم و يقضى بما يقضى به الله _ و الله يقضى بالحق _ و يسلك سبيل الله و لا يتعدها.

و لذلك فرع على جعل خلافته قوله: «فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» و

۱- الميزان، ج ۱۷، ص ۱۹۰.

۲- قصص الانبياء، ص ۴۰۳؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۲.

۳- قصص الانبياء، ص ۲۰۳-۲۰۵.

۴- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

هذا يؤيد أن المراد بجعل خلافته إخراجها من القوه إلى الفعل في حقه لا مجرد الخلافه الشأنيه لأن الله أكمله في صفاته و آتاه الملك يحكم بين الناس. (۱)

مقصود از خلافت داود، جانشینی وی از سوی خداوند است. مقتضای خلافت همسانی جانشین در صفات و رفتار از جانشین شونده است. از این رو جانشین خدا در زمین باید در این ویژگی ها متخلق به اخلاق الهی باشد. و همواره در رفتارها، اندیشه، قضاوت و سایر امور از اراده پروردگار تخطی نکند. و جز بر راه او سلوک نکند.

عبارت بعدی «فاحکم بین الناس» گواه این مهم است؛ زیرا خداوند فرمان روایی و سلطنت به وی داد تا میان مردم به حق داوری کند و صفات او را بروز و ظهور دهد.

به گفته برخی مفسران مقصود آیه شریفه این است که ای داوود ما

تو را خلیفه در زمین قرار دادیم؛ و به تو نفوذ کلام و سلطنت و فرمان روایی

در میان مردم دادیم؛ همگان فرمانبردار تو هستند. بنا براین میان مردم به حق داوری کن و در امور مربوط به حکومت و دین و دنیا از هوای نفس پیروی نکن. (۲)

سخن در حکومت داوود و ویژگی های آن بسیار است؛ در این پژوهش برای روشن شدن مقصود به گوشه هایی از آن اشاره شد تا نمونه ای از حکومت صالحان از نگاه وحی باشد.

به اجمال، تدبیر و تأمل در آیات مورد اشاره به دست می دهد: تنها در

۱- المیزان، ج ۱۷، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ التحریر و التنویر، ج ۲۳، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۲- تفسیر المراغی، ج ۲۳، ص ۱۱۲.

سایه حکومت الهی، عدالت اجتماعی برقرار و حقوق انسان ها تأمین می شود. چنان که شکوفایی علمی و عملی از دیگر نموده های این حکومت است. و همه این پیشرفت ها در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و نظامی مرهون رهبری و فرمان روایی حاکمی الهی است. داود رهبری الهی است، که مشروعیت خود؛ علم و دانش، قضاوت، کشورداری و قدرت نظامی را از وحی دریافت کرده است. وی در اوج حکومت و فرمان روایی از خداوند غافل نشده، بیش از همگان به ارتباط معنوی با خداوند مشغول بود.

از این رو در حکومت صالحان، بیشترین توجه بر راس هرم قدرت (یعنی رهبری و حاکمیت)، تمرکز یافته است. و از سوی دیگر در چنین حکومتی، زمامدار بیش از همه احساس تکلیف کرده و پای بندی خود را به احکام و قوانین نشان می دهد. احساس رضایت مندی عمومی از نتایج سودمند چنین رفتاری است که در حکومت داود به چشم می خورد؛ به سخن دیگر، حاکمان حکومت های الهی بر دل ها حکومت می کنند که در پیشبرد امور بسیار یاری کننده است. و در سختی ها، آرام بخش و التیام دهنده زخم هاست.

چنان که اشاره شد، مردم تحمل بعضی ابعاد حکومت داود، از آن جمله قضاوت های بدون بینه وی را نداشتند؛ زیرا از بلوغ فکری و اجتماعی لازم برخوردار نبودند. از این رو داود مأموریت یافت تا با بینه قضاوت کند. در پایان تاریخ و در حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سایه رشد فکری و آمادگی پذیرش عمومی، آن حضرت بدون بینه قضاوت خواهد کرد. چنان که بر پایه بعضی

روایات مهدویت، مردم در یک فضای بسیار صمیمی و براساس اصل مواسات از اموال برادران و دوستان خود، با طیب خاطر هزینه خواهند کرد. براساس گزارش های تاریخی معلوم شد در حکومت داود چنین حالتی پیش آمد اما به دلیل نبود تحمل مردم دیری نپایید که نسخ شد. هدف از وضع چنین احکامی، ترسیم چهره ای از حکومت صالحان بود؛ تا تصویری از آن برای آیندگان باشد و با ارتقای فکری خود، پذیرای چنین حکومتی در آینده باشند.

حکومت سلیمان علیه السلام

به روایت قرآن، سلیمان وارث حکومت پدرش داود شد:

«وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مَن كُلِّ شَيْءٍ ۚ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ». (سوره نمل، آیه ۱۶)

این که مراد از وراثت در آیه شریفه چیست میان مفسران گفت و گوی بسیاری است. و نیز مفسران شیعه و اهل سنت بر یک رأی نبوده و اختلاف دیدگاه دارند. دیدگاه غالب در میان مفسران اهل سنت، وراثت، تنها در سلطنت و نبوت است. اینان با نقل روایتی به ارث گذاشتن مال و اموال انبیاء را نفی می کنند. از این رو آیه شریفه را در غیر اموال تفسیر می کنند. مفسران اهل سنت با اذعان به این که حقیقت میراث در مال و اموال است؛ ارث در آیه را به معنای مجازی حمل کرده اند. (۱)

روشن است این دیدگاه از حوادث سیاسی پیش آمده بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در جهت توجیه تصرف فدک از سوی ابوبکر تأثیر پذیرفته

۱- التحریر و التنویر، ج ۱۹، ص ۲۳۴؛ تفسیر الوسیط، ج ۲، ص ۱۸۶۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

است. این اجمال مطلب است و پرداختن بیش از این به این موضوع از حوصله این مقال خارج است. (۱)

مفسران شیعه آیه را بر معنای حقیقی حمل کرده، آن را به معنای میراث بری در مال و سلطنت دانسته اند. (۲)

به هر روی مفسران در میراث بری سلطنت داود از سوی سلیمان، بر یک نظرند. به گفته برخی مفسران قلمرو حکومت سلیمان از شرق تا غرب دنیا و دامنه آن شامل جن و انس و حیوانات و پرندگان می شد. و از سلطنت داود بسی بزرگ تر بوده است. (۳) خداوند هر آن چه را لازمه یک حکومت است، به سلیمان داده بود: «أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (سوره نمل، آیه ۱۶).

برخی مفسران در تفسیر این عبارت گفته اند:

مما يعطيه الله للإنسان من علم و قدره و ملك و نبوه و حكم و مال و نحو ذلك، مما يمكن أن يحصل عليه الإنسان في ما يحتاجه موقعه المميز في حركته و فاعليته بشكل طبيعي معقول. (۴)

مقصود از آن، علم، قدرت، فرمان رویی، نبوت، قضاوت، مال و مانند این هاست که خداوند به انسان می دهد؛ و دست یابی به آن ها برای انسان در آن چه موقعیت ویژه او در حرکت و فاعلیتش ایجاب می کند به شکل طبیعی و معقول ممکن است؛ به سلیمان داده شده بود.

۱- الفرقان، ج ۲۲، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۲- مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۳۵؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۴۹؛ الجوهر الثمین، ج ۴، ص ۴۱۷. قصص الانبیاء، ص ۴۱۲.

۳- مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۳۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۶۴؛ زبده التفاسیر، ج ۵، ص ۸۱؛ تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۲۹۹.

۴- من وحی القرآن، ج ۱۷، ص ۱۹۴.

سلیمان این همه نعمت را از فضل خداوند و شایسته قدردانی می دانست: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ».

سلیمان از خداوند حکومتی بی نظیر خواست و دعایش مستجاب شد: (۱) «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (سوره ص، آیه ۳۵).

سلیمان پس از در خواست آمرزش الهی؛ از خداوند خواست، سلطنتی به او ببخشد که پس از وی کسی را نسزد.

میان مفسران گفت و گوی بسیاری شده است، که آیا چنین در خواستی سزاوار است، یا شایبه بخل دارد. و دامن انبیاء از چنین آلودگی ها

به دور است.

برخی از مفسران جواب داده اند:

و یدفعه أن فيه سؤال ملك يختص به لا- سؤال أن يمنع غيره عن مثل ما آتاه و يحرمه ففرق بين أن يسأل ملكا اختصاصيا و أن يسأل الاختصاص بملك أوتيه. (۲)

یعنی این اشکال چنین پاسخ داده می شود که درخواست او درخواست برای خودش است، نه درخواست منع از دیگران، نمی خواهد درخواست کند که دیگران را از سلطنتی چون سلطنت او محروم کند، و فرق است بین این که ملکی را مختص به خود درخواست کند، و این که اختصاص آن را به خود بخواهد.

۱- تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۳۷۹.

۲- المیزان، ج ۱۷، ص ۲۰۵.

امام کاظم علیه السلام در جواب این پرسش جواب دادند:

عن الكاظم عليه السلام أنه سئل: أ يجوز ان يكون نبى الله بخيلاً؛

فقال: لا؛

فقيل: فقول سليمان عليه السلام «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلِكًا لَا يَتَّبِعُنِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي» ما وجهه و ما معناه؛

فقال: الملك ملكان ملك مأخوذ بالغلبه و الجور و إجبار الناس و ملك مأخوذ من قبل الله تعالى ذكره كملك آل ابراهيم و ملك طالوت و ذى القرنين فقال سليمان: «هَبْ لِي مَلِكًا لَا يَتَّبِعُنِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي» أن يقول أنه مأخوذ بالغلبه و الجور و إجبار الناس فسخر الله عزوجل له الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ و جعل غدوها شهراً و رواحها شهراً و سخر الله عزوجل له الشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ وَ عِلْمَ مَنْطِقِ الطَّيْرِ وَ مَكَّنَ لَهُ فِي الْأَرْضِ فَعَلِمَ النَّاسَ فِي وَقْتِهِ وَ بَعْدَهُ أَنَّ مَلِكَهُ لَا يَشْبَهُ مَلِكَ الْمُلُوكِ الْجَبَّارِينَ مِنَ النَّاسِ وَ الْمَالِكِينَ بِالْغَلْبَةِ وَ الْجُورِ قِيلَ فَقَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَحِمَ اللَّهُ أَخِي سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ أَبْخَلَ فَقَالَ لِقَوْلِهِ وَجْهَانِ أَحَدُهُمَا مَا كَانَ أَبْخَلَ بَعْرَضَهُ وَ سُوءَ الْقَوْلِ فِيهِ وَ الْوَجْهَ الْآخَرَ يَقُولُ مَا كَانَ أَبْخَلَ إِنْ كَانَ أَرَادَ مَا كَانَ يَذْهَبُ

اليه الجهال؛ (۱)

آیا جایز است پیامبر خدا بخیل باشد؟ امام علیه السلام فرمود: نه.

عرض کرد پس چرا سلیمان می گوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلِكًا لَا يَتَّبِعُنِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي» و مفهوم و تفسیر این آیه چیست؟

امام علیه السلام فرمود: حکومت دو گونه است: حکومتی که از طریق ظلم و غلبه و اجبار مردم به دست می آید، و حکومتی که از سوی خداوند است، مانند حکومت خاندان ابراهیم و طالوت

و ذوالقرنین.

سلیمان از خداوند خواست حکومتی به او دهد که هیچ کس نتواند بعد از او بگوید از طریق غلبه و ظلم و اجبار مردم به دست آمده است.

لذا خداوند متعال باد را مسخر فرمان او ساخت که به نرمی هر کجا او مایل بود جریان می یافت، و صبح گاهان فاصله یک ماه را می پیمود، و عصر گاهان فاصله یک ماه را، و خداوند متعالی شیاطین را مسخر او ساخت که برای او ساختمان می ساختند و غواصی می کردند، و علم سخن گفتن پرندگان را به او تعلیم داد، و حکومت او را در زمین پا بر جا ساخت، لذا در همان زمان و زمان های بعد مردم دانستند که حکومت او هیچ شباهتی به حکومتی که مردم آن را برمی گزینند، و یا از طریق قهر و غلبه و ستم حاصل می شود ندارد.

علی بن یقظین می گوید عرض کردم پس تفسیر این سخن که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: «رحم الله اخی سلیمان ابن داود ما کان ابخله»؛ خدا رحمت کند برادرم سلیمان بن داود را چه بخیل بود، چیست؟! فرمود: دو معنی دارد: نخست این که او بسیار در مورد نوامیس و عرضش بخیل بود از این که کسی سخن نامناسبی درباره آن ها بگوید.

دیگر این که منظور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این بود که اگر آیه قرآن را آن چنان که بعضی از جهال تفسیر کرده اند که او تقاضای حکومتی بی نظیر و منحصر به خود کرد باید او مرد بخیلی باشد (و این طعنی است بر آن ها).

کوتاه سخن این که حکومت سلیمان، حکومتی بس بزرگ و بی نظیر بود؛ و خدای سبحان طبیعت را مسخر او کرده بود.

ویژگی های حکومت سلیمان

از آن جا که بعضی حکومت ها در امت های پیشین؛ مدلی از حکومت فراگیر صالحان است؛ شایسته است به گونه ای مبسوط به ویژگی های آن ها پرداخته شود تا گوشه هایی از حکومت صالحان در پایان تاریخ برای جست و جوگران حقیقت روشن شود. حکومت سلیمان علیه السلام از جمله این حکومت هاست که با ویژگی های آن آشنا می شویم.

سلیمان در طول حکومت خود دین خدا را در سراسر زمین گسترش داد؛ و حکومت های دیگر از آن جمله حکومت سبأ را به دین خود دعوت و آنان را به پذیرش آیین الهی واداشت.

در آیاتی از سوره نمل به این حقیقت اشاره شده است: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ» (سوره نمل، آیه ۳۰ - ۳۱)؛ سلیمان آنان را به اسلام دعوت کرد. و آنان نیز دعوت وی

را پذیرفتند:

«قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالِ إِنَّهُ صَيْرُوحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ (سوره نمل، آیه ۴۴)

سلیمان در اوج سلطنت خویش، از اشراف و ثروت مندان کناره می گرفت و با نیازمندان همنشین می شد و می گفت: من مسکینی به سان شما هستم. او پشمینه می پوشید و به هنگام شب دستانش را به گردن می بست و تا صبح به گریه و مناجات می پرداخت. دست رنج او حاصل بافتن برگ های خرما به یکدیگر بود و حکومت را بدان جهت می خواست تا بر پادشاهان جور

حاکمان در حکومت صالحان نه تنها تشنه قدرت نیستند، که شیفته خدمت هستند. آنان توجه به فقرا و طبقات پایین اجتماعی را که گاهی از نظر فراوانی، توده عظیمی از جامعه را در بر می گیرند؛ برهم نشینی با اشراف و ثروت مندان که بخش اندکی از جامعه را تشکیل می دهند، ترجیح می دهند. روشن است این رفتار، به معنای نفی سرمایه و طرد سرمایه دار نیست؛ بلکه غافل نشدن از آحاد جامعه و التیامی بر آلام و رنج های آنان است.

این در حالی است، که اساس حکومت های لیبرال دموکراسی بر سرمایه داری استوار بوده و در یک رقابت نابرابر اقتصادی، به حذف طبقات ضعیف منتهی می شود، و در بطن خود سبب زایش ناخشنودی توده های اجتماعی و انواع نابسامانی های فرهنگی و اجتماعی می شود. ناخشنودی عموم مردم نه فقط از طبقه حاکم، که از اشراف و سرمایه داران، به دلیل ارتباط قدرت و سرمایه، سبب آشفته گی روابط اجتماعی و تزلزل و از هم گسستگی جامعه و آسیب پذیری در برابر تهدیدهای احتمالی خواهد بود. از سوی دیگر، از میان رفتن جایگاه مردمی حاکمیت، پی آمد محتوم فاصله گرفتن کارگزاران و فرمان روایان از عموم مردم است. از این رو چنان که اشاره شد و به گواه گزارش های تاریخی (سیره انبیا و ائمه علیهم السلام)، در حکومت صالحان، شاهد حضور پررنگ حاکمان در میان سطوح مختلف مردم هستیم.

حکومت های فراگیر در روایات اهل بیت علیهم السلام

در پاره ای از روایات به حکومت های سراسری از هر دو گروه مؤمنان و کافران اشاره شده است که نشان و گواهی است بر امکان حکومت های یکپارچه در پهنه گیتی.

عن أبي جعفر _ عليه السلام _ قال: إِنَّ اللَّهَ _ تبارك و تعالی _ لم يبعث أنبياء ملوكا في الأرض إلّا أربعة بعد نوح: ذی القرنین _ و اسمه عیاش _ و داود، و سلیمان و یوسف. فأما عیاش، فملك ما بین المشرق و المغرب. و أما داود، فملك بین الشامات إلى بلاد إصطخر. و كذلك كان ملك سليمان. و أما یوسف، فملك مصر و براریها، و لم يتجاوزا إلى غیرها؛ (۱)

از امام باقر علیه السلام روایت شده است، فرمودند: خداوند _ تبارك و تعالی _ چهار تن از انبیاء بعد از نوح را، به پادشاهی برگزید: ذو القرنین که نامش عیاش است، داود، سلیمان و یوسف. عیاش فرمان روی سراسر زمین شد؛ داود و سلیمان فرمان روی شامات تا اصطخر بودند؛ و یوسف بر مصر و اطراف آن حاکم بود.

در حدیث مرفوعی از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است:

ملك الأرض کلّها أربعة: مؤمنان، و کافران. فأما المؤمنان، فسلیمان بن داود، و ذو القرنین. و أما الکافران، فنمرود، و بخت نصر. و اسم ذی القرنین عبد الله بن ضحاک بن سعد؛ (۲)

چهار نفر بر سراسر زمین حکومت کردند: دو نفر از مؤمنان و دو نفر از کافران. سلیمان بن داود و ذو القرنین از مؤمنان. و نمرود و بخت نصر از کافران.

۱- الخصال، ص ۲۴۸، ح ۱۱۰.

۲- الخصال، ص ۲۵۵، ح ۱۳۰.

فصل چهارم: گستره جغرافیایی حکومت صالحان

اشاره

در فصل پایانی این بخش به گستره جغرافیایی حکومت صالحان در پایان تاریخ اشاره می‌کنیم؛ زیرا در جهان امروز و در میان دیدگاه‌های معاصر که سعی در تسخیر افکار عمومی جهان در راستای چیره شدن بر سرزمین ملل گوناگون و تحمیل اندیشه‌های لیبرال دموکراسی بر عموم مردم دنیا را دارند؛ بسیار شایسته است تا با تعیین محدوده جغرافیایی حکومت صالحان، نور امید در دل‌های عموم مستضعفان و مؤمنان روشن شود.

در آیات مربوط به پایان تاریخ روشن شد که صالحان، وارث زمین خواهند شد؛ از این رو تفسیر واژه «ارض» در آیات یاد شده در تعیین قلمرو حکومت صالحان نقش بسزایی دارد. از این رو آرای مختلفی میان مفسران مطرح شده، هر یک آن را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند.

به باور شماری از مفسران مقصود از جانشینی در زمین، سرزمین مدینه است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پس از وی صحابه در آن، به حکومت رسیدند. (۱)

۱- تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۸، ص ۲۶۲۸؛ المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۱۹۳.

اما به اعتقاد بیشتر مفسران اهل سنت مراد از «ارض»، زمین مکه است. ایشان با استناد به بعضی روایات، گفته اند مسلمانان تا قبل از فتح مکه امنیت کافی نداشتند؛ ولی پس از فتح مکه و حجاز و بعضی سرزمین های اطراف حجاز، به امنیت لازم رسیدند و بدین صورت وعده الهی محقق شد. (۱) برخی از مفسران شیعه نیز به این دیدگاه اشاره کرده اند. (۲)

در برابر، عده ای مراد از آن را سرزمین های کفار از عرب و

عجم دانسته اند. (۳)

مفسران شیعه با تصریح یا تلویح و برخی از مفسران اهل سنت، گستره و قلمرو حکومت موعود صالحان را سراسر زمین دانسته اند. (۴) روشن است نتیجه دو دیدگاه اخیر هم پوشانی داشته؛ و مقصود هر دو دیدگاه، فراگیری حکومت صالحان است.

بعضی روایات که پیش تر هم اشاره شد نشان و گواهی بر این مدعا هستند که حکومت موعود سراسر زمین را فرا خواهد گرفت.

بر این اساس مقصود آیه، محدود به حجاز و سرزمین های مجاور نبوده و

- ۱- فتح القدير، ج ۴، ص ۵۵؛ البحر المحيط، ج ۸، ص ۶۴؛ البحر المدید، ج ۴، ص ۶۱؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۲۱؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۲۹۷؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۳۰۴؛ الکشاف، ج ۳، ص ۲۵۱.
- ۲- مقتنیات الدرر، ج ۳، ص ۳۷۱؛ الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۴۷۲.
- ۳- تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۱۱۴؛ تفسیر بغوی، ج ۳، ص ۴۲۵؛ لباب التأویل، ج ۳، ص ۳۰۳؛ مراح لیید، ج ۲، ص ۱۱۹؛ احکام القرآن، ج ۳، ص ۱۳۹۵؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹؛ التبیان، ج ۷، ص ۴۵۵.
- ۴- جوامع الجامع، ج ۳، ص ۱۱۷؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۳۰۵؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۵؛ الفرقان، ج ۲۱، ص ۲۱۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۲۹۸؛ روح المعانی، ج ۹، ص ۳۹۳؛ احکام القرآن، ج ۳، ص ۱۳۹۴؛ محاسن التأویل، ج ۷، ص ۴۰۳.

از سیاق و تعبيرات آیه هم به دست می آید که مراد باید يك وعده فراگیر باشد. وعده، مربوط به زمان آینده است نه آن چه در حال تجربه باشد و خداوند جامعه صالح و نمونه ای که آراسته به توحید و پیراسته از شرک و نفاق و دارای امنیتی فراگیر باشد را به مؤمنان صالح وعده می دهد. همچنین فراگیر شدن دین اسلام در سراسر زمین، بشارتی است که تاکنون محقق نشده است؛ چنان که تشبیه به اقوام پیشین گویای این حقیقت است؛ زیرا خداوند آنان را وارث سراسر سرزمین های کفار قرار داد.

(۱)

نتیجه گیری

برابر آموزه های وحیانی، آینده در قلمرو حکومت مؤمنان صالح خواهد بود. تعبیراتی چون «یرثها»، «لقد کتبنا» و «ان فی هذا لبلاغاً» در آیات قرآن نشان از حتمیت این وعده الهی دارد. حاکمیت دینی، امنیت و آرامش کامل، شایستگی زمامداران، جامعه ای ویژه و عاری از شرک و نفاق از جمله ویژگی های جامعه صالحان در پایان تاریخ است که در آیات قرآن بیان شده است.

بر اساس گفته های مفسران شیعه که ریشه در روایات اهل بیت علیهم السلام دارد جامعه موعود قرآن در آینده به رهبری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.

برخی از مفسران اهل سنت کوشیده اند آیات مربوطه را به خلافت خلفای سه گانه یا چهارگانه تطبیق دهند که با واقعیات تاریخی و مفاهیم و مقاصد آیات تطبیق ندارد.

نمونه هایی از حکومت فراگیر صالحان در امت های پیشین (بنی اسرائیل) تحقق یافته است که الگویی از جامعه موعود صالحان در پایان تاریخ است تا تصور ثوری بودن دکتربین «جامعه موعود» قرآن نفی شده و امکان وقوعی آن ثابت شود؛ حکومت فراگیر داود علیه السلام نمونه ای از این حکومت هاست. همچنین از واژه «ارض» به دست آمد که جامعه ویژه صالحان در سراسر پهنه گیتی فراگیر خواهد بود.

بخش دوم: نقد نظریه های معاصر غربی از نگاه قرآن

اشاره

فصل یکم: نقد نظریه های معاصر غربی با نگاه به آیات قرآن

مقدمه

رنه دکارت را به عنوان نخستین فیلسوف مدرنیته معرفی می کنند و در واقع اولین بشارت دهنده آن، هر چند نقش بزرگ اما نوئل کانت (۱۷۲۴_۱۸۰۴م) در تأسیس مدرنیته غیر قابل انکار است. هگل و مارکس و پوپر و دیگر فیلسوفان غرب در امتداد فیلسوفان مدرن تلقی جدیدی درباره انسان، جهان، مبدأ و خالق هستی و دین به وجود آوردند. در همین راستا تحولات مختلف و چند وجهی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی در گستره طبیعت، سبب طرح مباحثی چون آخرالزمان، پایان تاریخ، آینده جهان، حکومت جهانی و جهان آینده شد. «آینده» کلید واژه، مفهوم و انگاره ای است که اندیشه و تأمل درباره آن، برای همگان جالب و پرجاذبه است. این واقعیت پرسش های فراوانی فراروی ملت ها و دولت ها گشود و آنان را وادار به برنامه ریزی و سیاست گذاری در عرصه های

مختلف و در یک سخن کوتاه آمادگی در برابر خطرات احتمالی یا استقبال از بشارت های آن کرد. جهان غرب به ویژه از دهه های پایانی قرن بیستم توجه خاصی به موضوع پایان تاریخ نشان داده است. به گونه ای که سبب راه یافتن این موضوع به ادبیات، خلق ادبیات مخصوص این مباحث در سینمای غرب، توسعه شبکه های رادیویی و تلویزیونی با هدف گفت و گو از پایان تاریخ، گسترش فعالیت های تبلیغی، تأسیس کرسی های آزاداندیشی، واحدهای درسی دانشگاهی و ایده پردازی توسط اندیشمندان غربی شد. دیدگاه های زیادی از سوی نظریه پردازان غربی طرح شده است که بعضی از این دیدگاه ها از آن جمله دیدگاه های فوکویاما، هانتینگتون، مک لوهان و تافلر بیش از همه شهرت جهانی یافته است. نوشتار حاضر این دیدگاه ها را از نگاه آیات قرآن مورد ارزیابی و نقد قرار خواهد داد. یادآور می شود؛ دیدگاه های مزبور افزون بر نقد و رد از سوی اندیشمندان جهان اسلام، از سوی اندیشمندان غربی نیز نقادی شده است. از این رو نوشتار حاضر با رویکردی تطبیقی به نقد و بررسی این نظریه ها می پردازد و به دنبال رد تفصیلی آن ها نیست؛ زیرا نوشتارهای مستقل در این خصوص ما را از این کار بی نیاز کرده است.

۱. فرضیه پایان تاریخ

اشاره

فرضیه پایان تاریخ از جمله تراژدی های تلخ تاریخی است که باید در جهان امروز آن را جدی گرفت. روشن است این عنوان به معنای نفی استمرار رویدادهای تاریخی نیست، بلکه دوره ای از مراحل تاریخ است که

در عصر حاضر (مدرنیسم) به لحاظ ویژگی های آن به گفتمان غالب محافل علمی، رسانه ای، فرهنگی و حتی نظامی غرب تبدیل شده است. فلسفه مدرن، تلقی جدیدی درباره انسان، جهان، مبدأ، و خالق هستی و دین به وجود آورد که تا پیش از آن، به دلیل غلبه بینش دینی سابقه نداشت. در این تلقی، بشر دایر مدار عالم و قانون گزار خود شناخته شد و مقصد و مقصود تعریف شده برای او، رسیدن به بهشت زمینی و مدینه ای که تنها علم (به ویژه علوم تجربی) بر آن حکم می راند شد.

«پایان تاریخ» از چشم انداز تاریخی، سیاسی و فلسفی جای بسی تأمل و بررسی است. «پایان تاریخ» و فرضیه تناهی پیشرفت به سوء تفاهم هایی جدیدتر منجر شده است. هگل غایت پیشرفت را در حکومت پروسی می دید. بدین معنا که سیر تاریخ را به جای آن که به آینده فراتابد، در حال پایان داد. هگل فرایند تکامل گذشته را شناخت، اما به نحوی عجیب منکر آن در آینده شد.

«فوکویاما» نظریه پرداز امریکایی نیز این نظریه را مطرح می کند که با شکست کمونیسم تاریخ جهان به هدف و پایان خود رسیده است و دموکراسی لیبرال به عنوان تنها سیستم سیاسی ابقا شده است. «او در تحلیل و اثبات نظریه خود می افزاید. آن چه ما شاهد آن هستیم نه فقط پایان جنگ سرد، بلکه پایان تاریخ است، نقطه پایان تحول ایدئولوژیکی بشریت و جهانی شدن دموکراسی غربی به عنوان شکل نهایی حکومت، میل دستیابی به جامعه مصرفی در دراز مدت به لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی منجر گردیده و تصور می شود سیستم غربی به طور پایان ناپذیری

قابل گسترش است». وی در پایان پیش بینی می نماید: «سده های ملالت باری چشم به راه آدمی است، پایان تاریخ دوره بسیار اندوه باری خواهد بود. پیکار برای اکتشاف، آمادگی برای به خطر افکندن زندگی در راه یک آرمان کاملاً انتزاعی و مجرد، نبرد ایدئولوژیک جهانی که مستلزم بی باکی و شهامت و قدرت تخیل است، همه این ارزش ها جای خود را به حسابگری اقتصادی، جست و جوی بی پایان راه حل های تکنیکی، نگرانی های مربوط به محیط زیست و ارضاء توقعات مصرفی پیچیده خواهند سپرد. در عصر مابعد تاریخی که نه از فلسفه خبری خواهد بود نه از هنر، فقط مسئله حفظ و نگاهداشت دائمی حوزه تاریخ بشریت در میان خواهد بود».^(۱)

هانتینگتون دیگر نظریه پرداز غربی معتقد است که پس از پایان جنگ سرد، فرهنگ و هویت مذهبی و به دیگر سخن تمدن موجب تقسیم بندی ها و سرچشمه درگیری ها خواهد شد که عمده ترین تمدن ها را تمدن اسلامی، تمدن غرب، تمدن کنفوسیوسی، تمدن هندویی تقسیم کرده؛ سایر تمدن ها همچون تمدن ارتدوکس ها، امریکای لاتین، آفریقا و... را تمدن های کوچک می نامد.

خلاصه این که از دید وی کانون اصلی درگیری ها در آینده، بین تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود. در واقع درگیری های تمدنی آخرین مرحله تکامل درگیری در جهان نو است. در واقع هانتینگتون بی آن که همچون برخی از تحلیل گران، پایان جنگ سرد را

۱- مقالات «آلن دوبنوا» «بازگشت تاریخ: شامگاه بلوک بندی ها و پگاه ملت ها»، ش ۴۹-۵۰، ص ۱۴-۲۰، اطلاعات سیاسی - اقتصادی.

ختم مناقشات ایدئولوژیک تلقی کند، آن را سرآغاز دوران جدید «برخورد تمدن‌ها» می‌انگارد.

تافلر که به عنوان یکی از پیشگامان جهانی تغییر و تحول شناخته می‌شود؛ بر این نکته اصرار می‌کند که هیچ کس به درستی نمی‌تواند بگوید که در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد. کار ویژه تافلر ارائه مفهومی از اثرات تغییر است. این امر ریشه در دانایی، فن آوری، هنر توانایی برخورد با نتایجی است که زمانی حاصل می‌شوند که تغییرات پیچیده تکنولوژیکی و اجتماعی بر نگرش‌ها و منافع گسترده تأثیر می‌گذارند. (۱)

همچنین دانشمندان دیگری از زاویه‌های متفاوت به فرضیه پایان تاریخ نگاه کرده، حسب تصورات و برداشت‌های خود، طرحی ارائه داده‌اند. نکته‌ای که وجه مشترک این دیدگاه‌هاست نه پایانی امیدبخش که پایانی ناگوار و ناگزیر از پذیرش سرنوشت محتوم است.

مک لوهان با بزرگ‌نمایی نقش رسانه‌ها و ارتباطات، آن را موجب پیوند و ارتباط میان ملت‌ها دانسته که جهان را به عنوان دهکده کوچک در خواهد آورد و زمینه یکپارچگی حکومت، آن هم از نوع دموکراسی به عنوان کدخدای این ده را فراهم خواهد کرد.

او بر ادعای خود در پیش‌بینی آینده جهان و سیطره نهایی

لیبرالیسم می‌گوید:

انقلاب در عملیات یا اطلاعات سبب شده که افراد کره زمین به راحتی به یکدیگر دسترسی داشته باشند، دسترسی که به مراتب

آسان تر از ارتباط افراد یک دهکده در اوائل قرن بیستم است، لذا به طور طبیعی مرزها در نور دیده شده، و فرهنگ ها یک کاسه گشته، و عناصر کلیدی ساختار اجتماعی (اقتصاد، سیاست، فرهنگ و...) همه به سوی یکسان شدن می رود. و این امر طبیعتاً اقتضای تشکیل یک حکومت جهانی واحد را دارد. این حکومت به راحتی و با همان اندیشه که در هر کشور محدود، حکومت های موجود پیدا شده اند، ظاهر می گردد، یعنی فرهنگ و ساختار اجتماعی آن (دهکده جهانی) حکومت خود را معین می کند. و از سوی دیگر با توجه به سرچشمه این انقلاب، یعنی تحول در عملیات یا اطلاعات، که غرب است، تفکر لیبرالیسم بیش از هر فکر دیگر فرصت بسط و عرضه پیدا کرده است. اگر واقع بینانه نگاه کنیم باید منتظر باشیم که فرهنگ ها و تفکرات مختلف سیاسی به نحو طبیعی در داخل فرهنگی غالب حل شوند، و آن فرهنگ غالب همان دموکراسی لیبرال است. (۱)

کوتاه سخن آن که از نگاه اینان تاریخ به پایان رسیده و آخرین مرحله رشد و شکوفایی برای بشر رقم خورده است. نکته ای که وجه مشترک این دیدگاه هاست نه پایانی امیدبخش که پایانی ناگوار و ناگزیر از پذیرش سرنوشت محتوم است؛ زیرا از دیدگاه این نظریه پردازان حذف و نابودی یا پذیرش لیبرال دموکراسی، تنها گزینه های پیش روی بشر امروز و نتیجه محتوم سلطه لیبرال دموکراسی است.

پایان تاریخ و آخرین انسان

این عنوان، موضوع نوشتاری است که فوکویاما (۲) ابتدا به صورت مقاله

۱- کاوش های نظری در سیاست خارجی، ص ۲۷۱-۲۷۹.

۲- یوشی هیرو فرانسیس فوکویاما در ۲۷ اکتبر ۱۹۵۲م. در هاید پارک در جوار شیکاگو زاده شد. پدرش، یوشیو فوکویاما، نسل دوم امریکایی ژاپنی تبار بود که دکترای جامعه شناسی از دانشگاه شیکاگو داشت و به عنوان کشیش کلیسای پروتستان خدمت می کرد. مادرش، توشیکو کاواتا فوکویاما که در شهر کیوتو ژاپن متولد شد. فوکویاما دوران کودکی خود را در شهر نیویورک گذراند. در سال ۱۹۶۷م. همراه با خانواده، به ایالت شیکاگو کوچ کرد و در آن جا دوره دبیرستان را به پایان رساند. مدرک لیسانس خود را در رشته هنر از دانشگاه کرنل به دست آورد و سپس در رشته فلسفه سیاسی ادامه تحصیل داد و به درجه دکترا از دانشگاه هاروارد نایل آمد. در حال حاضر، فوکویاما استاد و رئیس گروه توسعه اقتصادی بین المللی دانشگاه جانز هاپکینز در شهر واشنگتن دی سی است. وی همچنین دارای سابقه کار در اداره امنیت امریکا و نیز تحلیل گر نظامی در شرکت «رند» (rand) از شرکت های وابسته به پنتاگون است. وی پس از نگارش مقاله پایان تاریخ در ۱۹۸۹م ۱۳۶۸/ش که در ۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰ش. با تفصیل بیشتر و با نام «پایان تاریخ و واپسین انسان به صورت کتاب در آمد، به شهرت جهانی رسید. به اعتقاد وی لیبرال دموکراسی شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است. تاریخ بشریت نیز مجموعه ای منسجم و جهت دار است که بخش اعظمی از جامعه بشری را به سوی لیبرال دموکراسی سوق می دهد (دانشنامه آریانا: فرانسیس فوکویاما؛ سایت ویکی پدیا فرانسیس فوکویاما؛ سایت مفید نیوز، فرانسیس فوکویاما کیست؟)

سپس به صورت کتاب به رشته تحریر در آورد. مضمون اصلی اندیشه «فوکویاما» را شاید بتوان در این عقیده یا ادعا خلاصه کرد که «دموکراسی لیبرال» (۱) شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است.

پیش از همه بهتر است بدانیم چرا وی «دموکراسی لیبرال» را پایان تاریخ می داند و منظور او از این سخن چیست. فوکویاما می نویسد:

این سؤال که آیا چیزی چون تاریخ عمومی (جهانی) بشریت، که

۱- دموکراسی به فرصت شهروندان کشور برای مشارکت آزادانه در تصمیم های سیاسی و حکومت به وسیله مردم اشاره می کند؛ و لیبرال به معنای آزادی است و لیبرالیسم تقریباً در تمامی عرصه ها و در تمامی گونه های آن بر افزایش آزادی فردی در جامعه تا حد مقدور و میسور تأکید دارد. بی شک دموکراسی های جدید عمدتاً در دامان لیبرالیسم شکل گرفته و بالیده اند. (فرهنگ واژه ها، ص ۲۷۰، ۴۵۱-۴۵۲، ۴۶۴)

در برگیرنده همه زمان ها و تمامی ملت هاست، وجود دارد یا نه پرسش جدیدی نیست، بلکه بسیار قدیمی است. اما وقایع اخیر ما را وامی دارد که دوباره این سؤال را طرح کنیم. از همان ابتدا در جدی ترین و منظم ترین کوشش ها برای نوشتن «تاریخ های عمومی»، گسترش آزادی به عنوان موتور اصلی تاریخ تلقی شده است. تاریخ عبارت از یک سلسله رویدادهای کور نیست، بلکه یک کل معنا دار است که در آن اندیشه های انسانی در مورد ماهیت نظم سیاسی و اجتماعی توسعه می یابد و شکوفا می شود. اگر ما در حال حاضر به جایی رسیده ایم که نمی توانیم دنیایی ذاتا متفاوت از جهان کنونی را تصور کنیم، بطوری که هیچ شاخصی امکان بهبود بنیادی نظم جاری را نشان نمی دهد، در این صورت باید این امکان را در نظر بگیریم که خود تاریخ ممکن است به پایان خود رسیده باشد. (۱)

نویسنده کتاب، همانند هگل و مارکس، معتقد است تحول جوامع انسانی بی پایان نیست، بلکه این تحول بالأخره پایان می پذیرد؛ پایان تاریخ زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن عمیق ترین و اساسی ترین نیازهای بشری برآورده شود. برای هگل دولت لیبرال، و برای مارکس جامعه کمونیستی پایان تاریخ بود. «فوکویاما» به دنبال هگل و همانند وی «دموکراسی لیبرال» را شکل نهایی جوامع بشری و پایان تاریخ تلقی می کند، اما بر این نکته انگشت می گذارد که این سخن به آن معنا نیست که سیر طبیعی زاد و ولد و مرگ و میر متوقف خواهد شد یا

۱- مقدمه چاپ فرانسوی «پایان تاریخ و آخرین انسان»، ص ۷۷ (به نقل از ماه نامه اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، سال ۱۳۷۱، ش ۶۳-۶۴، ص ۲۲-۲۸).

دیگر وقایع مهمی اتفاق نخواهد افتاد، بلکه منظور این است که احتمالاً دیگر تحول مهمی در نهادهای اساسی و اصول جاری پدیدار نخواهد شد. (۱)

فوکویاما می گوید:

تجربیات تلخ قربانیان خشونت های سیاسی، از نازیسم

(اصول عقاید حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان که از

نظر اقتصادی مبتنی بر کنترل و نظارت دولت در کلیه فعالیت های اقتصادی _ بدون از میان بردن مالکیت و نقش بخش خصوصی _ و از نظر سیاسی ناسیونالیسم افراطی مبتنی بر اعتقاد به برتری نژادی قوم آریایی است که هیتلر آلمانی ها را اعقاب این قوم می دانست.) و استالینیسیم (به نحوه اجرای تئوری های مارکسیسم و لنینیسم و همچنین به شیوه حکومت او یا زورمداری و حاکمیت مطلق دولت و حزب کمونیست بر مقدرات جوامع کمونیستی اطلاق می شود.) (۲) گرفته تا جنایات «پول پوت» (پل پوت (۱۹۹۸-۱۹۲۵) سیاست مدار کامبوجی، که جنبش خمر سرخ به رهبری او از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ بر کامبوج حکم راند. پول پوت که یک مائوئیست بود در سال ۱۹۷۵ با یک کودتا علیه سینگهام پادشاه این کشور قدرت را به دست گرفت و در مدت چهار سال حکومت خمرهای سرخ دو میلیون نفر از جمعیت هشت میلیون نفری کامبوج را در کشتارهای مرگ در گودال هایی که در زمین حفر کرده بودند، به رگبار بسته و سپس همان جا به خاک می سپاردند. سرنگونی خمرهای سرخ در سال ۱۹۷۹ با حمله ارتش ویتنام انجام

۱- مقدمه چاپ فرانسوی «پایان تاریخ و آخرین انسان»، ص ۷۷ (به نقل از ماه نامه اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، سال ۱۳۷۱، ش ۶۳-۶۴، ص ۱۲).

۲- فرهنگ جامع سیاسی، ص ۱۴۸، ۸۷۲.

گرفت.)، (۱) هر اندیشه ای را در مورد پیشرفت تاریخی نفی می کند. ما آن چنان در انتظار خبرهای فاجعه بار به سر می بریم که گاه خبرهای خوبی را هم که می رسد نمی توانیم بازشناسیم. در واقع خبر خوب رسیده است: «برجسته ترین تحول ربع پایانی قرن بیستم، آشکار شدن ضعف ذاتی و بزرگ دیکتاتوری های جهانی به ظاهر قوی خواهد بود، خواه از نوع راست نظامی و آمرانه باشد یا چپ کمونیست و توتالیترا (وصف رژیم هایی تمامیت خواه است که خود را برای دست یازی و دخالت در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی انسان ها، مجاز و محقق می دانند). (۲)

طی دو دهه اخیر، بسیاری از این نوع حکومت های نیرومند در سراسر جهان، از امریکای لاتین گرفته تا اروپای شرقی و از اتحاد شوروی گرفته تا خاورمیانه و آسیا، از هم پاشیده اند. گرچه همه به دموکراسی های لیبرال باثبات راه نبرده اند، اما به هر حال دموکراسی لیبرال تنها آرمان سیاسی منسجمی است که مناطق و فرهنگ های متفاوت در سراسر دنیا را به هم پیوند می دهد. به علاوه اصول اقتصادی لیبرالیسم - «بازار آزاد» - گسترش یافته و نتایج بی سابقه ای در زمینه رونق مادی جوامع، چه در کشورهای صنعتی توسعه یافته و چه در کشورهای بی که در پایان جنگ دوم جهانی جزئی از دنیای سوم فقیر بودند، به بار آورده است. یک انقلاب لیبرال در اندیشه اقتصادی، همیشه همراه با تحول به سوی آزادی سیاسی در سراسر دنیا بوده است، البته بعضاً با ترتیب متفاوت و تقدم و تأخر. (۳)

۱- ویکی پدیا، «پول پوت».

۲- فرهنگ واژه ها، ص ۲۲۹.

۳- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۱۳-۱۴.

از دیدگاه وی علی رغم راه های متفاوتی که همگی به «پایان تاریخ» منتهی می گردد، غیر از مدل «سرمایه داری دموکرات لیبرال»، کمتر نسخه ای از تجدد وجود دارد که ظاهر موفقی داشته باشد. کشورهایی که در راه مدرنیزاسیون (مدرنیزاسیون یا متجدد سازی فرایندی است که بر اساس آن، جوامع سنتی به سوی همه یا برخی از شاخص های جوامع مدرن، مانند پیشرفت علمی، رشد اقتصادی، توسعه سیاسی و اجتماعی، و تحولات فکری و فرهنگی حرکت می کنند) (۱) هستند، از اسپانیا و پرتغال گرفته تا تایوان و کره جنوبی و نیز شوروی و چین، همگی در این جهت گام برمی دارند. (۲)

فوکویاما بلافاصله اضافه می کند: «با این حال، نظریه مدرنیزاسیون همانند تمامی نظریه های اقتصادی تاریخ، تئوری کاملاً رضایت بخشی نیست.» (۳) او معتقد است که تفسیر اقتصادی مارکس از تاریخ و تمامی علوم اجتماعی جدید که بر مبنای آن درست شده اند، توضیح کاملی از تاریخ جهانی و به خصوص گسست های آن به دست نمی دهد. او درک هگل از تحول تاریخ جهانی را بسیار عمیق تر از درک مارکس یا سایر متخصصان علوم اجتماعی معاصر می داند.

برای هگل اولین موتور تاریخ انسانی فیزیک مدرن و یا افق دائماً در حال گسترش تحت سیطره آن نیست، بلکه انگیزه ای کاملاً غیر اقتصادی یعنی «مبارزه برای ارج شناسی» [شناخته شدن ارج شخص از جانب

- ۱- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۵۱۲.
- ۲- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۱۶۳.
- ۳- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۱۶۳.

دیگری است. تاریخ جهانی هگل، مکانیسمی را که ما ارائه دادیم کامل می کند و درک گسترده تری از انسان_ انسان در منزلت انسان_ به دست می دهد، و ما را قادر می سازد که گسست ها، جنگ ها و هجوم ناگهانی خردستیزی را در آرامش توسعه اقتصادی، که خصلت جریان واقعی تاریخ انسانی است، درک کنیم. (۱)

اندیشه دوران جدید بر مبنای تفکر درباره ماهیت انسان، یعنی تعینات درونی و ماهوی انسان، به وجود آمد. اندیشمندان مدرن سعی می کردند، برای درک ماهیت انسانی، وضعی را تصور کنند که در آن انسان فارغ از هرگونه قید و بند و تعلقات باشد. فوکویاما می نویسد:

تئورسین های قدیمی تجدد، نویسندگان قبل از هگل، ماهیت انسانی را نزد اولین انسان یعنی انسان در وضع طبیعی جست و جو می کردند. هابز، لاک و روسو هیچ گاه مدعی این نبودند که وضع طبیعی یک توضیح تجربی یا تاریخی انسان اولیه است بلکه آن را نوعی تجربه مفهومی تلقی می کردند تا از طریق آن جنبه های قراردادی انسان ها را کنار زنند و به خصوصیات مشترک تمامی انسان ها به عنوان انسان دست یابند. (۲)

این متفکران در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که انسان اساساً برای حفظ جان خود کار و تلاش می کند و در این راه از عقل خود بهره می گیرد. آن ها تشکیل جوامع و نهادهای انسانی را با این پیش فرض ها توضیح می دادند.

۱- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۱۷۵-۱۷۶.

از دیدگاه فوکویاما، هگل نیز به نوعی اولین انسان معتقد است نقاط مشترک زیادی با حیوانات دارد از جمله غریزه حفظ حیات. اما تفاوت اساسی این اولین انسان از حیوانات در این است که او نه تنها به اشیاء واقعی میل دارد، بلکه به چیزهایی هم که کاملاً غیر مادی هستند میل دارد. بالاتر از همه، او به میل دیگران میل دارد یعنی مایل است دیگران ارزش او را باز شناسند. از نظر هگل یک فرد زمانی آگاهی به خود پیدا می کند یعنی زمانی به هویت انسانی خود پی می برد که ارزش او از سوی دیگران شناخته شود. به عبارت دیگر از همان ابتدا انسان یک موجود اجتماعی است. بعضی از حیوانات نیز دارای زندگی اجتماعی هستند، اما رفتار اجتماعی آن ها غریزی است و ناظر به اصل ارج شناسی نیست. طبق نظر کوژو تنها انسان است که می تواند یک شیء کاملاً بی فایده از لحاظ بیولوژیک را طلب کند، اشیایی مانند مدال یا پرچم دشمن. (۱)

ویژگی دیگر «اولین انسان» هگل که بسیار اساسی است این است که انسان نه تنها می خواهد دیگران ارج او را بشناسند، بلکه می خواهد به عنوان انسان باز شناخته شود. آن چه هویت انسانی را به این عنوان تشکیل می دهد _ اساسی ترین و خاص ترین خصالت انسان _ عبارت است از توانایی وی برای به خطر انداختن زندگی خود. بدین ترتیب است که ملاقات «اولین انسان» با سایر انسان ها طبیعتاً مبارزه خشنی را به دنبال می آورد که در آن هر مبارزی با به خطر انداختن زندگی خود، خواهان شناخته شدن ارج خود از سوی دیگران است. انسان حیوانی است

اجتماعی، اما اجتماعی بودن وی منجر به جامعه مدنی صلح آمیز نمی شود بلکه منتهی به مبارزه تا حد مرگ می گردد؛ مبارزه ای که هدف آن صرفاً کسب «پرستیژ» و شناخته شدن ارج شخص از سوی دیگری است. این مبارزه خونین می تواند سه نتیجه داشته باشد: ممکن است هر دو مبارز کشته شوند که در این صورت زندگی انسانی به پایان می رسد. در حالت دوم ممکن است یکی از طرفین کشته شود، بنابراین خاطر مبارزی که زنده می ماند آسوده و ارضا نمی شود؛ چرا که دیگر کسی نیست که ارج او را بشناسد. بالأخره مبارزه ممکن است به رابطه خدایگان و بنده منجر شود یعنی یکی از طرفین به جای آن که جان خود را به خطر اندازد تصمیم می گیرد به زندگی بنده وار گردن نهد. در این حال خاطر خدایگان ارضا می شود؛ چرا که او زندگی خود را به خطر انداخته و بدین وسیله انسان دیگری را واداشته است که ارج او را باز شناسد. بدین ترتیب ملاقات ابتدایی «اولین انسان ها»ی وضع طبیعی هگل، همان اندازه خشن است که وضع طبیعی «هابز» یا وضع جنگ «لاک»؛ اما نتیجه آن قرارداد اجتماعی یا هر شکل دیگری از جامعه مدنی صلح آمیز نیست بلکه ایجاد رابطه «خدایگان و بنده» است یعنی رابطه ای به اعلی درجه نابرابر. (۱)

«فوکویاما» تأکید می کند که وقتی سطح زندگی مادی و فرهنگ انسان ها بالا می رود غرور تیموتیک بیش از پیش تشدید می شود.

زمانی که انسان ها ثروتمندتر، تحصیل کرده تر و دارای روحیه ای بازتر نسبت به دنیا می شوند، دیگر خواهان ثروت بیشتر نیستند بلکه می خواهند

منزلت آن‌ها باز شناخته شود. این انگیزه کاملاً غیر اقتصادی و غیر مادی است که توضیح می‌دهد چرا مردم اسپانیا، پرتغال، کره جنوبی، تایوان و حتی چین، خواست‌شان تنها اقتصاد بازار نیست بلکه در کنار آن حکومت‌های آزاد و دموکراتیک، می‌خواهند. (۱)

نویسنده تأکید می‌کند که مبارزه برای «ارج‌شناسی» قبل از این که منتهی به بازشناسی عمومی و عقلایی (دموکراسی) شود ممکن است اشکال گوناگون غیرعقلایی به خود بگیرد. این گذار هیچ‌گاه به آسانی صورت نمی‌گیرد و بعضاً اتفاق می‌افتد که شکل عقلایی «ارج‌شناسی» با اشکال غیرعقلایی آن هم زیستی می‌کند. از نظر وی اشکال غیرعقلایی «تیموس» (واژه‌ای یونانی است که افلاطون آن را برای توصیف بخش سوم وجود انسان - غیر از «میل» و «عقل» - به کار می‌برد که همان گرایش به «ارج‌شناسی نفس» است.) مانند ناسیونالیسم، احساس غرور در کار و غیره رفتار اقتصادی را به انحاء مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهند و از این طریق موجبات ثروت یا فقر ملت‌ها را فراهم می‌آورند «ادامه یافتن این تفاوت‌ها را می‌توان نشانه این امر دانست که زندگی بین‌المللی دیگر نه به صورت رقابت بین ایدئولوژی‌های رقیب، بلکه به صورت رقابت بین فرهنگ‌های مختلف قابل تصور خواهد بود، چرا که اکثر کشورهایی که اقتصادی پر رونق دارند سازمان اجتماعی مشابهی خواهند داشت. (۲)

فوکویاما رقابت‌های شدید در زمینه‌های گوناگون، از رقابت‌های علمی و

۱- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۲۴۰.

۲- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۲۶۹.

تحقیقی گرفته تا فعالیت های هنری و ورزشی و سیاسی در دموکراسی های لیبرال را عرصهٔ بروز صلح آمیز «مگالوتیمیا» (ارج شناسی نابرابر) می داند. جنبهٔ دیگری از چشم پوشی از منافع حقیر و مادی انسان بورژوا و ارضاء میل به «ارج شناسی» در جوامع لیبرال مدرن، مشارکت در زندگی اجتماعی است. این دسته از فعالیت ها که هدف های غیر شخصی را دنبال می کند از طریق «نهادهای واسطه ای» و انجمن های داوطلبانه متفاوت مانند احزاب سیاسی، سندیکاها، انجمن های شهری و محلی، سازمان های صنفی، انجمن های مذهبی، ادبی و هنری و غیره صورت می گیرد. علی رغم خوش بینی فوکویاما در مورد «رام کردن» مگالوتیمیا در مورد دموکراسی های لیبرال، او نسبت به آیندهٔ دراز مدت این جوامع تردیدهای جدی دارد: «افول زندگی اجتماعی این اندیشه را القاء می کند که در آینده ممکن است ما تبدیل به «آخرین انسان ها» بشویم که تنها به آسایش خود فکر می کنند و از هر گونه میل «تیموتیک» برای هدف های متعالی

محروم شده اند؛ چرا که سخت در جست و جوی رفاه شخصی هستند.

اما خطر دیگری نیز وجود دارد: ممکن است تبدیل به «اولین انسان ها»

نیز بشویم؛ یعنی انسان هایی که درگیر جنگی خونین و بی حاصل،

اما با سلاح های مدرن هستند. در واقع این دو مسئله به هم مربوط است؛ چرا که فقدان میدان عمل منظم و سازنده برای «مگالوتیمیا»، به سادگی می تواند به ظهور مجدد ولی دیر هنگام آن به صورت افراطی یا بیمارگونه منجر شود. (۱)

نقد فرضیه پایان تاریخ

نقد نظری

نظریه فوکویاما هم از حیث نظری و محتوا قابل نقد و ارزیابی است و هم از منظر تجربی و تاریخی.

دیدگاه «پایان تاریخ» نه تنها از سوی اندیشمندان ایرانی _ اسلامی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته، بلکه برخی از دانش وران غربی نیز به شدت بر این دیدگاه تاخته و بر سستی آن تأکید داشته اند. آلن دوبنوا از زمره این اندیشمندان است که در نقد این دیدگاه می گوید:

نظریه فوکویاما در زمره نوشته هایی است درباره پایان ایدئولوژی ها _ نظریه ای که سی سال پیش از سوی دانیل بل (Daniel Bell) ارائه گردید _ و به طور قابل ملاحظه ای بازمی گردد به آن چه که باید آن را بنیاد ایدئولوژی امریکایی دانست، باور به این که ایالات متحده در سیاست، رمز و راز خوشبختی را کشف کرده است، باور به این که این فرمول سیاسی، قابل تعمیم به سرتاسر کره زمین است، و بالأخره باور به این که تاریخ، یک حالت موقتی و گذرا در حیات بشر است (این اندیشه در جهان بینی مارکس نیز وجود دارد). در این برداشت و طرز استدلال، ما با نوعی داروینیسیم اجتماعی روبه رو می شویم که بر اساس آن بهترین ها هستند که پیروز می شوند و چون امریکایی ها پیروز شده اند، پس بهترین ها هستند. در این راستا می توان گفت اگر لیبرالیسم در پایان تحول ایدئولوژیک بشریت پیروز شده، به خاطر آن است که بهترین بوده است. حجت و برهان بر پایه موفقیت، نشانه اندیشه

سوداگرانه است. (۱)

فوکویاما برای اثبات نظریه خود دو دسته دلیل می آورد دسته نخست جنبه اقتصادی دارد و دسته دوم مربوط به انسان شناسی هگل یا تفسیری از انسان شناسی هگل است که «مبارزه برای ارج شناسی» نام گرفته است.

نقد ادله فوکویاما

ایشان در قسمت نخست می گوید:

اصول اقتصادی لیبرالیسم - «بازار آزاد» - گسترش یافته و نتایج بی سابقه ای در زمینه رونق مادی جوامع، چه در کشورهای صنعتی توسعه یافته و چه در کشورهایی که در پایان جنگ دوم جهانی جزئی از دنیای سوم فقیر بودند، به بار آورده است. یک انقلاب لیبرال در اندیشه اقتصادی، همیشه همراه با تحول به سوی آزادی سیاسی در سراسر دنیا بوده است، البته بعضاً با ترتیب متفاوت و تأخر. (۲)

روشن است پیشرفت های مادی و رونق اقتصادی در گستره حکومت های لیبرال قابل انکار نیست. اما اثبات برتری اندیشه ای با تکیه بر امور مادی و اقتصادی نشان ضعف آن و حاکی از محدودیت افق دید صاحبان آن اندیشه و غفلت شان از حقایق و واقعیت های دیگری است که بارها در تاریخ بشریت تجربه شده است. آموزه های آسمانی قرآن سستی چنین اندیشه ای را این گونه توصیف می کند:

۱- آلن دوبنوا، «بازگشت تاریخ: شامگاه بلوک بندی ها و پگاه ملت ها»، ترجمه ش. رستگار، ماه نامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۷۰، ش ۴۹-۵۰، ص ۱۵.

۲- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۱۳-۱۴.

«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ.» (سوره طه، آیه ۱۳۱)

و نیز:

«لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ.» (سوره حجر، آیه ۸۸)

خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: به آن چه از زینت های دنیا، به کفار داده ایم دل مبنده؛ زیرا این زینت ها و مظاهر دنیا برای امتحان آنان است. در برابر به روزی پروردگار که بهتر از زینت های دنیا و جاودانه تر است دل ببند. (۱)

تعبیر از زینت ها و امکانات مادی به شکوفه های دنیا نشان چشم گیر بودن از سویی و زوال پذیری آن از سوی دیگر است. (۲) یادآوری این نکته ضروری است که آیه شریفه در مقام سرزنش و نفی امکانات مادی نیست؛ بلکه درصدد نفی این اندیشه است که زینت های دنیا ملاک برتری نبوده و چه بسا برای امتحان افراد است. از دیگر سو دعوت به ارزش های جاودانه است. (۳) بنابراین پیشرفت های محیرالعقول دنیای غرب در گستره امور مادی دلیل برتری نظام لیبرال دموکراسی نبوده و به رغم این پیشرفت ها، نباید از ارزش های والای الهی که گشاینده رمز و راز خوشبختی انسان هاست غافل بود. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (سوره روم، آیه ۷). پاسخ دلیل نخست فوکویاما از این آیه

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۵۹؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۲۳۸؛ من وحی القرآن، ج ۱۵، ص ۱۷۷.

۲- الفرقان، ج ۱۹، ص ۲۲۷؛ البحر المدید، ج ۳، ص ۴۳۶.

۳- الفرقان، ج ۱۹، ص ۲۲۸.

شریفه روشن می شود که آن چه ایشان به عنوان ملاک برتری و اوج شکوفایی پنداشته است تنها ظاهر کار بوده و از واقعیت بالاتری _ جهان آخرت _ غافل شده اند. اوج شکوفایی و سعادت مندی بشر در توجه به همه ابعاد وجودی وی نهفته است. مهم ترین بعد وجود انسان روح و روان اوست که غفلت از آن خسارتی جبران ناپذیر است. این حقیقت از آیات بعدی قابل برداشت است:

«أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ *

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسِهِمْ يَظْلِمُونَ * ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوَى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ». (سوره روم، آیه ۸-۱۰)

در آیات یاد شده به اندیشیدن درباره خویشستن و آفرینش آسمان ها و زمین و سیاحت در روی زمین برای عبرت از سرنوشت پیشینیان که در حوزه های گوناگون به پیشرفت های خوبی دست یافته بودند دعوت شده است. و به گناه کاران هشدار داده است که فرجام ناشایست انکار آیات الهی نتیجه رفتار زشت آنان است. فراوانی امکانات مادی، همیشه به معنای سعادت و خوشبختی نبوده، چه بسا مایه نگون بختی فرد یا جامعه ای را در پی داشته باشد. بعضی از آیات قرآن به این مهم اشاره دارند:

«فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ». (سوره توبه، آیه

برخی از مفسران در توضیح آیه شریفه گفته اند:

زندگی، زمانی مایه سعادت، و موجب راحتی و لذت و سرور است که بر مجرای حقیقی اش جریان داشته باشد، یعنی آدمی به آثار واقعی آن که همان دانش مفید و عمل شایسته است رسیده باشد، و جز به آن چه خیر او و سودش در آن است مشغول نشود، این حیاتی است که مرگ در آن نیست، و راحتی ای است که آمیخته با تعب و رنج نمی شود، و لذتی است که تلخی و درد در آن راه ندارد، و چنین زندگی، جز در تحت ولایت خدا میسر نمی شود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (سوره یونس، آیه ۶۲). اما کسی که به دنیا مشغول شده، و شیفته زینت های دنیوی و مادی شده، آمال و آرزوهای کاذب، او را فریب داده و شیطان از خود بی خبرش کرده باشد، در تناقض های قوای بدنی و تراحم هایی که بر سر لنداید مادی درگیر می شود، قرار گرفته، و با همان چیزهایی که آن ها را مایه سعادت خود خیال می کرد به شدیدترین عذاب ها دچار می شود. (۱)

از این رو سعادت بشر تنها در سایه ولایت الهی و پذیرفتن دستورات خداوند در حوزه های فردی و اجتماعی زندگی به دست می آید.

ایشان در قسمت دوم به «مبارزه برای ارج شناسی» اشاره می کنند. وی پس از طرح دلیل نخست و بسط مباحث آن و اشاره به تفسیر اقتصادی تاریخ از سوی برخی متفکران، سرانجام درک هگل از تحول تاریخ جهانی

را بسیار عمیق تر از درک مارکس و یا سایر متخصصین علوم اجتماعی معاصر می داند:

برای هگل اولین موتور تاریخ انسانی فیزیک مدرن و یا افق دایما در حال گسترش تحت سیطره آن نیست، بلکه انگیزه ای کاملاً غیر اقتصادی یعنی «مبارزه برای ارج شناسی» [شناخته شدن ارج شخص از جانب دیگری] است. تاریخ جهانی هگل، مکانیسمی را که ما ارائه دادیم. نفی و نقض اندیشه های مارکس با استناد به مواردی از گفتار خودش و در نتیجه موفقیت جوامع سرمایه داری نسبت به جوامع کمونیستی. کامل می کند و درک گسترده تری از انسان_ انسان در منزلت انسان_ به دست می دهد، و ما را قادر می سازد که گسست ها، جنگ ها و هجوم ناگهانی خردستیزی را در آرامش توسعه اقتصادی، که خصلت جریان واقعی تاریخ انسانی است، درک کنیم. (۱)

ایشان مفهوم لیبرالیسم را از آثار فیلسوفانی مانند «هابز» و «لاک» و «هگل» گرفته ولی مفهوم هگلی لیبرالیسم را بسیار بزرگوارانه تر و شریف تر می داند. به اعتقاد وی در مفهوم هگلی، انسان، خودخواه نبوده و تنها به رفاه مادی خود نمی اندیشد؛ بلکه سرنوشت جامعه نیز برای او اهمیت دارد و از فضیلت بی بهره نیست. همچنین درک تاریخ به عنوان «مبارزه برای ارج شناسی»، نگرشی بسیار روشن گر و مفید برای فهم دنیای جدید فراهم می آورد، به خصوص این که ما اغلب عادت کرده ایم تمامی وقایع تاریخی را با دلایل صرفاً اقتصادی توضیح دهیم. (۲) فوکویاما می نویسد:

تئورسین های قدیمی تجدد، نویسندگان قبل از هگل، ماهیت انسانی را نزد اولین انسان یعنی انسان در وضع طبیعی جست و جو

۱- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۱۷۵.

می کردند. هابز، لاک و روسو هیچ گاه مدعی این نبودند که وضع طبیعی یک توضیح تجربی یا تاریخی انسان اولیه است، بلکه آن را نوعی تجربه مفهومی تلقی می کردند تا از طریق آن جنبه های قراردادی انسان ها را کنار زنند و به خصوصیات مشترک تمامی انسان ها به عنوان انسان دست یابند.

تفکر درباره ماهیت انسانی، موضوع مباحثی در فلسفه غرب و شکل گیری اندیشه جدید شد. در واقع اندیشمندان غربی با نگاه ناقص به انسان و نیازهای وی برنامه هایی را برای سعادت انسان _ به زعم خویش_ ترسیم و ارائه دادند. ایشان اولین انسان را دارای مشترکات فراوانی با حیوانات دانستند و تلاش های وی را همچون حیوانات برای حفظ حیات تفسیر کردند. اما این اولین انسان، تفاوت هایی هم با حیوانات دارد که میل به ارج شناسی وی از سوی دیگران در همین راستا تفسیر می شود. از این رو تمام تلاش های انسان در زندگی اجتماعی را کوششی برای بازشناخته شدن ارزش انسانی وی از سوی دیگران دانستند. از نظر آنان مبارزه و جنگ برای حفظ جان و شناخته شدن ارج وی از سوی دیگران نتیجه محتوم این میل است. به ناچار در این مبارزه یکی از طرفین درگیری برای حفظ جان خویش به بندگی گردن نهاده و تسلیم خواسته طرف دیگر می شود. این رابطه را به رابطه «خدایگان و بنده» و رابطه ای به غایت نابرابر تعبیر می کنند. کوتاه سخن آن که برخلاف حکومت های دیکتاتوری که رابطه انسان ها_ براساس خدایگان و بنده_ است در لیبرال دموکراسی ارزش انسان ها بازشناخته شده و انسان از آزادی بیشتری در حوزه های فردی و اجتماعی برخوردار است.

اشاره شد در پایان فوکویامانسبت به آینده درازمدت این جوامع تردیدهای جدی دارد:

افول زندگی اجتماعی این اندیشه را القاء می کند که در آینده ممکن است ما تبدیل به «آخرین انسان ها» بشویم که تنها به آسایش خود فکر می کنند و از هرگونه میل «تیموتیک» (میل برای ارج شناسی) برای هدف های متعالی محروم شده اند، چرا که سخت در جست و جوی رفاه شخصی هستند. اما خطر دیگری نیز وجود دارد: ممکن است تبدیل به «اولین انسان ها» نیز بشویم یعنی انسان هایی که درگیر جنگی خونین و بی حاصل، اما با سلاح های مدرن، هستند. در واقع این دو مسئله به هم مربوط است چرا که فقدان میدان عمل منظم و سازنده برای «مگالوتیمیا» (ارج شناسی نابرابر)، به سادگی می تواند به ظهور مجدد ولی دیرنگام آن به صورت افراطی یا بیمار گونه منجر شود.

قرآن کریم انسان را موجودی مرکب از روح الهی و بدن مادی می داند که زمینه بی نهایت صعود یا سقوط را داراست. آیاتی به آفرینش مُلکی انسان: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ» (سوره روم، آیه ۲۰؛ سوره انعام، آیه ۲؛ سوره طه، آیه ۵۳-۵۵؛ سوره فرقان، آیه ۵۴ و...) و آیات دیگری به آفرینش ملکوتی او اشاره دارند: (۱) «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» (سوره حجر، آیه ۲۹؛ سوره ص، آیه ۷۲). خداوند پس از کامل شدن آفرینش مُلکی انسان از روح خود در وی دمید و این نشانگر الهی بودن بعد روحی انسان است که در آیه فطرت نیز به این معنا اشاره شده

است: (۱) «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره روم، آیه ۳۰).

افزون بر این، انسان موجودی است که خداوند به وی کرامت بخشیده، و او را بر بسیاری از آفریده های خود برتری داده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (سوره اسراء، آیه ۷۰). و این خود انسان است که با اختیار، یا از پایگاه مکرم خود سود جسته و مسیر کرامت را تا وصول به هدف نهایی می پیماید یا در بستر غفلت، خود را تباه ساخته، به سطح چهارپایان و پست تر از آن تنزل می یابد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (سوره اعراف، آیه ۱۷۹)؛ زیرا این انسان، مختار بوده و می تواند جانب شر یا جانب خیر را در پیش گیرد: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (سوره انسان، آیه ۳) و «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ...» (سوره کهف، آیه ۲۹). و آیات دیگری که به آفت ها و آسیب های مسیر انسان اشاره دارند. بنابراین انسانی که مفتخر به تاج کرامت الهی است به بازشناسی ارج خود از سوی دیگران نیازی احساس نمی کند تا از این رهگذر دنیا را میدانی برای مبارزه در این سو قرار دهد. برای انسان مورد نظر قرآن چیزی بالاتر از خشنودی خداوند معنا ندارد: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (سوره توبه، آیه ۷۲). (۲)

قرآن با پذیرش اصل تساوی انسان ها در انسانیت (سوره حجرات،

۱- المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

۲- المیزان، ج ۹، ص ۳۳۹.

آیه ۱۳) و اصل عدم سلطه و مالکیت فردی بر فرد دیگر (سوره آل عمران، آیه ۶۴، ۸۰) با تجویز آزادی های انسانی و نهی و نفی آزادی های حیوانی و بی قید و شرط، او را در جهت رسیدن به کمال هدایت می کند و به سرزنش کسانی می پردازد که براساس جهان بینی الحادی و انسان شناسی مادی و امانیزم (انسان مداری به جای خدامداری) با نفی خیر مشترک موجود یا قابل شناسایی و یا مهمل و رهاانگاری انسان: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (سوره قیامه، آیه ۳۶) و خلاصه کردن انسان در «من غریزی» و اندیشه جبرگرایی (سوره نحل، آیه ۳۵) و حاکمیت قدرت در روابط (سوره طه، آیه ۶۴) و منحصر دانستن زندگی به حیات دنیایی: «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا» (سوره مؤمنون، آیه ۳۷) و سلب مسئولیت آخرتی او: «بل یرید الإنسان لیفجر أمامه» (سوره قیامه، آیه ۵) و تأکید بر عدم ضرورت تربیت معنوی، آزادی را به صورت یک هدف (نه یک ارزش) رهایی مطلق و بی قید و شرط و مباح بودن همه چیز از جمله عدم پذیرش دین، یا پذیرش بردگی دیگران و... می داند و با اعتقاد به اصالت فرد و لزوم حاکمیت امیال بر عقل، در جهت کسب لذت های حیوانی بیشتر و سود مادی افزون تر می کوشند و در صورت ضرورت، حد آزادی را فقط عدم تجاوز به آزادی دیگران می دانند.

قرآن کریم، هدف از تلاش های انسان را نه برای بازشناسی ارج خویش از سوی دیگران که برای رسیدن به پروردگار می داند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (سوره انشقاق، آیه ۶) [\(۱\)](#) این مهم مقتضای

رابطه عبودیت و ربوبیت است؛ (۱) از این رو تلاش جز در این مسیر نکوهیده است. و آیات زیادی که دعوت به توحید و یگانه پرستی و نفی هر طاغوتی را سرلوحه برنامه انبیاء می دانند. برای نمونه: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَبُوا الطَّاعُونَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ» (سوره نحل، آیه ۳۶؛ سوره آل عمران، آیه ۷۹-۸۰؛ سوره انبیاء، آیه ۲۵ و...) .

کوتاه سخن آن که از نگاه قرآن انسان موحد تنها به خدا می اندیشد و جز او موجودی را فعال مایشاء نمی داند تا در برابر وی کرنش یا برای تسلیم وی برای احترام به خود با او مبارزه کند. عزت و سربلندی از آن خداست؛

«أَيَّتُّنَّوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (سوره نساء، آیه ۱۳۹؛ سوره فاطر، آیه ۱۰) و دست یافتن به آن تنها در سایه ایمان به خداوند امکان پذیر است. (۲) «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره منافقون، آیه ۸).

نقد تجربی

از نگاه تجربی و تاریخی هم، برخی از نویسندگان با استناد به شواهد و قرائن تاریخی و تجربی سستی این نظریه و لیبرال دموکراسی ایالات متحده را اثبات کرده اند. (۳)

فوکویاما معتقد و مدافع پرحرارت مدرنیته و مدرنیسم است؛ آن هم در

۱- المیزان، ج ۲۰، ص ۲۴۲.

۲- المیزان، ج ۱۹، ص ۲۸۲.

۳- رویکردهای نظری در گفتگوی تمدن ها، ص ۲۷۷.

عصری که بسیاری از متفکران جهانی مانند هایدگر، میشل فوکو، لیوتار و... عصر مدرنیته را در حال زوال و ضعف می دانند. وی موضع پسامدرن (Posmodernity) ندارد، بلکه کاملاً برعکس، پیروزی ایده ای را ادعا می کند که با ماهیتی ژئوپولیتیک (رابطه بین منابع زیرزمینی و موقعیت جغرافیایی یک کشور با وضع و موقعیت سیاسی آن است) (۱) که این جا منظور پیوند خوردن آن با منافع ایالات متحده است) پیوند خورده است. پیروزی غرب و ایده غربی، بیش از هر چیز به علت از پا افتادگی کامل بدیل های نظام یافته معتبر برای لیبرالیسم غربی، نمایان می شود. در حالی که نقطه عزیمت پسامدرنیسم لیوتاری، پایان شرح های عمومی کلیت و آزادی، روشن گری و رهایی است. فوکویاما با نقل کلیت هگلی، به شرح مجدد هگل می پردازد و بار دیگر بر روایت لیبرالیسم پای می فشارد. بحث فوکویاما متعلق به مدرنیته است و از بسیاری جهات به تکرار مجدد نظریه مدرن سازی می پردازد. مدرن سازی به منزله نظریه ای بدون آینده بود؛ زیرا فرض آن است که کشورهای پیشرفته غربی قبلاً به آن رسیده اند. (۲)

وی از درک این نکته ناتوان است که ما به هیچ وجه شاهد پایان تاریخ نیستیم، فقط ناظر پایان روایت های تاریخ گرایانه و بحران شدید ایدئولوژی پیشرفت (Progress) هستیم. برای باور پایان تاریخ باید پیشاپیش پذیرفت که تاریخ دارای جهت است. آن چه پایان می پذیرد، برداشت خطی از تاریخ است؛ تاریخی که فقط دارای جهتی منحصر به فرد باشد، نه خود تاریخ که

۱- فرهنگ جامع سیاسی، ص ۵۱۷.

۲- نک: جان نبدروین پیترز، «فوکویاما و دموکراسی لیبرال: پایان تاریخ»، ترجمه پرویز صداقت، ماه نامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۷۳، ش ۷۹-۸۰، ص ۴۷.

از نو زاده می شود آن هم به نحو چند مرکزی، جمعی و بیش از همیشه در بردارنده معانی فراوان. (۱)

چنان که پیش تر گفته شد، فوکویاما تلاش کرده است تا تفسیر کوژویی از هگل را با مبانی لیبرال دموکراسی بیامیزد و تفسیری تاریخ گرایانه از روند حرکت تاریخ و پیروزی نهایی ایدئولوژی بورژوازی جوامع صنعتی (لیبرال دموکراسی) را ارائه کند. در باب روایت هگلی وی از حرکت تاریخ

نیز نکات مهمی وجود دارد. فوکویاما گونه غریبی از هگل گرای را

ارائه می کند که نه هگل گرای راست _ که دولت گراست _ و نه هگل گرای چپ _ که مارکسیست است _ بلکه آمیزه ای جدید به عنوان هگل گرای لیبرال منظور اوست.

در تبیین دیدگاه قرآن به این نتیجه رسیدیم که تصویری که آیات مربوط به پایان تاریخ و روایات آخرالزمان به دست می دهند؛ هنوز تحقق نیافته است؛ زیرا از نگاه قرآن در پایان تاریخ جامعه ای شایسته با حضور مؤمنان صالح در گستره جغرافیایی وسیعی از زمین تشکیل خواهد شد. بسط عدالت، گسترش یکتاپرستی، امنیت و رفاه، حاکمیت دینی و... از اساسی ترین ویژگی های جامعه موعود قرآن در پایان تاریخ است. گفتیم به اعتقاد مفسران شیعه و برخی مفسران اهل سنت، این وعده الهی تاکنون به طور کامل آشکار نشده و تحقق آن تنها به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان پذیر خواهد بود. حتی مفسرانی که خطاب آیات مربوطه را عام گرفته و از محدود نبودن آن به اشخاص و دوره های تاریخی خاص سخن

۱- جان نبدروین پیترز، «فوکویاما و دموکراسی لیبرال: پایان تاریخ»، ترجمه پرویز صداقت، ماه نامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۷۳، ش ۷۹-۸۰، ص ۶-۱۵.

گفته اند؛ در نهایت حکومت مهدوی را از مصادیق کامل آن برشمرده اند. (۱) برابر این دیدگاه سخن از پایان تاریخ با استناد به پیشرفت های مادی در گستره حکومت های لیبرال و ادعای اوج شکوفایی بشریت سخنی لغو و بیهوده است. بنابراین پایان تاریخ با ظهور منجی بشریت مجال ظهور خواهد یافت و روشن است برابر محتوای آیات و روایات تاکنون منجی موعود ظاهر نشده است.

این مطلب مورد اتفاق عموم منتظران منجی از همه ادیان و مذاهب است. همچنین در رد دیدگاه مفسران اهل سنت به گونه ای مبسوط از بازه زمانی پایان تاریخ بحث کردیم و روشن شد که جامعه موعود در آیات مربوط به پایان تاریخ، هنوز مجال ظهور نیافته و در آینده به رهبری مصلح کل ایجاد خواهد شد.

۲. نظریه برخورد تمدن ها

اشاره

(۲)

ساموئل هانتینگتون (۳) از نظریه پردازان در حوزه مسائل آینده است که با

۱- المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۱-۱۵۶؛ ۵۳۰-۵۳۳؛ اطیب البیان، ج ۹، ص ۵۵۶؛ البلاغ، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲- نظریه برخورد تمدن ها.

۳- ساموئل هانتینگتون در سال ۱۹۲۷م. در شهر نیویورک و در یک خانواده مهاجر انگلیسی به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر طی کرد و مدارک لیسانس و فوق لیسانس خود را از دانشگاه های ییل و شیکاگو دریافت نمود. وی در سال ۱۹۵۱ نیز پس از دریافت مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد، به تدریس در این دانشگاه پرداخت و برای مدتی نیز به ریاست دپارتمان های مختلف آن دانشگاه برگزیده شد. هانتینگتون از سال ۱۹۸۹، ریاست مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه هاروارد را عهده دار بود. هانتینگتون مسئولیت های متعددی را بر عهده داشته است از آن جمله: دستیار تحقیقات امور دفاعی در مؤسسه مطالعاتی بروکینگز (۱۹۵۲-۱۹۵۳)؛ دستیار مؤسسه مطالعات امور جنگ و صلح در دانشگاه کلمبیای نیویورک (۱۹۵۸)؛ تحلیل گر امور دفاعی و استراتژیک در وزارت دفاع و وزارت امور خارجه (۱۹۸۵ تاکنون)؛ ریاست انجمن مطالعات علوم سیاسی امریکا (۱۹۸۶-۱۹۸۷)؛ بنیان گذار و سردبیر مجله فارین پالیسی (۱۹۷۰-۱۹۷۷) و... تحقیقات و آثار وی به طور کامل درباره مسائل امریکا، به ویژه ابعاد نظامی و استراتژیک آن، سیاست تطبیقی، امنیت ملی و روابط بین الملل است. ارائه رهنمود های استراتژیک و اجرایی به دولت مردان امریکا نیز از ویژگی های آثار اوست. نظریه معروف «برخورد تمدن ها» (فارین افرز، سال ۷۲ شماره ۳، تابستان ۱۹۹۳) وی را در زمره صاحب نظران حوزه مطالعاتی آینده پژوهی قرار داده است. وی در سال ۲۰۰۸م. در سن ۸۱ سالگی درگذشت. اساس نظریه وی بر این پایه استوار است که پس از پایان جنگ سرد، فرهنگ و هویت مذهبی و به دیگر سخن تمدن موجب تقسیم بندی ها و سرچشمه درگیری ها خواهد شد که عمده

ترین تمدن ها را تمدن اسلامی، تمدن غرب، تمدن کنفوسیوسی، تمدن هندوییی تقسیم کرده؛ سایر تمدن ها همچون تمدن ارتدوکس ها، امریکای لاتین، آفریقا و... را تمدن های کوچک می نامد. (نظریه برخورد تمدن ها).

طرح نظریه برخورد تمدن ها به شهرت جهانی دست یافت. وی پایان جنگ سرد را نه پایان مناقشات، که سرآغاز درگیری ها در آینده می داند. وی تمدن های زنده جهان را به هفت و یا هشت تمدن بزرگ تقسیم می کند: تمدن های غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدوکس، امریکای لاتین و در حاشیه نیز تمدن آفریقایی. و خطوط گسل میان تمدن های مزبور را منشأ درگیری های آتی و جایگزین واحد کهن دولت _ ملت می بیند. به اعتقاد هانتینگتون، تقابل تمدن ها، سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله تکامل درگیری های عصر نو را شکل می دهد؛ زیرا:

_ اختلاف تمدن ها اساسی است؛

_ خودآگاهی تمدنی در حال افزایش است؛

_ تجدید حیات مذهبی وسیله ای برای پر کردن خلأ هویت در حال

رشد است؛

__ رفتار منافقانه غرب موجب رشد خودآگاهی تمدنی (دیگران) گردیده است؛

__ ویژگی ها و اختلافات فرهنگی تغییر ناپذیرند؛

__ منطقه گرایی اقتصادی و نقش مشترکات فرهنگی در حال رشد است؛

__ خطوط گسل موجود بین تمدن ها امروز جایگزین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد شده است و این خطوط جرقه های ایجاد بحران و خونریزی اند.

خصوصیت هزار و چهارصد ساله اسلام و غرب در حال افزایش است و روابط میان دو تمدن اسلام و غرب آستان بروز حوادثی خونین می شود. بدین ترتیب، «پارادایم برخورد تمدنی» دیگر مسائل جهانی را تحت شعاع قرار می دهد و در عصر نو صف آرایی های تازه ای بر محور تمدن ها شکل می گیرد و سرانجام نیز تمدن های اسلامی و کنفوسیوسی در کنار هم، رویاروی تمدن غرب قرار می گیرند. خلاصه این که کانون اصلی درگیری ها در آینده، بین تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود. در واقع درگیری های تمدنی آخرین مرحله تکامل درگیری در جهان نو است.

هانتینگتون معتقد است که نظریه اش بر روش شناسی علمی تدوین نیافته، بلکه بر اساس تجربه گرایی تاریخی (Historical Empiricism) طراحی گشته است. او در کتابش شواهدی چون جنگ های صلیبی، مناقشه میان اعراب و اسرائیل، تراژدی بوسنی و هرزگوین و ضدیت غرب به

ویژه امریکا علیه انقلاب اسلامی و موارد دیگر را بیان می دارد. (۱)

نقد نظریه برخورد تمدن ها

(۲)

نظریه «برخورد تمدن ها» از بدو انتشار با واکنش های گسترده ای در محافل فکری، مذهبی، فرهنگی و سیاسی جهان روبه رو شده است. (۳) منتقدان هانتینگتون طیف وسیعی را تشکیل می دهند: دولت مردان غربی طرح این گونه مسائل را در این مقطع با لحاظ پیامدهای سیاسی آن جایز نمی بینند. برخی از اندیشمندان و روشنفکران محافل سیاسی غرب، آن را طرحی خام می پندارند و هانتینگتون را به غفلت از پاشیدگی درونی، پوچی اخلاقی و خلأ معنوی جهان غرب و در عوض، یکپارچه انگاشتن آن متهم می سازند و از او می خواهند تا برای ترمیم خانه از پای بست ویران و در خطر اضمحلال غرب چاره اندیشی کند. (۴)

۱- همان، ص ۳-۲۲؛ «ماهیت و معیارهای گفتگوی تمدنی»، مجله گفتمان، زمستان ۱۳۷۷، ش ۲، ص ۱۹۶.

۲- «پاسخ آسیا به نظریه برخورد تمدن ها»، مجموعه مقالات، ترجمه محمدصادق خرازی.

۳- رویکردهای نظری در گفتگوی تمدن ها، ص ۲۵۴-۲۵۹.

۴- جمیز کورث (James Kurth) از جمله منتقدانی است که مشخصاً از هانتینگتون به دلیل نادیده گرفتن مشکلات داخلی تمدن غرب، انتقاد کرده است. وی در مقاله مفصلی با عنوان «برخورد واقعی» (The Real Clash)، ابتدا برخورد مفاهیم در عصر جدید را بررسی کرده و سپس به انتقاد از نظریه هانتینگتون می پردازد. به اعتقاد نویسنده: «غرب آبستن مهم ترین تحولات است و برخورد واقعی نیز در درون تمدن غرب به ویژه امریکا صورت خواهد گرفت. چندگانگی فرهنگی و حرکت های فمینیستی از جمله زمینه های لازم برای بروز درگیری درون تمدنی غرب اند». نویسنده همچنین می افزاید: «برخورد واقعی بین غرب و سایرین نخواهد بود، بلکه در درون تمدن غرب ما شاهد برخورد غرب و فراغرب (West Post West) خواهیم بود. نشانه هایی از این برخورد در حال حاضر در غرب به چشم می خورد که از جمله می توان به درگیری های فکری طبقات مختلف امریکا و توسعه آن به بدنه سیاسی امریکا اشاره کرد». (نک: james kurth. "the real clash" the national interest. No. ۳۷ (fall ۱۹۹۴). به نقل از نظریه برخورد تمدن ها، ص ۲۴).

به رغم ادعای هانتینگتون، این مقاله مدافع مطلوبیت درگیری بین تمدن‌ها نیست، بلکه هدف آن طرح فرضیه‌هایی است که به تشریح چگونگی آینده می‌پردازند. (۱) همان گونه که در انتقاد منتقدان نیز مورد توجه واقع شده است؛ این گونه اظهارنظرها بر درگیری میان ملت‌ها دامن زده و آتش اختلاف‌ها را شعله‌ور می‌سازد. (۲) به بعضی از اشکالات دیدگاه هانتینگتون اشاره می‌شود:

ابهام در مفهوم تمدن

به نظر می‌رسد هانتینگتون با شتاب زدگی در طرح این دیدگاه از بعضی نکات اساسی درون متنی غفلت کرده است. وی تمدن‌ها را به هفت یا هشت تمدن تقسیم می‌کند. اما معیاری در این خصوص به دست نمی‌دهد. با کدام مبنایی به این تقسیم و حتی نام‌گذاری این‌ها به تمدن رسیده است. و با چه ملاکی تمدن غربی و نه مسیحی در کنار تمدن اسلامی؛ تمدن آفریقایی، ژاپنی و اسلاو در کنار تمدن اسلامی و ارتدوکس و کنفوسیوس و... قرار یافته‌اند. و کدام کشور و فرهنگ و مذهبی را مظهر تمدن اسلامی و رویارویی آن با تمدن غرب پنداشته است. چرا تمدن آفریقایی جنوبی، تمدنی مجزا از غرب، و تمدن ژاپن متفاوت از چین

۱- نظریه برخورد تمدن‌ها، ص ۹.

۲- ساموئل هانتینگتون، در مصاحبه با رامین جهان‌بگلو درباره نظریه برخورد تمدن‌ها، مجله گفتمان، ۱۳۷۷، ش ۲، ص ۱۰۵.

تلقى شد.

یکی از نویسندگان معاصر می نویسد: از نقاط ضعف دیگر مقاله «برخورد تمدن ها» این است که هانتینگتون تعریف علمی و مشخصی از تمدن و فرهنگ ارائه نمی دهد و بر پیوستگی وثیق این دو با یکدیگر تأکید می ورزد. به طور کلی هانتینگتون، تمدن و فرهنگ را دو مفهوم پیوسته و مستتر در یکدیگر تصور می کند. وی معتقد است که تمدن بالاترین سطح گروه بندی فرهنگی مردم و گسترده ترین هویت فرهنگی است که می توان انسان ها را با آن طبقه بندی کرد. ارائه تعریف دقیق و جامع از فرهنگ و تمدن کاری آسان نیست، اما با وجود به هم پیوستگی تمدن و فرهنگ، تفاوت های قابل تأملی نیز در میان آن ها مشاهده می شود که هانتینگتون به آن ها توجهی نکرده است. (۱)

از میان تفاوت های مختلف تمدن و فرهنگ، می توان به دو تفاوت عمده ای که اسلامی ندوشن قائل است اشاره کرد: نخست: تمدن بیشتر جنبه علمی و عینی دارد و فرهنگ بیشتر جنبه ذهنی و معنوی... دوم: تمدن بیشتر جنبه اجتماعی دارد و فرهنگ بیشتر فردی. تمدن تأمین کننده پیشرفت انسان در هیئت اجتماع است. فرهنگ گذشته از این جنبه، می تواند ناظر به تکامل فردی باشد. (۲)

بر این اساس مفهوم تمدن در نظریه یا فرضیه هانتینگتون در هاله ای از ابهام بوده و از همین رو معیاری برای تقسیم بندی به دست نمی دهد.

۱- نظریه برخورد تمدن ها، ص ۳۷-۳۸.

۲- «فرهنگ و شبه فرهنگ» به نقل از نظریه برخورد تمدن ها، ص ۳۸.

مبنای غیر علمی

پایه گذاری پژوهش بر روش علمی از وجوه تمایز تحقیقات علمی از دیگر پژوهش ها و معیاری برای سنجش اعتبار آن است.

نظریه برخورد تمدن ها، بر یک روش شناسی علمی استوار نبوده و نویسنده با مطالعه رخدادهای تاریخی به تقسیم بندی تمدن ها و برخورد این تمدن ها با یکدیگر می رسد. چنان که گذشت: «هانتیگتون معتقد است که نظریه اش بر روش شناسی علمی تدوین نیافته، بلکه براساس تجربه گرایی تاریخی طراحی گشته است. او در کتابش شواهدی چون جنگ های صلیبی، مناقشه میان اعراب و اسرائیل، تراژدی بوسنی و هرزگوین و ضدیت غرب به ویژه امریکا علیه انقلاب اسلامی و موارد دیگر را بیان می دارد.» (۱)

بنابراین پیش گویی از رخدادهای آینده با تکیه بر حوادث گذشته، محتوم به سستی و سقوط و فاقد ارزش علمی است. روبه رو شدن این دیدگاه با اقبال عمومی، نه به لحاظ مبنای علمی و غنای اندیشه در آن، بلکه به دلیل تهی بودن میدان اندیشه از نظریه ای مناسب، در دوران پس از جنگ سرد بود. از این رو رفته رفته و با مطالعه اندیشمندان آن با انتقادهای فراوانی از سوی اندیشمندان غربی و غیرغربی روبه رو شده و ضعف های آن رخ نمود. آقای منصورنژاد در کتاب خود، شماری از انتقادهای اندیشمندان غربی را فهرست کرده است. (۲)

۱- رویکردهای نظری در گفتگوی تمدن ها، ص ۲۴۲-۲۴۳.

۲- رویکردهای نظری در گفتگوی تمدن ها، ص ۲۵۴-۲۵۷.

توهم یکپارچه انگاری غرب

هانتینگتون با زیرکی سعی در یکپارچه نشان دادن دنیای غرب دارد. وی بدون توجه به اختلافات مذهبی، فرهنگی و قومیتی در غرب که به زعم ایشان باید از اروپای مرکزی و غرب آن تا امریکای شمالی را شامل شود، تمدن یکپارچه ای از غرب ارائه می دهد. یا دست کم گستره جغرافیایی تمدن غرب در گفتار ایشان با ابهام روبه روست. پروتستان ها که موجب انشقاق در کلیسای کاتولیک بودند؛ در درون نیز از هماهنگی یکسانی برخوردار نبوده و صهیونیسم مسیحی را در خود جای داده اند که بسیار دور از نظر است با گروه های میانه رو در غرب به تفاهم برسند. از این رو با دو رویکرد در دنیای غرب _ به ویژه در درون ایالات متحده _ روبه رو هستیم. نخست: رویکرد دینی یا منجی گرایی که با الهام _ درست یا نادرست _ از آموزه های کتاب مقدس منتظر پایان تاریخ و ظهور دوباره مسیح هستند. چنان که در این نوشتار اشاره شد این رویکرد برطبل جنگ کوبیده و سعی در آتش افروزی برای زمینه سازی ظهور مسیح دارد. دوم: رویکرد مادی گرایانی مانند فوکویاما، تافلر و هانتینگتون و... که با خرد بریده از وحی از پایان تاریخ و سیطره لیبرال دموکراسی خبر می دهند. هرچند صهیونیسم یهودی در بهره برداری از هر دو جریان سعی فراوان دارد.

از سوی دیگر تنوع فرهنگ ها و قومیت ها در غرب مانعی بزرگ فراروی یکپارچه گی تمدن غربی گشوده است. سرخ پوستان و سیاه پوستانی که از حقوق شهروندی درجه دو برخوردار بوده و از حقوق واقعی خویش محروم شده اند؛ به سان زخم کهنه ای در موقعیت بحرانی سرباز نموده و غرب را با

مشکل بزرگی روبه رو خواهد ساخت. شکل گیری جنبش وال استریت_ قیام نود و نه درصدی بر ضد یک درصد_ گواه روشنی بر این ادعاست.

به نظر می رسد جان مایه سخنان هانتینگتون را رویارویی تمدن اسلام و غرب تشکیل می دهد. شواهدی که در نظریه خویش اشاره می کند گویای این مطلب است. اما باز به گمان خویش با زیرکی از برخورد تمدن های گوناگون سخن می گوید تا شاید از خطر اسلام برای غرب و شکل گیری اتحاد اسلامی بکاهد. و بدین گونه از هدف اصلی خویش در لفافه سخن می گوید. پوشیده نیست آشتی ناپذیری آموزه های اسلامی با فرهنگ لیبرال دموکراسی، برخورد این دو را ناگزیر می سازد. اما نباید از این نکته غفلت کرد که رویارویی اسلام با لیبرال دموکراسی ایالات متحده به مفهوم تقابل اسلام با غرب_ اعم از دولت ها و توده های مردمی_ نیست. چنان که در ادامه نوشتار اشاره خواهد شد.

گفت و گوی تمدن ها یا برخورد تمدن ها

روشن است به موازات رشد آگاهی و دانش افزایی، بشر همواره از جنگ و کشتار گریزان بوده و آرامش خویش را در صلح و آشتی دنبال کرده است. قتل و غارت و ایجاد رعب و ناامنی از ویژگی های اقوام بدوی و جامعه های سامان نیافته است. تشکیل تمدن و قوانین بازدارنده مانند قصاص (۱) و دیات و... افزون بر جلوگیری از قتل و غارت، تشکیل سازمان های مردم نهاد

۱- آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۷۹)؛ و ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که به تقوا گرایید. به همین معنا اشاره دارد.

حقوق بشری را موجب شده است. (۱) براین اساس انسان ها فطرتاً در جست و جوی صلح بوده و از جنگ و ناامنی ناخشنودند. اما با غبار گرفتن فطرت و جهل و ناآگاهی مسیر قتل و غارت را پی می گیرد. از همین رو دانش و آگاهی با زدودن تیرگی ها از فطرت غبار گرفته، وی را با فواید ارزش های اخلاقی آشنا می سازد. با این وصف در دنیای معاصر که عصر اطلاعات نام گرفته است، سخن گفتن از برخورد تمدن ها را جز در راستای اهداف منفعت جویان و سیاست مداران دنیاطلب و هراس از انحطاط تمدن غرب نمی توان تفسیر کرد.

به رغم قدرت فراگیر تمدن جدید غرب، دیگر تمدن ها گرچه از بسیاری جهات رو به ضعف نهاده اند، اما هرگز از بین نرفته اند و با آشکار شدن ضعف های درونی تمدن جدید غرب از سویی و رشد و آگاهی جوامع از سوی دیگر، بعضی از این تمدن ها، به ویژه تمدن اسلامی در تلاش برای احیای دوباره خود هستند. دیدگاه هائینگتون هم به گونه ای ضمنی و بلکه صریح، وجود و توان تمدن های غیر غربی، به ویژه تمدن اسلامی را پذیرفته است.

مغالطه ای که در گفتار ایشان قابل پی جویی است، این که جنگ و کشتار و برخورد بیشتر ویژه جوامع بدوی و به دور از تمدن است. و اساساً مفهوم مدنیت با این ایده اگر نگوییم در تناقض، دست کم در تضاد و تقابل

۱- آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره حدید، آیه ۲۵)؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...؛ به نقش مردم در برپایی عدل و داد اشاره دارد.

است. این نقص بزرگ تمدن غربی را باید در تهی شدن آن از دین و سیطره خرد بریده از وحی بر ارکان آن جست و جو کرد.

«باید به خاطر داشته باشیم که تمامی تمدن‌هایی که اطلاعاتی از آن‌ها در دست داریم، به وسیله دین یا «ایده حاکم» (حاکمیت تفویض شده الهی) که قبلاً به آن اشاره رفت، به وجود آمده‌اند. تمدن چین بر اساس آیین کنفوسیوس و تائو استوار است؛ تمدن غرب بر مسیحیت و تمدن اسلامی بر اسلام؛ همچنان که تمدن رومی بر پایه مذهب رومی و تمدن مصری بر اساس مذهب مصر بنا شده بود.» (۱)

از این رو بایسته است تشکیل تمدن واحد را از دین بجوییم. «به دلیل مرکزیت و اهمیت ادیان در ایجاد تمدن‌هاست که فهم متقابل بین ادیان که منشأ ارزشی و ایده آلی هر تمدن محسوب می‌شود، در قلب هر گفت و گوی تمدنی که با هدف تفاهم و احترام متقابل انجام می‌شود، قرار دارد... تصادفی نیست که در طلیعه هزاره جدید، فراخوان گفت و گوی تمدن‌ها و نه برخورد آن‌ها از جهان اسلام و به خصوص توسط سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری [وقت] اسلامی ایران برخاسته است؛ سرزمینی که یکی از کانون‌های اصلی تمدن اسلامی در سیزده قرن گذشته به شمار می‌رود و حتی قبل از آن نیز قلب امپراتوری و تمدنی عظیم بوده است.» (۲)

اسلام توانست تمدن‌ها و قومیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون را در زیر پرچم تمدن واحدی گرد آورد. گوناگونی زبان‌ها، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها،

۱- پاسخ آسیا به نظریه برخورد تمدن‌ها، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۲- پاسخ آسیا به نظریه برخورد تمدن‌ها، ص ۲۴۷-۲۴۸.

نژادها، رنگ ها و حتی مناطق جغرافیایی و آب و هوایی جهان اسلام بر کسی پوشیده نیست. اما با تکیه بر مشترکات دینی تمدن اسلامی همچنان روبه گسترش پیش می رود. هرچند مخالفان این تمدن _ که بارها در دیدگاه های خود به عیان بیان کرده اند_ با هراس از توسعه آن در تلاش برای خاموش کردن و تضعیف تمدن اسلامی هستند. چنان که پیش تر آموزه های وحیانی از این توطئه پرده برداشته اند (سوره توبه، آیه ۳۲-۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸؛ سوره صف، آیه ۸). به رغم اختلافات یاد شده در جهان اسلام، آموزه های اسلام، ظرفیت گردآوری پیروان خود و دیگر امت ها را با رهبری فردی معصوم در زیر پرچم توحید در خود نهفته دارد. و می تواند

همه انسان ها را در همه زمان ها به صورت یک پارچه مدیریت کند و آنان را در یک نظام واحد سازمان دهی نماید. چنان که در عصر نزول این مهم به وقوع پیوست و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همه را از هر رنگ و نژاد و قومیت در تمدن اسلامی جا داد.

کوتاه سخن آن که تمدن اسلامی از توان جذب دیگر تمدن ها و ایجاد یکپارچگی برخوردار است. حال آن که تمدن جدید غربی همواره در پی حذف تمدن های دیگر و تحمیل خود بر دیگران است.

برخلاف دیدگاه هانتینگتون، آموزه های آسمانی قرآن، همگان را به صلح و سازش و هم زیستی مسالمت آمیز فرا می خواند:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ». (سوره آل عمران، آیه ۶۴؛ سوره بقره، آیه ۲۰۸)

آیه شریفه از اهل کتاب می خواهد تا بر محور توحید که از مشترکات اعتقادی میان ادیان آسمانی است گرد بیایند و یکدیگر را در گسترش توحید و عمل به مقتضای آن یاری رسانند. (۱) هانتینگتون بر سلطه غرب تأکید داشته و بر حفظ آن به هر شکلی توصیه می کند: «غرب باید از ارزش ها و موقعیت برتر خود در جهان دفاع کند و در تحقق این هدف نیز باید همکاری با آن دسته از کشورها را تقویت نماید که کشورهای از درون گسیخته اند، مانند روسیه که در حال حاضر به دلایل اقتصادی و امنیتی از پیوستن به هرگونه اتحاد ضد غربی اجتناب می ورزد. در درازمدت نیز غرب باید خود را برای مواجهه با جهانی آماده کند که در آن، دوران تفوق اقتصادی و نظامی غرب به سر آمده و موازنه قدرت به نفع دیگری و به ضرر او برهم خورده است.» به علاوه غرب باید «دامنه و قدرت نظامی کشورهای کنفوسیوسی_اسلامی را محدود سازد؛ از اختلافات و درگیری های موجود بین کشورهای اسلامی و کنفوسیوسی بهره برداری کند و گروه هایی را که در درون تمدن های دیگر به ارزش ها و منافع غرب گرایش دارند، مورد پشتیبانی قرار دهد...». (۲)

اما قرآن بر نفی سلطه افراد یا اندیشه ای غیر الهی بر دیگران تأکید داشته و به عنوان یکی از محورهای اتحاد و همبستگی؛ پیروان ادیان را به آن دعوت می کند. پیامبر اسلام از آغازین روزهای نزول آخرین دین آسمانی بر وحدت و یکپارچگی میان پیروان ادیان فراخوانده و از اختلاف و کشمکش پرهیز

۱- المیزان، ج ۳، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ الفرقان، ج ۵، ص ۱۸۲-۱۸۴.

۲- نظریه برخورد تمدن ها.

داده است. از این رو خداوند آخرین پیامبر خود را مایه رحمت بر جهانیان وصف می کند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷). روشن است مجال توفیق وحدت بر محور مهر و رحمت افزون تر از وحدت با جنگ و درگیری است. و به بیان دقیق تر امکان وحدت در صورت اول میسور است، نه در صورت دوم. پیامبر اسلام افزون بر فراخواندن پیروان ادیان بر گردآمدن زیر لوای توحید، پادشاهان امپراطوری های قدرتمند عصر خویش را نیز با مهر و رحمت به این مهم فراخواندند. [\(۱\)](#) نکته قابل دقت

در این آیات و نامه ها و سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این است که گسترش

و فراگیری دین اسلام با منطق و استدلال انجام پذیرفته است. این

در حالی است که دیدگاه های معاصر غربی بدون توجه به خواسته های منطقی جهانیان بر تحمیل اندیشه های خود اصرار دارند. بنابراین از

نگاه قرآن ذات و سرشت روابط میان ملت ها درگیری و منازعه نیست، بلکه مشترکات اعتقادی و فرهنگی با محوریت رهبری مهربان همگان را به هم نزدیک می کند.

به رسمیت شناختن حقوق همه انسان ها با هر رنگ و نژاد و اعتقادی در آموزه های اسلام و عملکرد معصومین ظرفیت بزرگی برای ایجاد وحدت و یکپارچگی میان ملت ها و جهانی شدن دین اسلام است. سفارش به رعایت عدالت نسبت به دشمنان «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (سوره مائده، آیه ۸) نمونه ای از

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۶؛ مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۳۱۶، ۳۹۰.

این دستورات است. (۱)

خاطرنشان می شود مواضع پاپ ژان پل دوم نیز بر نزدیکی اسلام و مسیحیت با تکیه بر مشترکات اعتقادی استوار است و تنش های موجود بین جوامع اسلامی و جوامع غربی عمدتاً از سیاست «دولت های غربی» سرچشمه می گیرد و نه از «تمدن مسیحی» که مشترکات آن با «تمدن اسلامی» به دلیل یگانگی منشأ توحیدی آن ها بسیار زیاد است.

پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک های جهان در کتاب «گذر از آستان امید»، در باب روابط کلیسا و جهان اسلام به مشترکات دو دین الهی اشاره نموده و می نویسد:

کلیسا برای مسلمانان که خدای واحدی را که حی، قیوم، رحمان، فعال مایشاء و خالق آسمان و زمین است عبادت می کنند، احترام بسیاری قائل است. آن ها به دلیل اعتقاد به وحدانیت خدا، به ما به ویژه نزدیک ترند.

توجه خاص پاپ ژان پل دوم به نزدیکی اسلام و مسیحیت مقوله بسیار مهمی است که از دید هائینگتون که میراث مشترک فرهنگی یهود و نصاری را تنها عامل وحدت سیاسی و تمدنی می شمارد، به دور مانده است. رهبر کاتولیک های جهان در ادامه، ضمن اشاره به پاره ای از اختلافات تتولوژیکی اسلام و مسیحیت، آمادگی کلیسا را برای انجام دیالوگ و همکاری با جهان اسلام اعلام می کند. (۲)

۱- تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۶؛ الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲- «مسیحیت و نظام نوین جهانی» - نگاهی به کتاب رهبر کاتولیک های جهان»، اطلاعات بین المللی، ۱۰/۸/۱۳۷۳.

آلوین تافلر (۱) به عنوان یکی از پژوهش‌گران حوزه آینده پژوهشی از طرح ایده‌ای با عنوان موج سوم سخن گفته است. به عقیده تافلر، درگیری اصلی قرن بیست و یکم مقوله‌ای است که نه می‌تواند مؤید نظریه هانتینگتون باشد (برخورد تمدن غرب با تمدن اسلام - کنفوسیوس) و نه نظریه فوکویاما

۱- الوین لوینس تافلر متولد ۱۹۲۸، نویسنده و فیلسوف مشهور امریکایی یهودی تبار و آینده پژوه است. وی به عنوان یکی از پیشگامان جهانی تغییر و تحول شناخته می‌شود. او با وسواس زیادی همواره از نگارش کلماتی همچون «روند» و «پیش بینی» در نوشته‌هایش اجتناب می‌ورزد و براین نکته اصرار می‌کند که هیچ کس به درستی نمی‌تواند بگوید که در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد. کار ویژه تافلر ارائه مفهومی از اثرات تغییر است. این امر ریشه در دانایی، فن آوری، هنر توانایی برخورد با تنایجی است که زمانی حاصل می‌شوند که تغییرات پیچیده تکنولوژیکی و اجتماعی بر نگرش‌ها و منافع گسترده تأثیر می‌گذارند. سوابق حرفه‌ای تافلر از این قرار است: معاون سردبیر مجله فورچون و خبرنگار این مجله در واشنگتن، استاد مهمان دانشگاه کورنل، پژوهشگر بنیاد راسل سیچ و استاد مؤسسه جدید پژوهش اجتماعی. وی به اخذ پنج درجه افتخاری در ادبیات، حقوق و علوم نایل آمده است و علاوه بر کتاب‌های: «شوک آینده» (۱۹۷۰)، «موج سوم» (۱۹۸۰)، «به سوی تمدن جدید» (۱۹۹۵) و... مقالات بی‌شماری را در نشریات و مجلات علمی و روزنامه‌ها به چاپ رسانده است. اما فلسفه او و عقاید کلیدی‌اش در سه کتاب او «شوک آینده»، «موج سوم» و «تغییر قدرت» (۱۹۹۰) خلاصه شده‌اند. تافلر معتقد است: موضوع اصلی، تغییر است یعنی آن چه که در قبال افراد و در زمانی رخ می‌دهد که کل جامعه آن‌ها خود را به سمت چیزی جدید و غیرمنتظره تغییر می‌دهد. شوک آینده به فرایند تغییر و چگونگی تأثیر تغییر بر افراد و سازمان‌ها می‌پردازد و موج سوم بر مسیرهای تغییر متمرکز است. این کتاب‌ها تغییرات سریع پیرامون ما را نه تصادفی و بی‌نظم بلکه حاصل تأثیر عوامل و الگوهای شناخته شده در ورای آن‌ها می‌دانند. در واقع غروب تمدن صنعتی و طلوع تمدنی نوین را بشارت می‌دهند. تافلر در تألیف کتاب‌هایش از همکاری همسرش هایدی بهره برده است که خود در کتاب‌هایش بر این مطلب تأکید دارد. (سید امیر حسین هاشمی، مقاله «معرفی و نقد امواج سه‌گانه تافلر» سایت تخصصی جامعه‌شناسی ایران، WWW.Sociv.....)؛ سایت راهکار مدیریت؛ سایت ویکی‌پدیا)

(غلبه تمدن لیبرال دموکراسی بر سایر تمدن‌ها). بلکه نوعی درگیری عمیق و همه‌جانبه بین تمدن موج سوم (اطلاعات و ارتباطات) با تمدن‌های موج دوم (تمدن صنعتی) و موج اول (انقلاب کشاورزی) خواهد بود.

تافلر معتقد است که نوع بشر تاکنون دو موج عظیم تحول را از سر گذارنده است، که هر یک به مقیاس وسیعی باعث محور فرهنگ‌ها یا تمدن‌های پیشین شده و شیوه‌هایی از زندگی را جایگزین آن‌ها کرده که کلاً در نظر پیشینیان محال می‌نمود.

او می‌گوید تحقق نخستین موج تحول - انقلاب کشاورزی - هزاران سال طول می‌کشد، در حالی که تحقق موج دوم - ظهور تمدن صنعتی - فقط سیصد سال به طول انجامید. ولی امروز تاریخ از این هم پرشتاب‌تر پیش می‌رود و چه بسا که «موج سوم» طی فقط چند دهه به سرعت تاریخ را طی کند و به کمال برسد. همان موجی که بر جامعه آینده بشر گسترده خواهد شد و با وقوع انقلاب ارتباطی - اطلاعاتی، دیگر نخواهد گذارد که زندگی انسان‌ها بر اساس تمدن موج دوم (یعنی هم‌شکلی و یکنواختی و دیوان‌سالاری و اقتصاد مبتنی بر نیروی عضلانی و خط مونتاژ) شکل بگیرد و پیش برود.

البته تافلر بر این مسئله هم تأکید دارد که به موازات دگرگونی اقتصاد کشورها در موج سوم، بخشی از قدرت حاکمیت دولت‌ها نیز متزلزل خواهد شد و چون بسیاری ناچار خواهند بود دخالت‌های فرهنگی و اقتصادی دیگر کشورها را بپذیرند، لذا برخوردهای شدیدی پیش می‌آید که تا جا افتادن کامل تمدن موج سوم ادامه خواهد داشت.

به عقیده تافلر (در این کتاب): قدرت آینده امریکا به صورتی روزافزون از دست نهادهای حکومتی (کنگره، کاخ سفید، سازمان های اداری، احزاب) خارج می شود و در اختیار مردم عادی و رسانه ها_ که به طُرُق الکترونیکی با هم مرتبط هستند_ قرار می گیرد. و نیز تافلر قبول دارد که

در حال حاضر بحران های گسترده ای در امریکا_ که از آغاز تشکیل آن

سابقه و نظیر نداشته است_ جامعه امریکا را در خود فرو برده و بحران هایی نظیر بحران خانواده، بحران بهداشت، بحران نظام های شهری و ارزشی

و سیاسی، ایالات متحده امریکا را در سراسیمه سقوط قرار داده است.

به این جهت که حکومت امریکا در حال حاضر جز به تکنولوژی و

اقتصاد نمی اندیشد و به مسائلی چون اخلاقیات و فرهنگ و اندیشه بهای لازم را نمی دهد.

از سوی دیگر تافلر معتقد است که یکی از مهم ترین پدیده های موج سوم بازگشت دوران اقتدار و احترام و اهمیت خانواده است؛ زیرا در موج دوم (تمدن صنعتی) نهاد قدرتمند «خانواده» رو به زوال گذاشت و تمام آن چه طی دوران موج اول از ویژگی های خانواده محسوب می شد از دستش رفت. به این ترتیب که: بیماران را به جای پرستاری در منزل روانه بیمارستان ها کردند؛ کودکان به مدرسه و مهد کودک رفتند؛ سالخوردگان را به خانه سالمندان فرستادند؛ و زوج ها وقت خود را بیشتر در میهمانی و رستوران و تفریح گاه های گوناگون گذراندند. و لذا آن چه از خانواده باقی ماند فقط پیوندهای عاطفی بود که البته می توانست به آسانی قابل گسستن باشد. اما موج سوم مجدداً خانواده را احیاء می کند و اختیارات و قدرت های گذشته

را به خانه و خانواده باز می گردانند. به این ترتیب که: بسیاری با استفاده از کامپیوتر و فاکس و تلفن های چند کاره و سایر وسایل ارتباطی موج سوم، کارهای خود را بیشتر در منزل انجام خواهند داد؛ خریدهای گوناگون به وسیله سیستم های خاص الکترونیک صورت خواهد گرفت و نیازی به خروج از منزل نخواهد بود؛ بسیاری از والدین با استفاده از وسایل ارتباطی مدرن به آموزش فرزندان خود در خانه خواهند پرداخت؛ اغلب نیازهای پزشکی - حتی جراحی های معمولی - را می توان با بهره گیری از کامپیوترهای رابوتیک متصل به مراکز پزشکی در منزل انجام داد؛ و نیز مدیران خواهند توانست در خانه خود با استفاده از سیستم ارتباط متقابل الکترونیک در جلسات و کمیسیون های اداری شرکت کنند. نتیجه این که وقتی بیشتر وقت اعضای خانواده در منزل گذشت، روابط عاطفی نیز استحکام خواهد یافت و اهمیت و اقتدار خانواده به مراتب بیش از آن خواهد شد که در موج دوم وجود داشت و یا دارد. (۱)

نتایج دیدگاه تافلر «موج سوم»

برخی از نتایج مهم دیدگاه تافلر از این قرار است:

۱. از آن جا که تمرکز دانش و آگاهی و اطلاعات و عملیات با آن در غرب است، محور عمده قدرت در آینده هم غرب خواهد بود.
۲. فاصله دارندگان دانش و آگاهی با محرومان از آن، روز به روز بیشتر و عملاً غیرقابل پر کردن می شود. لذا کشورهای توسعه نیافته باید با واقع بینی، حد ترقی خود را براساس میزان ترقی اطلاعاتی ممکن الوصول تعیین کنند.

۳. چون صاحبان قدرت فردا، دارندگان دانش و آگاهی و توان اطلاعاتی فراوان امروز هستند، پس می توان نقشه سیاسی آینده دنیا را ترسیم کرد.

۴. دموکراسی لیبرال با همه اشکالات عملی خود، بهترین راه و رسم زندگی اجتماعی است. توان اطلاعاتی غرب به نحو طبیعی دخالت آن ها را در یک جمع واحد میسر بلکه ضروری کرده است. پس دنیای لیبرال باید خطر بنیادگرایی را جدی گرفته و تلاش کند از همه امکانات برای جهان شمول کردن ارزش های لیبرال (یکسان سازی) استفاده کند و در این صورت، دنیای آینده که دنیایی با محوریت اطلاعات هست، دارای نظم و همگونی خواهد شد.

نقد نظریه تافلر «موج سوم»

اشاره

به نظر می رسد دیدگاه تافلر به خلاف دیگر نظریه های غربی هنوز در میان پژوهش های آینده نگر توجه محققان را به خود گسیل داشته و از کانون توجه پژوهش گران کنار نرفته است. اما این هرگز به مفهوم پویایی و به دور از اشکال بودن نیست. دیدگاه ایشان نیز به رغم ظاهر پر سر و صدایش از نقد و انتقاد اندیشمندان حوزه آینده پژوهی دور نمانده است. به مقدار ارتباط با موضوع نوشتار به برخی اشکالات این دیدگاه اشاره می شود:

رابطه دانش و قدرت

تافلر بیش از هر چیزی بر دانش و آگاهی تأکید دارد. وی دارندگان دانش را صاحبان قدرت می داند که می توانند نقشه سیاسی آینده دنیا را ترسیم کنند. با نگاه منصفانه باید اذعان کنیم که گفتار ایشان مطابق با واقع است و رابطه دانش و قدرت قابل انکار نیست؛ زیرا این مهم از ارتباط بین دانش و

قدرت سرچشمه می گیرد و مسلم است که این دو، رابطه ای دوسویه دارند. شاعر پر آوازه ایران، فردوسی نیز این حقیقت را در آغازین بیت های دیباجه شاهنامه بازگو کرده است: «توانا بود هر که دانا بود».^(۱) دانش، سبب فزونی قدرت و قدرت نیز بستر مناسب رشد و شکوفایی علمی را فراهم می آورد. تجربه تاریخی شاهد خوبی بر این مدعاست. دولت مردان دانش دوست به ویژه در دنیای اسلام بیشترین سهم را در شکوفایی و پیشبرد دانش داشته اند. هرچند علمای متعهد در خفقان علمی هم دست از تلاش علمی برنداشته و کاروان دانش را پیش برده اند.

با وجود این نباید از این نکته غافل شد که علم در دنیای غرب علم سکولار است و حساب خود را از دین و حکمت توحیدی جدا کرده و محدود به دانش تجربی شده است. علم عاری از هدایت و عقل سرانجام در خدمت قدرت های فاسد درآمد و از حقیقت خود خالی می شود. در چنین فضایی اگر قدرت مداران به پیشرفت علم کمک کنند، هدفی جز افزودن به قدرت فاسد خویش نداشته و علم را برای خود می خواهند. و دانشمندان به ابزاری در دست قدرت مداران تبدیل شده و در جهت خواسته های آنان گام بر می دارند. اگر عالمان جامعه ای در خدمت قدرت های فاسد قرار گرفتند و آزادگی خویش را از دست دادند، آن جامعه رو به انحطاط رفته و از سعادت تهی می شود. چنان که پیش تر اشاره کردیم بسیاری از نظریه پردازان غربی از وابستگان به حکومت ها و برخی از پژوهش گران مؤسسات تحقیقاتی وابسته به مراکز نظامی هستند. باوجود

۱- شاهنامه فردوسی، دیباجه، ص ۴.

این، دیدگاه‌های آنان تا چه اندازه می‌تواند در جهت منافع و مصالح افراد جامعه باشد؟

اما در فرهنگ اسلامی، علم نه تنها در خدمت قدرت نیست، بلکه به آن جهت می‌دهد. عالمان برتر از حاکمان هستند و بلکه در مکتب اهل بیت علیهم السلام، حاکم باید امام معصوم یا فقیه عادل باشد. از این رو روایات اهل بیت علیهم السلام سرشار از توصیه‌های اخلاقی به عالمان، از جمله دوری از حاکمان فاسد، سرزنش عالمان درباری و امر به معروف و نهی از منکر حاکمان است. (۱) از این رو دین اسلام به رغم سفارش فراوان به دانش‌اندوزی و تلاش برای تولید علم، از یادگیری هر علمی و با هر انگیزه‌ای نهی کرده است.

گفتار تافلر، در بیان رابطه علم و قدرت تا اندازه‌ای پذیرفتنی است؛ اما در تعیین مصداق علم به خطا رفته و دانش سکولار غربی را تنها نسخه شفافبخش بشریت معرفی کرده است. امروزه در دنیای غرب عموم افراد جامعه از حقوق یکسان برخوردار نبوده و رنگ، نژاد، دین و مذهب و... تعیین‌کننده درجه شهروندی و برخورداری از حقوق اجتماعی است. ممنوعیت استفاده از حجاب برای بانوان و برخورد تحقیرآمیز و گاهی خشن با سیاه‌پوستان و اتباع آسیایی و آفریقایی در کشورهای غربی و صدها مورد دیگر که در رسانه‌ها و منابع معتبر گزارش می‌شود، گواه روشنی بر ناتوانی لیبرال دموکراسی در اداره جامعه و ایجاد همدلی و همبستگی در جامعه است. دلیل این کار را باید در وابستگی دانش غربی به قدرت‌مداران از

سویی و تهی بودن آن از اخلاق و هدایت از سوی دیگر جست و جو کرد.

اما چنان که گذشت در جامعه موعود قرآن، قدرت و زمام امور به

دست صالحان و مؤمنانی است که سعی در گسترش توحید و عدالت و اجتماع در زیر پرچم یکتاپرستی از هر رنگ و نژادی دارند. در جامعه ویژه صالحان هر گونه عامل تفرقه و پراکندگی مانند کفر، نفاق، شرک و ظلم رخت بر بسته و جای خود را به عوامل یک پارچگی و صمیمیت مانند یکتاپرستی و عدالت و امنیت همگانی خواهد داد. روشن است چنین جامعه ای سعادت همگان را تضمین می کند و آنان را به سر منزل مقصود رهنمون می شود.

همچنین نباید فراموش کرد هر دانشی مساوی با توانایی نیست؛ زیرا دانش اعم از دانایی است و توانایی همراه با دانایی و فرزندی است. از این رو دانشی می تواند قدرت ساز باشد که فرزندی باشد. چنین دانشی به همه ابعاد وجودی انسان توجه داشته و نه تنها قدرت آفرین است، به قدرت جهت می دهد.

قرآن، صالحان را در پایان تاریخ وارث زمین می داند. در توضیح این واژه گذشت، مؤمنان شایسته کردار که روزگاری در استضعاف و تنگنا بودند؛ با پشتیبانی خدای سبحان از ضعف و تنگنا درآمده و زمام امور جهانیان را به دست گرفته و وارث داشته های کافران خواهند بود. چنان که در امت های پیشین، مستضعفان جامعه، صاحبان قدرت _ که ادعای خدایی می کردند _ را از اریکه قدرت به زیر آورده و در کمال ناباوری دنیازدگان وارث داشته های آنان شدند.

کوتاه سخن آن که دانش غربی به دلیل محدود بودن به حوزه دانش تجربی و وابستگی به حاکمان فاسد از مسیر اصلی خود منحرف شده و از هویت واقعی اش تهی شده است. چنین دانشی توانایی ترسیم برنامه سعادت آفرین برای بشر را ندارد. و نتیجه این که ترسیم برنامه آینده تاریخ به دست قدرت مند خدای سبحان است که از مدت ها پیش در کتب آسمانی وعده آن را داده و با فرستادن آخرین رسول آسمانی آن را به کمال رسانده است. دانش بریده از وحی نتیجه ای جز دوری از خدا و مبارزه با سنن آفرینش نخواهد داشت؛ چنان که فرعون مصر هم در

برابر خدای سبحان ایستاده و ادعای خدایی سردادند. اما حق تعالی آنان را از اوج قدرت به حضيض ذلت کشید و مؤمنان را از استضعاف به اوج عزت رساند:

«فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَهُوَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَن آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ»؛ (سوره یونس، آیه ۹۲)

پس امروز تو را با زره [زرین] خودت به بلندی [ساحل] می افکنیم، تا برای کسانی که از پی تو می آیند عبرتی باشد، و بی گمان، بسیاری از مردم از نشانه های ما غافل اند.

سوگیری سیاسی

چنان که گذشت وابستگی برخی نظریه پردازان غربی به مراکز قدرت و سیاست، دیدگاه های آنان را از دیدگاه صرفاً علمی بیرون برده و نگاه تردیدآمیز به آن را قوت می بخشد. آزاداندیشی در عرصه پژوهش، آغازین نقطه در اعتماد به داده های پژوهش و وابستگی و جزم اندیشی برانگیزاننده

تردید در یافته های آن است. (۱) شهید مطهری منشأهای خطای ذهن از نگاه قرآن را این گونه برمی شمارد: پیروی از گمان (سوره انعام، آیه ۱۱۶)؛ تقلید از گذشتگان (سوره بقره، آیه ۱۷۰)؛ سرعت در قضاوت (سوره روم، آیه ۷)؛ هوای نفس (سوره نجم، آیه ۲۳)؛ و پیروی از کُبرا (سوره احزاب، آیه ۶۷). (۲) هریک از این عوامل سبب خطای ذهن در برداشت ها و طرح دیدگاه ها خواهد بود. از همین رو بر دانشمندان و اندیشمندان بایسته است تا ذهن و روان خویش را از وابستگی ها و دل بستگی ها رها ساخته و با آزادی و حریت کامل به بحث و پژوهش پردازند. روشن است این مطلب به نفی عصیبت_تعصب ناموجه_ اشاره دارد و هرگز به معنای نفی هر گونه اعتقاد و

۱- «معروف است که علامه حلی برای اولین بار در تاریخ فقه شیعه معتقد شد که این که می گویند [اگر نجاستی در چاه بیفتد] چاه نجس می شود، اگر مرغی بیفتد چند دلو آب باید کشید، اگر الاغی بیفتد چقدر و اگر انسانی در آن بمیرد چقدر، کشیدن این آب ها مستحب است، واجب نیست و حال آن که تا عصر او تمام فقهای شیعه اتفاق داشتند که اینها واجب است. قضیه این بود که در خانه خودش این ابتلا پیدا شد. یک نجاستی در چاه افتاده بود و خواست نظر بدهد. آمد از نو مستقل روی این مسئله فکر کند. کتاب ها و مدارک را جلوی خودش گذاشت که درباره این مسئله قضاوت کند، فتوای واقعی خودش را به دست بیاورد که واقعاً این کار واجب است یا واجب نیست. مطالعه کرد، یک دفعه دید آن گوشه دلش تمایل به این است که فتوایش این باشد که واجب نیست چون الآن منفعتش ایجاب می کند که واجب نباشد. ترسید که این منفعت طلبی، فکرش را بدزدد و بعد فتوایی بدهد که این فتوا زبان فقه و فکر و استدلال و زبان یک فکر بی طرف نباشد، زبان یک فکر طرفدار باشد. می گویند دستور داد چاه را پر کردند. خودش را از این منفعت طلبی آزاد کرد، بعد نشست فکر کردن، دید الآن هم عقیده اش همین است، آن وقت فتوا داد. این خودش مطلبی بسیار اساسی است که اگر منفعت انسان یک طرف را ایجاب کند [یعنی] هوای نفسش به یک طرف باشد فکر انسان را می دزدد. قرآن به این مطلب هم توجه دارد. (نبوت، ص ۵۷۹-۵۸۰)

۲- نبوت، ص ۵۷۴-۵۸۱.

صحیح و دل بستگی به آن نیست.

از این رو انتقاد بعدی در مورد منش سیاسی و شیوه برداشت تافلر از منشأ پیدایش اولین بارقه های موج سوم و آینده جهان موج سوم است. تافلر ویژگی های تمدن موج سوم را به گونه ای ترسیم می کند که گویی این تمدن از امریکا سرچشمه گرفته است. وی در کتاب موج سوم می گوید:

این آخرین نقطه عطف تاریخی، در ایالات متحده آمریکا در دهه قبل از ۱۹۵۵ اتفاق افتاد، از آن پس این موج با تفاوت زمانی کمی به بسیاری از کشورهای صنعتی، از جمله انگلستان، فرانسه، سوئد، آلمان، شوروی [سابق] و ژاپن راه یافت.

گویا ایشان به صورت پوشیده این گمان را که الگوی امریکایی توسعه، آخرین مدل تحول در جهان کنونی است، در قالب بحث های خود طرح کرده و به گونه ای نشان داده که امریکا پرچم دار تمدن موج سوم و پیشرو حرکت دگرگونی جهانی است، و موج سوم امریکایی می رود که فراگیر شود.

براین اساس این دیدگاه در راستای منافع امریکا و حفظ سلطه لیبرال دموکراسی طراحی شده و امکان تجویز آن به عموم انسان ها دشوار و بلکه نادرست است.

نظریه تافلر به رغم توجه به تحولات فرهنگی (البته محدود به جامعه امریکا)، امواج رو به تزاید معنویت گرایی و دین گرایی و نفرت از لذت مادی حتی در درون غرب موج سوم و موج دومی (ترکیبی) را نادیده گرفته است. برابر دیدگاه قرآن و روایات نیز امواج دین گرایی در سراسر گیتی به رغم گسترش ظلم، رو به فزونی خواهد گذشت و سرانجام جامعه ای شایسته

عاری از کفر و شرک و نفاق با حاکمیت دینی در پهنه گیتی ظهور خواهد یافت. روشن است جامعه موعود قرآن بدون فراهم شدن پیش زمینه های آن، از جمله فزونی دین داران و دین خواهان مجال توفیق نخواهد یافت. به بیان دیگر از زیر ساخت های چنان جامعه ای، تربیت یافتگان مکتب الهی و فراوانی عتده و عده آنان و از همه مهم تر تحول فرهنگی جوامع است. از این رو تغییر و تحولی که در آینده نقشی اثرگذار خواهد داشت نه تحول موج سومی (انقلاب ارتباطات_ اطلاعات) که تحول فرهنگی (با محوریت توحید) خواهد بود. گفتنی است این به معنای نفی تحولات مورد پیش بینی تافلر نیست؛ بلکه نفی بخشی از دیدگاه وی که نقش لیبرال دموکراسی ایالات متحده را بسیار پررنگ کرده و آن را تنها نسخه رهایی بخش بشریت دانسته به شمار می رود است. بنابراین نقشه آینده جهان را تنها ادیان الهی می توانند ترسیم کنند و این وعده تخلف ناپذیر الهی است که بی شک بسیار نزدیک است.

بنابراین الگوی پیشنهادی تافلر از جهت مبانی، اهداف و روش ها توان پاسخ گویی به نیازها به ویژه نیازهای عالی انسان ها را نداشته و از ظرفیت جهانی شدن برخوردار نیست. ناتوانی علوم و ارتباطات غربی در برقراری عدالت و رفع نیازهای عالی انسان ها در حوزه داخلی کشورهای غربی شاهدهی بر این ادعاست. جنبش وال استریت (قیام ۹۹ درصدی در ایالات متحده ضد حاکمیت یک درصدی) در مهد لیبرال دموکراسی مورد ادعای تافلر شکل گرفت. افزون بر این، شکاف طبقاتی در دنیای غرب و گسترش فقر و بیکاری روزافزون و نارسایی های فراوان دیگر_ که تافلر هم اذعان دارد_

گواه دیگری بر مدعای ماست. و نباید از یاد برد هرچند امروزه بسیاری از دانش‌های بشری در انحصار غرب و ایالات متحده است، اما هرگز به مفهوم این نیست که دیگران از توانایی فکری لازم برای تولید دانش بی بهره‌اند. قدرت‌های غربی با استضعاف دیگران دانش را به بند کشیده و از نشر آن بخل می‌ورزند و در بسیاری موارد مانع دستیابی دیگران به دانش و فناوری هستند. ایجاد موانع و مشکلات فراوان در مسیر رشد علمی جمهوری اسلامی یکی از صدها نمونه این رفتارهای ناپسند است که به رغم آن، دانشمندان ایران اسلامی در بعضی حوزه‌های دانش با دانشمندان غربی رقابت بسیار شدید و نزدیک دارند و در صورت رفع انحصار بر همگان روشن خواهد شد که حتی همین دانش‌مادی هم در انحصار لیبرال دموکراسی نیست. و بالأخره آموزه‌های اسلامی رسیدن به محور قدرت را با هر وسیله‌ای بر نمی‌تابد. نکته اساسی را با این آیه قرآن به پایان می‌بریم:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»؛ (سوره روم، آیه ۷)

از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند، و حال آن که از آخرت غافل‌اند.

دست آخر باید گفت اراده الهی محور حرکت تاریخ است و اراده‌های مخلوقات و به ویژه اراده‌های انسانی هم در تکامل تاریخ نقش ایفا می‌کنند و این اراده‌ها هم دارای سطوح و نسبت تأثیرهای متفاوتی هستند و هر دو جبهه حق و باطل هم در مسیر و مقصد خودشان توسط حضرت حق امداد

می شوند، اما غلبه پایانی با جبهه حق است، نه جبهه باطل. و وظیفه نظریه پرداز سیاسی گمانه زنی برای آینده تاریخ نیست، بلکه باید با در نظر گرفتن مصالح کل جامعه برای بشر برنامه ریزی کرده و آینده بهتری را نوید دهد.

۴. دهکده جهانی

اشاره

مارشال مک لوهان (۱) تحول جامعه انسانی را به سه دوره قسمت می کند

۱- مک لوهان (۱۹۱۱-۱۹۸۰) Herbert Marshal McLuhan فیلسوف و جامعه شناس مشهور ژاپنی الاصل و تبعه کانادا است. او در سال ۱۹۱۱ در ادمونتال کانادا چشم به جهان گشود و پس از پایان تحصیلات مهندسی به ادبیات عصر الیزابت، علاقه مندی نشان داد و رساله دکتری خود را در آن زمینه نوشت. او از اساتید دانشگاه تورنتو بود. مک لوهان تا پایان حیاتش یعنی ۱۵ سال بعد همواره به دهکده جهانی اشاره می کرد و می گفت «اکنون دیگر کره زمین، به وسیله رسانه های جدید، آن قدر کوچک شده که ابعاد یک دهکده را یافته است» مک لوهان با مقایسه دهکده فرضی خود با دهکده سنتی می گفت: «همان گونه که در این دهکده سنتی روابط انسان ها بیشتر حالت بین فردی دارد، در دهکده جهانی نیز با وجود رسانه های جدید، روابط بین انسان ها در همه جا حالت رابطه بین فردی خواهد یافت و در حد روابط یک دهکده کوچک خواهد بود. مشهورترین آثار وی عبارت اند از: کهنکشان گو تنبرگ؛ شناخت وسایل ارتباطی؛ جنبش های ۱۹۹۰؛ جنگ و صلح در دهکده جهانی؛ پیام و ماساژ؛ جنگ الکترونیک؛ برای درک رسانه. مک لوهان در واقع با دنباله روی از مارکس و با توجه به نقش تعیین کننده عوامل و شیوه های تولید در بحث مربوط به دیالکتیک تاریخی می گوید: زندگی انسان ها در آغاز برابر بود، عده ای سوء استفاده کردند و نا برابری ایجاد شد و تنازع طبقاتی پدید آمد. مک لوهان در اوایل دهه ۱۹۶۰ نظریه تحول تاریخی بر مبنای ارتباطات را مطرح کرد و گفت: انسان ها در جوامع اولیه ارتباطات صمیمانه ای داشتند. ارتباطات رو در رو برقرار و مبنای حواس انسانی بود. و تمام حواس انسان به کار گرفته می شود. وجود انسان کامل و اصیل نشان می داد. مک لوهان می افزاید: وسیله همان پیام است؛ یعنی صورت بر محتوی رجحان و برتری دارد و شیوه های نشر هر فرهنگ بر محتوای آن تأثیر دارد. وی اساساً تمدن را امتداد حواس و رسانه را گسترش یافته حواس بشر می داند. مک لوهان در بخش دیگری از آراء خود رسانه ها را به دو گروه گرم و سرد تقسیم می کند. وی رسانه های همه حسی را سرد و رسانه تک حسی را گرم می داند. عکس، رادیو، سینما، کتاب، سخنرانی، الفبای صوتی و فیلم را تک حسی و خط تصویری، تلفن، تلویزیون، سمینار و گفتار را همه حسی می داند. کوتاه سخن آن که ایشان با بزرگ نمایی نقش رسانه ها و ارتباطات، آن را موجب پیوند و ارتباط میان ملت ها دانسته که جهان را به عنوان دهکده کوچک در خواهد آورد و زمینه یکپارچگی حکومت آن هم از نوع دموکراسی به عنوان کدخدای این ده را فراهم خواهد کرد. (مبانی ارتباطات جمعی؛ برای درک رسانه

(ها)

که در هر دوره نظام ارتباطی خاصی حاکم است: ۱. شفاهی؛ ۲. ارتباط کتبی و چاپی؛ ۳. دهکده جهانی.

عصر ارتباط شفاهی و زندگی دودمانی و قبیله ای (شفاهی)

طبق نظریات مک لوهان؛ نخستین مرحله زندگی اجتماعی انسان، دوره تمدن های ابتدایی فاقد کتابت است که ویژگی هایی نظیر برتری تسلط بیان شفاهی و دریافت شنیداری است. این دوران را دوران دودمانی و قبیله ای می خوانند که در آن انسان در یک مجموعه هماهنگ و طبیعی می زیسته است. پیوندها درون قبیله ای بوده است و افراد به صورت طایفه ها و قبیله های کوچک زندگی می کرده اند که در این مرحله زندگی اجتماعی همچنان که نشانه های آن بودند در برخی کشورهای عقب مانده یافت می شود افراد بی سوادند و اندیشه آن ها بدون هیچ گونه نظامی

رشد پیدا می کند و اطلاعات سینه به سینه منتقل می شوند. انسان

در این دوره به گونه ای طبیعی از هر پنج حس خود استفاده می کند و

در این میان حس شنوایی برای ارتباط با دیگران بیش از سایر حواس به کار می افتد.

عصر ارتباطات کتبی و چاپی و جامعه گرا

با اختراع خط و کتابت به ویژه الفبای صوتی توازن پیشین به هم خورد و برتری حس بینایی نسبت به حواس دیگر آشکار شد و محتوای تفکر بشر تغییر یافت.

بی تردید تمدن خط و کتابت تا مدت ها زیر نظر زبان شفاهی بوده است. با اختراع چاپ دوران تمدن بصری آغاز شد که می توان آن را کهکشان گوتنبرگ نامید که مجموعه ای پیچیده از پدیده های فرهنگی که بر اثر اختراع گوتنبرگ پدید آمده را دربر می گیرد است.

دستگاه چاپ به حوزه های دیگر صنعت الهام بخشیده و موجب توسعه آن ها شد که در پرتو آن ها اروپا به صورت یک قدرت صنعتی در آمد و به اتکای آن چهار قرن بر دنیا حکمرانی می کردند.

به نظر مک لوهان نوشته نیاز به نوعی تمرکز حواس و تعمق شخصی دارد و از این جهت مستلزم نوعی انزواجویی و جدایی از جمع است و با زندگی قبیله ای گذشته منافات دارد، و در نهایت موجب انهدام نظام قبیله ای و پیدایی فردگرایی، نخبه گرایی و ناسیونالیسم می شود.

او با نگرشی بدبینانه به آثار چاپ در جامعه، چاپ را یک گناه اصلی انسانی و سرچشمه تمام بدبختی ها را ناشی از تمدن صنعتی می داند چون اختراع چاپ، انسان را از محیط صمیمی زندگی قبیله ای بیرون رانده و گرفتار قید و بند نظام زندگی مکانیکی و صنعتی کرد.

این دوره از تمدن انسانی با اختراع رادیو توسط مارکنی شروع می شود. طبق نظریات مک لوهان، اکنون در سومین دوره زندگی اجتماعی انسان، عصر چاپ و زندگی فردگرایی نیز که ناشی از برتری یافتن حس بینایی بر سایر حواس انسانی است، در برابر پیشرفت و گسترش وسایل ارتباطی الکترونیکی مانند رادیو، تلویزیون و سینما در حال زوال است. این شیوه جدید ارتباطی، حس شنوایی را معتبر ساخته و رجعت به ادراک حسی را ضروری شمرده است. (۱)

مک لوهان دنیای امروز را دنیای الکترونیک می داند و معتقد است:

محیط الکترونیکی عصر حاضر، فضای قدیمی تصویری را که سال هاست به آن خو گرفته ایم، نامطبوع و بدون ارزش خواهد ساخت. در دنیای الکترونیک حوادث، اشیاء و موجودات در یکدیگر فرو می روند، با یکدیگر رابطه پیدا می کنند، جدایی ها از بین می رود، تمایزات فراموش می گردد، شباهت ها خودنمایی می کند و بدین ترتیب محیط جدید به وجود می آید؛ محیطی که می توان آن را یک «دهکده جهانی» نام گذاری کرد. یک دهکده بزرگ جهانی که خصوصیات قبیله ای را در مقیاس وسیع تر محفوظ می دارد. (۲)

مک لوهان معتقد بود که رسانه های جدید باعث به وجود آمدن پدیده جهش اطلاعات خواهند شد. او می گفت:

۱- مبانی ارتباطات جمعی، ص ۸۹-۹۳، ۹۶.

۲- آینه های جیبی آقای مک لوهان، ص ۸.

اطلاعاتی که انسان‌ها خواهند داشت، از چهار گوشه جهان و با سرعت فراوان در اختیارشان قرار خواهد گرفت. [به این ترتیب] جهان بزرگ، روز به روز کوچک‌تر می‌شود و انسان‌ها چه بخواهند و چه نخواهند، گویی در یک قبیله جهانی یا یک «دهکده جهانی» زندگی می‌کنند. چنین وضعیتی را امکانات الکترونیک فراهم خواهند کرد. (۱)

او بر ادعای خود در پیش بینی آینده جهان و سیطره نهایی

لیبرالیسم می‌گوید:

انقلاب در عملیات یا اطلاعات سبب شده که افراد کره زمین به راحتی به یکدیگر دسترسی داشته باشند، دسترسی که به مراتب آسان‌تر از ارتباط افراد یک دهکده در اوائل قرن بیستم است، لذا به طور طبیعی مرزها در نوردیده شده، و فرهنگ‌ها یک کاسه گشته، و عناصر کلیدی ساختار اجتماعی (اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ...) همه به سوی یکسان شدن می‌رود. و این امر طبیعتاً اقتضای تشکیل یک حکومت جهانی واحد را دارد. این حکومت به راحتی و با همان اندیشه که در هر کشور محدود، حکومت‌های موجود پیدا شده‌اند. ظاهر می‌گردد، یعنی فرهنگ و ساختار اجتماعی آن (دهکده جهانی) حکومت خود را معین می‌کند. و از سوی دیگر با توجه به سرچشمه این انقلاب، یعنی تحول در عملیات با اطلاعات که غرب است، تفکر لیبرالیسم بیش از هر فکر دیگر فرصت بسط و عرضه پیدا کرده است. اگر واقع بینانه نگاه کنیم باید منتظر باشیم که فرهنگ‌ها و تفکرات مختلف سیاسی به نحو طبیعی در داخل فرهنگی غالب حل

شوند، و آن فرهنگ غالب همان دموکراسی لیبرال است. (۱)

نقد فرضیه «دهکده جهانی»

اگر چه دیدگاه های مک لوهان بایسته تأمل و بررسی است؛ ولی از همان ابتدا مورد نقد و انتقاد اندیشمندان زیادی در محافل علمی غرب قرار گرفت. آنان ضعف استدلال، آشفتگی مطالب و تخیلی بودن آن را آشکار ساختند. افزون بر آن، پس از ترجمه آثار او به زبان فارسی مورد نقد و ارزیابی متفکران ایرانی نیز قرار گرفت.

ایشان با جداسازی شکل از محتوای پیام و اهمیت بیش از حد به شکل پیام، از یک امر بدیهی غافل شده اند که جداسازی شکل پیام از محتوای آن درست نیست و این دو مکمل یکدیگرند و از سوی دیگر محتوا از شکل مهم تر است؛ زیرا خود ایشان هم از لزوم واکسینه شدن جوامع در برابر اثرات ناگهانی و تکان دهنده سرازیر شدن اطلاعات به جامعه ای سخن گفته است. روشن است نگرانی از آسیب ها بیش از آن چه به شکل ارتباط پیدا کند به محتوا مربوط است.

مانوئل کاستلز به صراحت می گوید:

دهکده جهانی یک موضوع قوی و جالب توجه در زمان

بیانش بود، ولی یک پیش بینی کاملاً غلط بود. آن یک دهکده نیست، بلکه یک شبکه جهانی از کومه های شخصی است که بسیار متفاوت است. اینترنت جوامع محلی را به جوامع جهانی تبدیل می کند که این کار از طریق اتصال به موتورهای جست و جوگر، اطلاعات فرا متنی با داده های متفاوت فراوان

صورت می گیرد. (۱)

محمد جواد لاریجانی ضمن بدیهی توصیف کردن مقدمات استدلال مک لوهان می گوید:

نکته مهم این است که نظم اجتماعی فقط براساس دسترسی افراد به یکدیگر سامان پیدا نمی کند، بلکه خود، دلائل و ریشه های متعدد و مهم دیگری دارد. و به عبارت دیگر اگر سایر شرایط مهیا نباشد آن چه دسترسی اطلاعاتی ایجاد می کند، همسایگان را فرسنگ ها از یکدیگر دور می کند به جای این که فواصل را نزدیک سازد. (۲)

توهم سیطره غرب بر دهکده جهانی

جان مایه دیدگاه مک لوهان را باید در این نکته خلاصه کرد که غرب با مدیریت شاکله اینترنت می تواند دهکده ای برای خود از همه کاربران جهان بسازد. انتقال داده ها در این پهنه را گواه این امر می داند. اما به رغم این که اثرگذاری اطلاعات و داده ها بر افکار عمومی قابل تردید و انکار نیست؛ نمی توان مدیریت فضای مجازی را به صرف توان مندی در تکنولوژی نوین ارتباطات و برخورداری از گونه ای از داده ها در انحصار غرب دانست.

فضای مجازی بستر رویارویی و ستیز اندیشه هاست. در این ستیز بزرگ، آنانی برنده اند که بن و پی استوارتری در دل تاریخ جهان داشته و صد البته از نقش نوآوری غفلت نداشته باشند.

۱- ماه نامه مدیریت ارتباطات، ویژه نامه نوروزی، بررسی اندیشه های مارشال مک لوهان در مدیریت ارتباطات.

۲- کاوش های نظری در سیاست خارجی، ص ۲۷۱-۲۷۹.

پهنه اینترنت و شبکه های اجتماعی فرصتی برای عرضه داشته ها و زمینه ای برای تروج اندیشه ها و باورهاست. مشتریان این کالا از سراسر گیتی با ورود به این فضا در پی گم شده خویش خواهند بود؛ هرچند در آغاز ممکن است با فقدان باورهای ناب، به سراب روآورند. اما با عرضه این باورها می توان عرصه را بر اندیشه های باطل تنگ تر کرده، کام تشنگان معارف آسمانی را از سرچشمه زلال آن سیراب نمود. براین اساس با این گستردگی و فراوانی داده ها در فضای مجازی، مدیریت آن کاری آسان نخواهد بود. چنان که امکان ورود انواع داده ها، مدیریت انحصاری را سلب و آن را به آوردگاه اندیشه ها تبدیل می کند.

هرچند رسانه و تکنولوژی نقش فراوانی در اثرگذاری بر افکار عمومی دارد؛ اما برجسته کردن نقش رسانه و غفلت از محتوای پیام زیان جبران ناپذیری به بار خواهد آورد. غنای اندیشه و پاسخ گویی به نیازهای واقعی انسان ها برپایه این اندیشه، سبب فزونی توان مدیریت در این پهنه خواهد بود. راستی آزمایی این ادعا در دنیای معاصر، کار دشواری نیست.

تخیلی بودن دیدگاه ایشان را باید در این نکته جست وجو کرد که وی با غفلت از فرهنگ های معارض با نظام لیبرال دموکراسی، از برتری این فرهنگ و توان جذب و هضم دیگر فرهنگ ها سخن می راند. قدرت مند ترین فرهنگ در برابر آن فرهنگ اسلامی است که به رغم این که در برهه ای از تاریخ مورد حمله سنگین فرهنگ غرب قرار گرفت، اما هیچ وقت به حذف آن نینجامید و اکنون با پرورش نخبگان و اندیشمندان اسلامی در دامن خود می رود تا با بازگرداندن هویت واقعی مسلمانان به

فرهنگی فراگیر و جهانی تبدیل شود. چنان که گذشت حق تعالی در آموزه های آسمانی با وعده تخلف ناپذیر، این سیطره را بشارت داده است. و در نقد دیدگاه هانتینگتون به ظرفیت آموزه های اسلامی در این خصوص اشاره رفت.

و از جمله عواملی که این نظریه، نادیده گرفته است ابهام در سرنوشت غرب و احتمال انحطاط یا انهدام آن است که رواج فراگیر آن را دشوار و بلکه ناکام ساخته است. چنان که نظم اجتماعی تنها با ارتباط و دسترسی صرف افراد به یکدیگر سامان نمی یابد و عوامل دیگری در آن نقش دارند که با نبود آن عوامل، خشونت و درگیری نتیجه محتوم این دسترسی خواهد بود. شاید بتوان بعضی دیدگاه های معاصر که بر برخورد تمدن ها تأکید دارد را گواه این ادعا گرفت. تکیه بر نقاط مشترک در مبانی، اهداف، منافع و... از جمله این عوامل هستند که در عصر اطلاعات و ارتباطات مدیریتی جدی و قدرت مند را خواهان است. ناتوانی لیبرال دموکراسی در ایجاد هم بستگی و برادری و برابری که از آموزه های اساسی در اندیشه اجتماعی اسلام است، تهی کردن افراد از هویت واقعی خویش، بردگی نوین در روابط انسان ها و تأکید بر نژادپرستی و... نمونه مواردی هستند که مدیریت این نظام بر رخدادهای جهانی را با چالشی بزرگ روبه رو ساخته و خبر از غروب این نظام به مانند دیگر نظام های مضمحل می دهد.

کوچک شدن دنیا در پی دسترسی آسان انسان ها به یکدیگر، گسترش حوزه مدیریتی را موجب می شود که اداره روابط در این مقیاس جهانی کاری آسان نخواهد بود. به دیگر سخن جهان به لحاظ ارتباطات در مقیاس

دهکده کوچک تنزل می یابد؛ اما ساکنان آن را گروه فراوانی از انسان ها با فرهنگ ها و قومیت ها و ملیت های گوناگون در پهنه جهان تشکیل می دهند که مدیریت آن را با دشواری فراوان روبه رو می سازد. عیان شدن ضعف های لیبرال دموکراسی در کمتر از این مقیاس گواه روشنی بر ناکامی آن در مدیریت جهانی با گستره ای بیشتر است.

با این وصف پایه های سست و لرزان نظریه مک لوهان آشکار می شود.

افزون بر این از نگاه قرآن گستردگی ارتباطات و انفجار اطلاعات دلیل بر برتری لیبرالیسم و سیطره آن بر جهان نخواهد بود. به زعم این که غرب، خاستگاه انقلاب اطلاعات است پس ناگزیر فرهنگ لیبرالیسم، فرهنگ غالب در آینده جهان خواهد شد تصور باطلی است. در بیان دیدگاه قرآن معلوم شد بنی اسرائیل به رغم این که در ظاهر در موضع ضعیفی نسبت به فرعونیان بودند اما وارث سرزمین آنان با همه امکانات شان شدند. به نظر می رسد تعبیر «وراثت زمین از سوی مؤمنان در پایان تاریخ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵) گویای این نکته است. نبود گزارش های تاریخی مبنی بر امحای آثار تمدنی فرعونیان به گاه تسلط بر سرزمین آنان، سبب تقویت این ادعاست. همچنین بعضی از آیات قرآن باطل بودن چنین اندیشه ای که دست یابی به امکانات فراوانی سبب تسلط تمام عیار بر دیگران خواهد شد را روشن می سازد:

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ». (سوره غافر، آیه ۸۲-۸۳)

خداوند، سرکشان در برابر دعوت انبیا را به سیر و گردش در زمین برای عبرت آموختن از سرنوشت پیشینیان فرا می خواند که به رغم فراوانی امکانات مادی دچار چه سرنوشتی شدند. و آنان به شدت در برابر دست یابی به علوم ظاهری و خبرویت در آن دچار شیفتگی و فریفتگی شدند و از علوم و معارف الهی روی گردان شده، آن را به استهزاء گرفتند. (۱) و آیات دیگری که از پیروزی گروه اندک با اراده الهی بر گروه بزرگ خبر می دهند (سوره بقره، آیه ۲۴۹). بنابراین ضمن پذیرش حرکت جهان در مسیر یکپارچگی، سلطه لیبرالیسم بر ارکان جهان در پایان تاریخ را توهمی باطل می دانیم. آیات «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (سوره مائده، آیه ۵۶؛ سوره مجادله، آیه ۲۱) پیروزی حزب توحید را بشارت می دهند.

نقد کلی نظریه های معاصر

درون مایه نظریه های معاصر را باید در القای برتری نظام لیبرال دموکراسی و آن هم از نوع امریکایی اش بر دیگر نظام های فکری و سیاسی و کوشش در جهانی سازی این ایده و اندیشه جست وجو کرد. هریک از نظریه پردازان، از زاویه ای متفاوت در گسترش این اندیشه کوشیده اند. مددگیری از تکنولوژی و رسانه ها نیز این تلاش ها را با توفیق همراه ساخته است. از این رو نقد و انتقاد از فرهنگ و تمدن غرب و روشن گری در برابر ضعف ها و نقص ها و آسیب های آن کاری بس دشوار خواهد بود. چون که به دلیل پیش گفته فرهنگ جدید غرب با ظاهر پر طمطراق خود سالیان دراز بر تار و پود زندگی و افکار جهانیان سایه گسترده و آنان، به ویژه خودباختگان را از

هویت اصیل خویش تهی نموده است. و با هجمه به باورها و ارزش های اصیل جوامع، یقین به فقدان نظام برتر از لیبرال دموکراسی را به ارمغان گذاشته است. به واقع طرح این دیدگاه ها در عصر کنونی نیز کوششی بر پنهان کردن صدای شکسته شدن پایه های تمدن جدید غرب است تا صبحی چند غروب تاریخ غرب را به تعویق بیندازند. چنان که منتقدانی در درون تمدن غرب نیز بر این غروب آگاه شده و به چاره جویی افتاده و گاهی از گذار از مدرنیته به پست مدرن خبر داده اند. در پایان به نقد کلی این دیدگاه ها و ضعف و ناتوانی تمدن جدید از جهانی شدن پرداخته از برتری اندیشه و ایده آسمانی و توان جهان شمولی آن سخن می گوئیم:

جهانی شدن یا جهانی سازی

اشاره رفت که زیربنای نظریه های معاصر بر این اصل استوار است که لیبرال دموکراسی ایالات متحده را جهانی کرده آن را بر همگان تحمیل کنند. اما نباید از این نکته غفلت کرد که جهانی شدن با جهانی سازی دو مقوله جدا از هم هستند. البته به این معنا هم نیست که با هم تناقض داشته باشند. نظریه های معاصر، جهانی سازی را هم سان با جهانی شدن گرفته و این دو را متمایز نساخته اند. این که تصمیم سازی جهانی را در دستان دارندگان دانش و اطلاعات غربی و به ویژه لیبرال دموکراسی ایالات متحده می بینند و بر جهانی سازی آن تأکید داشته از هیچ کوششی فروگذار نیستند حکایت از همین نکته دارد. اما به نظر می رسد درباره مفهوم جهانی شدن و جهانی سازی و واقعیت عینی این دو، یک خلط و اشتباه اساسی صورت گرفته است. واقعیت این است که نمی توان این دو اصطلاح را از

نظر مفهوم و مصداق، با هم یکسان فرض کرد و جهانی شدن را با جهانی سازی یکی دانست، بلکه این دو جریان از یکدیگر متفاوت

و متمایزند و در واقع، ما شاهد تحقق دو پدیده و دو فرایند هستیم که از نظر مفهوم شناختی، باید «جهانی شدن» را به عنوان یک فرایند تحول طبیعی و فناورانه بشری دانست، و «جهانی سازی» را به عنوان طرحی برای تحمیل الگوی فرهنگی یا سیاسی و اقتصادی غرب و معادل غربی سازی توصیف کرد.

ارتباطات متقابل، تشدید و تقویت آگاهی، سرعت فزاینده و گسترده ارتباطات و مبادله اطلاعات، کلیت و گستره تأثیرات، چند بعدی و پیچیدگی از اساسی ترین شاخصه های جهانی شدن است.

جهانی بودن و جهانی شدن اسلام

جهانی بودن دین اسلام را می توان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه ها و متن پیام های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی نسبت به جهانی بودن این دین، و جهانی بودن نبوت و خاتمیت رسالت پیامبر و چگونگی طرح این اندیشه _ رحمت بودن پیامبر برای جهانیان (۱) _ شده است، مورد توجه قرار داد، و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با فطرت نوع بشر اثبات کرد. جهان شمول بودن اسلام یک حقیقت قطعی و بدیهی است که در بین مسلمانان هیچ شک و تردید و ابهام و اختلافی درباره آن وجود ندارد. اسلام _ فی ذاته _ یک دین جهانی و

۱- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷)؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

همگانی است و آیینی است که رسالت آن هدایت و نجات تمام انسان ها در همه عصرها و نسل هاست. جهانی بودن اسلام در بخش یکم نوشتار مورد پژوهش قرار گرفت. افزون بر آن در آیات و روایات فراوانی این مهم مورد توجه واقع شده است. برای نمونه: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً» (سوره اعراف، آیه ۱۵۸)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره سبأ، آیه ۲۸) و... روایاتی از منابع فریقین هم در متن پژوهش مورد استناد قرار گرفت.

با نگاهی ژرف و اندیش مندانه به آموزه های اصیل اسلام و قرآن، ظرفیت جهانی شدن و جهان شمولی این دین آسمانی را می توان دریافت.

برخی از مهم ترین ویژگی های جهانی شدن دین حق _ دین مورد نظر آیات قرآن _ را می توان این گونه برشمرد:

۱. جامعیت و کامل بودن: اسلام به مثابه یک دین جامع و کامل، ناظر به همه ابعاد حیات بشری است و با عمیق ترین و عالی ترین معارف خود پاسخ گوی عموم نیازهای بشری است.

۲. ذاتی بودن جهان شمولی دین اسلام: چنان که از نتایج پژوهش در بخش یکم به دست آمد جهانی بودن از ویژگی های ذاتی دین اسلام است. این ویژگی را باید در چگونگی آموزه ها و هدف رسالت و تکامل ادیان جست و جو کرد. جهانی شدن اسلام افزون بر جنبه اعتقادی مبتنی بر عقل و فطرت انسانی است. در تبیین دیدگاه قرآن گذشت، اسلام، دین حق و متعلق به همه بشریت و دست آخر بر همه ادیان غلبه خواهد داشت.

۳. الهی و فطری بودن اسلام: دین اسلام موافق با عقل و فطرت انسان

بوده و محدود به زمان و مکان خاصی نیست.

۴. ارادی و درونی بودن تحول فردی و اجتماعی در اسلام: فرایند جهانی شدن اسلام بر اساس اراده و انتخاب آگاهانه و گرایش قلبی افراد شکل می‌گیرد و از درون به بیرون است، ولی «جهانی شدن» کنونی به نوعی، تغییر از بیرون به درون و به صورت جبری و تحمیلی است؛ یعنی انسان‌ها باید از روی آگاهی و باور درونی، تصمیم به تغییر و اصلاح بگیرند، نه با اجبار شرایط بیرونی، یا به وسیله تلقین و القای رسانه‌ها، وادار به تغییر سبک زندگی و نوع ارتباطات شوند.

۵. دعوت به علم و عقلانیت: یکی از مهم‌ترین زمینه‌های جهانی شدن و مقبولیت عام یک فرهنگ، عقلانی بودن آن و توانایی پاسخ گفتن به نیازهای اساسی بشر است. از جمله دیگر ویژگی‌ها و قابلیت‌های ذاتی اسلام برای جهانی شدن و بسط در بین سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها، اصل «عقلانی بودن آموزه‌های آن» است و جهانی شدن اسلام به معنای جهانی شدن علم و عقلانیت و معنویت و عدالت و امنیت و رشد و تعالی انسان‌ها در سراسر جهان است. (۱)

وجه تفاوت و تمایز جهانی بودن اسلام و جهانی شدن کنونی

جهانی شدن اسلام با پدیده جهانی شدن کنونی، هم در تعریف و هم در اهداف و روش‌ها، تفاوت‌های بنیادی دارد. جهانی شدن اسلامی با الگوی جهانی سازی غربی، که بر پایه امپریالیسم و نئولیبرالیسم است، از جهاتی

۱- در این قسمت، از مقاله اینترنتی «اسلام و جهانی شدن»، مهدی نکونی سامانی (دانش آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام)، بهره بردیم.

تفاوت دارد که به اختصار بدین شرح است:

۱. جهانی سازی غرب بر مبانی و زیرساخت ها و اصول فکری و فلسفی تمدن غرب شکل گرفته است. که عبارتند از:

تکیه بر عقلانیت بشری و علم اثبات گرایانه، اومانیسیم (انسان محوری)، لیبرالیسم (تأکید بر آزادی مطلق انسان)، سکولاریسم (تأکید بر استغناء بشر از دین).

در مقابل، برخی از مبانی جهانی سازی قرآن عبارتند از:

فطرت گرایی، ارج نهادن به عقل و علم، اعتقاد به وجود رابطه جهان هستی با مبدأ، غایت مندی نظام آفرینش و به ویژه انسان، استمرار و تداوم نظام هدایت و رهبری الهی و اصل حاکمیت ارزش های الهی.

۲. فرهنگ غرب که بر مبنای ارزش های غیردینی و سکولاریستی

و مادی گرایانه شکل گرفته است، به دلیل مبانی خاص فکری و فلسفی خود، هرگز نمی تواند تأمین کننده نیازهای واقعی انسان ها به حقیقت، عدالت و معنویت و امنیت و صلح باشد و از این نظر، جهانی شدن غرب لزوماً به بهتر شدن وضعیت زیست جهان و تأمین امنیت و تحقق عدالت و صلح نمی انجامد.

۳. الگوهای پیشنهادی نظریه های معاصر تحمیل مدلی از اندیشه و حکومت خاص به سایر ملت ها بدون ایجاد فرصت اندیشیدن است که نتیجه و دستاورد نهایی آن استضعاف بیشتر مردم و الحاد و رواج فساد اخلاقی و اجتماعی و بی عدالتی و فقر و تبعیض و استثمار است.

البته با دقت بیشتر و با مراجعه به پژوهش های مستقل به وجوه تمایز

زیادی می توان دست یافت که برای پرهیز از طولانی شدن به همین مقدار بسنده شد.

بی ثباتی در نظریه های معاصر

ثبات در نظریه از وجوه امتیاز و بی ثباتی و تردید صاحب اندیشه، نشان از غیرقابل اعتماد بودن آن نظریه دارد. اندیشمندان غربی پس از طرح این اندیشه ها؛ ناگزیر از بازبینی دیدگاه خود و بازگشت از دست کم بخشی از دیدگاه های خود شدند.

مک لوهان در دهه ۱۹۷۰، نسبت به آن چه در آثار اولیه اش معتقد بود

و می گفت که شکل رسانه ها در جامعه، شیوه های درک مخصوصی

را در اعضای جامعه تحت تأثیر قرار داده یا به وجود می آورد، دچار اطمینان کمتر شد و در عوض معتقد شد که رسانه ها مقوله های درک و فهم

افراد را منعکس می کنند. وی به جای اعتقاد به رابطه محلی بین رسانه ها و درک فردی بعدها به ارائه فراوان هم زمان انواع خاصی از تفکر در مورد رسانه ها و فرد معتقد شد و قائل به شکوفایی شیوه های تفکر در انسان توسط رسانه شد. (۱)

چنان که در تبیین دیدگاه فوکویاما اشاره شد وی به رغم خوش بینی - هرچند ساده لوحانه - به جوامع لیبرال دموکراسی؛ نسبت به آینده دراز مدت این جوامع تردیدهای جدی دارد: «افول زندگی اجتماعی این اندیشه را القاء می کند که در آینده ممکن است ما تبدیل به «آخرین انسان ها» بشویم که تنها به آسایش خود فکر می کنند و از هرگونه میل «تیموتیک» برای

هدف های متعالی محروم شده اند، چرا که سخت در جست و جوی رفاه شخصی هستند. اما خطر دیگری نیز وجود دارد: ممکن است تبدیل به «اولین انسان ها» نیز بشویم یعنی انسان هایی که در گیر جنگی خونین و بی حاصل، اما با سلاح های مدرن هستند. در واقع این دو مسئله به هم مربوط است؛ چرا که فقدان میدان عمل منظم و سازنده برای «مگالوتیمیا»، به سادگی می تواند به ظهور مجدد ولی دیر هنگام آن به صورت افراطی یا بیمار گونه منجر شود». (۱)

نگارش آثاری همچون «پس از پایان تاریخ»، «پس از نومحافظه کاری»، «پایان نظم» و... از سوی وی که بیان کننده تغییر در نگرش به نظریه پایان تاریخ و روشن بینی نسبت به جامعه ایالات متحده است، نیز گواه دیگری بر بازگشت از دیدگاه پیشین یا دست کم بازبینی اساسی در آن است.

هانتینگتون نیز بعدها در مصاحبه های خود به تعدیل در دیدگاه خویش اشاره کرد. از جمله در پاسخ به پرسش سردبیر فصلنامه آمریکایی نیوپرسپکتیوز کوارترلی درباره نظریه برخورد تمدن ها می گوید: «نخست باید تأکید شود که من صرفاً فرضیه احتمالی را که در مورد سیر احتمالی مسائل جهانی وجود دارد، تشریح کرده ام و نه پیش بینی قطعی رخدادهای جهانی را. لیکن ادله فراوانی وجود دارد که می توان (با استناد به آن ها) خطوط گسل بین تمدن ها را مرزهای درگیری های آینده دانست». (۲) این بیان بر محتمل بودن و خدشه پذیری این دیدگاه تأکید داشته و امکان مردود دانستن آن را

۱- پایان تاریخ و آخرین انسان، ص ۳۶۸.

۲- نظریه برخورد تمدن ها، ص ۸۱-۸۲.

می پذیرد. هرچند در مصاحبه های دیگر با تصریح بیشتری به این امکان اشاره می کند.

ظهور قدرت های بزرگی مانند چین و ژاپن و سقوط اقتصادی ایالات متحده نیز تافلر را دچار آشفتگی و ناگزیر از بازبینی در دیدگاه موج سومی اش کرده است.

افزون بر این، دیدگاه های مزبور از سوی اندیشمندان غربی و به ویژه از سوی همین اندیشمندان مورد نقد و ارزیابی و مردود دانسته شده است. نظریه برخورد تمدن ها از سوی تافلر و فوکویاما مورد انتقاد قرار گرفت. (۱) چنان که این دیدگاه و دیدگاه های دیگر نزد دیگر اندیشمندان غربی

پذیرفته نشد. برخی از نویسندگان در آثار خود به فهرستی از این منتقدان اشاره داشته اند. (۲)

با این وصف که این دیدگاه ها در خاستگاه خود پذیرفته نشده و گذشته از آن، صاحبان این اندیشه ها ناگزیر از بازبینی شده و به دیده تردید به آن نگریسته اند؛ چگونه می توان این دیدگاه ها را به عنوان نسخه ای برای عموم انسان ها تجویز کرد و از پذیرش محتوم آن سخن گفت.

در برابر چنان که گذشت آموزه های آسمانی قرآن درباره پایان تاریخ، دیرینه ای به درازای وحی داشته و همچنان باثبات و بدون تغییر و با پذیرش از سوی ایمان آورندگان به خدای سبحان، پرتوافشانی می کند؛ و نور امید را بر دل های مستضعفان جهان می تابد.

۱- نظریه برخورد تمدن ها، ص ۱۶۹، ۱۸۷.

۲- نظریه برخورد تمدن ها، ص ۱۶۹، ۱۸۷.

پیش بینی آینده

یکی از انگاره های مهم در رابطه با «آینده»، امکان یا عدم امکان پیش بینی حوادث و وقایع و برنامه ریزی و آمادگی برای روبه رو شدن با آن هاست. (۱)

برخی، امکان آن را پذیرفته و شماری از عدم امکان آن سخن گفته ولی غفلت از آن را جایز ندانسته اند. از این رو گونه ها و شکل های مختلف «پیش بینی» را در موارد ذیل خلاصه کرده اند:

۱. پیش بینی قانون علمی؛

۲. پیش بینی محدود (برنامه ریزی)؛

۳. پیش بینی کاهنانه (پیش گویی)؛

۴. پیش بینی دینی (غیب گویی)؛

۵. پیش بینی روند تاریخ (فلسفه تاریخ). (۲)

بعضی از این موارد پذیرفتنی و بعضی نادرست و غیر قابل پذیرش است. برخی از نویسندگان با اشاره به نقص ها و ضعف های بعضی از این دیدگاه ها و مردود دانستن پیش بینی کاهنانه، از پذیرش محدود پیش بینی علمی و پیش بینی محدود سخن گفته و در پایان پیش بینی دینی و فلسفه تاریخ را ارزشمند و مهم ترین انگاره در این زمینه توصیف کرده اند. (۳) هر چند درباره فلسفه تاریخ نیز دیدگاه کاملاً خوش بینانه ای ارائه نداده و دیدگاه مقبول را در پیش بینی دینی منحصر دانسته اند.

۱- آینده جهان، ص ۲۶.

۲- آینده جهان، ص ۲۷-۲۸.

۳- آینده جهان، ص ۲۸-۲۹.

از آن جا که پیش بینی دینی بر وحی و علم الهی تکیه دارد از ارزش و اتقان ویژه ای برخوردار بوده و تردیدی در درستی آن وجود ندارد. نمونه هایی از این دست غیب گویی که در تاریخ محقق و مشاهده شده گواه روشنی بر این ادعاست. از سوی دیگر چنان که اشاره شد پیش بینی وحی درباره پایان تاریخ با فطرت انسانی هماهنگ بوده و کامل ترین الگو برای پاسخ گویی به نیازهای واقعی بشر است. جای گرفتن انسان های شایسته بر مسند امور و کوشش آنان در گسترش شاخصه های یک پارچگی مانند توحید و عدالت و از میان برداشتن موانع این یک پارچگی همچون فقر و شکاف طبقاتی، ظلم و بیدادگری، شرک، کفر، نفاق و فسق نشان از همسو بودن این دیدگاه با فطرت انسان ها دارد.

اشاره رفت که بعضی از نظریه های معاصر در هیچ یک از این موارد جای نمی گیرد. چون که نه پیش بینی دینی است و نه کاهنانه و نه استوار بر روند تاریخ یا پیش بینی محدود. و به اقرار خود یا منتقدان به دور از قواعد علمی است. و حتی اگر بتوان آن ها را در زمره پیش بینی علمی یا محدود یا روند تاریخی به شمار آورد؛ نمی توان همیشه و در همه جا به آن اعتماد کرد و از خدشه ناپذیری آن اطمینان حاصل کرد. چنان که به وضوح به خدشه پذیری آن ها اشاره شد.

نام گذاری پایان تاریخ بر مرحله ای از تاریخ در حال تجربه، و سخن گفتن از برتری نظامی خاص بدون به دست دادن معیار منطقی، گفتاری ناموجه و بدون دلیل است. آموزه های وحی با برشمردن نشانه هایی برای پایان تاریخ (در ادامه نوشتار آمده است) به روشن گری پرداخته و زمینه آمادگی انسان ها

برای پذیرش الگوی پیشنهادی وحی را فراهم ساخته است. چنان که با بیانی همسو با فطرت بشر از فرستادن پیامبر به عنوان رحمت برای جهانیان (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷) و دعوت به اصول مشترک مانند توحید (سوره آل عمران، آیه ۶۳) و پیراستن جامعه از عوامل پراکندگی و تشتت (سوره یوسف، آیه ۳۹) خبر داده است.

نتیجه گیری

پرسش از پایان مقتضای حب ذات و طبیعت جست و جوگر بشر و برخاسته از روح بی قرار اوست که همواره سر در پی راز هستی دارد. ادیان آسمانی و نحله های فکری هر کدام به نوعی پاسخ گوی این پرسش ناگزیر بوده اند. چنان که هر یک نیز تصویری از آینده را برای پیروان خود ترسیم نموده و ویژگی ها آن را برشمرده اند تا از این رهگذر روح بی قرار او را به ساحل امن و آرامش رهنمون شوند.

در این میان، اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین آسمانی بیش از همه ادیان، این مهم را کانون توجه قرار داده، کامل ترین پاسخ ها را ارائه داده است. روایات مربوط به مهدویت و آخرالزمان گواه روشنی بر این مدعاست.

آموزه های آسمانی قرآن با تصویری از پایان تاریخ، فرجامی سراسر امید بخش را برای آینده بشر پیش گویی کرده است. برابر روایت قرآن به رغم وجود نشانه هایی از آخرالزمان هنوز تاریخ به پایان نرسیده است. به سخن دیگر مرحله ای از تاریخ که منابع دینی به ویژه قرآن، با تعبیر آخرالزمان یا آینده از آن سخن گفته اند با بعثت پیامبر خاتم شروع (۱) و با ظهور منجی موعود کامل

۱- التحریر و التنویر، ج ۲۶، ص ۸۷؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۷؛ ج ۹، ص ۳۱۹؛ ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ ج ۱۴، ص ۸۳-۸۴؛ ج ۴۰، ص ۱۷۷.

خواهد شد. از این رو تاکنون به طور کامل به مرحله ظهور و بروز نرسیده است. به خلاف دیدگاه های غربی که بدون هیچ گونه پشتوانه فکری مرحله ای از تاریخ در حال تجربه را پایان تاریخ تلقی کردند؛ آموزه های آسمانی با پیش گویی از مراحل تکامل تاریخ، آینده ای سرشار از نور امید را پیش تر بشارت داده و بر مؤلفه ها و ویژگی های آن تأکید داشته اند. با وجود این، قرآن مانند برخی موارد بنابه مصالحی از تعیین وقتی مشخص برای آن پرهیز کرده (۱) و تنها به بیان و توصیف ویژگی های آن بسنده کرده است. روشن است، قرآن با پیش گرفتن چنین رویه ای امکان سوء استفاده و هموار بودن مسیر بر شیادان و کج اندیشان را بسته است. خلأ چنین فضایی در غرب زمینه رخ نمایی و جولان دادن اندیشه های معاصر شده است.

دیدگاه کلی قرآن درباره پایان تاریخ و سرانجام بشر، دیدگاهی خوش بینانه بوده، سرانجام سعادت مند جهان، همان تحقق کامل غرض از آفرینش انسان هاست که چیزی جز عبادت خداوند نخواهد بود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره ذاریات، آیه ۵۶)؛ چنان که به این حقیقت در تبیین دیدگاه قرآن اشاره شد.

کوتاه سخن آن که آیات ناظر به آینده جوامع انسانی، بر عنصر خوش بینی در جریان کلی نظام طبیعت و طرد عنصر بدبینی درباره پایان کار بشر تأکید ورزیده، به نوعی فلسفه تاریخ براساس سیر صعودی و تکاملی آن اشاره دارد.

این امر بشارتی بر بشریت به ویژه مؤمنان خداپرست است تا همواره نور

امید در دل هایشان روشن بماند. مقصود این که قرآن به رغم مشخص نکردن وقتی خاص، پایان سعادت‌مند را بسی نزدیک می‌بیند. آیات مربوط به قیامت هم گویای این حقیقت هستند که قیامت بسیار نزدیک است و پایان تاریخ مرحله ای قبل از قیامت و پایان جهان است. (سوره انبیاء، آیه ۱). چنان که در روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم بعثت آن حضرت همراه با قیامت توصیف شده است. (۱) برابر آیات قرآن برخوردار از دانش مادی و تکنولوژی برتر سبب برتری همیشگی و تعیین سرنوشت آینده را در پی نخواهد داشت؛ زیرا به رغم پذیرفتن رابطه علم و قدرت نباید از این نکته غافل شد که قدرت حاصل از دانش انسانی و مادی، محدود به قدرت مادی خواهد بود. اما دانش الهی سبب پیوند یافتن به قدرت واقعی _ خدای سبحان _ شده و برخوردار از عموم قدرت ها را به دنبال خواهد داشت. علمی که حاصل آن خشیت از خداست. از همین رو فرضیه اصلی پژوهش اثبات پذیر و فرضیه مخالف ابطال پذیر است.

۱- صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۰۸-۲۰۹.

فصل دوم: حکومت در پایان تاریخ

مقدمه

حکومت از مقولاتی است که موضوع پژوهش در حوزه های گوناگون علمی به شمار می رود. از سویی پدیده ترین موضوع جغرافیای سیاسی شمرده می شود و از دیگر سو با مباحث حقوقی پیوند یافته زاویه حقوقی

پیدا می کند. چنان که از زاویه ای دیگر موضوع مباحث علوم سیاسی

قرار می گیرد. محافل علمی و سیاسی به ویژه در دنیای غرب، بیشتر از همین زوایا به موضوع حکومت نگریسته و با همین دیدگاه به طرح ایده های خود پرداخته اند.

اشاره آیات مربوط به پایان تاریخ بر موضوع حکومت، نشان و گواه اهمیت موضوع حکومت در جامعه بشری است. چنان که اندیشمندان غربی نیز بر این نکته تأکید داشته اند. از این مهم تر مدل حکومتی است که حاکمیت را به دست می گیرد. بحث تفصیلی در موضوع حکومت، خود مجال ویژه ای می طلبد و از موضوع اصلی این نوشتار خارج است. اما نظر

به اهمیت ویژه این موضوع، به اجمال دیدگاه وحی در این خصوص بررسی و در ذیل به تطبیق اجمالی مباحث پیرامونی آن از دیدگاه قرآن و نظریات معاصر پرداخته می شود. روشن است در این مجال کوتاه به تفصیل مباحث حکومت نمی توان پرداخت. از این رو به اختصار به مبانی حکومت، اهداف، شکل، زمامداران و برنامه های آن با رویکردی تطبیقی خواهیم پرداخت.

۱. مبانی حکومت

از دیدگاه قرآن حکومت و حاکمیت، اختصاص به خدا داشته و دیگری حق ولایت و حکومت ندارد؛ زیرا تنها خدای سبحان به زوایای وجودی انسان احاطه داشته و از نیازهای واقعی وی آگاه است. پیروی

از رأی دیگران لازم نیست و تنها خداست که تمام شئون انسان

از او سرچشمه می گیرد و مالک حقیقی و ولی واقعی است. پس پیروی

از دستور غیر خدا مشروط به این است که از طرف خدای سبحان

تعیین شده باشد. خدای سبحان در آیه ۴۰ سوره یوسف می فرماید:

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (سوره یوسف، آیه ۴۰). از آن جا

که جز خدای سبحان کسی مالک حقیقی در تصرف و تدبیر امور

جهان و سرنوشت بندگان نیست؛ حق قانون گذاری و حاکمیت حقیقی تنها از آن خداست. (۱) دلیل این امر را باید در علم بی نهایت، بی نیازی

مطلق و ربوبیت تکوینی و تشریحی پروردگار جست وجو کرد. چنان که در آیه

۱- المیزان، ج ۱۱، ص ۱۷۷؛ تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۱۸.

هم اشاره شده است، تنها خدا شایسته پیروی و اطاعت است و پیروی از دیگران جز در صورتی که از سوی خدا تعیین شده اند معنایی ندارد. و در واقع اطاعت از پیامبران و اولیای الهی هم اطاعت از خداست. از این روست که در پایان تاریخ حکومت به دست کسانی خواهد بود

که از سوی خدا مأمور تشکیل حکومت هستند. چنان که در تبیین دیدگاه قرآن گذشت، تعبیرات به کار رفته در آیات مربوط به پایان تاریخ گواه این مدعا هستند.

این در حالی است که حکومت های لیبرال دموکراسی بر پایه

آزادی، فردگرایی، عقل گرایی، تجربه گرایی، تساهل و تسامح، انسان محوری و علم گرایی بنا شده اند (۱). چنان که مشخص است هر یک از این مؤلفه ها بر پایه منافع فردی و به دور از هرگونه انگیزه معنوی، خیرخواهانه یا جمع گرایانه و بریده از هرگونه نیروی ماورایی و فراانسانی است. از همین رو به دلیل محدودیت های بشری، همواره باید قوانین بشری در معرض آزمون و خطا باشند که اتلاف عمر انسان، هدررفت نیروهای وی و بازماندن از سعادت خویش نتیجه محتوم چنین قوانینی است.

تجربه تاریخی مکتب های بشری، به ویژه در قرن اخیر بهترین شاهد این ادعاست. بروز و افول مکتب ها و ایسم های گوناگون در سده اخیر و نقض و اصلاحات قوانین بشری به دلیل ناتوانی انسان گسسته از وحی، از برنامه ریزی برای سعادت فرد و جامعه است.

۱- ساز و کارهای نظارت بر حکومت اسلامی و نظام لیبرال دموکراسی.

۲. اهداف حکومت

اقامه فرایض الهی، رسیدگی به محرومان جامعه، احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت انسان‌ها و برپایی عدالت در جامعه از جمله مؤلفه‌هایی هستند که می‌توان در اهداف حکومت در قرآن به آن‌ها اشاره کرد. در آیاتی از قرآن به این مفاهیم اشاره شده است. از آن میان می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (سوره حج، آیه ۴۱). «از موارد کاربرد قرآنی واژه «تمکین» مفهوم سلطه و قدرت و حکومت استفاده می‌شود». (۱) «مقصود از اقامه نماز برپایی امر دین و کارکرد آن در نفوس است. همچنین با پرداخت زکات عموم امت و آحاد جامعه در امور زندگی و معاش به هم نزدیک می‌شوند. امر به معروف و نهی از منکر سبب اجرای قوانین اسلام در میان افراد جامعه می‌شود». (۲)

برابر این آیه در حکومت مورد نظر قرآن توجه به همه ابعاد وجودی انسان ضروری است. ارتباط عمیق وی با آفریدگار خویش که انواع نعمت‌ها از جمله قوانین روح بخش فردی و اجتماعی را به وی ارزانی داشته وظیفه‌ای همگانی در جامعه اسلامی است. چنان‌که ارتباط با دیگر اعضای جامعه و رسیدگی به محرومان به منظور کم کردن فاصله طبقاتی از دیگر اهداف حکومت دینی از نگاه قرآن شمرده شده است. در کنار این توجه، احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت دیگران در مسیر رسیدن به کمال واقعی با

۱- التحریر و التنویر، ج ۱۷، ص ۲۰۳.

۲- التحریر و التنویر، ج ۱۷، ص ۲۰۳.

اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر از وظایف حاکمان اسلامی ذکر شده است.

چنان که در آیه ای دیگران برپایی عدل و قسط از اهداف بعثت انبیا شمرده شده است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره حدید، آیه ۲۵). برخی مفسران از این آیه شریفه ضرورت تشکیل حکومت را برداشت کرده اند؛ زیرا برپایی عدالت جز در سایه حکومت میسر نیست. (۱) نکته ای که در آیه شریفه قابل دقت است، برپایی عدالت از سوی افراد جامعه است. یعنی بهترین عنصر برای اجرای عدالت آحاد جامعه هستند که به دست خود عدالت را برپاکنند. پیامبران خدا افراد جامعه را به گونه ای تربیت می کنند که خود خواستار برپایی عدل و قسط بوده و با جان و دل آن را پذیرا می شوند.

چنان که گذشت در پایان تاریخ جامعه ای ویژه، امن و عاری از کفر و شرک و نفاق از سوی صالحان تشکیل خواهد شد. زمامداران این جامعه بیش از هر چیزی به برپایی عدالت، رعایت حقوق انسان ها و اجرای دستورات خدای سبحان که تأمین کننده عموم خواسته های انسان است تأکید خواهند داشت.

اما اهداف حکومت های لیبرال در تأمین خواسته های مادی، فردی، دنیوی و شهوانی انسان خلاصه می شود. پیش تر اشاره شد این امر ریشه در هستی شناسی و انسان شناسی ناقص این نظام سیاسی دارد. در این نظام، انسان دایرمدار همه چیز بوده و خواسته های وی بر هر چیزی پیشی دارد.

خواسته هایی که قرآن، این گونه توصیف می کند: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ * يَسْتَكْبِرُ أَنْ يَأْتِيَ الْيَوْمَ الْقِيَامَةَ» (سوره قیامه، آیه ۵ _ ۶). یعنی انسان می خواهد در طول عمرش به فساد مشغول باشد؛ تا بدان جا که از روی تمسخر می پرسد قیامت کی فرامی رسد؟! (۱) نظامی که بر اساس خواسته های انسانی با این ویژگی پی ریزی شود، فرجامش مشخص است.

۳. شکل حکومت

چنان که اشاره شد برخی از اندیشمندان غربی، بر این باورند که لیبرال دموکراسی امریکا، کامل ترین شکل حکومتی است، که امکان تجربه آن از سوی بشر وجود داشته است. اینان با طرح این دیدگاه بر پایان تاریخ تأکید داشته و برآورده شدن آمال و آرزوهای بشر را تنها در پرتو لیبرال دموکراسی دانسته و بشر را ناگزیر از پذیرش آن دانسته اند.

نباید فراموش کرد نظریات معاصر دیدگاه های نوظهوری هستند که از خودباختگی در برابر پیشرفت های عصر مدرنیته سرچشمه گرفته اند. از دیگر سو خالی شدن میدان از سوی رقبا سبب توهم پایان نبرد ایدئولوژیک و غلبه و یکه تازی لیبرال دموکراسی از سوی نظریه پردازان غربی شد. همچنین دیدگاه های مزبور نتیجه نقصان در انسان شناسی غرب است. نگاه یک بعدی به انسان و محدود کردن وی در نیازهای مادی و فیزیولوژیک و غفلت از بعد الهی او، اندیشمندان غربی را ناگزیر از طرح چنین ایده هایی کرده است. تأمین نیازهای مادی در پرتو لیبرال دموکراسی

۱- روح البیان، ج ۱۰، ص ۲۴۶؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۱۰۴-۱۰۵.

آنان را واداشت تا لیبرال دموکراسی را عالی ترین شکل حکومت و غایت شکوفایی و تمدن انسانی معرفی کنند.

آموزه های وحی نه بر نبرد ایدئولوژیک که بر سیر تکامل ادیان تأکید دارد؛ «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَبُكُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَبُنَا قَالَ فَأَشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۸). پیامبران الهی برابر عهد و پیمانی که با خدا دارند مسئول همکاری و همیاری با سایر پیامبران هستند تا این حلقه هدایت بشر کامل شده و آرزوی دیرینه او به ثمر نشیند. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (سوره مائده، آیه ۳). دین اسلام نه با رویارویی که بر اساس سنتی الهی دینی کامل و برگزیده شد تا آخرین پیام های هدایت را به عموم انسان ها برساند. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (سوره توبه، آیه ۳۳). به رغم ناخشنودی مشرکان و مخالفان؛ آیین اسلام بر همه ادیان غالب و دینی فراگیر خواهد شد. چنان که اشاره شد سیاق آیات سوره انبیاء هم گواه این معناست. «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷).

أى أنك رحمه مرسله إلى الجماعات البشرية كلهم_ و الدليل عليه الجمع المحلى باللام_ و ذلك مقتضى عموم الرساله.

و هو صلى الله عليه و آله و سلم رحمه لأهل الدنيا من جهة إتيانه بدین فى الأخذ به سعاده أهل الدنيا فى دنياهم و أخراهم.

و هو صلى الله عليه و آله و سلم رحمه لأهل الدنيا من حيث الآثار الحسنه التى سرت من قيامه بالدعوه الحقه فى مجتمعاتهم مما يظهر ظهورا بالغاً بقیاس الحیاة العامه البشریه الیوم إلى ما قبل بعثته ص و تطبیق إحدى الحیاتین

علی الأخری. (۱)

تو رحمتی هستی که به سوی همه جماعت های بشری فرستاده شده ای. این معنا از «ال» عالمین که جمع است به دست می آید؛ علاوه بر این که مقتضای رسالت هم همین است. و اما این که چطور برای همه اهل دنیا رحمت است؟ دلیل آن این است که دینی آورده که در سایه آن سعادت دنیا و آخرت تأمین است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای اهل دنیا رحمت است؛ و این مهم از مقایسه آثار نیکی که در پی بعثت پیامبر در جوامع بشری به راه افتاد با وضعی که پیش از آن داشتند کاملاً روشن می شود.

از نگاه قرآن، بشر در پایان تاریخ، حاکمیت دینی گسترده ای را تجربه خواهد کرد که با فراگیری دین اسلام، ناگزیر مدد حکومت، حکومت اسلامی خواهد بود. چنان که پیش تر اشاره شد در گستره حکومت اسلامی در پایان تاریخ، عموم نیازهای انسان کانون توجه حاکمیت بوده و به اساسی ترین نیازهای انسان پاسخ داده خواهد شد. از این رو شکوفایی انسان تنها در پرتو حکومت دینی امکان پذیر بوده و این شکل از حکومت برترین و بالاترین شکل حکومت است. افزون بر وحیانی بودن چنین وعده ای؛ تجربه مدلی از این حکومت الهی، هرچند در مقیاس محدودتر در طول تاریخ بشریت گواه روشنی بر درستی این ادعاست.

۴. زمامداران حکومت

از اساسی ترین ارکان حکومت، رهبری و فرمان روایی است که در رأس هرم حاکمیت قرار می گیرد. در واقع هدایت کشتی جامعه به ساحل امن و سعادت در دستان رهبری شایسته و مدیر و مدبر است که با آگاهی از عوامل و موانع سعادت انسان بر این جایگاه تکیه می زند. غفلت از این اصل و سپردن حاکمیت به دست فردی نالایق سقوط و انحطاط جامعه را به دنبال خواهد داشت.

اندیشمندان غربی بدون اشاره به ویژگی های زمامداران تنها از شکل حکومت سخن گفته اند. جان مایه نظریه های معاصر غربی تأکید بر برتری و سلطه یافتن لیبرال دموکراسی در پایان تاریخ است. گاهی این تلاش های جانب دارانه برخی از صاحب نظران را واداشته تا آینده رهبری جهان را نیز پیش بینی کنند و مشعل این رهبری را در دست امریکا و اروپا می بیند و احتمال می دهد که مرکز قدرت به فدراسیون اروپا برسد و پس از آن، ژاپن، چین و روسیه قرار می گیرند (۱).

آنان عموماً یا به زمامداران و خصوصاً به ویژگی های شان اشاره نمی کنند یا آن را نه در دستان رهبری خاص که در حوزه جغرافیایی خاصی محدود می کنند. چنان که پیش تر در نقد این نظریات هم اشاره شد این دیدگاه ها از درون تهی بوده و به تعبیر یکی از منتقدان غربی آنان با ارائه این آراء به جایگاه علمی خود صدمه زده اند.

گفتنی است برخی از اندیشمندان غربی بر حکومت برترین ها تأکید

۱- نظریه بر خورد تمدن ها، هانتینگتون و منتقدانش، ص ۱۲۲-۱۲۴.

داشته و با ذهن محدود خویش برتری را در گستره اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی تفسیر می کند. روشن است از نگاه آیین های آسمانی نیز حکومت در پایان تاریخ به دست شایستگان خواهد بود. شایستگانی که برتری در حوزه های فکری، روحی، انسانی و اخلاقی از بارزترین ویژگی های آنان به شمار می رود.

اما از نگاه ادیان آسمانی به ویژه مکتب اهل بیت علیهم السلام حاکم و فرمان روا از اساسی ترین ارکان حکومت به شمار می آید و در پرتو وجود زمامداری معصوم یا عادل احکام الهی ضمانت اجرایی پیدا می کند. از این رو فقهای شیعه تنها به حکومت فقه بسنده نکرده و بر حکومت معصوم یا فقیه (در زمان غیبت) تأکید دارند.

از آموزه های وحیانی قرآن به دست آمد که شایستگی زمامداران در عموم حوزه های شناختی و رفتاری از اساسی ترین مؤلفه های مورد تأکید آیات مربوط به پایان تاریخ است. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ - ۱۰۶). اشاره شد از نگاه مفسران شیعه و برخی مفسران اهل سنت آیه به آینده نظر داشته، در پایان، جامعه ای شایسته با حکومت سراسری و فراگیر به دست مؤمنان صالح را وعده داده است. (۱) برخی مفسران از واژه «عبادی» که موصوف «الصالحون» است، به دلیل نسبت یافتن آن با خدا مسئله ایمان و توحید را از بارزترین ویژگی های بندگان صالح (زمامداران

۱- الفرقان، ج ۱۹، ص ۳۷۴-۳۷۶؛ الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۴۳۶-۴۳۷؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۵۷-۲۵۸؛ روح المعانی، ج ۹، ص ۹۸؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۴۴۵.

جامعه صالحان) شمرده و گفته اند: «صالحون» معنای گسترده و پرشمولی دارد که همه شایستگی ها در حوزه رفتار، اندیشه و شناخت، قدرت و توانایی و مدیریت را در بر می گیرد. (۱)

از این مهم تر به ویژه از دیدگاه شیعه، حکومت پایانی به دست مصلح کل و امام و رهبر معصوم خواهد بود. و جز معصوم کسی شایستگی چنان حکومت فراگیری را نخواهد داشت.

۵. برنامه های حکومت

امتیاز هر حکومتی را باید در نوع برنامه ها و راهبردهایی جست و جو کرد که برای اداره جامعه ترسیم می کند. بسته به نوع نگاه حکومت ها به انسان و روابط او با خود، خدا و طبیعت برنامه ها متغیرند. از این رو اقتصاد و سرمایه داری و انسان مداری از شاخص ترین ویژگی های لیبرال دموکراسی است. به رغم نگاه فرهنگی برخی از این نظریه پردازان، چنان که پیش تر هم نقد شد درون مایه این نظریه ها حفظ لیبرال دموکراسی با تکیه بر امکانات و توانمندی های تکنولوژی امروزی است. از این رو هر گونه کوشش فرهنگی آن ها در همین راستا تفسیر شده و از نگاه متعالی به انسان و سرنوشت وی تهی و خالی است.

مهم ترین نقد بر دیدگاه فوکویاما، بی بهره بودن دموکراسی های لیبرال از معنویت، عدالت، عقلانیت و اخلاق است. لیبرالیسم مطلق و اباحه گری لجام گسیخته و روانگاری بی مرز و مانع، خودکشی و خودشکن است و

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۷-۵۱۸.

خود خویش را نقض می کند. راز شکست و بحران زدگی لیبرالیسم در جهان معاصر همین است. (۱)

برخی از اندیشمندان و روشنفکران محافل سیاسی غرب، طرح هانتینگتون را طرحی خام می پندارند و هانتینگتون را به غفلت از پاشیدگی درونی، پوچی اخلاقی و خلأ معنوی جهان غرب و در عوض، یکپارچه انگاشتن آن متهم می سازند و از او می خواهند تا برای ترمیم خانه از پای بست ویران و درخطر اضمحلال غرب چاره اندیشی کند. این تعبیرات از سوی اندیشمندان غربی در توصیف جامعه لیبرال گواه زنده ای بر وضعیت اسفناک چنین جامعه ای است.

همچنین از عمده ترین اشکالات تافلر، نادیده گرفتن امواج رو به تزاید معنویت گرایی و دین گرایی و نفرت از لذت مادی حتی در درون غرب موج سوم و موج دومی (ترکیبی) است. این بدان معناست که طرح های اندیشمندان لیبرال دموکراسی حرکت معکوس در جامعه غرب بوده و توان پاسخ گویی به نیازهای اساسی انسان ها را ندارد.

کوتاه سخن این که پوچ گرایی، بحران خانواده، اعتیاد، خشونت، ناامنی، تبعیض، فقر، بی بندوباری جنسی، ابتذال رسانه ای، اقتصاد بیمار و وابستگی به بازارهای دنیا از جمله دلایلی هستند که برخی از نویسندگان به عنوان اشکالات جامعه امریکا و غرب در نفی صلاحیت لیبرالیسم برای پرچم داری حکومت جهانی در آینده استناد جسته اند. (۲)

۱- آینده جهان، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ جهان آینده در اندیشه اسلامی، ص ۷۲-۷۵.

۲- نظریه پردازی درباره آینده جهان، ص ۲۹-۳۳.

این در حالی است که توجه به امنیت و آرامش اجتماعی، پیراستن جامعه از کفر و شرک و نفاق، گسترش توحید و یکتاپرستی و حاکمیت الهی از مهم ترین ویژگی های جامعه ویژه صالحان در پایان تاریخ از نگاه آموزه های وحی است. خدا محوری در برابر انسان محوری، توجه به بعد الهی انسان به جای توجه به بعد مادی او، تأکید بر نیازهای اساسی و اولویت دادن به آن ها به جای غفلت از روح و روان انسان در کنار تأمین نیازهای مادی بشر از وجوه برتری جامعه موعود قرآن بر جامعه لیبرال در پایان تاریخ است.

فصل سوم: نشانه ها و رخدادهای پایان تاریخ

مقدمه

اشاره شد نظریه پردازان غربی با فریفته شدن به پیشرفت های مادی دنیای غرب لیبرال دموکراسی در حال تجربه شدن را به عنوان غایت سیر تکاملی بشر انگاشته و از پایان تاریخ سخن گفته اند. به بیان دیگر به رغم گسترش فعالیت های دنیای غرب در موضوع پایان تاریخ و بیان برخی نشانه ها و رخدادهای در کتب مقدس، سخن از نشانه ها و رخدادهای پایان تاریخ در نظریه های معاصر غربی بسیار کم رنگ است. شایع شدن برخی نشانه های پایان جهان، هر از گاهی در سایت های خبری، افکار عمومی و رسانه های غرب از پی آمدهای خلأ موجود در نظریه های غربی است. پایان جهان مقوله ای متفاوت از پایان تاریخ و در طول آن است.

آیین های آسمانی به خلاف مکاتب بشری، پایان تاریخ را نه امری اتفاقی و حادثه ای غیرمنتظره که سیر تکاملی تاریخ می دانند. از این رو در ادیان الهی نشانه هایی را برای پایان تاریخ برشمرده اند تا از این رهگذر نور امید را در دل بشریت روشن نگاه داشته و آمادگی پذیرش را افزون کنند. ختم

نبوت و نزول واپسین شریعت که با ظهور پیامبر اسلام تحقق یافت، نخستین نشانه پایان تاریخ به شمار می رود. (۱) وقایع فراوان دیگری نیز پیش گویی شده است که به اجمال اشاره می شود:

۱. بحران معنویت

پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جو حاکم بر جهان، جو ستم، گناه و فساد خواهد بود. «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» (سوره انبیاء، آیه ۱). در این آیه، مردم آخرالزمان، به غفلت و اعراض از خداوند، توصیف شده اند. (۲) روایات فراوانی از سوی فریقین بر بحران معنویت در پایان تاریخ تأکید دارند که با ظهور منجی بر همه فسادها و بی عدالتی ها پایان داده خواهد شد. (۳)

۲. وقوع اختلاف ها و درگیری های بسیار

از دیگر نشانه های آخرالزمان و پایان تاریخ، اختلاف ها و درگیری های فراوان میان گروه های گوناگون است: (۴) «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّسْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (سوره مریم، آیه ۳۷)؛ چنان که آیه «أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُدِيقُ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ» (سوره انعام، آیه ۶۵) و آیه ۱۵۵ سوره بقره نیز به همین معنا تفسیر شده است. (۵)

۱- الفرقان، ج ۲۷، ص ۱۰۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۲- الفرقان، ج ۱۹، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۳- کمال الدین، ص ۲۸۵؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۲۷؛ سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۰۹-۳۱۰.

۴- البرهان، ج ۳، ص ۷۱۲.

۵- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۲؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴۲.

۳. ظهور منجی بزرگ بشر

مهم ترین رخداد پایان تاریخ، ظهور منجی بزرگ بشریت، دوازدهمین امام شیعیان، برای رهایی انسان هاست: (۱) «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (سوره اسراء، آیه ۸۱).

۴. خروج سفیانی

بیشتر مفسران، از ظهور لشکری طغیان گر که در آخرالزمان در کشورهای اسلامی به ستم و تعدی پرداخته، سرانجام در صحرائی بیرون از مدینه (بیداء)، گرفتار عذاب الهی می شوند، خبر داده و آیه «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَغُوا فَلَاقَتٍ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ» (سوره سبأ، آیه ۵۱) را درباره آن لشکر دانسته اند. در روایات شیعه و سنی، نام رهبر این لشکریان، سفیانی ذکر شده است. (۲) آیه «أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ...» (سوره نحل، آیه ۴۵) نیز که توطئه گران را به فرو رفتن در زمین تهدید می کند، بر لشکر سفیانی تطبیق داده شده است. (۳) آیه «...آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا» (سوره نساء، آیه ۴۷) نیز درباره بازماندگان لشکر سفیانی تأویل شده که صورت هایشان معکوس گشته، پشت سرشان قرار می گیرد. (۴) شایان

۱- البرهان، ج ۳، ص ۵۷۶.

۲- جامع البیان، مج ۱۲، ج ۲۲، ص ۱۲۹؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۷۱۲-۷۱۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷.

۳- البرهان، ج ۱، ص ۳۵۲، ۳۵۴.

۴- البرهان، ج ۱، ص ۳۵۲، ۳۵۴.

یادآوری است به نظر می رسد سفیانی اشاره به جریانی خاص (باطل و جور) در برابر حق باشد.

۵. ندای آسمانی

بنابر روایات شیعه، جبرئیل نخستین کسی است که با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت و با صدایی بلند به گونه ای که به گوش همه جهانیان برسد، این آیه را تلاوت می کند: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (سوره نحل، آیه ۱)؛ (۱) فرمان خدا رسید؛ پس دیگر شتاب مکنید. آیه «وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ» (سوره ق، آیه ۴۱-۴۲) نیز درباره این حادثه، تأویل شده است. (۲)

۶. نزول عیسی علیه السلام

یکی از رخ دادهای آخرالزمان، فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان است:

«وَأَنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلشَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرْنَ بِهَا» (سوره زخرف، آیه ۶۱)، «وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» (سوره نساء، آیه ۱۵۹) مفسران با استفاده از این آیات، ظهور دوباره عیسی علیه السلام در آخرالزمان را پیش بینی کرده اند (۳) و در روایات نیز تصریح شده که وی در بیت المقدس به نماز جماعت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا و در جنگ های ایشان نیز شرکت

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲- نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۳- جامع البیان، مج ۳، ج ۳، ص ۳۹۴ - ۳۹۶؛ مج ۴، ج ۶، ص ۲۵ - ۳۰؛ مج ۱۳، ج ۲۵، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ کشف الأسرار، ج ۹، ص ۷۴ و ج ۲، ص ۱۴۳؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۸۹ - ۵۹۰.

خواهد کرد. (۱)

۷. رجعت

در آخرالزمان برخی از نیکوکاران و بدکاران زمان های گذشته، دوباره زنده می شوند. «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا» (سوره نمل، آیه ۸۳). این آیه فقط به برانگیخته شدن عده ای از مکذبان و نه همه آن ها اشاره کرده؛ بدین جهت، روایات و مفسران شیعه، میان مصداق این آیه و قیامت، تفاوت قائل شده و آیه را به آخرالزمان مربوط دانسته اند که عده ای از نیکوکاران و بدکاران اعصار گذشته، زنده شده، هر یک نتیجه دنیایی اعمال خویش را خواهد دید. (۲) ظهور بندگان پیکارجو پیش از قیامت: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ» (سوره اسراء، آیه ۵)، (۳) و مَنَّتِ الهی بر مستضعفان تاریخ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (سوره قصص، آیه ۵) (۴) همگی به رجعت، تفسیر و تأویل شده اند؛ با این حال در تفسیر آیات پیشین، آرای دیگری نیز گفته شده است.

۸. صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان

پس از پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش، آرامش و معنویت بر

۱- مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۱؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۷۱؛ روح المعانی، ج ۱۴، ص ۱۴۷.

۲- مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۶۶؛ البرهان، ج ۴، ص ۲۲۸ - ۲۳۱؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۹۷ - ۳۹۸.

۳- نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸ - ۱۴۰.

۴- نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۰۷.

جهان حاکم خواهد شد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا ... وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (سوره نور، آیه ۵۵)، «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (سوره اعراف، آیه ۱۲۸)، «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (سوره انفال، آیه ۳۹)، «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ» (سوره انفال، آیه ۸) این آیات و آیات دیگر که از میراث بری صالحان و مستضعفان و جانیشینی آنان در زمین یاد می کند (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵؛ سوره اعراف، آیه ۱۳۷؛ سوره قصص، آیه ۵) همگی بیان گر این واقعیتند که سرنوشت این جهان، پس از جهادی الهی به امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سرانجام به دست مؤمنان افتاده و جهانیان همگی در سایه حکومت حضرت در صلح و معنویت به سرخواهند برد. (۱)

افزون بر این، تحقق کامل آیات «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (سوره آل عمران، آیه ۸۳) و «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (سوره حدید، آیه ۱۷) و «الْيَوْمَ يَتَسَّسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ» (سوره مائده، آیه ۳) و «يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ...» (سوره روم، آیه ۴-۵) نیز در این دوره زمانی دانسته شده است. (۲)

و نشانه های دیگری که در آیات گوناگون به آن ها اشاره شده است. از آن جمله می توان به ظهور دجال، هجوم یاجوج و ماجوج، و... اشاره کرد. (۳)

- ۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ج ۲، ص ۵۰، ۵۶-۶۱؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۷.
- ۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ۲۹۲؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ البرهان، ج ۴، ص ۳۳۶.
- ۳- دایره المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۴.

خلاصه تحقیق و استنتاج کلی

در این پژوهش روشن شد پایان تاریخ، بازه ای از تاریخ بشر است که به مفهوم حد اعلای رشد، شکوفایی و دانایی بشریت است. از نگاه ادیان آسمانی به ویژه آیات الهی، پایان تاریخ دارای نشانه هایی است که در متون دینی به آن ها اشاره شده است. به روایت قرآن، پایان تاریخ، پایان رنج ها، دردها، فساد و ستم بر بشریت است. پایان تاریخ (آخرالزمان) از نگاه آیین های بزرگ جهانی به ویژه دین اسلام پایانی تسلی بخش و امیدوارکننده است که با ظهور مصلح بزرگ جهانی و با حضور صالحان_ پس از تجربه تلخ رنج ها و ستم ها و فسادها_ به وقوع خواهد پیوست. قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، کامل ترین و جامع ترین برنامه الهی برای سعادت و هدایت بشر است. آموزه های آسمانی قرآن ناظر بر پاسخ حقیقی به پرسش های انسان است. پرسش از حقیقت هستی، راز هستی و بالأخره سرانجام سرنوشت او در هستی. و البته پاسخ قرآن، عاری و پیراسته از خود بنیادی (یعنی انسان را همه چیز پنداشتن) و نیست انگاری غربی است.

ناتوانی و سستی نظریات معاصر در پاسخ گویی به نیازهای اساسی بشر از دستاوردهای این پژوهش بود. واکنش دانشمندان غربی به سستی این دیدگاه ها و نقد و طرد آن از سوی آنان روشن ترین گواه بی پایگی دیدگاه های مزبور بود. حقیقت این دیدگاه ها تلاش جانب دارانه ای بود تا مکتب لیبرال دموکراسی چند صباحی به حیات پوسیده خود ادامه دهد. پایان تاریخ به واقع غروب تاریخ غرب بود که نشانه های آن بر اهل اندیشه پوشیده نیست. وابستگی نظریه سازان غربی به مراکز قدرت در غرب مانع از اقرار ایشان به

این حقیقت شده آنان را به حرکت معکوس واداشته است. به سخن دیگر این دیدگاه‌ها، افزون بر موافق نبودن با متون دینی و نقد اندیشمندان از سوی دانشمندان اسلامی، نزد دانشمندان غربی نیز پذیرفته نشد و با واکنش‌های تند آنان روبه‌رو شد. فلسفه مدرن، تلقی جدیدی درباره انسان، جهان، مبدأ، و خالق هستی و دین به وجود آورد که تا پیش از آن، به دلیل غلبه بینش دینی سابقه نداشت. در این تلقی، بشر دایر مدار عالم و قانون‌گزار خود شناخته شد و مقصد و مقصود تعریف شده برای او، رسیدن به بهشت زمینی و مدینه‌ای که تنها علم (به ویژه علوم تجربی) بر آن حکم می‌راند.

درون مایه انقلاب مدرنیته، تقدس زدایی از عالم و انکار امر قدسی بود و جایگزینی خرد بریده از وحی آدمی برای تدبیرگری امور کلی و جزئی حیات در گستره زمین. و در یک عبارت غروب حقیقت قدسی و ظهور بشری که خود را اول و آخر و دایر مدار همه چیز می‌داند تا بدان جا که می‌خواهد حتی عالم قدس را برای خود تملک کند.

بحران ایدئولوژیک و بن بست در رهبری، نتیجه محتوم عصر مدرنیته بود. در چنین فضای آشفته‌ای هگل و مارکس و در دهه‌های اخیر فوکویاما و امثال او از پایان تاریخ و نهایت تکامل و پیشرفت تاریخ سخن گفته‌اند. اما این تلاش‌ها جز کوششی مذبحخانه که به مدد رسانه‌های جمعی، برتری تکنولوژیک و هوچی‌گری سیاسی و درصدد سلطه دادن لیبرالیسم سرمایه‌داری، تفسیر دیگری نداشت. در واقع حاصل انفعال و موضع‌گیری آنان در برابر سقوط ناگزیر و حتمی الوقوع غرب بود تا چند صباحی دیگر به حیات پوسیده خود ادامه دهد.

در برابر، بیان شد آموزه های وحی بر الهی بودن رخدادهای پایان تاریخ تأکید داشته و بشر و حکومت های گسسته از وحی را فاقد مشروعیت رهبری می داند. پایان تاریخ سیر تکاملی تاریخ بشریت در گستره دانش و اندیشه و رفتار بود که در نهایت به فرمان روایی فرهیختگان و شایستگان در عموم حوزه های شناختی و رفتاری پیوسته به وحی مجال ظهور خواهد یافت. افزونی توحید و یکتاپرستی، زدودن آثار شرک و کفر، امنیت و آسایش همگانی و حاکمیت یافتن دین آسمانی از جمله دستاوردهای حکومت صالحان در حوزه های فردی و اجتماعی در پایان تاریخ، بشارت الهی در آیات قرآن است.

برابر دیدگاه مفسران شیعه که برآمده از مکتب اهل بیت پیامبر علیهم السلام بود، وعده الهی بر پایان سعادت مند بشر با ظهور مصلح کل تحقق خواهد یافت. افزون بر شواهد تاریخی مورد اشاره در متن پژوهش، روایات مهدویت در جوامع روایی فریقین گواه روشن این ادعا بود. روشن است پویایی دکترین مهدویت در مذهب شیعه افق های وسیع و روشنی را پیش روی مفسران شیعه گشوده که در نتیجه تفسیر آیات مربوط به پایان تاریخ بسی اثرگذار بود. خلأ موجود و رکود نگاه به آینده در مذهب اهل سنت در تفسیر این آیات بسیار مشهود بود. از این رو تفاسیر اهل سنت به خلاف تفاسیر شیعه از ناهمگونی و اختلاف اساسی در این آیات رنج می برد و حیرت و سر درگمی رهاورد محتوم این تفاسیر برای مخاطبان آن ها بود.

نمونه های تاریخی حکومت صالحان در امت های گذشته نشان دیگری بر تجربه چنین جوامع الهی از سوی صالحان در تاریخ بشریت

بود. به بیان دیگر بشارت الهی بر جامعه ای شایسته در پایان تاریخ موضوعی مبهم و وعده ای نامفهوم نبود و الگو و مدل آن در گذشته مجال تجربه یافته است.

از نتایج پژوهش معلوم شد که آینده در قلمرو حکومت صالحان و موحدان خواهد بود که جامعه ای عاری از کفر و شرک و نفاق، همراه با امنیت و آسایش و یکتاپرستی تشکیل خواهند داد. نظریات معاصر بر این نکته تأکید داشتند که سیر اتفاقات دنیا به سوی جهانی شدن و وحدت حکومت سوق دارد و آن حکومت جز لیبرال دموکراسی نمی تواند باشد؛ دیدگاه قرآن ضمن پذیرش حکومت واحد، آن را حکومتی الهی نه اومانسیم می داند. و خاستگاه علوم و فناوری های جدید دلیل پیروزی و سلطه لیبرال نخواهد بود؛ زیرا دانشی قدرت می آورد که دانایی باشد؛ به بیان دیگر دانش برخاسته از وحی است که به دلیل پیوند یافتن به سرچشمه قدرت، سبب برتری است. وانگهی از دستاوردهای پژوهش روشن شد که سرانجام مؤمنان شایسته کردار وارث داشته های کفار خواهند شد. بنابراین مؤمنان در پایان تاریخ افزون بر برخورداری از دانش الهی، دستاوردهای دانش بشری را هم به دست خواهند گرفت. و از این رهگذر به گسترش توحید و عدالت و رفاه عمومی خواهند پرداخت.

همچنین با نگاهی ژرف به واقعیت های تاریخ روشن شد مسلمانان به ویژه شیعیان همواره مورد ستم بوده و تضعیف شده اند. شماری از صحابه، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با ایجاد چرخش در مسیر جانشینی پیامبر و سوق دادن آن به سمت و سوی باطل، سبب خانه نشینی علی بن

ابی طالب جانشین برحق رسول خدا شدند. (۱) همین کار سرآغاز رنج ها و ستم هایی بر شیعه و تضعیف وی شد. واقعه عاشورا اوج این رفتارهای ظالمانه و روشن ترین گواه این ادعا بود. غیبت امام عصر و آخرین ذخیره الهی، از پی آمدهای برخورد ستمگرانه و فشارهای روزافزون خلفای جور بر شیعه به ویژه ائمه آنان در طول تاریخ بوده است. جز فتره ای از تاریخ که حکومت های شیعه مجال ظهور یافتند، شیعه همواره در تقیه و خفقان به سر برده و از کمترین حقوق خویش بی بهره مانده است. تحریم ها و فشارهای استعمارگران بر جمهوری اسلامی و سکوت مجامع بین المللی در برابر جنایت ها و ستم های آل خلیفه در بحرین و آل سعود در عربستان و وهابیت در عراق و پاکستان و اندونزی و... را نمی توان جز در راستای عقیدتی تفسیر کرد. از سوی دیگر قیام مصلح کل و منجی بشریت از اهل بیت رسول خدا هرگونه تردید در استضعاف شیعه و وعده الهی بر آنان را می زداید. کوتاه سخن آن که وعده الهی بر جامعه ویژه صالحان در پایان تاریخ به دست امام شیعیان و مصلح کل استقرار یافته و پایانی بر رنج های شیعه در طول تاریخ خواهد بود. در بخش یکم درستی فرضیه اصلی پژوهش و در بخش دوم سستی و بطلان نظریه مخالف اثبات شد. چنانکه بخش یکم تأمین کننده هدف اصلی و بخش دوم تأمین کننده اهداف نظری پژوهش بودند. بسیاری از سؤالات اصلی و فرعی تحقیق در بخش اول و دوم در ضمن فصل ها و نوشتارها پاسخ یافتند و دو نمونه از سؤالات در همین قسمت پاسخ داده خواهند شد.

فرجام فناوری های روز

پرسشی که در این مباحث، به ذهن تبادر می کند این است که آیا قرآن از رشد و توسعه فناوری های روز که به ویژه در غرب به اوج خود رسیده است استقبال می کند یا آن را نفی می کند؟ به نظر می رسد قرآن نه تنها مخالف با توسعه فناوری نیست، بلکه تا آن جا که منافاتی با توحید و رشد اخلاقی انسان نداشته باشد از آن استقبال می کند. بعضی از این پیشرفت ها در مسیر توسعه دینداری و هموار کردن مسیر حکومت صالحان است. شاید بتوان توسعه ارتباطات و انفجار اطلاعات را در این راستا تفسیر کرد. مانند این که در منابع دینی از رساندن پیام آسمانی به گوش جهانیان سخن گفته شده است. امروزه با پیشرفت های روزافزون تکنولوژی این مهم به سهولت انجام می شود. همچنین استفاده از بعضی فناوری ها ما را در نشر و گسترش معارف حقه یاری می کند. چنان که در آیاتی از قرآن بر دست یابی به این فناوری ها سفارش شده است: «وَأَعِزُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (سوره انفال، آیه ۶۰).

شایعه پایان جهان

درست هم زمان با روزهای پایانی تدوین نوشتار حاضر شایعه ای از سوی پیش گویان مکتب مایا در مکزیك مبنی بر پایان جهان بر اساس تقویم پایانی مایا در سطح بسیار گسترده ای در جهان انتشار یافت و نه تنها افکار عمومی که در گستره رسانه ها و حکومت ها هم راه یافت. به رغم شیوع خبر پایان جهان در چند سال اخیر، شدت شایعه پایان جهان در ۲۱ دسامبر

۲۰۱۲ برابر با اول دی ماه ۱۳۹۱ خورشیدی در طولانی ترین شب سال (یلدا) به اندازه ای بود که افزون بر ایجاد نگرانی در افکار عمومی دنیا برخی ساده اندیشان را به چاره اندیشی برای فرار از نابودی جهان و پناه آوردن به مکان های امن (روستایی در فرانسه و ترکیه) واداشت. به باور برخی، بهره جستن از دو عنصر دین و علم سبب توفیق شایعه سال ۲۰۱۲ نسبت به سال های پیش شد. این بار پیش گویمان مایا با طرح تغییرات نجومی و مقوله آخرالزمان و پایان تاریخ که مورد اشاره علوم فلکی و نجومی و متون دینی است توانستند در افکار عمومی اثر گذار باشند.

از این رو ضرورت پژوهش هایی از این دست بیش از پیش روشن می شود. برابر متون دینی پایان تاریخ مقوله ای متفاوت از پایان جهان است که از نظر زمانی در طول هم بوده، پایان جهان پیش از پایان تاریخ امری غیر ممکن است. ابهام زدایی و روشن گری از نتایج پژوهش حاضر در گستره موضوعات فرجام انسان است. امید است سرآغازی برای پژوهش های بعدی باشد.

چند پیشنهاد

اشاره

اکنون پس از جمع بندی مباحث گذشته و نتیجه گیری از آن، پیشنهادهایی در راستای پژوهش حاضر، در دو بعد نظری و عملی ارائه می شود:

پیشنادهای نظری

اشاره

هر چند سعی این پژوهش، پرداختن به همه جوانب این موضوع بود،

لیکن هنوز ظرفیتهای خالی جهت پژوهش بر محور این موضوع وجود دارد که تحقیق حاضر بیناکننده از آن نیست. از این رو پیشنهاد میشود در راستای تدوین و تنظیم نظام فکری اسلام، مواردی که ذیلاً اشاره میشود مورد اهتمام پژوهش های بعدی قرار گیرد.

الف) پایان تاریخ از نگاه روایات معصومین علیهم السلام

با توجه به منابع عظیم روایی موجود، بستر مناسبی برای پژوهش در این زمینه فراهم است که امید است با بررسی و پژوهش در احادیث و خصوصاً سیره معصومین علیهم السلام ابواب گستردهای در این زمینه فرا روی طالبان فضیلت گشوده شود.

ب) رخدادهای پایان تاریخ و تحلیل آن ها

اشاره شد پرسش از فرجام و پایان سیر و سفر دراز انسان در عرصه زمین و گستره تاریخ، پرسابقه، پیشینه دار و ذاتی وجود بشر است؛ به همان سان که انسان از مبدأ می پرسد، از مقصد و پایان نیز پرسش می کند.

این پرسش مقتضای حب ذات و طبیعت جست و جوگر بشر و برخاسته از روح بی قرار اوست که همواره سر در پی راز هستی دارد. ادیان آسمانی و نحله های فکری هر کدام به نوعی پاسخ گوی این پرسش ناگزیر بوده اند. چنان که هر یک نیز تصویری از آینده را برای پیروان خود ترسیم نموده و ویژگی ها آن را برشمرده اند تا از این رهگذر روح بی قرار او را به ساحل امن و آرامش رهنمون شوند. زدودن ابهام از آینده با استناد به سرچشمه زلال وحی و بیان و تحلیل رخدادهای پایان تاریخ، افزون بر رفع نگرانی ها و تشویش های بشر، سبب رخ نمایی نقصان و نارسایی های اندیشه های

منحرف است. آیات قرآن و روایات اهل بیت کامل ترین و مطمئن ترین منبع برای غنای دانش بشرند.

پیشنادهای کاربردی

اشاره

برای آن که یافته‌های تحقیق حاضر به شکل مناسبی در اختیار افراد جوامع انسانی قرار گیرد عمل به پیشنهادهاى زیر مناسب به نظر میرسد.

الف) آشنایی مریبان تربیتی با دیدگاه های قرآن

اکنون که سخن از پایان تاریخ به گفتمان غالب محافل علمی، مراکز فرهنگی و رسانه های جمعی دنیای غرب تبدیل شده است به گونه ای که حتی مراکز نظامی نیز خود را بی نیاز از ورود به این موضوع ندیده اند، شایسته است معلمان، اساتید و مریبان تربیتی با دانش افزایی خود در حوزه معارف قرآنی به ویژه در گستره پایان تاریخ، دانش آموزان، دانشجویان و متریان خود را از سرچشمه زلال وحی سیراب سازند.

ب) فیلم نامه نویسی بر اساس دیدگاه های قرآن

فیلم و سریال از مهم ترین و مؤثرترین ابزارهای آموزشی و تبلیغاتی هستند؛ چنان که امروزه هیچ کس نمی تواند میزان بالای اثرگذاری آن را در انتقال پیام های تبلیغی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی و... در جامعه نادیده بگیرد. از این رو موضوع پایان تاریخ به سینمای غرب راه یافته و سینمای هالیوود با بهره جستن از این هنر، سالانه فیلم های بسیاری روانه بازار کرده و افکار عمومی دنیا را متأثر می سازد، فیلم سازان مؤمن و متعهد دنیای اسلام نیز نباید از نقش اساسی زبان هنر و رسالت بزرگی که به دوش دارند غافل شوند.

آنان می توانند گام های بزرگی در معرفی دیدگاه قرآن در حوزه های گوناگون به ویژه در موضوع پایان تاریخ بردارند. روشن است این مهم جز با همت جمعی کارشناسان حوزه های مرتبط و مسئولین اجرایی میسر نخواهد بود.

ج) داستان نویسی با بهره گیری از دیدگاه های قرآن

داستان سرایی پلی است که دنیای افسانه های و تخیلی کودکان را به دنیای واقعی بزرگ سالان ارتباط داده و آنان را به مطالب علمی و ارزش های اخلاقی راهنمایی میکند. آموزش و الگوپذیری در دوران کودکی اهمیت این شیوه را بیش از پیش روشن تر می سازد. چنان که دشمنان با دریافت این ویژگی دوران کودکی تلاش فراوان برای تسخیر اذهان کودکان با فیلم های گوناگون و الگوهای نامناسب دارند.

از این رو مناسب است اهل قلم و بیان و داستان سرایان با بهره گیری از دیدگاه های قرآن کریم، به پردازش داستانهایی در جهت آشنایی افکار عمومی با مقوله پایان تاریخ پردازند.

۱. تأسیس رشته های دانشگاهی و کرسی های آزاداندیشی در مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی

مقاوم سازی فکر و اندیشه جوانان و دانشجویان در برابر هجمه ها و القای اندیشه های نادرست غرب، بر ضرورت تأسیس رشته های دانشگاهی

یا اختصاص واحدهای درسی به موضوع پایان تاریخ تأکید دارد.

افزون بر این آموزه های دینی بر فراگیری دانش به ویژه در حوزه دین بر هر فردی تأکید دارند.

د) ترجمه تحقیقاتی از این دست به زبانهای زنده دنیا

از آن جا که دین اسلام آخرین دین الهی و برنامه‌های آن کاملترین برنامه تربیتی است که عهده دار تربیت بشر تا دامنه قیامت است. ضروری است با ترجمه تحقیقاتی از این دست به زبانهای زنده دنیا، و عرضه

آن در مجامع علمی و حتی در سطح جوامع بشری، موجبات آشنایی

انسانها با سرچشمه زلال وحی فراهم شود و از این رهگذر گامی در جهت توسعه فرهنگ قرآنی و سیراب سازی کام تشنه بشر از چشمه سار وحی برداشته شود.

کوتاه سخن آن که با این پیشنهادها، موضوع و محتوای پژوهش به سطوح و لایه های گوناگون جامعه راه خواهد یافت.

کاستی های پژوهش

هر پژوهش به رغم نقاط قوتی که دارد از ضعف ها و کاستی هایی رنج می برد. پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نبوده دارای نقص ها و کاستی هایی است که به نمونه هایی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. از آن جا که بخش زیادی از معارف اسلامی در سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و روایات اهل بیت علیهم السلام بیان شده است و قرآن و اهل بیت دو یادگار گران سنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در میان امت هستند؛ سزاوار بود موضوع تحقیق در روایات نیز بررسی شود، لیکن نظر به نوپا بودن تحقیق و محدودیت های خاص رساله این مهم میسر نبود، از این رو تنها به بخشی از روایات بسنده شد، امید است پژوهش های بعدی این نقیصه را جبران کنند.

۲. همچنین شایسته بود در نقد اندیشه های معاصر نیز به روایات معصومین علیهم السلام استناد شود اما به دلیل پیش گفته ناگزیر از پذیرش این کاستی در پژوهش حاضر شدیم.

۳. موضوع های مهمی چون پژوهش حاضر نیاز به آشنایی عمیق و گسترده با متون مقدس و پژوهش های نوین و آخرین دستاوردهای محققان دنیای اسلام و غرب در این حوزه دارد. هر چند آشنایی اجمالی با متون مقدس و دسترسی به پژوهش های نوین تا اندازه ای فراهم بود لیکن در صورت تکمیل تأثیر بسزایی در نتیجه تحقیق داشت.

فهرست منابع

کتاب ها

- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، تصحیح: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- احکام القرآن محمد بن عبدالله ابن عربی، به کوشش البجاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- الارشاد، محمد مفید، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.
- اسد الغابه، محمد بن محمد ابن اثیر، بیروت، دار الكتاب العربی، بی تا.
- الاصفی، فیض کاشانی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- اطیب البیان، عبدالحسین طیب، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ش.
- انوار درخشان، سید محمد حسین حسینی همدانی، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۴ق.
- ایران در چهار کهکشان ارتباطی، مهدی محسنیان راد، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- آینده جهان، رحیم کارگر، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۸۳ش.
- آینه های جیبی آقای مک لوهان، ابراهیم رشیدپور، چاپ دوم، تهران، دفتر انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران (سروش)، ۱۳۵۴ش.
- بحار الانوار، محمد باقر، مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

- بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، نصر بن محمد سمرقندی، به کوشش عمر بن غرامه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
- البحر المحيط، ابو حیان محمد بن یوسف الاندلسی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۲ق.
- البحر المدید، احمد بن محمد ابن عجیبه، به کوشش القرشی، قاهره، ناشر: حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.
- البدایه والنهایه، اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الثانیه، ۱۴۱۸ق.
- برای درک رسانه ها، مارشال مک لوهان، ترجمه: سعید آذری، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
- بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی در دیدگاه فریقین، فتح الله نجارزادگان، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، قم، البعثة، ۱۴۱۵ق.
- البلاغ، محمد صادقی تهرانی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۹ق.
- به سوی تمدن جدید، الوین تافلر و هاییدی، ترجمه: محمدرضا جعفری، تهران، نشر علم، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش.
- بیان المعانی، ملا حویش آل غازی عبدالقادر، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
- پایان تاریخ، مسعود رضوی، تهران، بی نا، ۱۳۸۱ش.
- پایان جهان مدرنیته یا...، سید جلال حسینی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۷ش.
- تاریخ چیست؟ ئی. ایچ. کار، ترجمه: حسن کامشاد، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۸ش.
- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- تاریخ یعقوبی، احمد بن یعقوب، بیروت، دار صادر، الطبعة السادسة، ۱۴۱۵ق.

- _ تأويل الآيات الظاهره، سيد شرف الدين على الحسينى الاستر آبادى، به كوشش استاد ولى، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٩ق.
- _ التبيان، محمد بن حسن طوسى، به كوشش: العالمى، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤١٩ق.
- _ التحرير و التنوير، محمد بن طاهر ابن عاشور، بى جا، مؤسسه التاريخ، بى تا.
- _ تحفها لأحوذى، محمد عبد الرحمن المبارك فورى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٠ق.
- _ التحقيق فى كلمات القرآن، حسن مصطفوى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٣٦٠ش.
- _ التسهيل لعلوم التنزيل، محمد بن جزى غرناطى، بيروت، دارالارقم بن ابى الارقم، ١٤١٦ق.
- _ تفسير ابن ابى حاتم، عبدالرحمن بن محمد ابن ابى حاتم، به كوشش: اسعد محمد، بيروت، المكتبه العصريه، ١٤١٩ق.
- _ تفسير ابن ابى زمنين، محمد بن عبدالله ابن ابى زمنين، به كوشش ابن عكاشه و محمد، قاهره، الفاروق الحديثه، ١٤٢٣ق.
- _ تفسير احسن الحديث، سيد على اكبر قرشى، تهران، بنياد بعثت، ١٣٦٦ق.
- _ تفسير كابللى، محمود حسن ديوندى، تهران، نشر احسان، چاپ يازدهم، ١٣٨٥ش.
- _ التفسير الحديث، محمد عزّه دروزه، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٤٢١ق.
- _ تفسير القرآن، محمد بن محمد بن نعمان مفيد، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ١٤٢٤ق.
- _ التفسير القرآنى للقرآن، عبدالكريم خطيب، بيروت، دار الفكر العربى، ١٩٧٠م.
- _ التفسير الكاشف، محمدجواد مغنيه، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨١م.

_التفسير الكبير، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.

_التفسير المبين، محمدجواد مغنیه، دار الكتاب الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

_تفسير المراغی، احمد بن مصطفى المراغی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

_التفسير المظهری، محمد مظهری، به كوشش: غلام نبی، پاکستان، مكتبه رشديه، ۱۴۱۲ق.

_تفسير النسفی، عبدالله نسفی، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

_التفسير الواضح، محمد محمود حجازی، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۳ق.

_التفسير الوسيط للقرآن الکریم، سید محمد طنطاوی، قاهره، دار المعارف، ۱۴۱۲ق.

_التفسير الوسيط، وهبه بن مصطفى زحیلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق.

_تفسير بغوی (معالم التنزیل)، حسین بن مسعود بغوی، به كوشش عبدالرزاق، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

_تفسير بیضاوی (انوار التنزیل)، عبدالله بیضاوی، به كوشش مرعشلی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

_تفسير ثعالبی (الجواهر الحسان)، عبدالرحمن بن محمد ثعالبی، به كوشش عبدالفتاح و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

_تفسير ثعلبی (الكشف والبيان)، احمد بن ابراهیم ثعلبی، به كوشش ابن عاشور، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

_تفسير جلالین، جلال الدین السیوطی و جلال الدین المحلی، بیروت، النور، ۱۴۱۶ق.

_تفسير روان جاوید، محمد ثقفی تهرانی، تهران، برهان، ۱۳۵۸ش.

_تفسير سمعانی (تفسير القرآن)، منصور سمعانی، به كوشش غنیم و یاسر، ریاض،

دار الوطن، ۱۴۱۸ق.

__تفسير سور آبادی، عتيق بن محمد نيشابوري سورآبادی، به كوشش سيرجانی، تهران، نشر نو، ۱۳۸۱ش.

__تفسير شريف لاهيجی، محمد بن علي شريف لاهيجی، به كوشش حسینی و آيتی، انتشارات علمی، ۱۳۶۳ش.

__تفسير فرات كوفي، فرات بن ابراهيم كوفي، به كوشش محمد كاظم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ش.

__تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن)، محمد بن احمد قرطبي، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۵ق.

__تفسير قمي، علي بن ابراهيم قمي، به كوشش: الجزائري، قم، دارالكتاب، ۱۴۰۴ق.

__تفسير مقاتل، مقاتل بن سليمان، به كوشش: عبدالله محمود شحاته، بيروت، التاريخ العربي، ۱۴۲۳ق.

__تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازي و ديگران، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش.

__تفسير العياشي (كتاب التفسير)، محمد بن مسعود عياشي، تصحيح: هاشم رسولي محلاتي، تهران، المكتبه الاسلاميه، بی تا.

__تفسير القرآن العظيم، اسماعيل بن عمرو ابن كثير دمشقي، به كوشش شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۹ق.

__تفسير قاسمي (محاسن التأويل)، محمد جمال الدين قاسمي، به كوشش: محمد باسل، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۸ق.

__التوحيد، محمد بن علي بن بابويه صدوق، به كوشش سيد هاشم حسيني، قم، منشورات جماعه المدرسين، بی تا.

— تهذيب التهذيب، شهاب الدين احمد بن حجر عسقلاني، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۴ق.

— تيسير الكريم الرحمان، عبدالرحمن بن ناصر سعدي، بيروت، الرساله، ۱۴۲۱ق.

— الثقات، ابن حبان، دار الكتب الثقافيه، ۱۳۹۳ق.

— جامع البيان، محمد بن جرير طبري، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.

— الجديد في تفسير القرآن المجيد، محمد سبزواري، بيروت، دار التعارف، ۱۴۰۲ق.

— جنگ و پادجنگ (زنده ماندن در سپيده دم سده بيست ويكم)، الوين تافلر و هايدي، ترجمه: مهدي بشارت، بي جا، بي نا، بي تا.

— جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسي، به كوشش گرجي، تهران، ۱۳۷۸ش.

— الجوهر الثمين، عبدالله شبر، كويت، مكتبه الالفين، ۱۴۰۷ق.

— جهان آينده (در انديشه اسلامي)، عليرضا عظيمي فر، قم، مهر امير المؤمنين عليه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.

— حكومت در قرآن، احمد بهشتي، قم، دفتر نشر پيام، بي تا.

— خصال، محمد بن علي بن بابويه صدوق، به كوشش غفاري، قم، نشر اسلامي، ۱۴۱۶ق.

— دانشنامه جهان اسلام، زير نظر حداد عادل و ديگران، تهران، بنياد دائره المعارف اسلامي، ۱۳۷۸ش.

— دائره المعارف قرآن كريم، مركز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان كتاب، ۱۳۸۶ش.

— روان شناسي اجتماعي، هدايت الله ستوده، تهران، آواي نور، چاپ هفتم، ۱۳۸۲ش.

— روح البيان، اسماعيل حقي بروسوي، بيروت، دار الفكر، بي تا.

— روح المعاني (تفسير آلوسي)، محمود آلوسي، به كوشش علي عبدالباري، بيروت،

دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

—روض الجنان و روح الجنان، ابوالفتوح حسین بن علی رازی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

—رویکردهای نظری در گفت و گوی تمدن ها، محمد منصورنژاد، تهران، جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

—زاد المسیر، عبدالرحمن بن جوزی، به کوشش عبدالرزاق، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.

—زبدہ التفاسیر، فتح الله کاشانی، قم، المعارف الاسلامی، ۱۴۲۳ق.

—سازوکارهای نظارت بر حکومت اسلامی و نظام لیبرال دموکراسی، محمد فلاح سلوکلائی، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۰ش.

—سنن ابی داوود، ابن اشعث سجستانی، به کوشش سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.

—سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، به کوشش عبدالوهاب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ق.

—شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، تصحیح: ژول مول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۴ش.

—شرح اصول کافی، محمد صالح مازندرانی، به کوشش: سید علی عاشور، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

—الصفای، ملا محسن فیض کاشانی، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ق.

—صحیح ابن حبان، علی بن بلبان فارسی، به کوشش: الارنؤوط، بیروت، الرساله، ۱۴۱۴ق.

—صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق.

—صحیح مسلم بشرح النووی، محی الدین نووی، بیروت، دارالکتب العربی،

- _ صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- _ ضعفاء العقیلى، محمد بن عمرو العقیلى، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ دوم، ١٤١٨ق.
- _ العبر فی خبر من غیر، شمس الدین ذهبی، به کوشش محمد السعید، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- _ عمدہ القاری، محمود بن احمد العینی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- _ عون المعبود، محمد شمس الحق عظیم آبادی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
- _ الغدیر، عبدالحسین امینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ١٣٦٦ش.
- _ غرائب القرآن، نظام الدین نیشابوری، به کوشش: زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٦ق.
- _ غرب و آخر الزمان، اسماعیل شفیعی سروستانی، تهران، نشر هلال، چاپ اول، ١٣٩٠ش.
- _ فتح الباری، شهاب الدین احمد بن حجر عسقلانی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- _ فتح القدر، محمد شوکانی، بیروت، دار ابن کثیر، ١٤١٤ق.
- _ الفرقان، محمد صادقی، قم، فرهنگ اسلامی، ١٣٦٥ش.
- _ فرهنگ و شبه فرهنگ، محمد علی اسلامی ندوشن، تهران، انتشارات یزدان، ١٣٧١ش.
- _ فی ظلال القرآن، سید بن قطب، القاهره، دار الشروق، ١٤٠٠ق.
- _ قصص الانبیاء (عرائس المجالس)، احمد بن ابراهیم ثعلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- _ قصص الانبیاء، اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، بیروت، مکتبه العصریه،

الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ق.

- _قصص الانبياء، سيد نعمت الله جزائري، بيروت، دارالبلاغه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ق.
- _قصص الانبياء، قطب الدين سعيد راوندي، به كوشش: عرفانيان، قم، الهادي، ۱۴۱۸ق.
- _الكافي، محمد بن يعقوب كليني، به كوشش غفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش.
- _الكامل في ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدی، به كوشش غزاوی، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۹ق.
- _كاوش های نظری در سیاست خارجی، محمدجواد لاریجانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.
- _كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، محمدعلی تهانوی، بيروت، مكتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
- _الكشاف، محمود زمخشری، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق.
- _كمال الدين، محمد بن علی بن بابويه صدوق، به كوشش غفاري، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۵ق.
- _کنز الدقائق، محمد بن محمد رضا مشهدي، به كوشش: درگاهی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق.
- _کنزالدقائق و بحر الغرائب، محمد قمی مشهدي، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ش.
- _کنز العمال، علی متقی هندی، به كوشش صفوه السقاء، بيروت، الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- _لباب التأويل، علی بن محمد بغدادی، بيروت، دار الكتب العلميہ، ۱۴۱۵ق.
- _لسان العرب، ابن منظور، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.

- __ لغت نامه، علی اکبر دهخدا و دیگران، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- __ مبانی ارتباطات جمعی، سید محمد دادگران، تهران، مروارید، چاپ نهم، ۱۳۸۵ش.
- __ متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب مازندرانی، قم، بی نا، ۱۴۱۰ق.
- __ مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق.
- __ مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
- __ مجموعه مقالات پاسخ آسیا به نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه: سید محمدصادق خرازی، تهران، خورشید آفرین، ۱۳۸۴ش.
- __ المحرر الوجیز، عبدالحق ابن عطیه الاندلسی، به کوشش عبدالسلام، لبنان، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
- __ مراح لیید، محمد بن عمر نووی، به کوشش: محمد الصناوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- __ مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- __ مسند احمد احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر، بی تا.
- __ معالم المدرستین، سید مرتضی عسکری، بیروت، النعمان، ۱۴۱۰ق.
- __ معجم الفروق اللغویه، ابوهلال العسکری، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- __ معجم مقایس اللغه احمد بن فارس، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- __ مفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، به کوشش: صفوان داودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- __ مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، به کوشش مظفر، قم، دار الکتب، ۱۳۸۵ق.
- __ مقتنیات الدرر، سید علی حائری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.
- __ من حیاه الخلیفه عمر بن الخطاب، عبدالرحمن احمد البکری، بیروت، الطبعه

- من وحى القرآن، سيد محمد حسين فضل الله، بيروت، دارالملايك، ۱۴۱۹ق.
- من هدى القرآن، سيد محمد تقى مدرسى، تهران، دارمحبى الحسين عليه السلام، ۱۴۱۹ق.
- المنتظم، عبدالرحمن بن جوزى، به كوشش محمد عبدالقادر و ديگران، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۲ق.
- المنير، وهبه بن مصطفى زحيلي، بيروت، دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۱ق.
- ميزان الاعتدال، محمد بن احمد ذهبى، به كوشش البجاوى، بيروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲ق.
- الميزان فى تفسير القرآن، محمد حسين طباطبايى، بيروت، اعلمى، ۱۳۹۳ق.
- نظريه برخورد تمدن ها، ساموئل هانتينگتون، ترجمه: مجتبى اميرى، تهران، وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- نظريه پردازى درباره آينده جهان، على اصغر رضوانى، قم، مسجد جمكران، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- نظريه هاى ارتباطات، استيفن لتيل جان، ترجمه: مرتضى نوربخش و اكبر ميرحسينى، تهران، جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- نور الثقليين، عبد على العروسى الحويزى، به كوشش: رسولى محلاتى، قم، اسماعيليان، ۱۳۷۳ش.
- نهج البلاغه، شريف رضى، شرح محمد عبده، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۲ق.
- نهج السعاده فى مستدرک نهج البلاغه، محمد باقر محمودى، بيروت، مؤسسه الاعلمى، بى تا.
- الوجيز فى تفسير القرآن العزيز، على بن حسين عاملى، به كوشش: محمودى، قم، دار القرآن، ۱۴۱۳ق.

ـ الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، علي بن محمد دخيل، بيروت، دار التعارف، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.

مقالات

م «بازگشت تاریخ: شامگاه بلوک بندی ها و پگاه ملت ها»، آلن دوبنوا، ترجمه: ش. رستگار، ماه نامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۴۹-۵۰، ۱۳۷۲ش.

ـ «بررسی اندیشه های مارشال مک لوهان در مدیریت ارتباطات»، منوچهر دین پرست، ماه نامه مدیریت ارتباطات، ویژه نامه نوروزی.

ـ «پایان تاریخ و آخرین انسان»، فرانسیس فوکویاما، ترجمه: موسی غنی نژاد، اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ش ۶۳-۶۴.

ـ «پایان سیاست و واپسین اسطوره»، علی اصغر کاظمی، اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ش ۱۶۱-۱۶۲.

ـ «ضرورت رهبری امریکا در جهان» ساموئل هانتینگتون؛ موضوع مقاله ای است که هانتینگتون چندی قبل از مقاله «برخورد تمدن ها» منتشر ساخت.

ـ «فوکویاما و دموکراسی لیبرال: پایان تاریخ»، جان نیدروین پیترز، ترجمه: پرویز صداقت، ماه نامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۷۹-۸۰، ۱۳۷۲ش.

ـ «گفتگوی تمدن ها، چارچوب تئوریک»، کابک خیری، مجله گفتمان، ش ۲، زمستان ۱۳۷۷ش.

ـ «ماهیت و معیارهای گفتگوی تمدنی»، طوبی کرمانی، مجله گفتمان، ش ۲، زمستان ۱۳۷۷ش.

ـ «مسیحیت و نظام نوین جهانی - نگاهی به کتاب رهبر کاتولیک های جهان»، مجتبی امیری، اطلاعات بین المللی، ۱۰/۸/۱۳۷۳.

ـ «مصاحبه با رامین جهانگل»، ساموئل هانتینگتون، مجله گفتگو، ش ۳۲.

«معرفی و نقد امواج سه گانه تافلر»، سید امیر حسین هاشمی، سایت تخصصی جامعه شناسی ایران.

«نظریه پردازی درباره آینده جهان و جهان آینده (۲)»، سایت تبیان.

«یادداشت مترجم بر مقدمه کتاب فوکویاما»، علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، سال هفتم، ش ۲-۳، ۱۳۷۲ ش.

حسین سلیمی، «بررسی مقایسه ای مبانی نظری گفت و گوی تمدن ها»، فصل نامه گفتمان، ش ۳، زمستان ۱۳۷۷ ش.

مشرق موعود، فصل نامه علمی _ پژوهشی، قم، مؤسسه آینده روشن، ش ۲۲، تابستان ۱۳۹۱ ش.

مقالات «آلن دوبنوا»، ماه نامه اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، ترجمه شهروز رستگار، ش ۴۹-۵۰.

مقالات مولانا، حمید مولانا، روزنامه کیهان، دی ماه ۱۳۷۵.

سایت ها

«دانشنامه آریانا»، فرانسیس فوکویاما، سایت ویکی پدیا: فرانسیس فوکویاما.

«زندگی نامه آلوین تافلر»، سایت ویکی پدیا.

«زندگی نامه آلوین تافلر»، مهین بابکی، سایت راهکار مدیریت.

«زندگی نامه ساموئل هانتینگتون»، سایت آفتاب، www.aftab.ir

«فرانسیس فوکویاما کیست؟» سایت مفیدنیوز، www.mofidvews.com

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

